

کتابخانه

نامه سرگشاده

نهضت آزادی ایران

(برای امون پیام ۸ ماده‌ای امام)

نامه سران نهضت آزادی

به

رئیس دیوان عالی کشور

نهضت آزادی ایران

آذرماه ۶۶

نامه سرکشاده به :

حضرت آیه ۰۰۱ موسوی اردبیلی رئیس محترم دیوان عالی کشور

با عرض سلام و آرزوی توفیق برای جنابعالی در راه اجرای عدالت و حکم **بِعْنَا أَنْزَلَ اللَّهُ** . صدور پیام اخیر رهبر انقلاب و پیمانگذار جمهوری اسلامی ما را بر آن داشت که با تشکر از مقام رهبری در اجرای کلام الهی " **وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَفْتَحُ أَعْيُنَ رُؤْيَا** " و در راه انجام فریضه امر بمعروف و نهی از منکر قدمی برداریم .

تذکراتی که در پیام امام در مورد حفظ حقوق و احترام از خشک حرمت مردم آمده است منبعت از متن شریعت و هم آنگی با فرامین الهی در کتاب و سنت و قوانین اساسی مورد قبول اکثریت قریب باطلاق مردم بوده و پیش از این تا پیش نیز سخنرانی ها و پیام های گوناگون در این زمینه بگوش مسئولین امور رسیده است .

همه ما بخاطر داریم که سال ۱۳۶۰ از طرف رهبر انقلاب سال قانون اعلام شد و همه میدانیم که قانون شکنی ها در این سال بسیار بوده که حتی خود مسئولین نیز نتوانستند جز اعتراف بخاطری های چشمگیر چیزی در این باره بگویند . همه پیش دستور اکید امام در مورد رسیدگی بوضع بنهاد مستضعفان و حیف و میل های احتمالی و آذنائی هنوز در خاطر ها زنده است و با آنکه پیش از دو سال از تاریخ صدور این دستور میگذرد تاکنون گزارش قانع کننده و واپس گشوده بهسئالات متعدد مردم در این باره منتشر نشده

است . کمتر از یکسال قبل بود که امام موکداً دستور دادند ظرف دو ماه تکلیف همه زندانیان روشن شود و جنابعالی خود در جریان بوده اید که این دستور بخورد اجرا گذاشته نشد و بسیاری از زندانیان و خانواده هایشان که بدین توصیه و اجرای آن دل بسته بودند مدتها بعد از انقضای مهلت مقرر در انتظار روشن گشتن وضع خود نشستند و با چشم بباز شدن درهای زندان دوختند .

مسئولین امور ممنوعیت ایذاء ، افتراء ، تجسس و هتك حرمت مؤمن را در فقه اسلامی آموخته اند و در قانون اساسی که اجرای آن را شرط مقرر کرده دار شده اند خوانده اند که :

“تفتیش عیانت ممنوع است و هیچکس را نمیتوان بمصرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذة قرار داد” (اصل بیست و سوم)

“ بازرسی و رساندن نامه ها ، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی ، آشنای مخابرات تلگرافی و تلکس ، سامسور ، عدم مخابره و رساندن آنها ، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر بحکم قانون ” (اصل بیست و پنجم)

“ هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر بحکم و ترتیبی که قانون معین می کند . در صورت بازداشت ، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پیرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه ، در اسرع وقت فراهم گردد . متخلف از این اصل طبق قانون مجازات محسوس ” (اصل سی و دوم)

“ اصل بر ائمت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد ” (اصل سی و هفتم)

“ هتك حرمت و حیثیت کسی که بحکم قانون دستگیر ، بازداشت ، زندانی یا تبعید شده بهر صورت که باشد ممنوع و بوجب مجازات است ” (اصل سی و نهم)

حال چه شده است که پس از بیست و پنج ماه از تصویب قانون اساسی ردیگر

عالمقدر انقلاب ناچارند فریاد زند :

" هیچکس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیته
 باید باشد توقیف کند یا احضار نماید . هر چند مدت توقیف کم باشد .
 توقیف یا احضار به عطف جرم است و موجب تعزیر شرف است . هیچکس
 حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب
 آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا بنام کشف جرم یا ارتکاب گناه
 تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اجابت نکرده و اعمال غیر
 انسانی - انسانی مرتکب شود یا به تلفن یا یو آر افی ضبط صوت دیگری بنام
 کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم بخرج
 گناه بزرگ باشد . شود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و جسیس
 از گناهان غیر نماید و یا دنبال اسراری که از غیر به او رسیده و لیس
 برای منتشر فاش کند . تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها
 چون اشاء فحشاء و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین
 هیک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی است و بعضی از آنها
 موجب حد شرعی میباشد ."

پس شك مسئولین امور میتوانند عدم اطلاع از حکم شرعی و قانون اساسی را علت عدم
 اقدام خود در گذشتہ قلمداد کنند . ما از مسئولین قوه قضائیه می پرسیم اگر امام چندین
 پیامی می فرستادند آنها شما خود از وقوع جرم و حکم و مجازات مجرم آگاه نبودید و غمخورد
 را موظف با قدامی تعذیبید ؟

آیا اصل یک دیوانچه و ششم قانون اساسی شراحتاً اعلام ننموده است که :

" قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پیشینان حقوق فردی و اجتماعی
 و مسئله تحقق خصلت عدالت و عهده دار و بلایف زیارت :
 و امور رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعذبات ، شکایات ، حسل
 و فصل دعاوی و رفع خسرات و اخذ تصلیم و اتخام لازم در آن قسمت از امور
 حسیه که قانون معین میکند .

تاسامیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزاد بچای مشروع .

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات
مدون جزائی اسلام

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

در هر حال ما امیدواریم مددوران پیام انگیزه ای برای اجرای حکم خدا و قانون اساسی
باشد و فعلی جدید در تاریخ جمهوری نوپای ما بگشاید مشروط بآنکه در مسیر اعلامه ما
قطعنامه ما ، خطبه ما و سخنارها و بهره بردارهای سیاسی از تاب و توان بیفتند .
بهفت آزادی ایران ضمن پشتیبانی از پیام امام در اجرای قانون اساسی و عدالت از قوه
قضائیه انتظار دارد که با اقدام سریع در اجرای قانون و مجازات متخلفین مردم نشان
دهد که اجازه نخواهد داد این پیام به سر نوشت برخی پیامهای گذشته دچار شود و بسا
اقدام خود امید با اجرای قانون و عدالت و تأمین امنیت در جامعه را در دلها نگهدارد .

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ كُنَّا أَوْ آخِطَاءً بِمَا

بهفت آزادی ایران

۲۹ آذرماه ۱۳۶۱

این نشریات را می‌توانید از دفتر نشریات آزادگان ایران واقعی در خیابان استاد مطهری چسارواه مبارزان شماره ۲۴ دریافت نمایید :

- * ۱۳۶۰ آبان ۶۰/۱۰/۱۵ * **الغنامه** نهضت آزادی ایران - گستره سردار شهید دکتر چمران
- * کتابت آیت! ۰۰۰ مدتی با مندرس بازرگان
- * ۶۰/۱۰/۱۰ * **نخستین پیکار** از دستور مندرس هاشم دبستانیان در مجلس شورای اسلامی
- * ۱۳۶۰ بهمن ۶۰/۱۱/۱۴ * **درباره** وسوسه‌های خداس بزرگ - سید ای آبریکا چه میخواهد ؟
- * **پاسخ** به روزنامه های گنجهان و جمهوری اسلامی
- * ۶۰/۱۱/۱۵ * **پاسخ** به اطلاعات پیرامون **مکتوب خفته**
- * ۶۰ بهمن ۶۰ * **بیانیه** بنیادیت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
- * ۶۰/۱۱/۲۴ * **شورای انقلاب** و دولت موقت از زبان مندرس بازرگان
- * ۶۰/۱۱/۲۸ * **سعی** دولت موقت در پیشبرد
- * ۶۰/۱۴/۲۹ * **بیانیه** نهضت آزادی ایران بنیادیت سی‌ و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
- * ۶۱/۲/۹ * **جوابیه** نهضت آزادی ایران به سرمقاله "آیا سازاوار است ؟" روزنامه جمهوری اسلامی
- * ۶۱/۲/۲۲ * **بیانیه** بنیادیت بیست و یکمین سالگرد تاسیس نهضت آزادی ایران
- * ۶۱/۲/۸ * **نامه** سرگشاده نهضت آزادی ایران به علقه اعلام و حجج اسلام جمعه
- * ۶۱/۲/۹ * **نامه** مندرس بازرگان به آیه ۰۰۰ محمدی کیلانی
- * ۶۱/۲/۱۹ * **نامه** سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر آموزش و پرورش
- * ۶۱/۲/۲۹ * **بیانیه** نهضت آزادی ایران بنیادیت سالروز شهادت دکتر شریعتی
- * ۶۱/۲/۳۱ * **بیانیه** نهضت آزادی ایران بنیادیت سالگرد شهادت دکتر چمران
- * ۶۱/۴/۶ * **تلاش** دولت موقت برای جلوگیری از جنگ تحمیلی عراق
- * ۶۱/۴/۲۰ * **برگشتهای** خوارج آنساکه غلی (ع) راکشند
- * ۶۱/۵/۱۰ * **نامه** مندرس بازرگان به حجت الاسلام خامنه ای دبیرکل حزب جمهوری اسلامی
- * **بررسی** قانون اراضی شهری
- * **تحلیلی** درباره بازرگانی خارجی
- * **لیته** القدر نهضت آزادی ایران
- * **نگاهی** به اوضاع لبنان
- * ۶۱/۶/۲۵ * **نامه** سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
- * **پاسخ** به حملات وسیع و گسترده علیه نهضت آزادی ایران پرامسون
- * **نامه** سرگشاده به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
- * **شانزده** آذر بیاد حماسه مقاومت دانشگاه و سه دوره خون باران دانه جو
- * **نامه** سرگشاده به رئیس دیوان عالی کشور
- * ۶۱/۱۱/۱۶ * **بیانیه** نهضت آزادی ایران بنیادیت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

بسمه تعالی
تَعَاوُنُوا طَسَّ التَّوَسُّوُ

خراننده عزیز ،

این نشریه به منظور انجام وظیفه شرعی ، اجرای
فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اطلاع بار رسالتی
که در شرائط کنونی انقلاب سدوش یکشیم تهیه شده
و در اختیار شما قرار میگردد .

در راه مقابله با مشکلات و محمید و عدت ها و تهجد ذاتی
که در انجام این خدمت خرد نمایی میکنند ، سپس از
فضل الهی به کمکهای معنوی و مادی شما
تیمار نمائید .

لطفاً نظرات خود را بمنذوق پستی ۴۱/۱۵۱۹
ارسال داشته و کمکهای مالی را بحساب شماره
۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۲۱ پستبانان)
بنام آقای محمد حسن توسلی وارمز و رسیت آنسترا
ارسال فرمائید .

تبلغات و روابط عدومی
نهضت آزادی ایران

شورای انقلاب و دولت موقت

و

سیمای دولت موقت
از ولادت تا رحلت

و

نامه سرگشاده
مهندس بازرگان به امام

نام کتاب : شورای انقلاب ...
ناشر : نهضت آزادی ایران
تیراژ : ۳۰۰۰ جلد
چاپ دوم زمستان ۶۱

مقدمه

بسمه تعالی

خواننده عزیز:

در این مجموعه دو نشریه " شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان " و " دولت موقت در پنج سند " وهمچنین نامه سرگشاده آقای مهندس بازرگان به عنوان رهبر انقلاب یکجا منتشر می شوند .
نشریه اول در تاریخ ۶۱/۱/۲۵ و دوم در تاریخ ۶۰/۱۱/۲۸ تکثیر شده و نامه سرگشاده در تاریخ ۵۹/۵/۷ در مطبوعات بچاپ رسیده است .
هدف ما از انتشار این مجموعه حفظ اسناد انقلاب و خنثی ساختن نوطه‌های دشمنانی است که می‌کوشند با تحریف حقائق و سوابق اصالت انقلاب اسلامی ما را زیر سؤال قرار دهند .
دریافت نظرات اصلاحی و انتقادی شما ما را در پیگیری این هدف تشویق خواهد نمود .

اللهم وفقنا لما تحب وترضى

فهرست

شورای انقلاب و دولت موقت.....	صفحه ۵
۱- گاهشماری مبارزات و پیش‌پروزیهای انقلاب اسلامی ایران از شهریور ۲۰ تا ۲۲ بهمن ۵۷.....	صفحه ۷
۲- شورای انقلاب.....	صفحه ۱۸
۳- شورای انقلاب و انتصاب دولت موقت و روابط فیما بین.....	صفحه ۲۴
۴- روابط دولت موقت با امام.....	صفحه ۴۴
۵- روابط دولت موقت با مردم.....	صفحه ۴۶
سیمای دولت موقت از ولادت تا رحلت.....	صفحه ۴۹
۱- متن حکم انتصاب نخست‌وزیر دولت موقت توسط رهبرانقلاب اسلامی ایران بتاريخ ۵۷/۱۱/۱۵.....	صفحه ۵۳
۲- متن بیانات آقای مهندس بازرگان پس از دریافت حکم بتاريخ ۵۷/۱۱/۱۵... صفحه ۵۴	
۳- متن گزارش دولت موقت به رهبرانقلاب اسلامی و شورای انقلاب بتاريخ ۵۸/۲/۱۵.....	صفحه ۵۹
۴- استعفای دولت موقت بتاريخ ۵۸/۸/۱۴.....	صفحه ۶۸
۵- موافقت رهبرانقلاب اسلامی با استعفای دولت موقت بتاريخ ۵۸/۸/۱۵.....	صفحه ۶۹
نامه سرگشاده مهندس بازرگان به امام.....	صفحه ۷۱

شورای انقلاب و دولت موقت

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا و اذكروا نعمة الله
عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته
اخوانا .

دوستان و همفکران عزیز، آقایان و خانم‌ها

خداوند رحمن رحیم را سیاس می‌گذارم و بهمه دوستان و همفکران و
هموطنان عزیز تبریک می‌گویم که ملت ایران و جمهوری اسلامی ما را عمر و
توفیق داده است که علیرغم بحرانها و صایعات سهمگین و گذشتن از
گردنه‌های خطرناک که هر یک از آنها برای سقوط دولتها و سرنگونی سلسله‌های
گذشته کافی بوده است با سلامتی نسبی و توکل وارد چهارمین سال بعد از
پیروزی انقلاب بشویم . پایداری و شهادت و مقاومت‌های گذشته امیدواری و
نیمه تضمینی برای آینده میدهد و نشانه سرمایه‌های مکتسب عظیم و عنایات
الهی میباشد .

در این جریان سه سال ملت قهرمان ما خیلی بیشتر از ۲۵۰۰ سال
تاریخ شاهنشاهی شهید و معلول داد و فداکاری و تحمل سنگین ترین سختیها
را به فرمان رهبر انقلاب و پایه‌گذار جمهوری اسلامی کرده است .

آیه فوق حقا" باید شعار همیشگی ملت و همه مسئولین و متولیان باشد. دوران قبل از پیروزی انقلاب را بیادمان می‌آورد که چگونه بعد از اختلافات و دشمنیهای دیرینه یگانگی و یکرنگی مابین طبقات مختلف برقرار گشته پیر و جوان، مرد و زن، ملی و اسلامی و حتی چپی، بازاری و اداری، کارگر و کشاورز، روشنفکر و روحانی، خود را برادران انقلابی دانستند و با چنان اتحاد و اعتقاد کاخ شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را زیر و زبر کردند و حالا که شاهد تفرقه و کینه‌ها میباشیم مجدداً "مشمول و محتاج قسمت اول آیه بوده نباید بجای چنگ زدن به ریسمان الهی به دسته بندیهای خصمانه و انحصار گریهای جاهلانه پردازیم.

در برنامه سخنرانیهای سالگرد انقلاب در نهضت سهم بنده را نقل خاطرات و نظریات مربوط به تاسیس شورای انقلاب و انتصاب دولت موقت برار داده‌اند. در این زمینه گفتنی بسیار است که عصبی از آنها تکراری بوده، ملالت‌آور میشود ولی دوستان گفته اند اشکال ندارد چون بالاخره ایام سالگرد و زنده کردن خاطرات است. از طرف دیگر انحصارگران رسانه‌های گروهی و روزنامه‌ها و منبرها و مصاحبه‌ها که یک تازان میدان هستند آنقدر در ظرف سه سال و دوسه ماه کم تهمت و تحریف بپا کرده‌اند که انسان نمیداند جواب کدام را بدهد و از کجا شروع کند! سعی خواهم کرد بحول و قوه الهی و بدون قصد تلافی و قلب حقایق بنکات اساسی بپردازم. با استمداد از پاره‌ای اسناد، ولی بیشتر از حافظه‌ام، که بدیهی است نمی‌تواند صددرصد کامل و صادق باشد. ضمناً "نظر باینکه حاضرین در مجلس (و خوانندگان بعدی اوراق) برای شنیدن خاطرات و اطلاعات بنده قدم رنجه فرموده‌اند این عذر تقصیرم را خواهند پذیرفت که طبعاً مقداری از مطالب جنبه شخصی داشته ممکن است خود بینانه نیز تلقی شود.

البته هیچیک از دوستان نهضت و همکاران و بنده چنین ادعائی نداریم و نباید تصور شود که دولت موقت محور تصمیمات و سرنوشت ساز جمهوری اسلامی بوده است و شورای انقلاب مبداء حرکت و یگانه مدیر و متکای انقلاب محسوب میشود. هر دوی آنها از پدیده‌های انقلاب و جزئی

از جریان خروشان و جوشان حرکت عمومی ملت ایران و جو حاکم بر جهان بوده‌اند در حالیکه خود انقلاب اسلامی با همه عظمت و قدرت وارث یک سلسله حوادث تاریخی و مبارزات طولانی ملی و اسلامی و روحانی می‌باشد که با اوج و حسیض های فشار و آزادی، از نهضت تنباکوی میرزای شیرازی علیه اولین وصلت استیلای خارجی با استبداد داخلی آغاز شده است.

بواسطه کمی فرصت، از ذکر سوابق قدیمتر یعنی سرگذشت انقلاب مشروطیت و کودتا و سلطنت رضا شاه صرف نظر کرده عرایضم را از شهریور ۱۳۲۵ شروع مینمایم که سرفصل دوران جدید ایران است و پیوند با بزرگترین حادثه تاریخ معاصر یعنی جنگ جهانی ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹ دارد. پس از آن سرگذشت بخاطرات شخصی از شورای انقلاب و دولت موقت خواهم پرداخت. سعی میکنم وقت زیاد نگیرم و آنچه مفید برای درک شورای انقلاب و پیدایش و عملکرد دولت موقت باشد فهرستوار عرض کنم. بصورت گاه‌شماری خواهد بود که ابتدا سال بسال است و بتدریج با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب و شتاب گرفتن جریانها ماه بماه گشته در ماههای آخر روز شماری میشود.

۱. " معذرت می‌طلبم که وقایع و اقدامات مورد اشاره جنبه کاملاً عام و هم‌نواخت نداشته بسیاری از آنها ارتباط خاص با سوابق و خدمات نهضت آزادی ایران پیدا میکند.

گاهشماری مبارزات و پیش‌پروزیهای انقلاب اسلامی ایران از شهریور ۲۰ تا ۲۲ بهمن ۵۷

الف - از حمله متفقین به ایران تا ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲.
۱۳۱۹ - کانون اسلام. اولین مرکز آموزشهای آزاد اسلامی اجتماعی جدید که دانشجویان و دانش‌آموزان و آقای سید محمود طالقانی

می‌آمدند و مجله‌ای بنام دانش آموز منتشر میکرد، همزمان با اولین مجلس تفسیر قرآن ایشان در مسجد منشورالسلطان و آغاز آشنائی و همکاری بنده با آن مرحوم .

۱۳۲۵/۶/۳ - حمله انگلیسها از جنوب و شوروی از شمال برای اشغال نظامی کشور بمنظور استفاده ارتباطی سه جانبه علیه آلمان .

۱۳۲۵/۷/۷ - نایب رئیس حزب توده ایران با تبلیغات و تشکیلات منظم و مؤثر در روشنفکران و کارگران و کشاورزان و تصرف مناطقی در شمال و در آذربایجان .

۱۳۲۵ - نایب رئیس جامعه اسلامی متشکل از بعضی متدینین خیر بازار و ادارات برای فعالیتهای اسلامی فرهنگی و خیریه و سیاسی و بدنال اجتماع و فعالیت‌های زمان رضاشاه از سال ۱۳۰۳ با همکاری امثال حاجی سید ابوالحسن طالقانی و آقا شیخ علی مدرس .

۱۳۲۱ - نایب رئیس کانون مهندسين ایران . اولین تشکیلات اجتماعی غیرسیاسی تخصص یافتگان برگشته از اروپا با افکار و اهداف ملی .

۱۳۲۱ - اعتصاب مهندسين . اعتصابی که شعار آن " کار بدست کاردان " و به قصد وارد کردن نسل جوان تخصص یافته در مشاغل و مدیریت مملکت بوده و دامنه آن به استادان دانشگاه تهران و کارمندان وزارتخانه‌ها کشیده شده به پیروزی یک انقلاب اداری منتهی شد .

۱۳۲۱ - انجمن تبلیغات اسلامی به ابتکار و مدیریت فعالانه آقای ددتر عطاء الله شهاب‌پور به سبک تازه حالب . که از ۱۳۱۵ مقدمات آن پایه گذاری شده بوده است .

۱۳۲۱ - نایب رئیس انجمن اسلامی دانشجویان . اولین حرکت اسلامی اجتماعی آزاد روشنفکران که نایب تیر و دامنه فوق‌العاده در ایران و خارج ایران پیدا کرد .

۱۳۲۲ - نایب رئیس حزب ایران .

۱۳۲۳ - اولین اعلامیه آیه الله خمینی خطاب به علماء و دعوت به قیام علیه ماسد اجتماعی و دپ . - (جمادی الاول ۱۳۶۳)

۱۳۲۳ - نهضت خدایپرستان سوسیالیست. اولین اجتماع سیاسی اسلامی جوانان روشنفکر مسلمان که آقایان مهندس آشتیانی و مرحوم محمد نخبش از پایه گذاران آن بودند در سال ۱۳۲۸ مرحوم نخبش همراه با عده‌ای از اعضای نهضت، فعالیت علنی آغاز و روانه حزب ایران شدند و در سال ۲۹ پس از خروج از حزب ایران تبدیل به جمعیت آزادی مردم ایران و در سال ۳۲ عنوان حزب مردم ایران را اختیار کرد.

۲۸/۸/۱ - انتخابات دوره شانزدهم مجلس، تحصن در دربار برای گرفتن آزادی انتخابات و تشکیل جبهه ملی ایران بر رهبری مرحوم دکتر مصدق.

۲۹/۱۲/۱۶ - قتل رزم آراء بدست شهید استاد خلیل طهماسبی از پیروان شهید نواب صفوی.

۱۳۲۹/۱۲/۲۹ - تصویب قانون ملی شدن نفت.

۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ - نخست وزیری دکتر مصدق.

۱۳۳۰ - اعزام هیئت خلق ید از شرکت سابق نفت بخوزستان و انجام آن (تا شهریور ۱۳۳۰)

۳۱/۴/۳۰ - واقعه سی تیر و شکست دولت قوام السلطنه و شاه.

۳۱/۱۲/۹ - توطئه کودتا علیه دولت دکتر مصدق بشکل خروج شاه از ایران و حمله به منزل دکتر مصدق توسط اوپاش به سرگردگی شعبان جعفری معروف به بی مخ.

۳۲/۵/۲۸ - کودتای آمریکائی - انگلیسی - درباری ۲۸ مرداد برای سقوط دولت ملی مصدق، بازگشت و حکومت مطلقه شاه، نخست وزیری زاهدی، عقد قرارداد کنسرسیوم، سرکوبی جبهه ملی و قلع و قمع حزب توده.

ب - دوران اختناق شدید تا نهضت روحانیت و مبارزه مسلحانه.

۱۳۳۲ - تأسیس نهضت مقاومت ملی ایران بمنظور:

۱ - اعلام غیرملی بودن کودتا و اثبات وفاداری ملت به مصدق.

۲ - احیاء و ادامه مبارزه علیه شاه و آمریکا برای پیروزی یا رسوا کردن .

۳ - توحید و تشکل ملیون و مسلمانان تواءم با تدوین برنامه و ایدئولوژی . دوران نهضت مقاومت تا ۱۳۳۹ .

اسفند ۱۳۳۲ - انتخابات دوره هجدهم مجلس در محیط اختناق و آزار - نامه اعتراضیه نهضت مقاومت با امضاهای شخصی برای آزادی انتخابات .

۳۲/۹/۱۶ - تظاهرات در دانشکده فنی علیه مسافرت نیکسون و شهادت سه تن از دانشجویان .

۱۳۳۳ - سرکوبی شدید حزب توده و تشکیلات آن از طرف دولت کودتا و فرمانداری نظامی با شروع ارشاحه نظامی آن . ادامه شدت تا ۱۳۳۸ .
۱۳۳۳ - نامه سرگشاده به مجلسین در اعتراض بقرار داد کنسرسیوم به ابتکار مرحوم دکتر معظمی با امضای حدود ۷۵ نفر از رجال سیاسی ، دانشگاهی ، بازاری ، روحانی و اداری که مواجه با عکس العمل شدید دولت بعد از امضای قرارداد ، از طریق اخراج امضاء کنندگان از مشاغل اداری و دانشگاهی مربوطه و تصویق های بانکی و اقتصادی برای امضاء کنندگان بازاری . (۱۲ نفر استادان کمیته دانشگاه نهضت مقاومت ملی) .

- وعده آزادی انتخابات از طرف دولت بمنظور تخفیف فشارها و روآوردن به ملیون غیر مصدقی بتوصیه آمریکائیهها .

۱۳۳۵ - تاءسیس " متاع " (مکتب تربیتی اجتماعی عملی) که منشاء و موءسس بسیاری از نهادهای اسلامی اجتماعی و زیر بنائی سیاسی گردید .

۱۳۳۶ - تاءسیس انجمن اسلامی مهندسین و بدنیال آن انجمن اسلامی پزشکان که ادامه یافتند و انجمن اسلامی معلمین .

۱۳۳۸ - تاءسیس شرکت انتشار پایهگذار انتشارات اسلامی اجتماعی علمی آزاد بسبک جدید که تاءسی و تاءثیر وسیع یافت .

۳۹/۴/۳۵ - تاسیس جبهه ملی دوم بابتکار افرادی از نهضت مقاومت با دعوت از رجال و رهبران زمان مصدق، ابتدا بمنظور شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی.

زمستان ۱۳۳۹ - تحصن رهبران جبهه ملی در مجلس سنا و اعتصاب دانشجویان دانشگاه برای اعتراض و خواستاری آزادی انتخابات که بصورت حبس آنان درآمد.

۱۳۴۰/۲/۲۵ - تاسیس نهضت آزادی ایران بعنوان یکی از گروههای عضو جبهه ملی ایران بنا بوظیفه اسلامی، با ایدئولوژی اسلامی و صراحت ضد استبدادی و ضد استیلاي خارجی.

۴۰/۱۱/۱ - حمله فجیع کماندوهای فرمانداری نظامی به دانشگاه تهران.
۴۱ - اعلامیه نهضت آزادی برای توضیح موضع علماء نسبت به مبارزه و بیان خط صحیح آن.

۴۱/۱۱/۳ - صدور بیانیه تحلیلی نهضت آزادی ایران تحت عنوان انقلاب شاهانه (!) و افشاء مقاصد سلطه طلبانه صهیونیستها و آمریکا در همکاری با شاه و پیشگویی عواقب حیانت‌بار و نابودی کشاورزی و استقلال ایران.

نیمه دوم ۱۳۴۱ - نهضت روحانیت در قم و تهران ابتدا علیه شرکت زنان در انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی و علیه اصلاحات ارضی که بعدا تحول و تشعب در جهت مبارزه حاد علیه شاه و نفوذ آمریکاها در امور ایران به رهبری آیت‌الله خمینی پیدا کرد.

زمستان ۱۳۴۱ - اولین آشنائی و ملاقات با آیت‌الله خمینی در قم بانفاق آقای دکتر سبحانی.

۴۱/۱۱/۴ - بزندان انداختن وسیع رهبران و فعالین جبهه ملی و نهضت آزادی و عده‌ای از دانشجویان و بازاربان برای اختناق و ارباب قبل از فراندوم انقلاب شاه و انتخابات مجلس.

۴۱/۱۱/۶ - فراندوم ۶ ماده‌ای کذائی شاه که بعدا "عنوان انقلاب شاه و مردم روی آن گذاردند و بتدریج تا ۱۳ ماده افزایش یافت.

- ۱۳۴۲ - تشکیل جمعیت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی در همکاری با روحانیت مبارز مخصوصاً "آیه‌الله خمینی و ترور منصور (۱۳۴۲/۱۱/۱)
- ۱۳۴۲/۱/۲ - حمله به مدرسه فیضیه قم توسط کماندوهای شاه.
- ۱۳۴۲/۳/۱۵ - قیام معروف ۱۵ خرداد در روز دوازدهم محرم و شهادت انفعالی و مظلومانه چندین هزار نفر از مردم بازار و محلات تهران و شهرستانها و روستاها.
- ۱۳۴۲ - تأسیس نهضت آزادی خارج کشور و فعالیتهای اسلامی - سیاسی دانشجویان آمریکا و اروپا برهبری دکتر مصطفی چمران، دکتر ابراهیم یزدی و دکتر علی شریعتی.
- ۱۳۴۲ - محاکمه سران نهضت آزادی در دادگاه نظامی و محکومیتهای ۱ تا ۱۵ سال مفارن با آزاد کردن تدریجی زندانیان حبسه ملی.
- ۴۳/۸/۱۲ - تبعید آیه‌الله خمینی به ترکیه پس از زندان ایران.
- ۱۳۴۳ - تأسیس حزب ملل اسلامی با مراسم تشکیل حکومت اسلامی و مقدمات مبارزه مسلحانه که بزودی در تاریخ بهمن ۱۳۴۳ کشف و دستگیر شدند.
- ۱۳۴۷ - آغاز فعالیتهای مذهبی - فرهنگی جوانان با رنگ انقلابی در سایه حسینیه ارشاد و سخنرانها و مکتب دکتر علی شریعتی.
- ۱۳۴۹ - آغاز عملیات مسلحانه منظم چریکهای فدائی خلق (گروه سياهکل) بدنبال اقدامات پراکنده گروههای مخفی مارکسیستی که از سال ۱۳۴۳ شروع گردیده بود و معمولاً "دستگیر و زندانی میشدند".
- شهریور ۱۳۵۰ - دستگیری وسیع اعضاء سازمان مجاهدین خلق و شروع عملیات مسلحانه آنان که مواجه با سرکوبی شدید و شکنجه و اعدام میگردد و علیرغم افکارالتقاطی چون زمینه اسلامی و شور ایمانی قوی داشتند تأثیر و توسعه قابل توجهی در افکار عمومی و در جلب همکاری روحانیون مبارز و متدینین بازار پیدا کردند.

ج - از حقوق بشر کارتر تا پیروزی انقلاب.

۱۳۵۵ - اعلام حقوق بشر و فشار بر دولت برای بازکردن سوپاپها - فتح باب جدید - امکان پخش نسبتاً وسیع و آزاد اعلامیه‌های **آیة الله خمینی**. مختصر آزادی در منابر و مجامع نامه‌های شجاعانه دکتر **حاج سید جوادی** علیه دولت و درباریان در سالهای ۵۵ و ۵۶. آغاز اجتماعات خانگی و سازماندهی مبارزین قدیم.

فروردین ۱۳۵۶ - پایه‌گذاری و فکر تاسیس "جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" در استفاده از رقابت ابرقدرتها، بنا به پیشنهاد آقای **فتح‌الله بنی‌صدر** در دعوتی که **آقای فولادی** از سرشناسان مبارزات ملی و اسلامی کرده بود.

تیر ۵۶ - بزرگداشت دکتر **شریعتی** در مجلس فاتحه پدر آقای **معادیخواه** در مسجد ارک.

۵۶/۸/۸ - مجلس ختم **حاجی سیدمصطفی خمینی** که با دعوت مشترک ملیون و مسلمانها و روحانیون علیرغم ناراحتی شدید پلیس منعقد گردیده و مسجد ارک در عمر چندین ساله چنین جمعیتی را بخود ندیده بود و واعظ مجلس (دکتر فریدون روحانی) با سوءاستفاده از منبر علت استقبال بی‌سابقه مردم را صرفاً "علاقمندی بروحانیت اعلام داشت (در حالیکه دو سه هفته قبل برای شخصیت همطرازی که فاقد جنبه مبارزاتی علیه شاه بود مجلس تذکری گذارده بودند و یک دهم آن جمعیت حاضر نشده بود).

۵۶/۴/۲۹ - اعتراض علنی به ده سال محکومیت آقای **طالبانی** در اعلامیه **بازرگان** بعنوان مراجع تقلید و علمای عظام و در نامه مورخ ۵۶/۴/۳۰ آقای **دکتر سبحانی** بعنوان دادرای نظامی.

۵۶/۵/۱۶ - سقوط دولت **هویدا** بعد از سیزده سال و نخست وزیری دکتر **آموزگار**.

شهریور ۵۶ - اجتماع عظیم و سخنرانیهای بی‌سابقه اسلامی - سیاسی ماه رمضان در مسجد قبا بدعوت مرحوم مفتاح (سخنرانان آقایان دکتر **توسلی**، دکتر **پیمان**، دکتر **سامی**، دکتر **توانائیان فر**، مهندس

بازرگان با عنوان آفات توحید، دکتر سبحانی، جواد حجتی کرمانی،

شیخ علی آقا تهرانی.)

۵۶ شهریور - اجتماع مفصل هنرمندان و روشنفکران غیر اسلامی و چپی در باشگاه انجمن ایران و آلمان بنام شبهای شعر.

۵۶ شهریور - برگزاری نماز عید فطر در زمین قیصریه به امامت آیت‌الله سیدابوالفضل موسوی زنجانی با پیشنهاد و همکاری آقایان مهندس صباغیان، حاج تقی حاج طرخانی، حاج مانیان، تهرانیچی، حاج مهدی عراقی.

۵۶/۹/۱ - اجتماع مذهبی سیاسی ملیون در کاروانسرا سنگی و حمله وحشیانه چماقداران ساواک به آنها.

آبان ۵۶ - نامه تاریخی اعتراض و اتخاذ موضع علیه شاه که از طرف نهضت به منظور امضای دسته جمعی شخصیت‌های ملی و اسلامی مبارز تهیه شده بود ولی با سه امضاء ارسال و توزیع شد (آقایان دکتر بختیار، دکتر سبحانی، داریوش فروهر).

آذر ۵۶ - آغاز اقدامات آشکار و برنامه ریزی شده جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در محل استیجاری (مکاتبه با مراکز بین‌المللی، مصاحبه‌ها، عضوگیری، نامه پراکنی، نشریات، ملاقاتها، دفاع از زندانیان، فشار بر دولت.)

۵۶/۷/۱۵ - تظاهرات گروه‌های اسلامی و ملی در صحن حضرت عبدالعظیم و راه پیمائی جوانان در حمایت از زندانیان و تجلیل از آیه‌الله خمینی.

۵۶/۸/۱۱ - انتشار اولین اعلامیه دسته جمعی ملیون و روشنفکران شامل درخواستهای همگانی (اجرای قانون اساسی - رعایت آزادیها - آزادی زندانیان سیاسی و تبعیدیها - الغای حزب رستاخیز - آزادی مطبوعات - انحلال مجلسین - انحلال سازمانهای چماق‌داری - تحکیم و پیشبرد حقوق بشر.)

۵۶/۱۰/۱۷ - درج مقاله توهین آمیز شدید اطلاعات علیه آیه‌الله خمینی

که موجب هیجان عمومی و فوران انقلاب مخصوصاً " در حوزه‌های روحانی گردید و موجب وحدت مراجع و علمای بزرگ شد. از جمله قیام قم و کشتار مردم که چهارم‌های زنجیری را بدنبال آورد.

۵۶/۱۱/۲۹ - چهارم کشتار قم در تهران و شهرستانها و شهادت مردم و فاجعه تبریز - اولین نمونه‌های پیوستن ارتشیان به ملت.

۵۷/۱/۱۰ - چهارم قیام تبریز در سراسر ایران و بروز تظاهرات شدید و کشتار مردم یزد و جهرم و اهواز. برگزاری مجلس بزرگداشت شهدا در مجلس آذربایجانها بدعوت اینجانب.

۵۷/۱/۱۹ - بمب گذاری ساواک در ورودی خانه‌های پنج نفر از مؤسسیان حقوق بشر ایران (بازرگان - دکتر لاهیجی - دکتر سجاسی مانیان و فروهر) و مسافرت بعدی آقای باتلر از حقوق بشر آمریکا به ایران برای ملامت شاه و ملاقات با سران جمعیت ایرانی حقوق بشر و طبقات مردم.

اردیبهشت ۵۷ - آغاز سیل خبرنگاران خارجی.

۵۷/۲/۱ - مصاحبه مخفیانه بازرگان با تلویزیون بلژیک و نمایش فیلم یک ساعته از مصاحبه و تظاهرات و مبارزات مردم ایران و پخش وسیع در کشورهای اروپائی و آمریکا.

۵۷/۲/۲۱ - برگزاری مجلس چهارم شهدای یزد، جهرم و اهواز روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ در مسجد جامع تهران بدعوت آقایان دکتر پدالله سجایی - احمد صدر حاج سید جوادی و اینجانب و تأیید جمعی از روحانیون مبارز.

۵۷/۲/۳۰ - نامه بازرگان بدفتر مخصوص برای دعوت شاه به " مباحثه ملی " (مصاحبه در تلویزیون)

اردیبهشت ۵۷ - تشکیل جبهه ملی اسلامی از گروهها و شخصیت‌های مبارز (و روحانیت که حاضر بمعرفی نمایندگی نشدند).

اردیبهشت ۵۷ - پیام بازرگان (از طرف نهضت) برای آیت‌الله العظمی خمینی بوسیله مسافر عتبات راجع به مسائل مبارزه و نمایندگی و روابط.

۵۷/۳/۱۵ - تعطیل عمومی و خانه نشینی سراسری ایران برای اثبات نارضایتی و اعتراض عمومی بنظام موجود به ابتکار جبهه ملی اسلامی که در شهرستانهای درجه ۱ و ۲ با موفقیت بیش از ۸۰٪ اجرا شد و در تهران بعزت بسیج افسران و درجه داران و خانواده‌های آنان که از طلوع آفتاب در خیابانها بگردش درآمدند حلوه تقریباً ۷۰٪ داشت.

۵۷/۳/۱۵ - اعلامیه "کارمندان دولت حالا نوبت شما است" که چند ماه بعد منتشر گردیده و خواسته شده بود که شرط موفقیت انقلاب و وظیفه کارکنان دولت اعتصاب علیه دستگاه است (از نهضت آزادی).
۵۷/۵/۲۹ - انتصاب دولت شریف امامی بجای دکتر آموزگار با سیاست در باغ سبز.

۵۷/۶/۶ - اعلامیه شاه برود نهضت آزادی تحت عنوان راه نجات ایران از بن بست حاضر.

۵۷/۶/۱۳ - نماز عید فطر در زمین قیطریه به امامت آقای دکتر مفتاح و راه پیمائی طولانی خودبخودی بعد از آن با پیشنهاد و همکاری آقایان مهندس توسلی، حاج تقی حاجی طرخانی، حاج مانیان و ...

۵۷/۶/۱۶ - اعلام حکومت نظامی و برگشت به تشدید خشونت و منع آزادیهای نسبی.

۵۷/۶/۱۷ - جمعه سیاه حمله مردم بی سلاح جمع شده در میدان زاله و کشتار صدها نفر.

دومین استقبال غیر مسلحانه دسته جمعی در شهادت بعد از ۱۵ خرداد ۴۲.

۵۷/۶/۱۷ - دستگیری وسیع مبارزین ملی و اسلامی و روحانی و زندانی کردن انفرادی.

۵۷/۶/۲۸ - تحصن حقوق بشریهای دستگیر نشده در منزل آیت الله شریعتمداری برای اعتراض و خواستاری آزادی.

۵۷/۷/۱۳ - هجرت آیت الله خمینی از نجف به پاریس به پیشنهاد و در معیت

آقای دکتر یزدی.

۵۷/۷/۱۷ - صدور اعلامیه سنگر به سنگر نهضت آزادی تحت عنوان " در کجا هستیم؟ "

۵۷/۷/۲۹ - مسافرت بازرگان به پاریس و مذاکرات با آیت‌الله خمینی.

۵۷/۸/۱۴ - اعلامیه نهضت آزادی راجع به رهبری امام خمینی تحت عنوان " آیا وقت آن نرسیده است که نظام حاکم واقعین باشد؟ "

۵۷/۸/۱۴ - حکومت از هاری بجای شریف امامی.

آذر ۵۷ - دعوت و تأسیس شورای انقلاب از طریق آقای مطهری.

۵۷/۹/۱۹ - راه پیمائی آرام و عظیم ناسوعا و روز حقوق بشر بدعوت

جمعیت ایرانی حقوق بشر و آیت الله طالقانی و روحانیت مبارز

تهران.

۵۷/۹/۲۵ - راه پیمائی با شعار عظیم عاشورا بدنیاال راه پیمائی روز قبل

و مشارکت بیشتر مردم.

۵۷/۱۰/۵ - تحصن نمایندگان و استادان دانشگاههای ایران در ساختمان

دبیرخانه دانشگاه تهران از ۲۹ آذر ماه و کشته شدن آقای مهندس

کامران نجات الهی.

۵۷/۱۰/۷ - اعلامیه نهضت آزادی تحت عنوان جنگ شاه و ملت.

۵۷/۱۰/۱۶ - دولت دکتر بختیار.

۵۷/۱۰/۸ - مأموریت موفقیت آمیز راه اندازی نفت ۹ برای مصارف داخلی

به هیئت ۵ نفری (بازرگان - هاشمی رفسنجانی - مهندس کتیرائی

- مهندس حسینی و مهندس صباغیان). اولین گام تسخیر و اداره

مملکت بدستور آیه الله خمینی.

۵۷/۱۰/۲۶ - خروج شاه از ایران.

۵۷/۱۰/۲۷ - مأموریت اداره اعتصابات به هیئت ۵ نفری (آقایان دکتر

سحابی - مهندس معین فر - دکتر محمد جواد باهنر - دکتر کاظم

یزدی - دکتر مهدی ممکن.)

۵۷/۱۰/۳۰ - درخواست و ملاقات آقای *Ritzel* سفیر کبیر آلمان

- غربی با بازرگان برای ابراز همکاری و تائید .
- دی ۵۷ - ادامه مذاکرات حقوق بشر ایران و شورای انقلاب با امریکائیهها و ارتشی‌ها که بمنظور تسهیل و تسریع خروج و استعفای شاه و خودداری ارتش از حمله و آزار مردم شروع گردیده بود .
- دی ۵۷ - ملاقات محرمانه با آقای سالیوان سفیر کبیر آمریکا باتفاق آقای **موسوی اردبیلی** با تصویب شورای انقلاب و اجازه امام .
- ۵۷/۱۱/۳ - قرار مسافرت و استعفای دکتر بختیار در پاریس .
- ۵۷/۱۱/۱۲ - ورود امام به تهران .
- ۵۷/۱۱/۱۵ - فرمان نخست وزیری بازرگان .
- ۵۷/۱۱/۲۲ - سقوط رژیم .

شورای انقلاب

خاطرات و اطلاعات مربوط به شورای انقلاب را از مسافرت خودم به پاریس برای ملاقات و مذاکره با آیت الله العظمی خمینی که پایه و پیشهاد شورا در آنجا ریخته شد شروع می‌نمایم .

این مسافرت که ده روز آن در پاریس و دو روزش در لنس گذشت از ۵۷/۷/۲۹ تا ۵۷/۸/۱۲ بطول کشید و برنامه‌ام شامل منظوره‌های زیر بود :

- ۱ - تجدید دیدار و اطلاع از حال و افکار و نظریات آیه الله خمینی ،
- ۲ - در جریان گذاشتن ایشان نسبت به اوضاع ایران ، مبارزات در جریان .
- ۳ - پیشنهاد نظم در کار و تعیین یک هیئت نمایندگی از طرف ایشان در تهران برای ابلاغ اعلامیه‌ها و دستورات و دریافت اطلاعات و دستورات و دریافت اطلاعات و پیشنهادات .

- ۴ - دیدار و ارتباط با نهضت آزادی خارج کشور ،
- اولین ملاقات و آشنائی من (که به اتفاق آقای دکتر سبحانی رفته بودیم) با آیه الله خمینی در زمستان سال ۱۳۴۱ در اوان نهضت روحانیت بود .

دومین ارتباط در سال ۴۲ از زندان قصر با وساطت مرحوم برادرم بمنظور رساندن جوابیه سخنرانی گستاخانه شاه علیه ایشان بود که با نظر آقایان طالبانی و دکتر سحابی و تولیت تهیه کرده بود و آنها خیلی پسندیده و بهترین پاسخ دانستند. غیر از آن ارتباط دیگری نداشتیم جز اینکه بعد از محکومیت نهضتی‌ها در دادگاه نظامی تاءیدیه‌ای مانند سایر آقایان مراجع داده بودند.

در جریان سالهای ۵۶ و ۵۷ که در اثر آزادی نسبی تحمیلی بر شاه از ناحیه کارتر پخش و وسیع و نا حدودی کم خطر اعلامیه‌های **آیه الله خمینی**، در داخله ایران امکان پذیر و موثر واقع شده بود گاهی اعلامیه‌هایی میرسید که نسبت به اصالت آنها تردید حاصل میشد و پاره‌ای متناسب با موقع و مصلحت بنظر نمی‌آمد. بعلاوه خود ما و اشخاص علاقمند پیشنهادها و نظریاتی داشتیم. در مرداد ماه ۵۷ با مشورت دوستان نهضت قرار شد پیامی بدست یکی از تجار متدین مطمئن بازار که عازم زیارت عتبات و دیدار مخفیانه ایشان بود بدهم. مطالب پیام شفاهی را پس از توضیح و تفهیم بصورت یاد داشته‌هایی همراه آن آقا کردم که ذیلاً "قسمتهائی نقل میشود:

۱ - قانون اساسی ایران بصورت اصلی و متمم آن، بدون اضافات بعدی، سند زنده و قابل ارائه و استناد و دفاع در محاکم داخلی و محافل بین المللی است و فعلاً "یکانه ضامن اجرای اصول و احکام اسلامی میباشد. اگر آنرا نفی کنیم منطقاً و قانوناً هرگونه مدرک محکومیت رژیم شاه را از دست میدهیم. بمعنای ضامن سلطنت شاه نیز نیست چون سراسر بخلاف آن عمل کرده و خود را قانوناً "معزول ساخته است" (۱).

۱ - این بند از تذکرات دقیقاً و اکیداً "مورد تایید و اصرار آیت الله حاجی سید ابوالفضل زنجانی و بسیاری از مراجع و علما و خصوصاً صاحب نظران و مبارزین ملی و مسلمان ایران بود.

۲ - در عمل همینطور هم شد و مرحله اول یا پیروزی انقلاب ما رفته رفته با استقبال افکار عمومی غرب حتی مطبوعات آمریکا روبرو شد و سیاستهای خارجی همگامی و شناسائی نشان دادند.

- ۲ - لبه تیز حمله فعلا بهتر است به استبداد باشد نه استعمار. جنگ کردن در دو جبهه مانع پیروزی است و مصلحت در برانگیختن سیاست آمریکا و اروپا که علیه خودمان و بسود و حمایت شاه است نخواهد بود. (۲)
- ۳ - کلیه جنبش‌های ملی و مذهبی اخیر که در زمان خود ما به موفقیت‌های عمده رسیده و سطح بیداری و تحرک مردم را بالا برده است با اعلام انتخابات آزاد از طرف دولت و استقبال رهبران شروع شده است. با وارد شدن در فعالیتهای انتخاباتی بهتر توانسته‌اند حرف خود را بزنند و مردم را متوجه و متحرک سازند.
- ۴ - از هر گامی که دولت علیرغم خود و برای ریا و فریب در جهت خواسته‌های ملت بردارد باید استفاده کرد. افرادی که از صف دولت خارج میشوند ولو صد درصد خالصانه نباشد جا دارد تشویق شوند تا بیشتر در این جهت جلو بیایند و سایرین هم ملحق شوند.
- ۵ - هدف نهائی البته سرنگونی رژیم است. اما در مرحله اول رستن شاه (۱)، در مرحله دوم نظارت و محدودیت جانشینان او در چهارچوب قوانین موجود و آزادیها، سوم کارکردن روی افکار و افراد و تشکل و تربیت و تجهیزات و بالاخره در مرحله چهارم تبدیل به جمهوری اسلامی.
- ۶ - مشورت با روحانیت ایران که صمیمانه و عاقلانه وارد مبارزه شده‌اند. که گفته‌اند: " امرهم شوری بینهم " که دستور و اصل قرآنی است. اطلاعات ارتباطات منظم مطمئن و سریع از داخله و خارجه برای رهبری آگاه و ارزیابی و تنظیم حرکت‌های ضروری است و ایجاب می‌نماید که هیئت سه نفری یا چهار نفری مورد اعتمادی در تهران به تشخیص خودشان انتخاب و به محرم‌ها معرفی نمایند. همچنین برای دریافت دستورهای آقا و مشورت و نظر دهی گروهها به آنها استفاده شود.

۱ - البته همزمان یا چنین پیام و مشورت اعلامیه " شاه برود " تهضت آزادی ایران منتشر شده بود و چهار ماه قبل از آن در تلویزیون بلژیک گفته بودم که حضور شاه در ایران با آزادی منافات دارد.

۷ - حکومت اسلامی یگانه هدف و منظور نهائی هر مسلمان باید باشد. عنوان کردن آن در جواب سئوال خبرنگار لوموند كاملا بجا بوده است اما هنوز مشخص و شناخته نشده و تعريف واحدی پیدا نکرده روی کیفیت حکومت اسلامی از جهات عدیده ایدئولوژیک، اقتصادی - سیاسی، آداری و غیره بقدر کافی و مقبول کار نشده. همچنین رهبری انحصاری روحانیت که امتحان خوبی در گذشته نداده سابقه و تجربه و صلاحیت فنی لازم را ندارد، کنار زدن و خارج از حق و وظیفه کردن گروههای ملی غیر مذهبی با حسن نیت و با صلاحیت بخلاف مصلحت است.

در ملاقات با آیه الله خمینی و مسافرت پاریس (بعد از ۲۲ سال) برنامهام طبق مذاکرات نوسان نهضت و مبارزین دیگر شامل منظورهائی بود که قبلا ذکر گردید.

و علاوه بر آنها التیام روابط آقای بنی صدر با آقایان دکتر یزدی و قطب زاده.

روز ۵۷/۷/۳۰ بانفاق آقای دکتر ابراهیم یزدی در خانه اندرونی که آنطرف کوچه و قدری بطرف مشرق بود ملاقات و مذاکرات بعمل آمد. آقای اشراقی داماد ایشان در ابتدای جلسه و برای پذیرائی و تعارفات اولیه حضور داشتند. جلسه سه نفری قریب یک ساعت و نیم طول کشید و همانطور که قبلا" از آقای دکتر بهشتی شنیده بودم ایشان ابتدا بکلام و استفسار از حال و نظریات طرف و ابراز انبساط چندان نداشت. وقتی ضرورت تعیین یک هیئت نمایندگی را مطرح کردم ناءبیدی ندیدم. مختصری از وضع ایران، عقب نشینیهای شاه و امکان توسعه فعالیت و پیشروی و پیروزی صحبت کرده گفتم انتخابات مجلس که وعده آزادی آنرا داده اند فرصت خوبی برای نفوذ و موفقیت خواهد بود و شاه را میشود بتدریج بیرون انداخته از راههای قانونی و مجلس مؤسسان تغییر نظام داد. ایشان بلافاصله اشکال کرده گفتند شور و هیجان مردم خواهد خوابید. گفتم برعکس است، فعالیتهای انتخاباتی همیشه بهترین فرصت و وسیله برای بحث و تبلیغات و تجمع و تحریکات است. ایشان اظهار نا امیدی کرده گفتند آیا تضمین میکنید؟ از

مشکلات و مخالفتها و مسائلی که رو در رو خواهیم بود صحبت کردیم. از جمله کارشکنیهای حتمی دولتهای بزرگ و لزوم دقت و تدبیر در پیشروی. فوق العاده متعجب شدم که دیدم ایشان مسائل را ساده میگیرند و نمیخواهند وجود یا اثر آمریکا را قبول کنند گفتم بالاخره آمریکا را با قدرت و موقعیتی که دارد باید بحساب بیاوریم. جواب دادند چون ما حرف حق میزنیم آمریکا مخالفت نخواهد داشت، ما نمیگوئیم نفتمان را به آنها نمیفروشیم، میفروشیم ولی بقیمت عادلانه که خودمان در بازار آزاد مشتریها تعیین نمائیم و بعد هم از آنها بجای اسلحه ماسینهای کشاورزی خواهیم خرید. گفتم دنیای سیاست و محیط بین المللی حوزه علمیه نجف و قم نیست که با استدلال و حق در صدد افناع طرف برآیند ما هزار مشکل و موضوع خواهیم داشت و آنها نیرنگ و نقشهها حور خواهند کرد. کافی نیست که حرفمان حق باشد تا آنها تسلیم شوند. از خونسردی و بیاعتنائی ایشان به مسائل بدیهی سیاست و مدیریت ماتم برد و دنبال کردن بحث در این زمینه را بیفایده دیدم. پرسیدم جنابعالی چگونه اوضاع و تکلیف را میبینید؟ باز هم ساده نگری و سکینه و اطمینان ایشان بموقعیت نزدیک مرا به تعجب و تحسین انداخت. مثل اینکه قضایا را انجام شده و حل شده دانسته گفتند شاه که رفت و به ایران آمدم مردم نمایندگان مجلس و بعد دولت را انتخاب خواهند کرد، منتهی چون کسی را نمی شناسم از شما میخواهم افرادی را که مسلمان و مطلع و مورد اعتماد باشند علاوه بر خودتان و دکتر یزدی معرفی کنید که مشاورین من باشند و آنها بگویند چه کسی برای نمایندگی مجلس خوب است تا من بعنوان نامزد به مردم پیشنهاد نمایم. البته مردم آزاد خواهند بود راءئی را که مایل باشند بدهند. وزراء را هم آن هیئت در نظر بگیرند که من پیشنهاد نمایم. کافی است این وزراء مسلمان و درستکار باشند، اصرار ندارم حتی ممکن است از وزرای سابق که خیانت کرده اند باشند. احساس من (و شاید دکتر یزدی) این بود که ایشان از ما فقط برای مرحله بعد از انقلاب که تشکیل دولت و مجلس و اداره مملکت است میخواهند استفاده نمایند و نسبت بمرحله ماقبل خیالشان راحت و

برنامه معین است. گفتم چشم، با آقای دکتر یزدی می‌نشینیم و صورتی تهیه کرده خدمتان میدهم. سفارش کردند که تنها از خودتان نباشد، نمی‌خواهم بگویند که من طرفدار دسته خاصی هستم. گفتم البته نظر و رویه ما همیشه همین طور بوده اهل همکاری و وحدت هستیم.

در آخر جلسه چون فکر میکردم قبل از رفتن شاه و آمدن ایشان به ایران مسائل و مراحلی در اداره و پیروزی انقلاب داریم گفتیم اجازه دهید همین هیئت مشورتی که منصوب خواهید کرد فعلاً "وظیفه رابط و نمایندگی را برای اداره انقلاب در ایران داشته باشد. این نظر را رد نکردند ولی استقبال هم نکردند.

صورتی که با همکاری آقای دکتر یزدی تهیه شده و دو روز بعد به آیت‌الله خمینی دادم تا آنجا که بخاطر دارم شامل اشخاص ذیل از طبقات مختلف بود:

از علماء آقایان مطهری، حاجی سید ابوالفضل موسوی زنجانی، دکتر بهشتی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی، (آقایان طالقانی و منتظری چون در زندان بودند و پیش‌بینی آزادیشان نمیشد اسامی آنها در لیست گذارده نشده بود).

از ملیون مبارز و مسلمان آقایان دکتر سحابی، دکتر سامی، مهندس کتیرائی، و میناچی.

از نهضتی‌ها آقایان سحابی، احمد صدر حاج سید جوادی، دکتر یزدی و خودم.

از بازار آقایان عالی نسب و حاجی کاظم حاجی طرخانی،

از افسران، سرتیپ علی‌اصغر مسعود و سرتیپ ولی‌الله قرنی.

در آن چند روز با عده‌ای از دوستان و آشنایان که در ایران یا اروپا و آمریکا برای دیدن آیت‌الله خمینی آمده بودند ملاقات‌های سلام و احوال‌پرسی و صحبت‌های کلی آمد. از جمله آقایان دکتر بهشتی، حسن آقا شریعتمداری، دکتر مگری، دکتر سنجابی (همراه با مانیان و مهدیان و سلامتیان) آقای صادقی و غیره.

خبرنگاران فرانسوی و بین‌المللی نیز خیلی مراجعه و اصرار مصاحبه میکردند ولی بطور کلی از هرگونه اظهار و افشای مذاکرات با آیت‌الله خمینی و نظریات و تبلیغات برای خودم یا نهضت خودداری کردم. ضمناً آقای دکتر سنجابی و همراهان ایشان علاقه داشتند یک ملاقات اضافی و تعیین موضع مشترک با آیت‌الله خمینی داشته باشیم و اعلامیه سه جانبه‌ای داده شود ولی دکتر یزدی و من ضرورتی در این کار ندیدیم. تنها بنادعوت آقای دکتر بهشتی یک جلسه ملاقات سه نفره در محل اقامت ایشان داشتیم.

آقای دکتر یزدی عقیده و تا حدودی اصرار داشت که قبل از ترک پاریس و دیدار خداحافظی اعلامیه‌ای در تعیین موضع خودم و نائیب رهبری امام بدهم. من این عمل را غیرفوری دیدم و ترجیح دادم پس از گزارش ملاقات بدوستان نهضت در تهران و با تصویب آنها انجام شود.

در سفر دو روزه به لندن به اتفاق آقای میناچی علاوه بر دیدار آقایان دکتر تقی‌زاده، دکتر خرازی و دکتر سروش و کوشش (مناصفانه بی‌فایده) در ایجاد حسن تفاهم آقای بنی‌صدر با آقایان دکتر یزدی و قطب‌زاده مذاکرات مفیدی به اتفاق آقای میناچی در دفاتر صلیب سرخ و عفو بین‌الملل در رابطه با دفاع از زندانیان ایران داشتیم.

شورای انقلاب و انتصاب دولت موقت و روابط فیما بین

پایه شورای انقلاب که در آذرماه ۵۷ شکل رسمی مخفی یافت، در آن ملاقات پاریس ریخته‌شد و آیت‌الله خمینی توصیه‌ای را که در پیام مرداد و شهریور فرستاده بودم باین ترتیب پذیرفتند منتهی با دو مؤسسه یکی مشورت در حکومت و دیگر نمایندگی برای رهبری انقلاب. ابتدا سیزده نفر برنامه‌ای که آقای یزدی با نظر ایشان در پاریس تهیه کرده قرار بود دو هیئت جداگانه تشکیل شود یکی هیئت مشاورین امام برای انتخاب و معرفی اشخاص و دیگر شورای انقلاب ولی در عمل و مقارن با مؤسسه‌ای که قبلاً

آمدن به ایران برای راه اندازی نفت داده بودند آن دو هیئت ادغام گردیده اعضایش که بدستور ایشان از طرف آقای مطهری مصاحبه و دعوت شدند غیر از دکتر باهنر هیچکس خارج از آنچه در پاریس صورت داده بودم نبودند فقط آقایان مهندس عزت‌اله سبحانی و دکتر عباس شیبانی در زمان مسافرت پاریس من هنوز در زندان بوده امید می‌باشد که آزاد می‌شوند. ترکیب شورای انقلاب چهار بار عوض شد ولی همیشه اکثریت آنرا هم‌میین تشکیل می‌دادند که «فرب‌تر بودند». ترکیب اول که در پیشنهاد نخست وزیر و تصویب وزراء دولت موقت شرکت داشتند عبارت بود از آقایان طالقانی، مطهری، هاشمی رفسنجانی، دکتر بهشتی، مهدوی کنی، موسوی اردبیلی، دکتر باهنر، دکتر یزدی، دکتر سبحانی، احمد صدر حاج سید جوادی، مهندس کتیرائی، تیمسار مسعودی، تیمسار قزنی و من بانضمام آقایان مهندس سبحانی و دکتر شیبانی که بلافاصله بعد از خروج از زندان به فرانسه رفته بودند. بعد از تعیین دولت موقت و خارج شدن وزراء از شورای انقلاب بجای ما آقایان بنی‌صدر، قطب زاده، مهندس موسوی، دکتر پیمان و جلالی را وارد کردند بدون آنکه بجای شهید مطهری و مرحوم طالقانی شخص جدیدی جانشین شود. تغییر سوم بعد از استعفای دولت موقت و وارد کردن آقایان مهندس کتیرائی، مهندس معین‌فر، دکتر رضا صدر و من به دستور امام گرفت که در عوض آقایان دکتر پیمان، مهندس موسوی و جلالی خارج شدند. اسامی اعضای شورای انقلاب در هیچ زمان اعلام نشد و در اوایل استار بیشتر بکار برده میشد بطوریکه در مطبوعات و در افواه نام اشخاص مانند دکتر مفتاح، دکتر سنجابی، حتی دکتر حاج سید جوادی برده میشد. البته در پاریس وعده معرفی شورای انقلاب را داده بودند ولی بعداً شاید بدو دلیل خودداری بعمل آمد. یکی مسئله امنیتی و دیگر مسئله روانی و رقابتی داخل روحانیون. جامع‌ترین و بیطرفانه‌ترین گزارش نسبتاً کامل تشکیلاتی و عملیاتی شورای انقلاب همان است که مرحوم دکتر بهشتی به مجلس شورای اسلامی در اوایل تاسیس آن داده بود.

شورای انقلاب از ابتدای تشکیل هفته‌ای یک و بعداً "دوبار بطور نامنظم

و غیر منصب دورهم جمع شده با بهای جریانات انقلاب پیش میرفتیم خصوصاً " در مذاکرات با مقامات انتظامی دولتی و دیپلماتیک خارجی و ترتیب دادن مسافرت دکتر بختیار پاریس برای ملاقات با آقا و استعفا، مشاوره و هماهنگی وجود داشت، ماء موریت راه اندازی نفت و هیئت اداره اعتصابات نیز خارج از چارچوب و اطلاع شورای انقلاب میشود.

* * *

اما انتصاب دولت موقت، مطلب را باید از عصر چهاردهم بهمن ماه در دبیرستان رفاه سه روز بعد از ورود امام به تهران شروع نمایم. آیه الله خمینی در آن سه روز چه گفتگوها با چه کسانی کرده بودند خبر ندارم. همینقدر میدانم که شورای انقلاب را که تقریباً "همه روز در طبقه دوم ساختمان دبیرستان رفاه جمع میشدیم و سری هم به آقا در ساختمان دبستان علوی میزدیم و اطاق را خلوت میکردند، عصر شنبه که رفتیم ما را مخاطب قرار داده پرسیدند برای نخست وزیری دولت چه کسی را تعیین کنیم؟ حاضرین ساکت مانده بیکدیگر نگاه میکردند. اسامی اشخاص از جمله آقای صدر حاج سید جوادی در صحبت های بین الاثنین به میان می آمد. میدانم مرحوم مطهری بود یا یکی دیگر از روحانیون شورای انقلاب که مرا پیشنهاد کرد. اعضاء غیر روحانی هم شخص دیگری را در نظر داشتند ولی همگی استنکاف داشتیم که ما پیشنهاد دهنده باشیم. در هر حال نظر عموم روی من رفت و اگر کسی موافقت نداشت حرفی نزد. آیه الله خمینی تبسم و اظهار خوشوقتی کرده گفتند باین ترتیب خیالم از دو طرف راحت شد. ظاهراً "منظور ایشان از دو طرف یکی ملیون و روشنفکرها بود و یکی علما و روحانیون.

شورای انقلاب اصرار داشت فوراً "از من" بلبه بگیرد" و اعلامیه صادر گردد تا هم دکتر بختیار در برابر عمل انجام یافته قرار گیرد و هم توقع و تحمیلها خاموش شود. من نخواستم فوراً "قبول کنم و گفتم اجازه دهید مطالعه و مشورتی بنمایم و چون فشار می آوردند که همان شب کار تمام شده حکم را بنویسند و اعلام کنند من ناراحت شده گفتم شمر هم به امام حسین یک شب مهلت داد آقای طالبانی تأیید کرد و آیه الله خمینی با تبسم گفتند

بگذارید تا فردا صبح.

قصد من از عقب انداختن برای محکم کاری بود که اولاً " مسلم شود از ناحیه ما اصرار و علاقه باین مقام نیست و حدود اعتقاد و احتیاج آنها روشن شود ثانیاً " روابط و وظائف متقابل مشخص شود. برای این کار لازم بود اساسنامه مصوب شورای انقلاب را که آقای مهندس کتیرائی مشی توری قرار بود پاکنویس کرده باشند، بیاورند.

صبح یکشنبه ۱۵ بهمن ماه حوالی ساعت ۱۰ جلسه کردیم مقدمه از حسن ظن آقایان و شخص امام نشکر کردم، بعد با اشاره به متن حاضر شده اساسنامه متذکر شدم که شورای انقلاب مقام مجلس علی را داشته میتواند از دولت سؤال و استیضاح کنند و هر وقت اعتماد ندارند عزل نمایند و بدیهی است که لوایح قانونی دولت باید بنظر و تصویب شورا برسد ولی حق دخالت در امور اجرائی را ندارند. همچنین در رابطه با مقام رهبری ایشان خطوط اصلی سیاست و خط مشی کلی دولت را تعیین می نمایند و از ایشان پرسش و درخواست میشود که در امور مهم و اساسی دستور دهند بدون اینکه در جزئیات و اجرائیات احتیاج به کسب نظر و دستور باشد ضمن آنکه متقابلاً ایشان هم در اظهارات و تصمیمات خود نظر مشورتی دولت را خواهند خواست.

پس از تذکر و تصریح مطالب فوق گفتم خواهش میکنم آقایان نسبت به رأی و پیشنهادی که دیشب دادید تجدید نظر فرمائید و اگر بنده را نامزد نخست وزیری می نمائید با علم و اطلاع از افکار و اخلاق و سوابق خواهد بود. همه آقایان مرا خوب بی شناسند و از طرز فکر و طرز کار و سوابق خدمات اطلاع دارید، میدانید که معتقد به دموکراسی و اهل همکاری و مشورت و اعتقاد بدیگران هستم و خیلی مقید بنظم و رعایت بوده از تندی و تعجیل احتراز میکنم و علاقمند به مطالعه و عمل تدریجی میباشم. در گذشته آینه طور بوده ام برای آینده هم رویه ام را عوض نخواهم کرد. حال اگر با این سوابق و شرایط قبول دارید پیشنهاد فرمائید... عکس العمل مثبت یا منفی در مجلس ندیدم. من تکرار کردم که غیر از آنچه بوده ام و

گفتم نخواهم بود ولی بر طبق اساسنامه شورای انقلاب حاضر به قبول خدمت و تشکیل دولت بخواست خدا هستم. سکوت و قبولی و اصرار مجدد آقایان روحانی شورای انقلاب و امام در برابر شرایط و اتمام حجت من باعث تعجبم شد و انتظار آنرا نداشتم. بعدها معلوم شد و آقای خامنه‌ای رئیس جمهور در یکی از مصاحبه‌های اخیر خود در دهه فجر اظهار کرده‌اند که شخص دیگری را نداشتم و خودمان هم در آن موقع نمی‌توانستیم. دوستان و من هم غافل از این بودیم که بعداً "چه معامله خواهند کرد و مرا بطور موقت برای جلب اعتماد مردم ایران و خارج و اعتبار انقلاب بعنوان نردبان قدرت در آنجا میگذارند و راه و برنامه‌های خودشان را گام بیگام دنبال خواهند کرد. مرحوم طالقانی توصیه کرده بود نپذیریم و فرموده بود این آقایان وفا و صفا نخواهند داشت ولی دوستان و خود من در چنان اوضاع و احوال وظیفه شرعی و ملی خودمان را میدانستیم که شانه از زیر بار مسئولیت خالی نکنیم.

بعد از این صحبت‌ها یا قبل از آن آیت‌الله خمینی راجع بعدم وابستگی حزبی و اینکه نخست وزیر و وزراء (و شاید اعضای شورای انقلاب) نباید عضو هیچ حزب باشند و تصور تمایل و تبعیت ایشان از هیچ گروه و حزب پیش نباید بیاناتی کردند. حاضرین متعجب شدند چون امر مسلم نخست وزیر انتخابی از نهضت آزادی بود. همین مطلب را آقای مهندس کتیرائی یا مرحوم مطهری عنوان کردند. آیت‌الله خمینی گفتند خوب، استعفا دهند... مرحوم طالقانی اشکال کردند که اگر بازرگان استعفا از نهضت بدهد همه میدانند که مؤسس و عضو علاقمند نهضت آزادی است. من اضافه کردم همینطوراند آقای طالقانی، بعلاوه وزرائی هم که باید انتخاب کنم اگر بسراغ احزاب و گروههای باقی‌مانده او زمان مصدق و مبارزین نروم کسی نمی‌ماند. بالاخره قرار شد کسانی که حزبی هستند از مسئولیت و اشتغال، فعالیت و مشارکت در حزب خود خودداری نمایند. (و فقط ما شش نفر نهضتی‌ها دقیقاً این شرط را رعایت کرده کلاه نهضت آزادی پس معرکه رفت!) .

برای صدور فرمان، آیت‌الله خمینی نکات اصلی را ذکر کرده گفتند خودتان

کناری نشسته عبارت آنرا تهیه نمائید. آقای مطهری کاغذ و مداد بدست گرفته با آقایان مهدوی کئی، هاشمی رفسنجانی و صدر حاج سید جوادی بیک طرف اطاق رفتند. دکتر سبحانی و دکتر یزدی هم به آن جمع اضافه شدند. من هم جلو رفتم.

هر یک تذکراتی برای مطالب فرمان میدادند، بدون آنکه اشکال و اختلاف عمده‌ای وجود داشته باشد و بالاخره با خواندن در جمع و استماع و تصویب امام متن فرمان بشرحی که شنیده یا دیده‌اید صادر شد. من سرم را برزیر انداخته صادقانه و صمیمانه دنبال اجرای این فرمان راه افتادم و آقایان متولیان شورای انقلاب هم بدنبال نقشه و کارهای انقلاب آنطور که فکر خودشان بود، رفتند.

این فرمان علاوه بر سند حکومتی و سیاسی بودن ارزش تاریخی و تحقیقاتی نیز دارد. ریرا که منعکس کننده خواسته‌ها و روحیه‌ها و برنامه عمل زمان پیروزی انقلاب در ذهن گردانندگان و رهبری انقلاب بود.

هم به لحاظ آنچه گفته شده است قابل توجه می‌باشد و هم بلحاظ آنچه گفته نشده است سپس مقایسه متن فرمان دولتی که امام آنرا دولت اسلام و امام زمان خوانده بودند با عدم همکاریها و یا مخالفتها و کار شکنیهائی که به فاصله یکماه پس از آن از همه طرف بعمل آمد قابل مطالعه می‌باشد. همچنین توقع‌ها و تعرض و تهمت‌هایی که بعد از استعفای دولت موقت مخصوصا در زمینه کارهایی که در فرمان نیامده بود براه افتاد (۱).

* * *

صبح روز دوشنبه ۱۶ بهمن ماه (یا شاید از روز قبل) تصمیم گرفته شد ابلاغ و اعلام نخست وزیر انقلاب همراه با تشریفات و تبلیغات صورت بگیرد تا همه در داخل و خارج مطلع شده پیروزی انقلاب و اخراج نظام گذشته تسریع گردد. این عمل عصر همانروز در یک جلسه مصاحبه مطبوعاتی بین‌المللی در سالن سخنرانی دبستان علوی بعمل آمد و در تلویزیون مدار

بسته‌ای که بعضی علاقمندان (آقایان مهندس پیرابنده و مهندس حیدری) زیر بار خطر آن رفته بودند در محله اطراف خیابان ایران ارائه شد که غیر منتظره و شادی بخش مردم بود.

* * *

وظیفه و مسئله‌ای که بلافاصله پیش آمد و کار بسیار دشوار در آن شرایط تاریخ و خطرناک محسوب میشد جستجو و تکلیف و تعیین وزراء بود. طبیعی است که کابینه نمی‌بایستی انحصار به نهضتی‌ها داشته باشد بلکه ائتلاف و اتحادی از همه مبارزین با شهامت و مخالفین با رژیم گذشته باشد که از سال ۱۳۲۵ باین طرف مسلمان و مبارز بودن خود را (همانطور که در فرمان بنده تأیید شده بود) خصوصاً "از ملی شدن نفت بعد نشان داده‌اند. در جمع شورای انقلاب بنده چهار شرط را عنوان کردم.

- ۱ - مسلمان عامل بفرایض.
- ۲ - سابقه مبارزاتی مشخص^(۱) و عدم همکاری سیاسی و تبلیغاتی با نظام شاهنشاهی.
- ۳ - حسن شهرت و شایستگی اخلاقی و اجتماعی و پذیرش شخصی و اداری در وزارتخانه مربوطه.

۴ - سابقه و آشنائی و صلاحیت اداری و فنی در وظیفه ارجاعی.

اولین اختلافی که در چارچوب شورای انقلاب با آقای دکتر بهشتی پیدا کردم بر سر شرط چهارم فوق بود و ایشان عقیده بخلاف آن و اکتفا کردن و ارجحیت دادن شرط سوم بهمه شرایط داشته میفرمود. می‌توانیم فقدان تخصص و صلاحیت و سابقه و تجربه را با انتصاب یک معاون جبران نمائیم. از ۱۵ بهمن تا ۱۲۸م، قسمت عمده‌ای از اوقات بنده به مشورت با همکاران (بیشتر با آقایان دکتر سجایی، صدر حاج سید جوادی، مهندس کتیرائی، مهندس صباغیان، و دکتر یزدی و تیمسار مسعودی) و با دوستان

۱ - در آن زمان هنوز صفت انقلابی بودن معمول چندان نشده و شاخصیت و انحصار پیدا نکرده بود.

و مطلعین خارج شوری و بالاخره دعوت و صحبت با نامزدها برای انتخاب وزراء می‌گذشت و مکرر از طرف اعضای شوری و علاقمندان و شخص امام پیرش و تاکید به تسریع و راهنماییهای مینسند. در یکی از روزهای اول رسیدند وزارتتی را هم برای آقای بنی‌صدر در نظر گرفته‌اید؟ گفتم بنده می‌ترسم به کسی که سابقه‌ی اداره یک مکتب خانه را هم ندارد وزارتخانه‌ای را بدهم. فرمودند من او را می‌شناسم و خوب است، عرض کردم بنده هم از زمانی که جزو دانشجویان جبهه ملی در دانشکده حقوق بودند آشنائی مختصر پیدا کرده‌ام و آنچه شاخص دیده‌ام این است که اهل همکاری نیست و هیچکس را قبول ندارد، و چون متقاعد نشدند اضافه کردم که اگر آقای مصلحت میدانید که بعنوان مشاور در شورای انقلاب از وجود آقای بنی‌صدر استفاده نمایید صاحب اختیارید ولی بنده شرعاً خودم را مجاز به سپردن یک وزارتخانه به ایشان نمی‌بینم ...

امر مسلم این است که علاوه بر خطرات و اشکالات و ابهامات حاکم بر محیط در آن زمان، چهار شرط مذکور در بالا بقدری دایره انتخاب وزراء را تنگ میکرد که اگر احساس وطیعه سرعی و ملی و آمادگی برای فداکاری در نامزدها وجود نداشت و وکل بحدا، بیگانه روزبه امید همه ما نبود به هیچوجه از عهده تنظیم لیست وزراء در آن مدت کوتاه بر نمی‌آمدم و این کار را بنده از مشکلترین و مهمترین توفیقای خود دانستم (۱).

یک کار دیگر غیر از جستجوی مسئولین جدید کلنجار رفتن با دولت و دستگاه حاکم بود که هنوز همه ندرتها غیر از سلب و خدا را در دست داشت و ما را بشوخی و فانوم بازی میگرفت.

بدیهی است که اقدامات و تذکرات بسا مشورت و صلاحدید آقایان

۱ - مردم با بصیرت و انصاف ایران، بعداً که خیلی از آنها از آسیاب‌ها ریخته و اسکالها و ابهامها رفع شده بود، ملاحظه و مقایسه کردند که دولت شورای انقلاب و دولتهای بعد از انتخاب رئیس جمهور و تشکیل مجلس درجه مدت و به چه ترکیب جور می‌شدند.

شورای انقلاب و تا حدودی همکاری آنان انجام میشد اصرار بر این بود که با تأسی برویه امام و القای تکلیفی که ابتدا به سربازان و ارتشیان و بعداً به کارگران و کارمندان و دست آخر به نمایندگان مجلسین کرده و خواسته بودند تعین اوامر شاه و نظام غاصب ننموده بطرف ملت و رهبری انقلاب بیایند و اعراض و استعفا نمایند، ما هم از رؤسای مجلسین و مقامات ارتشی و انتظامی و از دکتر بختیار و هیئت دولت میخواستیم که برای احتراز از هرگونه درگیری و ضایعات اعلام پیوستگی به انقلاب و امام و استعفا نموده مشاغل و ابواب جمعی خود را داوطلبانه تحویل دولت قانونی جدید دهند. تماسهای زیاد چه شخصاً و چه آقایان دکتر سحابی و مهندس امیر انتظام یا دوستان خارج شوری از جمله آقای دکتر سیاسی رئیس سابق دانشگاه با آن آقایان گرفتیم و به موفقیت‌های عمده‌ای رسیدیم. از آن جمله اعلامیه شورای عالی دفاع در خودداری سربازان و ارتش از مقابله با ملت بود. آقای دکتر بختیار هم در اوایل بهمن ماه اعلامیه‌ای در تلویزیون دایر به تجلیل و تمکین از امام خوانده و قرار بود به پاریس رفته ملاقات نماید و استعفایش را شخصاً خدمت ایشان بدهد که همان شب جریان دیگری در تهران علیرغم نظر آقایان شورای انقلاب پیشی گرفت...

روز جمعه ۵۷/۱۱/۱۹ در اولین فرصت بعد از انتصاب، ترتیبی با کمک دوستان نهضت برای صحبت عمومی با مردم داده شد و مناسبترین محل که انتخاب کردیم دانشگاه تهران بود. البته احتمال عدم موافقت و بلکه ممانعت و مزاحمت از ناحیه دولت میرفت که خوشبختانه چنین نشد و توانستند شبانه سیستم صوتی را نصب و منظم نمایند بطوریکه سخنرانی در هوای مساعد در بهترین شرایط و استماع کامل با بزرگترین جمعیت که تمام دانشگاه و خیابانهای اطراف را پر کرده بود به لطف خدا برگزار شد و آثار رضایت و بشاشت در چهره‌ها ظاهر بود. آن عده از همکاران شورای انقلاب مانند آقایان مهدوی کنی و هاشمی رفسنجانی و دکتر سحابی و صدر و کتیرائی که آمده بودند نیز راضی بوده آینده را امیدوار کننده دیدند. متن سخنرانی که روز بعد در روزنامه‌ها پخش شد نشانه دیگری از تسلیم

دستگاه و پیروزی جریان بود.

در این سخنرانی غرض اصلی من تماس عمومی آشکار با مردم، خروج بر ملت، ابراز وجود دولت انقلاب و بی اعتنائی بدولت در حال نزع و بر مدعا بود. ثانياً "اعلام برنامه و خط مشی دولت موقت، ثالثاً" گوشزد کردن اینکه توقع معجزه، پیمودن ره صد ساله در یک شب، تبدیل آسان و سریع ایران به گلستان، حل فوری و مطلوب مسائل و مشکلات و بالاخره انجام صحیح و کامل کارها را نباید داشته باشند و بهیچوجه قول نمیدهم که عدالت علی و قاطعیت خمینی را بکار بندم یا وزرائی که انتخاب خواهند شد مریم بافته و عیسی رشته بوده همگی صلاحیت و عصمت لازم را داشته باشیم بلکه تنها قولی که میدهم حسن نیت و قصد خدمت همراه با صداقت است.

دفتر کار و محل مشاوره و ملاقاتها در ساختمان دبیرستان رفاه بود که یک هیئتی بنام ستاد برگزاری استقبال از امام (از جمله آقایان مهندس توسلی مسئول تبلیغات، مهندس صباغیان مسئول برنامه ریزی، تهرانچی مسئول انتظامات، شاه حسینی مسئول تدارکات، دکتر مفتاح سخنگو، شیخ فضل الله محلاتی رابط روحانیت و مطهری سرپرست کمیته استقبال) آنجا را اداره و حفاظت میکردند. در حالیکه ازدحام فوق العاده و آمد و رفتهای همه جور در آنجا و کوچههای اطراف و خیابان ایران صورت میگرفت و دولت بختیار حاکمیت و رسمیت داشت خیابانهای تهران و بسیاری از شهرستانها بحرانیترین روزهای انقلاب را با شهادت و شهادت فراوان می گذراندند.

فرمانداری نظامی ساعت ممنوعیت عبور و مرور را ۴/۵ بعد از ظهر اعلام کرده بود که امام و دولت دستور خلاف آنرا دادند و بعداً " امام فرمودند خدعهای در کار بوده میخواستهاند در خلاء و سکوت شهر حمله نظامی کرده ایشان را دستگیر و اعدام نمایند و معجزه آسا بنظرشان آمده بود که حکومت نظامی را بشکنند. هرآن خطر حمله به محل میرفت و ما شبیه شب ۲۱ بهمن را به اتفاق آقایان دکتر سبحانی، دکتر یزدی، مهندس بنی اسدی، مهندس ابوالفضل بازرگان و ابوالفضل حکیمی و عده دیگری که خاطر من نیست

در آنجا ماندیم که دور از امام نبوده در ارتباط با ستاد برگزاری و حفاظت باشیم. صدای تیراندازی در سراسر شب قطع نمی‌شد و انتظار نزدیک شدن دشمن و جنگ دفاعی را داشتیم ولی صبح که روشن شد همه را بحمدالله سالم دیده روز ۲۲ بهمن ۵۷ با شکر و شادی زائدالوصف شاهد پیروزی انقلاب به فضل خدا و فداکاری مردم ایران شدیم.

دکتر بختیار و وزرا که جرأت حضور در وزارتخانه‌ها را نداشتند تسلیم نشده بودند.

بعد از ظهر دوشنبه ۲۳ بهمن بهمت بعضی از دوستان از جمله آقایان مهندس امیر انتظام، عباس رادنی و مرحوم اسمعیل افجه‌ای و با استقبال عده‌ای از کارمندان نخست وزیری در معیت آقایان مهندس صباغیان، دکتر یزدی به عمارت نخست‌وزیری رفته بصورت اداری و تشریفاتی آنجا را تصرف نمودیم و عملاً "از دولت بختیار خلع ید کردیم". بعنوان تشکل رسمی دولت اولین اقدام تعیین معاونین بود که فی‌المجلس تکلیف کردم و آنها پذیرفتند. آقایان مهندس صباغیان معاون نخست وزیر در امور انتقال، دکتر ابراهیم یزدی معاون در امور انقلاب و مهندس عباس امیرانتظام در امور اداری و روابط عمومی. دوپست و عنوان اول به سابقه و لازمه وظائف و شرایط انقلاب بود. یکی برای تبدیل تدریجی دستگاه قدیم و تعیین مسئولین جدید برای مؤسسات عمده و ادارات اصلی مانند شهربانی، شهرداری، شرکت نفت، شیلات، دانشگاهها، ذوب آهن، راه آهن، هواپیمائی و غیره و دیگری برای تداوم و نظارت و حفاظت انقلاب و تأسیس نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران و ارتباط با مقامات و مواضع انقلابی.

مطالعه و مشاوره و مصاحبه وزرا تا تعدادی که بشود کابینه را تشکیل داد بالاخره با تمام رسیده روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن از شوری درخواست تشکیل جلسه کردم برای اینکه فرصت و خلوت کافی برای بحث و تصمیم وجود داشته باشد جلسه همراه با ناهار در منزل آقای حاجی معینی یکی از تجار علاقمند آشنا با آقایان و ساکن یکی از کوچه‌های شرقی خیابان ایران تشکیل گردید. جلسه ساعتها طول کشید و روی نکتک نامزدهای پیشنهادی همه

آنها را همه آقایان شوری از سابق می‌شناختند بحث و انتقاد بعمل آمده چند تا، از جمله آقای دکتر اصغر حاج سید جوادی را بدلیل مطالب علیه روحانیت در یکی از کتابهای سابق خود رد کردند و هفت نفری بشرح ذیل از غربال حلاجی و تصویبشان گذشت: آقایان:

- ۱ - دکتر یدالله سحابی وزیر مشاور در طرحهای انقلاب.
- ۲ - احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور.
- ۳ - دکتر کریم سنجابی وزیر خارجه.
- ۴ - مهندس مصطفی کتیرائی وزیر مسکن و شهرسازی.
- ۵ - مهندس عباس تاج وزیر نیرو.
- ۶ - دکتر کاظم سامی وزیر بهداشت.
- ۷ - داریوش فروهر وزیر کار.

عصر آنروز خدمت آقا گرفته گزارش دادم. آیت‌الله خمینی رو به آقایان روحانی شورای انقلاب کرده گفتند من همه را نمی‌شناسم اگر شما از نظر شرعی شهادت به آشنائی و اعتماد و صلاحیت آنها میدهید و پیش خدا خود را مسئول میدانید من منصوب کنم. آقایان تأیید کردند و مبارکه باشد گفته و قرار شد احکامشان را بنویسم که آقا امضاء نمایند. فردا صبح بهمین ترتیب در نخست وزیری جمع شده خبرنگاران و عکاسها آمدند عکس و تفصیلات گرفتند و روزنامهها اعلام نمودند. عصر آنروز نیز در پیام تلویزیونی وزراء جدید و شروع کار دولت را به ملت اعلام نمودم.

بعدا" و در مدت کمتر از یکماه بتدریج لیست وزراء تکمیل و آقایان ذیل اضافه شدند:

- ۸ - مهندس یوسف طاهری وزیر راه.
- ۹ - علی اردلان وزیر دارائی.
- ۱۰ - دکتر علی محمد ایزدی وزیر کشاورزی.
- ۱۱ - تیمسار احمد مدنی وزیر دفاع (بعدا" تیمسار ریاحی).
- ۱۲ - دکتر شریعتمداری وزیر فرهنگ و آموزش عالی.
- ۱۳ - ناصر میناچی وزیر تبلیغات و جهانگردی (ارشاد اسلامی).

۱۴ - دکتر مبشری وزیر دادگستری .

۱۵ - دکتر رضا صدر وزیر بازرگانی .

۱۶ - دکتر شکوهی وزیر آموزش و پرورش .

۱۷ - مهندس علی اکبر معین فر وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و

بودجه .

۱۸ - دکتر محمود احمدزاده وزیر صنایع .

۱۹ - دکتر اسلامی وزیر پست و تلگراف .

بدیهی است که بقیه وزراء نیز اگرچه کمتر شناخته شده، کلیه اعضاء شورای انقلاب بودند ولی همه آنها بتدریج که نامزد و معرفی میشدند بقدر کافی بحث و پرسش بعمل میآمد حتی بعضی از آنها مانند آقای دکتر شکوهی در اثر مشورت و معرفی آقایان روحانی شوری انتخاب گردیده بودند . تنها در مورد تیمسار تقی ریاحی در شوری ایراد و اشکال شد و عدم آشنائی وجود داشت که آقای مطهری گفتند ما روی اعتماد مهندس بازرگان به ایشان راء می‌دهیم فقط در ترمیم ماههای آخر بود که بعضی از آقایان شوری ایرادهای فردی و قصد دخالت و دخل و تصرف در لیست وزرای پیشنهادی جدید ذیل (و بیشتر آقای فروهر را) داشتند که من پافشاری نموده گفتم آقایان بر طبق اساسنامه شوری و سنت پارلمانی مجلس میتوانند یکپارچه راء بدهند یا یکجا رد کنند که با اکثریت آراء تصویب کردند . وزرای جدید عبارت بودند از آقایان :

دکتر مصطفی چمران دروزارت دفاع بجای تیمسار تقی ریاحی ،

مهندس عزت‌الله سحابی در سازمان برنامه بجای مهندس معین فر ،

دکتر حسن حبیبی دروزارت فرهنگ و آموزش عالی بجای دکتر شریعتمداری ،

محمد علی رجائی کفیل وزارت آموزش و پرورش بجای دکتر شکوهی ،

دکتر علی اسپهبدی وزیر کار بجای داریوش فروهر .

و بالاخره داریوش فروهر وزیر مشاور یا وزیر سیار برای سرکشی دائمی

به استانها و توجه خاص به کردستان .

البته تغییرات جزئی دیگر و جابجائیهای نیز در آن فواصل در اثر

استعفای بعضی از همکاران پیش آمده بود (و بطور کلی استعفاها غالباً در اثر دخالت‌های افراد غیر مسئول کمیته‌ها یا انجمن‌های اسلامی و مقامات روحانی در کار وزارتخانه‌ها و ادارات و مسئولین مربوط بود که مستأصل و ناچار به کناره گیری میشدند) که با طرح و تصویب در شوری و فرمان امام صورت میگرفت. از جمله:

آقای دکتر ابراهیم یزدی در وزارت خارجه بجای آقای دکتر سنجابی.

آقای احمد صدر حاج سید جوادی در وزارت دادگستری بجای آقای

دکتر مشری.

آقای مهندس صباغیان در وزارت کشور بجای آقای صدر حاج سید

جوادی.

آقای مهندس معین فردر وزارت جدیدالتاسیس نفت برای در برگرفتن

شرکتهای ملی نفت و گاز و پتروشیمی.

بعد از تصویب و ترتیب ادغام نسبی دولت و شوری انقلاب که بمنظور

تسهیل همکاریها و مشارکت در مسئولیتها و تسریع در تصویبها و تصمیمات

انجام گرفت چون آقایان از قبول وزارت استنکاف داشتند قرار شد با حضور

در وزارتخانه‌ها و همچنین شرکت و حق رأی و مسئولیت در هیئت دولت

پستهای ذیل را داشته باشند:

آقای هاشمی رفسنجانی معاونت وزارت کشور.

آقای سیدعلی خامنه‌ای معاونت وزارت دفاع.

آقای دکتر جواد باهنر معاونت وزارت آموزش و پرورش.

آقای محمدرضا مهدوی کنی با سمت قبلی سرپرست کمیته‌های انقلاب،

در وزارت کشور.

از آقایان دکتر بهشتی و موسوی اردبیلی نیز مصراً خواهش شده بود

که بمنظور جلوگیری از تعارض دادگاههای انقلاب با دولت، وزارت یا لاقابل

معاونت دادگستری را همراه با سرپرستی دادگاههای انقلاب بپذیرند ولی

حاضر نشدند.

آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی در کمیسیون وزراء امنیتیه که

سرپرستی و مسئولیت کلیه امور انتظامی و جنگی و امنیتی از جمله گنبد و کردستان و خوزستان و مقابله با گروه‌های ضد انقلاب را بعهدہ داشت عضویت و نظارت و دخالت کامل داشتند. شورای دفاع نیز بدون اطلاع و مشارکت آقای خامنه‌ای تشکیل نمی‌شد و علاوه بر آن امور پاکسازی وزارتخانه‌ها برطبق لایحه قانونی مصوب شورای انقلاب زیر نظارت عالیہ یک کمیسیون نخست وزیری انجام میگرفت که آقایان موسوی اردبیلی و خامنه‌ای و دکتر چمران عضو آن بودند.

بعدها به دولت موقت حملات زیادی از نواحی مختلف شدہ ما را متهم به تعلق، سازشکاری، اشتباه و خیانت در دفاع از کردستان و مرزهای ایران و در مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب می‌نمودند در حالیکه اولاً هیچگونه تعلق و سازشکاری و خطای عمدی وجود نداشته با توجه به اطلاعات و امکانات موجود حداکثر مراقبت و تلاش و خدمت بعمل می‌آمد و ثانیاً آقایان شورای انقلاب بهیچوجه بیگانه و برکنار از جریانها و تصمیمات نبوده بسهم خودشان مطلع و مسئول کارها بودند ولی نه کسی به آنها ایرادی گرفت و نه آنها قیام به شهادت و دفاع از حق نمودند.

در کل مدت نه ماه دولت موقت با توسعه و تغییرهایی که در وزراء و مسئولین هیئت دولت داده شد ترتیب توزیع مجموع آنان را بر حسب پستها و گروه‌بندیهای سیاسی و اجتماعی میتوان در جدول ذیل بترتیب الفبا خلاصه نمود:

۱ - علی اردلان	دارائی	حزب ایران - جبهه ملی
۲ - محمود احمدزاده	صنایع و معادن	نهضت آزادی
۳ - علی اسپهبدی	کار	نهضت آزادی
۴ - علی محمد ایزدی	کشاورزی	مردم ایران سابق - جبهه ملی
۵ - مهدی بازرگان	نخست‌وزیری	نهضت آزادی
۶ - حواد باهنر	آموزش و پرورش	روحانیون شورای انقلاب
۷ - عباس تاج	نیرو	انجمن اسلامی مهندسين
۸ - مصطفی چمران	دفاع	نهضت آزادی

- ۹ - سیدعلی خامنه‌ای
- ۱۰ - محمدعلی رجائی
- ۱۱ - تقی ریاحی
- ۱۲ - کاظم سامی
- ۱۳ - عزت‌الله سبحانی
- ۱۴ - یدالله سبحانی
- ۱۵ - کریم سنجابی
- ۱۶ - علی شریعتمداری
- ۱۷ - غلامحسین شکوهی
- ۱۸ - هاشم صباغیان
- ۱۹ - رضا صدر
- ۲۰ - احمد صدر حاج سید جوادی
- ۲۱ - یوسف طاهری
- ۲۲ - داریوش فروهر
- ۲۳ - مصطفی کبیرائی
- ۲۴ - محمد رضا کنی
- ۲۵ - اسدالله مبشری
- ۲۶ - سیداحمد مدنی
- ۲۷ - علی‌اکبر معین‌فر
- ۲۸ - ناصر میناچی
- ۲۹ - علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی
- ۳۰ - ابراهیم یزدی
- از نهضت آزادی ایران جمعا" ۱۱ نفر یا ۳۶/۶% کل
- روحانیون شورای انقلاب
- آموزش و پرورش
- دفاع
- دفاع
- بهداری
- سازمان برنامه
- وزیر مشاور
- خارجه
- فرهنگ و آموزش عالی
- آموزش و پرورش
- کشور
- بازرگانی
- کشور- دادگستری
- راه
- کار- مشاور
- مسکن و شهرسازی
- کشور
- دادگستری
- دفاع
- سازمان برنامه
- نفت
- ارشاد
- کشور
- خارجه
- نهضت آزادی

از جبهه ملی و منفردین و ملیون دیگر ۱۱ نفر یا ۳۶/۶% کل
 از انجمن اسلامی مهندسين ۴ نفر یا ۱۳/۳% کل
 از روحانیون شورای انقلاب ۴ نفر یا ۱۳/۳% کل

عملکرد دولت موقت در طرف نه ماه عمر آن و سیاستها و برنامه های اجرا شده تفصیل و توضیحاتی دارد که قسمتی از آن در نشریات و کتاب جداگانه داده شده یا داده خواهد شد.

* * *

اعضاء و تشکیلات شورای انقلاب نیز تحولات و دورانیهای چهارگانه‌ای بشرح ذیل داشته است:

۱ - قبل از پیروزی انقلاب و تا تعیین دولت موقت در آخر بهمن ۵۷ (قبلاً" صورت آن در صفحه آمده است)

۲ - پس از خروج وزراء دولت موقت از شوری تا ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب در تیرماه ۵۸،
 آقایان:

طالقانی - مطهری - هاشمی رفسنجانی - دکتر بهشتی - مهدوی کنی - موسوی اردبیلی - دکتر باهنر - خامنه‌ای - تیمسار مسعودی - مهندس سبحانی - دکتر عباس شیبانی - بنی صدر - قطب زاده - مهندس موسوی دکتر پیمان - احمد جلالی .

۳ - پس از ترمیم کابینه و ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب تا استعفای دولت موقت در آبانماه ۵۸،

آقایان: طالقانی - دکتر بهشتی - هاشمی رفسنجانی - مهدوی کنی - موسوی اردبیلی - دکتر باهنر - دکتر شیبانی - بنی صدر - مهندس کتیرانی - مهندس سبحانی - قطب زاده - مهندس معین فر - دکتر رضا صدر - بازرگان .
 در این ترکیب بندی آقایان کتیرانی - سبحانی - معین فر - صدر بازرگان - مهدوی کنی - هاشمی رفسنجانی - خامنه‌ای و باهنر در هیئت دولت و در شورای انقلاب حضور داشته پیشنهادات و نظریات حاصله همیشه برخوردار از رأی اکثریت در هر دو محل بود.

۴ - بعد از استعفای دولت موقت تا تشکیل مجلس شورای اسلامی با ادغام کامل دولت و شورای انقلاب،
 آقایان: دکتر بهشتی - هاشمی رفسنجانی (وزیر کشور) -
 مهدوی کنی (وزیر کشور) - موسوی اردبیلی (بنیاد مستضعفین)
 - خامنه‌ای (معاونت وزارت دفاع) - دکتر باهنر (معاونت وزارت آموزش و پرورش) - بنی صدر (وزیر دارایی و بعد خارجه) - دکتر شیبانی (وزیر کشاورزی)
 - قطب زاده (وزیر خارجه) - مهندس سجایی (سازمان برنامه) - مهندس معین فر (وزیر نفت) - دکتر رضا صدر (وزیر بازرگانی) - مهندس بازرگان.
 سایر اعضاء دولت سمتی در شورای انقلاب نداشتند ولی در جلسه مشترک هفتگی دولت و شوری شرکت میکردند.

* * *

در زمینه روابط دولت موقت و شورای انقلاب، بطور کلی باید بگویم که در مقایسه با آنچه در انقلابهای دیگر دنیا جریان داشته است و با آنچه متداول اجتماعات ایرانی و ارگانهای شورائی دولتی و سیاسی خود این مملکت دیده میشود و معمول است رویهمرفته بصورت محترمانه و مثبت و صادقانه بوده است. در هیئت دولت نیز با وجود پاره‌ای اختلاف و تعارضها، فکر نمیکنم چنین تفاهم و همکاری صمیمانه در کابینه‌های گذشته ایران سابقه داشته باشد.

قدر مسلم این است که چه در زمان عضویت مؤثر خود مادر شورای انقلاب و چه بعد از جدائی یا ادغام دولت و شوری، همگی یکدیگر را می‌شناختیم و غالباً با سوابق مبارزاتی و همکاری دیرینه، اعتماد و احترام نسبی متقابلهای داشتیم. البته آن صداقت و وفای بعهد و صمیمیتی که ما گروه ملی و نهضتی، بخاطر مملکت و انقلاب در طبق اخلاص برای امام و شوری گذارده بودیم در طرف مقابل نمی‌دیدیم. آن آقایان بخاطر تداوم انقلاب، تسلط بر انقلاب یا تصرف مواضع قدرت دو راه متضاد در پیش گرفتند. از یکطرف برای عقب نیفتادن از قافله و گرفتن حره از دست چپ‌ها رفته رفته انقلابی‌تر و تندتر میشدند و از طرف دیگر (و البته بعقیده خودشان با

حسن نیت و بقصد خدمت) برگشت ارتجاعی به سنن دیرین روحانی و همبستگی و انحصارگری طبقاتی نموده تدریجا فاصله‌ها زیاد و همدردی و همکاری کم میشد و پس از استعفای دولت موقت از هم صدائی با انتقاد کنندگان و حملات دو پهلو دربر نداشتند.

برای ما بسیار دردناک بود با آنکه آقاییان در بسیاری از برنامه‌ها و اعمال مثبت با منفی دولت و حتی پیش از پیروزی انقلاب مشارکت یا نظارت داشته تصویب کرده بودند و در هر حال برطبق اساسنامه شورای انقلاب و بنا به تکلیف شرعی که امام یگردنشان گذارده بودند مسئول کارهای ما در خطوط اصلی بودند. در برابر حملات ناروا و اتهامات ناجوانمردانه علیه دولت موقت که ماه به‌ماه شدیدتر و وسیعتر میشد سکوت رضایتمندانه‌ای اختیار کرده احساس وظیفه وجدانی و شرعی برای دفاع از عمل مشترک و ادای شهادت بحق نمی‌نمودند.

مثلاً علاوه بر آنکه تک‌تک وزیران از غربال‌آشنائی و الک‌نقادی و تصویب قریب باتفاق آقاییان (منهای یک نفر) گذشته بود موقعی که بعضی مقالات و مقامات با سماجت خاص شخص بنده را بیاد تهمت و ناسزا گرفته می‌گفتند علی‌رغم فرموده امام و پس از آن اصرار به اصطلاح جمهوری دموکراتیک بجای جمهوری اسلامی داشته‌ام هیچیک از این یاران به مردم نگفت که در ماده اول اساسنامه شورای انقلاب تنظیمی خودمان و مصوب امام آخرین هدف شوری " ایجاد حکومت جمهوری دموکراتیک اسلامی " ذکر شده بوده است و اگر نخست وزیر منتخب ایشان در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود قبل از اعلام عنوان انحصاری " جمهوری اسلامی " از طرف امام دو واژه دموکراتیک و اسلامی را مترادفاً و متعاقباً بکار می‌برده است تا‌ئسی و تا‌ئیبید مصاحبه‌های مکرر معظم‌له با خارجیان در نجف و پاریس بوده است. سیاست گام بگام نیز عین متن و محتوای فرمان امام بوده است. همینطور سیاست خارجی دولت با ابرقدرتها، که بر مبنای موازنه منفی و برقراری روابط دوستانه عادی بشرط احترام متقابل و حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی قرار داشت، پس از چند جلسه بحث و بررسی در شورای انقلاب وبدون

آنکه کمترین ایرادی ابراز شده یا کسی گفته باشد که با آمریکا باید قطع رابطه و اعلام خصومت نمود به تصویب رسیده بود... .

از نشانه‌های حسن نیت و تلاش صادقانه دولت موقت همین بس که وقتی دیدیم مراکز تصمیم‌گیری کشور در ترابرد است و نهادها و مقاماتی که سرپرستی آنها بعضی از آقایان واگذار شده است ایجاد تشنگی و تعارض و حداقل تأخیر و اشکال در وظائف محوله بدولت می‌نماید پیشنهاد و اصرار نمودیم که دوگانگی و فواصل از میان رفته دخالت‌های متفرقه که خارج از قلمروی امام و نظارت شورای انقلاب باشد موقوف گردیده دولت و شورای انقلاب زیر رهبری عالی‌امام یک کاسه شوند (قبلاً " هم طی نامه ۵۸/۲/۱۵ گزارش جامعی در همین زمینه داده بودیم که متحر به ادغام نسبی دولت و شورای انقلاب شد) و ما وقتی می‌دیدیم که جو و شرایط حاکم در روز پیروزی انقلاب و صدور فرمان نخست وزیر خیلی عوض شده یکپارچگی و وحدت که شرط بدیهی مدیریت است به گستردگی و کثرت مبدل شده است و از ناحیه بعضی از آقایان و روحانیت و نهادها انواع تفرقه و تداخلها بعمل می‌آید دو راه در پیش داشتیم . یکی مجادله و مخاصمه برای احراز قدرت انحصاری، و دیگر خود را در اختیار امام گذاردن و پیشنهاد همکاری و همگامی بیشتر کردن . این طرح عملی گردیده بعضی از آقایان روحانی شورای انقلاب وارد در هیئت دولت شده تا حدودی از تعارض و تأخیرها کاسته شد و چون مشکلات و پیچیدگیهای انقلاب و خطرات روز افزون سرعت تصمیم، و توافق و تسلط خیلی بیشتری را ایجاب می‌نمود در اواخر مهر ماه ۵۸ هشدار داده تقاضای وحدت تشکیلاتی دوارگان اصلی یعنی دولت و شورای انقلاب را کردیم که از طرف آقا پذیرفته شد ولی مواجه با سردی و استقبال کند گردیده آقایان قبول مسئولیت اجرائی اعضاء شوری را نمی‌کردند در حالیکه دخالت‌ها و مزاحمتها ادامه داشت باین ترتیب و قبل از حمله به سفارت آمریکا بخاطر مصلحت انقلاب و جمهوری اسلامی دولت تصمیم به استعفا گرفته بود نامه ذیل را خدمت امام فرستادم :

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام روح الله الموسوی الخمینی

دامت برکاته .

با کمال احترام معروض میدارد ، پیرو توصیه‌ها مکرر گذشته و نظر به اینکه دخالتها ، مزاحمتها ، مخالفت و اختلاف نظرها انجام وظایف محوله و ادامه مسئولیت را برای همکاران و اینجانب مدتی است غیر ممکن ساخته و در شرایط تاریخی حاضر حیات مملکت و بتدریج رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی‌باشد بدینوسیله استعفای خود را تقدیم میدارد تا به نحوی که مقتضی میدانید کلیه امور را در فرمان رهبری بپذیرد یا داوطلبانی را که با آنها هماهنگی وجود داشته باشد مأمور تشکیل دولت فرماید .

با عرض سلام و دعای توفیق

مهدی بازرگان - ۵۸/۸/۱۴

باین ترتیب پرونده‌ای که در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ با روشنی و صراحت و صداقت و با شروط و خطوط مشخص ، بقصد خدمت به ملت ، در راه خدا و با توکل باو گشوده شده بود نه ماه بعد در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ در شرایط و خواسته‌های دیگر ولی باز هم با همان روشنی و صراحت و صداقت و حسن نیت بسته شد . خدا را شکر می‌کنم که دعا و پیمانی که در سخنرانی ابتدائی دانشگاه تهران با خدا بسته و گفته بودم " رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعلنی من لدنک سلطانا نصیرا " تحقق یافت .

روابط دولت موقت با امام

در هفته‌های اول ترتیب و قرار مشخصی نداشت زیرا که کار خودمان روی غلطک نیافتاده بود و طبق اساسنامه شورای انقلاب تنها خط مشی کلی و اصول سیاست دولت می‌بایستی از طرف رهبری انقلاب تعیین گردد ولی

بزودی ضروری دیدیم که برای احتراز از سوءتفاهم‌ها و افتراق‌ها تماس مستقیم بیشتر و ارتباط منظم داشته باشیم. هفته‌ای یکروز قبل از ظهر بطور تقریباً دسته جمعی به قم میرفتیم. علاوه بر آن در مواقع لازم بتهائی یا باتفاق بعضی از همکاران خدمتشان میرسیدم. در این ملاقاتها غالباً آقای احمدآقا خمینی حضور همکاری داشتند.

منظور از جلسات مزبور و ملاقاتهای قم اولاً "دادن گزارش و دریافت نظریات و رهنمودهای ایشان نسبت به امور مهم انقلاب و مملکت بود و بنابیک اصل بدیهی مدیریت و سیاست اصرار کرده بودیم که چنانچه ایراد و اوامری داشته باشند قبل از هرگونه اعلام یا اقدام بخود ما بگویند. ثانیاً "مسائلی پیش می‌آمد که از جنبه شرعی و فقهی یا بخاطر سیاست کلی انقلاب احتیاج بنظر ایشان داشتیم. از قبیل بهره و درآمد بانکها و ملی کردن آنها، مصادره‌ها و اعمالی که دادگاهها و بعضی کمیته‌ها میکردند، عفو عمومی ملی و دلگرمی ارتشیان و کارمندان، روابط خارجی با ابرقدرتها و همسایه‌ها، اراضی شهری و کشاورزی، مبارزه با مواد مخدر، حوادث ناگوار گنبد و کردستان و مرزها... ثالثاً "استعداد از رای و پشتیبانی معنوی و رهبری معظم‌له در مشکلاتی که پیش می‌آمد یا ابتکارها و اقداماتی که دولت لازم میدید. مانند دخالتهای افراد کمیته‌ها و دادگاهها، تجاوز به آثار باستانی و عتیقه‌ها، توقعات غیر قانونی نامعقول کارگران، تحریکات داخل کشاورزان، مبارزه با گرانی و تورم و بیکاری و غیره.

امام نیز بعضی اوقات سفارش و تأکیدهائی برای مستضعفین یا تسریع در تدوین قانون اساسی و اجرای احکام شرعی داشتند و گاهگاه شکایات یا اتهامهائی که علیه افرادی از رؤساء و مسئولین میرسید بما ارجاع کرده خواستار تحقیق یا تغییر میشدند.

بطور کلی ارتباط فیما بین منظم و مستمر و مثبت بوده معظم‌له را در جریان کلی امور می‌گذاریم، مخصوصاً مهمات و مسائل حساس جنگی یا سیاست با اطلاع و تصویب یا دستور انجام میگرفت. البته اگر مصلحت‌هایی بنظرمان می‌آمد یا اختلاف نظرهایی داشتیم از روی صفا و صراحت بنا به

احساس مسئولیت اظهار میکردیم ولی هیچگاه نه چیزی را مستور میداشتیم و نه تحریف و فریب و تملق در کارمان بود. در مواقع فوق‌العاده و ضرورت و هر چند ماه یکبار اعضای دولت و شورای انقلاب متفقا" به حضورشان میرسیدیم.

روابط دولت موقت با مردم

دولت موقت برای خدمت بمردم ایران آمده بفکر مردم و در میان مردم بود و علاوه بر تعاسهای حضوری مستقیم هر یک از وزراء و شخص اینجانب مصاحبه و سخنرانیها و پیامهای تلویزیونی عمومی منظم داشتیم که استماع و استقبال فراوان میشد و آنها را آموزنده و امیدوار کننده و مؤثر میدانستند. در برخورد های شهری و بازدید شهرستانها و مؤسسات مواجه با ازدحام صمیمانه، انبوه مردم محل و شاهد انبساط چهرهها شده کاملا احساس علاقه و اعتماد متقابل می نمودیم. اما با همه اینها یکی از اشتباهات ما این بود که بگفته همکارمان دکتر یزدی آدمهای بیشتر اداری و خدماتی بودیم تا سیاسی و تبلیغاتی. به مسئله تماس و تفاهم و تاثیر روی افکار خصوصا" جوانان انقلابی و داغ کمتر اهمیت میدادیم و صرف وقت میکردیم تا روی امور و مشکلات کشور و وظائف اداری و اقتصادی و نظامی و امنیتی و فرهنگی گوناگون که فرمان امام و مسائل روز افزون انقلاب بدوشمان گذارده بود.

بعلاوه - داستان باور نکردنی استثنائی - دولت موقت انقلاب اسلامی ایران منتصب رهبر آن دست و زبان بسته‌ترین حکومت انقلابی روی زمین بود!

روزنامه‌های کثیرالانتشار سابقا" دولتی، اسما" در اختیار نهادهای خارج از قلمروی دولت و عملا" در دست کارکنان چپی - ساواکی انقلابی نما بود و در حالیکه نهضت آزادی بنا به تعهد روز - انتصاب نخست وزیری، خودداری از انتشار ارگان حزبی داشت روزنامه‌های حزبی چپی یا اسلامی و شخصی تازه درآمده، تبلیغات مخالف یا نامساعد علیه ما داشتند. و همچنین است

منابر و مساجد و نمازهای جمعه که نهاد تربیتی تبلیغاتی نیرومند مخصوص حکومت اسلامی بوده حالت انحصاری داشت و یکی از مراکز تصمیم‌گیری جدای از دولت و احیانا مقابل آنرا تشکیل میداد. مهمتر و زیانبخش‌تر از همه رادیو تلویزیون قانونا "دولتی بود که نه تنها نقش سخنگویی و تبلیغ و اجرای برنامه‌ها و سیاست دولت (قانونی واجب الاطاعه امام رمان) را ایفا نمیکرد بلکه متصدی آن خود را شخصیت مستقل مدعی وزراء و متکی به امام دانسته گردانندگان قدیم و جدید نیز برای خود طرز تفکر و تلقی‌های خاص داشته و در مجموع و مخصوصا " در اواخر ایام دولت موقت از کارشکنی و تبلیغات سوء دریغ نمی‌ورزیدند، ضمن آنکه امام در آن زمان بمنظور احتراز از بروز دیکتاتوری در مملکت، مخالف با تجزیه قدرت نبودند.

بطور کلی عامه مردم و طبقات ملی و مسلمان مملکت، نسبت به دولت موقت، با قبول اخلاص و عقاید آن، تفاهم و تمایل داشتند ولی اقلیت گروه‌های چپی و التقاطی ما را خصمانه می‌کوبیدند و از طرف دیگر جوانان انقلابی افراطی که عشق و عقده‌های سالهای قبل از پیروزی و تأثیرات مارکسیستی به تحریک و تعجیلشان واداشته و انقلاب و انقلابی بودن برایشان اصل و هدف بود، گوششان به این حرف منطقی که مأموریت و برنامه دولت موقت بر طبق فرمان امام مرحله بمرحله و انتقالی بوده نباید انتظار حرکات خارج از نظم و مصوبات و تندی انقلابی را از ما داشته باشند، بدهکار نبود. غیر از این دو دسته افراد تشنه مقام نیز وجود داشتند که شرط اول توفیق خود برای احراز کرسی ریاست جمهوری را برداشتن رقیب مسلم و بدنام و خفیف کردن دولت موقت میدانستند. گروه روحانیت نیز معتقد و مصمم بحقانیت و حاکمیت انحصاری خود بوده ضروری میدانستند که هر حزب یا فرد و فکر شاخص را از میدان خارج سازند. ضمن آنکه در تمام این احوال و اوضاع و در همه انقلابها و امتهای مسائل انسانی و اجتماعی رقابت و حسادت و احراز قدرت و سیاست نقش طبیعی خود را فراموش نمی‌کند. نکته‌ای که ما روی خلوص و صداقت غافل از آن بودیم.

والله العزيز الحكيم

سیمای دولت موقت

در پنج سند

از ولادت تا رحلت

بسمه تعالی

خواننده عزیز

بیش از دو سال از استعفای دولت موقت میگذرد. در این مدت انقلاب اسلامی ما فراز و نشیب‌های فراوان داشته و با مشکلات عدیده روبرو بوده است علی‌رغم تعدد مراکز تصمیم‌گیری کنونی که موجب شکایت و استعفاء دولت موقت گشت این مراکز در اتخاذ تصمیم و حمله به دولت موقت هم آهنگند. با آنکه دولت موقت، بتوصیه، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی دولتی نهضتی نبوده است، دست اندرکاران و افراد غیر مسئول هر جا صلاح خویشان ببینند، لبه تیز حملات خود را متوجه نهضت آزادی ایران نیز ساخته و با یک حرکت، دولت موقت و نهضت آزادی را ذبح شرعی می‌نمایند. علاوه بر این، گروه‌های شناخته شده دیگری همچون "توده نفتی‌ها" نیز در این حمله شرکت می‌جویند، تا از ثواب این قربانی بی‌سپهره نمانند.

سوالی که مطرح است اینست که آیا حمله به دولت موقت مشکلات کنونی کشور را از قبیل جنگ، گرانی، رکود اقتصادی، بیکاری عدم امنیت، تروریسم و غیره ... را مرتفع خواهد ساخت؟ آیا این مشکلات مولود نه ماه حکومت دولت موقت بوده است؟ انگیزه و هدف این حملات چیست؟ متأسفانه در شرایط کنونی کشور، پاسخ دادن به این سئوالها و یا خنثی ساختن تبلیغات وسیع صدا و سیما، جمهوری اسلامی، روزنامه‌ها، مقالات و ... علیه دولت موقت و نهضت، برای ما ممکن نیست، در عین حال، از آنجا که رئیس دولت موقت از بنیانگذاران و برخی از وزراء از اعضاء نهضت آزادی ایران بوده اند، روابط عمومی نهضت به تکثیر پنج سند ضمیمه اقدام می‌نماید.

در پایان دوست و دشمن را به تعمق در این گفتار نغز الهی " تلک امه قد خلت لها ما کسبت ولکم ما کسبتم" (بقره ۱۳۴) (۱) دعوت کرده، هدایت همگان را از خدای بزرگ مسئلت می‌نمائیم.

والعاقبه للمتقین

روابط عمومی.

نهضت آزادی ایران

۶۵/۱۱/۲۸

۱ - این گروهی است که رخت بریست، خوب و بد اعمالش بعهده خود اوست، شما نیز مسئول خوب و بد رفتار خود هستید.

متن حکم انتصاب نخست وزیر دولت موقت توسط رهبرانقلاب اسلامی
بسم الله الرحمن الرحيم

۹۹/۱ع/۶

۵۷/۱۱/۱۵

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

بنا به پیشنهاد شورای انقلاب بر حسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آراء اکثریت قاطع قریب باتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت برهبری جنبش ابراز شده است. و بموجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما به مکتب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی دارم جنابعالی را بدون درنظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً "انجام رفراندوم و رجوع بآراء عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور بجمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید. مقتضی است که اعضاء دولت موقت راهر چه زودتر با توجه به شرائطی که مشخص نموده‌ام تعیین و معرفی نمائید. کارمندان دولت و ارتش و افراد ملت با دولت موقت شما همکاری کامل نموده و رعایت انضباط را برای وصول باهدف مقدس انقلاب و سامان یافتن امور کشور خواهد نمود موفقیت شما و دولت موقت را در این مرحله حساس تاریخی از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

روح الله الموسوی الخمینی

پاسخ آقای مهندس بازرگان به امام پس از دریافت حکم نخست وزیری دولت موقت .

بسم الله الرحمن الرحيم

و کم من ثناء جميل لست اهلا " له نشرته

خدای بزرگ را شکر میکنم که چنین اعتبار و حسن شهرتی را که به هیچوجه اهلیت و لیاقت آنرا نداشته‌ام بمن ارزانی داشته و همین موهبت الهی باعث شده است که آیت‌الله ابراز اعتماد و ارجاع چنین مأموریتی را به بنده عنایت فرموده‌اید و همچنین تشکر از ملت ایران میکنم که آیت‌الله مکرر تصریح فرموده‌اید که بنام ملت، همصدای با ملت و برای ملت گامها و صداهای خود را برداشته و بلند کرده‌اید. این مأموریت یعنی ریاست دولت موقت و تشکیل حکومت در شرایط بسیار دشوار خطرناک عظیمترین شغل و وظیفه و در عین حال بزرگترین افتخاری است که به بنده واگذار شده و شاید حق داشته باشم بگویم دشوارترین وظیفه و کاری است که در طول تاریخ هفتاد و دو ساله مشروطیت ایران به نامزدها و مأمورین نخست وزیرهای دیگر داده شده است. قاعدتا " با توجه به جثه ضعیف و نواقص و معایب خودم نمی‌بایستی قبول این مسئولیت را کرده و زیر بار چنین امری رفته باشم ولی از یک طرف بنا به ضرورت و وظیفه و مسئولیت طبیعی و انتظاری که داشته‌اند ناچار شدم که قبول کنم و مخصوصا " با تأسی به رویه و سنتی که خود آیت‌الله در سراسر این دوره و رهبری جنبش داشته‌اید و با عزم راسخ و با ایمان کامل به خدا و اعتماد به موفقیت این راه رهبری فرموده‌اید، منم همین راه را انتخاب میکنم و این اولین درس و اولین دستوری است که از آیت‌الله گرفته‌ام و فرمایش حضرت امیر، علی‌این ابیطالب را بکار می‌بندم که فرموده‌اند وقتی در برابر امر خطیر و کار مشکلی قرار گرفتید وارد شوید، بحول و قوه الهی مشکلات و مسائل حل خواهد شد. بنابراین با امید به خدا، امتنان از آیت‌الله و انتظار از ملت ایران و ملت جهان، این مأموریت و خدمت خطیر را قبول و تعهد کردم و برای مخاطرات و

زحماتش آماده‌ام و تا آنجا که مربوط به بنده باشد منتهای کوشش و نهایت دعا را برای موفقیت و انجام خدمت در راه ملت عزیز مسلمان ایران خواهم کرد.

ولاحول ولاقوه الا بسالله العلی العظیم

بعد از ایراد جوابیه مهندس بازرگان .

دعوت امام از مردم برای اظهار نظر در مورد دولت اسلامی آقای

مهندس بازرگان .

من بعد از تشکر از ملت ایران که در این مدت‌های طولانی در رنج و زحمت بودند و با دادن خون خودشان برای اسلام خدمت کردند، مطلبی را که می‌خواهم بعرض ملت برسانم اینست که نظر خودشان را راجع به دولت آقای مهندس بازرگان، که الان یک دولت شرعی اسلامی است اعلام کنند. هم بوسیله مطبوعات و هم به تظاهرات آرام در شهرها و دهات و در هر جایی که مسلمان هست، نظر خودتان را راجع به دولت اسلامی آقای مهندس بازرگان اظهار کنید.

بازرگانان نخست وزیر حکومت انقلابی

رئیس سازمان سیا اعتراف کرد :

ناکامی «سیا»
در ایران

اطلاعات
روز شمار انقلاب
مؤسسه اطلاعات

مؤسسه ۱۱ بهمن ۱۳۶۶ - شماره ۱۳۶۶

عصر امروز امام خمینی در مصاحبه
نود مطالب اساسی را عنوان خواهند کرد
احتمالا اسامی اعضای شورای انقلاب و نقش
وزیر دولت موقت اعلام خواهد شد

سپیده اطلاعات

روز شمار انقلاب

اطلاعات

شماره ۱۷ پهنه ۱۳۵۷ - شماره ۱۳۷۸



مقام مسئول در کارخانه صنایع نساجی خراسان و آقای بهمنی در جلسه بازرگان و معلمان
مدرسه حکومتی در کلاس نظامی معلمان مبارک.

تظاهرات عظیم به پشتیبانی از بازرگان

امروز سیل جمعیت
در کشور یکصد
فریاد میزد:

بازرگان، بازرگان
حکومت مبارک



روز شمار انقلاب

ضمیمه اطلاعات

اطلاعات

پنجشنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷ - شماره ۱۵۷۸۰

مردم به بازرگان رأی اعتماد دادند



گروه
یادی از
همافران
بالباس
ظلمی
نرواه
بیمالی
نرکت
نردند

توسعه و آبادانی

متن گزارش دولت موقت به رهبر انقلاب اسلامی و شورای انقلاب

بسمه تعالی

۵۸/۲/۱۵

حضرت آیه‌الله العظمی امام روح‌الله الموسوی‌الخمینی مدظله العالی
شورای محترم انقلاب اسلامی

در آستانه سومین ماه عمر دولت موقت با توجه بمشکلات روز افزون و حوادث متواتر مخصوصاً "ضربات ترور اخیر و همچنین ناراضی‌نمایی عمومی، هیئت دولت جلسه فوق‌العاده‌ای در روز جمعه ۵۸/۲/۱۴ تشکیل داد تا به بررسی مسائل و چاره جوئی خطرات و ضرورتها بپردازد.

قسمتی از موضوعات و نتایج مذاکرات را مربوط به وظائف خود دانست که در باره هر یک اقدام خواهد شد و قسمتهائی را در ارتباط با مقام رهبری و شورای انقلاب دید بطوریکه بدون توافق نظر و همراهی آن مقامات عالیقدر خروج از بن بست‌ها و مخاطرات موجود میسر نخواهد بود.

تقاضا داریم این نامه را بعنوان یک هشدار و استمداد که از ناحیه دولت مسئول در جهت ایفای وظائف محوله نوشته شده است تلقی فرمایند و توجه عاجل و کامل به آن مبذول دارند.

ذیلاً "فهرست‌وار به ارائه موضوعات و تجزیه و تحلیل جریانات پرداخته و در پایان درخواستها و پیشنهادهائی تقدیم میداریم.

بدیهی است که غرض نه شکایت و انتقاد از شخص و مقامی است و نه میخواهیم خدمات و فداکاریها و ارزشها را نادیده گرفته و محقر بشماریم. منظور جستجوی راه حلهای عملی و ضروری برای پیروزی بر دشمن غدار و رسیدن هر چه زودتر و راحت‌تر به جمهوری اسلامی مطلوب، بحول و قوه الهی و با توجه به واقعیات و عوامل مؤثر در کار میباشد.

الف) مأموریت و برنامه دولت

در ابلاغ اولیه مورخ ۵۷/۱۱/۱۵ مأموریت اصلی و کلی دولت به شرح

زیر تعیین شده بود:

۱ - ترتیب اداره مملکت

۲ - انجام رفراندوم

۳ - تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی نظام جدید

۴ - انتخاب مجلس نمایندگان برای تعیین دولت قطعی جمهوری اسلامی

از این چهار فقره ماده ۲ بحمدالله با حداکثر موفقیت و جمعیت در

تاریخ ۵۸/۱/۱۵ انجام گردید. نسبت به ماده ۳ شورای طرح‌های انقلاب

قانون تشکیل مجلس مؤسسان را آماده ساخته است و مشغول تنظیم طرح

پیشنهادی قانون اساسی جمهوری اسلامی برای تأیید شورای انقلاب و طرح

در مجلس مؤسسان که برای تشکیل آن اقدام لازم صورت خواهد گرفت میباشد.

ماده ۴ نیز قهراً" موکول به اجرای ماده ۳ خواهد بود.

اما ماده ۱ که خود شامل سه مرحله زیر:

۱- خلع پد از دولت غاصب و تصرف دولت

۲- براه انداختن دولت و بگردش درآوردن فعالیت‌های مملکت.

۳- اداره دولت و جوابگویی به نیازها و پیش آمدها بود.

مرحله اول آن بخواست خدا آسانتر از آنچه تصور میشد انجام گرفت ولی

بصورت دولتی و دستگاهی متلاشی شده.

مرحله دوم نیز بفضل خدا و دستور امام و حسن اجابت مردم در مدت

کوناهی شروع گردید و بتدریج تعمیم و تحرک پیدا میکند.

مرحله سوم در عین اینکه دچار توقف و تعطیل نگردیده است در عمل

توأم با مسائل و مصائب فراوان میباشد، مسائل و مصائبی که از یک طرف

حاصل میراث گذشته است و از طرف دیگر نتیجه مشکلات و توقعات فوق‌العاده

که در بند "ب" به آنها اشاره خواهد شد.

ب) پدیده‌های اضافی و بعدی

دولت و مملکت بلافاصله پس از شروع کارها مواجه با دو پیش آمد یا

پدیده گردیدند که تقریباً غیرمترقبه بود و با شدت و وسعت هر شتاب خود

برنامه اولیه دولت و وظیفه مثبت تدارک و سازندگی را تحت‌الشعاع قرار

داده کسریها و مشکلات فراوان ببار میآورد.

این دو پیش آمد یا دو مانع بزرگ یکی پدیده ضد انقلاب است که از

دشمنان شکست خورده داخل و خارج سرچشمه می‌گیرد و دیگری پدیده ضد دولت است که از خود دولت و از دوستان و ملت ناشی میشود.

۱ - پدیده ضدانقلاب

پدیده ضد انقلاب تحریکاتی است که پایه‌های داخلی آن عمال و ایادی شاه، احزاب و گروه‌های منحرف یا مأمور هستند و سرخ‌های خارجی آن اولاً "خودشاه و اطرافیان فراری‌اورا باید بشمار آورد و ثانیاً "صهیونیسم و دستگاههای جاسوسی بین‌المللی ابرقدرت‌های شرق و غرب.

اولین تظاهر پدیده فوق تبلیغات حساب شده و کارشکنی‌های گروه‌های کم جمعیت ولی متحرک و فعال چپ‌گرا است که در کلیه قیامها و اقدامات حق طلبانه ایران خار راه ملت و خدمتگزاران بوده‌اند. همچنین برنامه‌های تصرف اسلحه، انحلال ارتش و نیروهای انتظامی، تحریک دانشجویان و کارگران علیه مدیریت و مسئولیت در مؤسسات مربوطه و بالاخره مقالات و انتقادات مغرضانه در روزنامه‌های تحت کنترل و بهانه جوئیها و توطئه چینی‌ها و درگیریهای خونین کردستان و گنبد و نرده توأم با سرازیر شدن سیل اسلحه و خلع سلاح پاسگاهها و تصرف پادگانها که براه افتاد. مزید بر آنها همگی شاهد تجمع و تظاهرهای دستجات مختلف کارگر و کارمند و محصل و خانمها و تجاوزیه زمینها شدیم و متعاقب آنها تهاجم به ادارات و تحصن‌ها همراه با توقیف و تهدید مدیران صورت میگرفت. ارمغان آخر ترورهای ناجوانمردانه و شایعات تضعیف کننده است که براه افتاده.

۲ - پدیده ضد دولت یا عوامل تضعیف دولت

علیرغم عقیده و اعتماد و پشتیبانی اکثریت سنگین ملت نسبت به انقلاب اسلامی ورهبری و دولت منتخب یک سلسله علل و عوامل در ظرف سه ماه گذشته بروز کرده است که انقلاب را مواجه با انحرافها و دولت را برای انجام وظائف واجب و دشوار ناتوان ساخته است.

علل و عوامل مزبور در درجه اول ناشی از سرعت و عظمت انقلاب و از کثرت فوق‌العاده مسائل و ابتلاها است و در درجه دوم مربوط به نقاط ضعف و اختلافات و اشکالاتی میشود که در روش کار و در سیستم مدیریت

و برخورد با ملت، با وجود همه حسن نیتها و قصد خدمت و فداکاریها
عرض اندام می‌نماید، از قبیل موارد زیر.

۱ - ۲) پارامی نارسائی‌ها و کمی صلاحیت و ظرفیت‌ها در هیئت و
دستگاه دولت.

۲ - ۲) انتظارات عجولانه و همه جانبه مردم و مقامات

۳ - ۲) فشارهای طاقت فرسا و خواسته‌های ناهجا.

۴ - ۲) ضعف تبلیغات.

۵ - ۲) حالت انتقام و آثار دادگاه‌های انقلاب.

۶ - ۲) تعدد مدیریت و تفرقه مسئولیت.

نسبت به شش مورد یا شش عامل فوق ذیلاً "مختصر توضیحی داده
میشود:

۱ - ۲) نارسائیها در هیئت دولت

دولت اقرار دارد که به تناسب وسعت و عظمت کار و موقعیت که
می‌بایستی در انتخاب وزراء و متصدیان شرایط ایده آلی رعایت گردد
نتوانسته‌ایم با وجود حداکثر تلاش و توان عناصر کامل جامع مسلط و جواگوی
خواسته‌ها باشیم.

از طرف دیگر دستگاه دولت که وارث دوران طاغوتی با همه سنگینی‌ها
و پیچیدگی‌های درونی و تضعیف یافته در اثر چندین ماه اعتصاب و تعطیل
کلی شده است قسمت‌های عمده آن یعنی ارتش و نیروهای انتظامی از هم
گسیخته و ناتوان شده است. ضمن آنکه چاره و وظیفه‌ای جز بکار انداختن
و بکار بردن آن با استفاده از همکاری نیروی عظیم مردم با ایمان نداریم،
این دستگاه متأسفانه نتوانسته و هنوز نمیتواند از عهده آنچه باید برآید.

۲ - ۲) انتظارات عجولانه و همه جانبه مردم و مقامات

این انتظارات بار مافوق الطاقه‌ای بود که بدوش ما گذارده شد.

مردم به‌هوی آنکه استبداد و استعمار از میان رفته و دولت ملی اسلامی
روی کار آمده است اولاً "انتظار داشته و دارند که انقلاب قاطع کامل
مطلوبشان فوراً تحقق یافته هیچگونه ناعدالتی، ناکفائی، ناداری یا ضعف و

عیب و ایراد از هیچ بابت نبینند، تمام تبعیض‌ها، محرومیت‌ها، ستم‌ها و فسادها که هزاران سال در پهنه مملکت و در اعماق ملت و دولت ریشه دوانده است در ظرف چند روز و چند ماه رفع شده باشد.

تصورناپخته دیگر این است که دولت موقت بر سرگنج قارون نشسته، برخوردار از معجزه موسی و نفس عیسی بوده همه کمبودها و دردها را می‌تواند بیک کرشمه دوا کند. کارگران و کارمندان می‌خواهند نه تنها تمام و کمال دستمزد و پاداشهای گذشته را بگیرند بلکه اضافات ناروا و پرداخت‌های بیجائی را که دولت‌های گذشته بقصد کارشکنی در انقلاب تصویب نموده یا اسراف وار می‌پرداخته‌اند دریافت دارند.

یک عامل نارضایتی و ناراحتیها از همین جا سرچشمه می‌گیرد و متأسفانه در اظهارات و تبلیغات عمومی و برخوردهای با خواص افراد واجتماعات تکیه به این قسمت نشده مردم را کمتر متوجه ساخته‌اند که انقلاب بهیچوجه تمام نشده است و مراحل طولانی دشوار در پیش داریم و لازم است مانند دوران اعتصاب تحمل مشکلات و محرومیت‌ها و حتی شهادت را کرد و مدت‌ها وجود نقص و عیب و بدی را قبول نمائیم.

بالعکس پاره‌ای وعده‌ها و تشویق‌ها و ایرادگیری‌ها مردم را تشنه‌تر و حریص‌تر برای حصول فوری آرزوهایشان می‌ساخته است و می‌سازد. گروه‌های ضد انقلاب و انحرافی و افراطی نیز تحریکات و توطئه‌های خود را روی همین نارضاوتیها و انتظارات زودرس متمرکز می‌نمایند.

۳-۲) فشارهای طاقت فرسا و خواسته‌های نایجا

بدنبال آن تصورات ناپخته و انتظارات عجولانه همراه با بعضی سوءنیت‌های مغرضانه سیلی از خواسته‌ها و فشارهایی که برخلاف حق و اصول بوده در هیچ حال و نظام و در هیچ جای دنیا نیز قابل قبول نمی‌باشد به دولت وارد می‌گردد.

مثلاً "کارگرانی که ماهها قبل کارشان در کارگاه‌های راهسازی یا نصب شبکه و نیروگاه‌های برق تمام و حسابشان تصفیه شده است هجوم آورده مطالبه دستمزد و پاداش ماههای عدم احتیاج و عدم اشتغال و تعهد تجدید

استخدام را می‌نمایند و مسئولین کارگاه یا اداره را توقیف و تهدید کرده مانع براه‌افتادن مجدد طرح‌ها و حل مسئله بیکاری می‌شوند، دختران فارغ - التحصیل دوره کمک مامائی در وزارت بهداشتی تجمع و تحصن کرده ضمن ایجاد مزاحمت و ممانعت از کار وزیر و کارمندان اصرار به ابطال تعهد خدمت و دریافت اجازه و هزینه تحصیلات بالاتر می‌ورزند، دانشجویان دانشگاهها می‌خواهند انتصاب استادان و اداره دانشگاه بحکم شوراesi از استادان، کارمندان و دانشجویان باشد که اکثریت آن را دانشجویان تشکیل دهند، دانش‌آموزان در وزارت آموزش و پرورش جمع شده وزیر را در تنگنا قرار داده لغو کلی امتحانات و قول قبولی مطلق را طلب می‌نمایند! ...

۴ - ۲) صعف تبلیغات

پس از شکسته شدن اعتصابات و پدید آمدن آزادی قلم و بیان روزنامه‌های معتبر و مؤثر موجود تقریباً " بطور درست در اختیار گروه‌های چپ یا ساواکی‌ها و ناراضی‌ها قرار گرفته پایگاه وسیعی برای تبلیغات مخالف و سمپاشی‌های ضد انقلاب و دولت تشکیل شده است، در حالی که موافقین روزنامه و نشریه پرتیراژ جالب که روشن‌کننده افکار و مدافع ما باشد هنوز بوجود نیآورده‌اند.

هیئت دولت و همکاران نزدیک نیز با قلت نفرات و کمی وقت و تخصص هنوز فرصت برای پرداختن جدی به تبلیغات را پیدا نکرده از این بابت در موضع بسیار ضعیفی قرار داریم، ضمن آن‌که از دستگاه گسترده و نیرومند رادیو تلویزیون بهره‌برداری شایسته متناسب بعمل نیامده و مدیریت آن‌حدود را مستقل و غیر مسئول در برابر رئیس دولت و فارغ از اجرای سیاست و برنامه‌های تبلیغاتی دولت میداند.

۵ - ۲) حالت انتقام و آثار دادگاه‌های انقلاب

روحیه انتقامجویی از حناینگاران و خطاکاران گذشته و احساس وظیفه شرعی و وجدانی در تنبیه و تصفیه‌های دامنه دار بلافاصله بعد از پیروزی اولیه انقلاب، حالتی و شرایطی را در محیط حاضر بوجود آورده است که صرف نظر از اسلامی و انقلابی صحیح بودن و نبودن آن و بموقع و بحا

بودن با چنین شدت و وسعت، تأثیر بسیار نامساعدی برای پیروزی بعدی انقلاب هم بلحاظ آرامش و امنیت و رضایت عمومی بوجود آورده است و هم سبب تنزل فوق العاده در روحیه کارمندان دولت، مخصوصاً "ارتشیان و نظامیان شده است که در شرایط حاضر نهایت احتیاج را به خدمتگزاری دلگرمی و جانفشانی آنها داریم.

بازداشت‌ها، سختگیری‌ها و احيانا "اهانت‌ها و بیرحمی‌ها که بدستور یا بنام دادگاه‌های انقلاب صورت میگیرد علاوه بر گسترش محیط وحشت و ناامنی و ناراضی‌تی در طبقاتی از مردم برنامه انقلاب و دولت را از مجرای ضروری و فوئی آن خارج ساخته و تعارض و تضعیف‌های فراوان در دستگاه دولت بوجود آورده و می‌آورد.

از جهات و ملاحظات عدیده‌ای بنظر می‌آید ارجح آن باشد که رهبری عالیقدر انقلاب تسکین و تخفیفی در محاکمات حاضر و تبعات آن قائل شده باستثنای جرم‌ها و موارد حساس خاصی که کماکان مشمول بازداشت و تعقیب و محاکمه در دادگاه انقلاب خواهد بود اعلام عفو عمومی بفرمایند.

۶ - ۲) تعدد مدیریت و تفرقه مسئولیت

در جریان بعد از پیروزی مرحله اول، اداره انقلاب و حکومت در دست سه مقام رسمی مشخص و چند مقام غیر رسمی قرار گرفت. سه مقام رسمی: اول رهبری انقلاب که چه در گذشته و چه در حال الهام دهنده و تصمیم گیرنده و یرسش‌کننده هستند و طرف مراجعه افراد و قشرهای گوناگون میباشند. دوم شورای انقلاب که جانشین مجلس شورا و ناظر بر دولت میباشد و بالاخره خود دولت که به عنوان محرر تصمیمات و برنامه و مسئول کلی جریانها و حوادث و جواب دهنده مسائل شناخته شده است.

مقامات غیررسمی ولی حاضر و عامل، کمیته‌ها و پاسداران و گروه‌ها و افراد داوطلب و همچنین مقدار زیادی از رهبران روحانی میباشند.

وجود افراد و مقامات مؤمن علاقمند فداکار انقلاب اگر از جهتی سرمایه و افتخار و امتنان محسوب میشود ولی تعدد و کثرت قطب‌های ذی‌نظر و ذی‌اثر عامل نشئت و کندی نار و مانع مدیریت و مسئولیت و احيانا غیر قابل تحمل میباشد.

ج) تقاضا یا پیشنهادها

دولت موقت جمهوری اسلامی بمنظور برطرف ساختن یا لااقل تقلیل موانع و مشکلاتی که بر سر راه تفوق بر خطرات و تهدیدها و توفیق در وظائف و اهداف وجود دارد لازم دانست تقاضاها و پیشنهادهای ذیل را با قید فوریت و ضرورت از محضر رهبر عالیقدر و شورای محترم انقلاب اسلامی بنماید:

۱ - برای برطرف کردن یا لااقل سبک کردن موانع و محظورات عمده

- ۱ - ۱) محدود کردن وظائف و دامنه عمل دادگاه انقلاب.
- ۱ - ۲) اعلام عفو عمومی نسبت به کسانی که مرتکب جرم کبیره نشده‌اند. و تعریف و تحدید جرم کبیره.
- ۱ - ۳) دادگاه انقلاب به اتهام عناصر ضدانقلاب که حالت داشته و سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی را تهدید میکنند با تقاضای دولت جدا " رسیدگی نماید و قاطعیت ابراز دارد.
- ۱ - ۴) رعایت استقلال قضائی دادگاه انقلاب مانع حاکمیت و مسئولیت دولت نشود.
- ۱ - ۵) برحذر داشتن مقامات غیر رسمی و غیر مسئول از هرگونه مداخلت و دخالت در کار دولت و وادار ساختن آنها به همکاری و تقویت و تبعیت از دولت.
- ۱ - ۶) تمرکز مسئولیت و مدیریت در دست مقامات سه گانه رسمی.

۲- تقویت و تحرک بیشتر شورای انقلاب

شورای انقلاب هفته‌ای یک جلسه به لوایح پیشنهادی و به موضوعات طرح شده و مسائل هیئت دولت اختصاص میدهند. نظر باینکه این مدت غیر کافی می‌باشد تقاضا میشود هفته‌ای دو جلسه کامل یا بیشتر به مراجعات و مسائل دولت بپردازند با اختیارات کافی به کمیسیون های منتخب یا به خود دولت بدهند.

۳ - تجمع، وحدت و سرعت در تصمیم گیری‌های مقامات مسئول

نظر باینکه لامحاله بسیاری از مسائل، مورد نظر هر سه مقام فوق الذکر

میباشد مصلحت موقعیت ایجاب می‌نماید که تصمیم‌ها و راه حل‌ها مشترکا" بررسی و اتخاذ شود و دستورهائی که احیانا از ناحیه رهبری عالیقدر انقلاب بدون اطلاع دولت یا شوری اعلام میشود و ماءموریت‌هائی که راءءا" صادر می‌فرمایند از قدرت عمل دولت نگاهد و مسئولیت‌ها را لوٹ ننماید. تقاضا میشود:

اولا" آیت‌الله العظمی از قم به تهران مراجعت فرمایند تا ارتباط و تماس مابین سه مقام فوق‌الذکر بیشتر و سهلتر صورت گیرد و از دخالت‌ها و وساطت‌های مقامات غیر مسئول جلوگیری شود.

ثانیا هفته‌ای یک بار جلسه مشترک چند ساعته از شورای انقلاب با مشارکت نخست وزیر و چند نفر از وزراء در محضر امام تشکیل گردد، پیشنهادهای و مصوبات به استحضار و تاءیید معظم‌له برسد و مشکلات در آنجا مطرح شود و تصمیمات و انتصابات که شورای انقلاب و امام نظر خاص نسبت به آنها داشته باشند در همان جا - و صرفا در همان جا - اتخاذ و اعلام گردد.

نخست وزیر

مهدی بازرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام روح الله الموسوی الخمینی
دامت برکاته.

با کمال احترام معروض میدارد پیرو توضیحات مکرر گذشته و نظر به
اینکه دخالت‌ها، مزاحمت‌ها، مخالفت و اختلاف نظرها انجام وظایف محوله
و ادامه مسئولیت را برای همکاران و اینجانب مدتی است غیر ممکن ساخته
و در شرایط تاریخی نجات مملکت و بد ثمر رساندن انقلاب بدون وحدت
کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی‌باشد بدین وسیله استعفاي خود را تقدیم
میدارد تا به نحوی که مقتضی میدانند کلیه امور را در فرمان رهبری بگیرد
یا داوطلبانی را که با آنها هماهنگی وجود داشته باشد ماء مور تشکیل دولت
فرمایند.

با عرض سلام و دعای توفیق

مهدی بازرگان

۵۸/۸/۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای انقلاب جمهوری اسلامی، چون جناب آقای مهندس بازرگان با ذکر دلائلی برای معذور بودن از ادامه خدمت در تاریخ ۵۸/۸/۱۴ از مقام نخست وزیری استعفا نمودند ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت فرسای ایشان در دوره انتقال و با اعتماد به دیانت و امانت و حسن نیت مشارالیه استعفا را قبول نمودم. شورای انقلاب را مأمور نمودم برای رسیدگی و اداره امور کشور در حال انتقال و نیز شورا مأموریت در اجرای امور زیر را بدون مجال دارد.

۱ - تهیه مقدمات قانون همه پرسی قانون اساسی

۲ - تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی.

۳ - تهیه مقدمات تعیین رئیس جمهور

لازم به تذکر است که با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم الشان باید امور محوله را خصوصا " آنچه مربوط است به پاکسازی دستگاه‌های اداری و رفاه حال طبقات مستضعف بی‌خانمان بطور انقلابی و قاطع عمل نمایند.

روح الله الموسوی الخمينی

۵۸/۸/۱۵

نامه سرگشاده

بسمه تعالی

حضور محترم رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیه‌الله العظمی امام خمینی دامت برکاته
در سخنرانی ۲۹ تیر ماه با بزرگواری متواضعانه‌ای فرمودید:

" من هر روزی که از این انقلاب میگذرد بیشتر توجه باین معنی پیدا میکنم که ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم، ما یا مقصریم یا قاصر و در هر دو جهت در پیشگاه ملت جواب باید بدهیم. مردم همانطور که میدانید ریختند در خیابانها و این جرثومه فساد را بیرون کردند و به پیروزی نسبی رسیدند. وقتی که امر دست ماها افتاد هیچ کدام انقلابی عمل نکردیم و اگر چنانچه ما تجربه داشتیم یعنی یک انقلابی کرده بودیم و از بین رفته بودیم، یک انقلاب کرده بودیم، اینطور عمل نمی‌کردیم. ما با بی‌تجربگی این انقلاب را ایجاد کردیم. یعنی ملت کرد و ما با بی‌تجربگی آن کارهای انقلابی که باید در اول انقلاب بشود با مسامحه گذراندیم و آن مسامحه موجب شد که این گرفتاریها را تا حالا پیدا کردیم و از این به بعد هم داریم، مگر اینکه انقلابی جبران کنیم ...

لهذا از اول که ما بحسب الزامی که من تصور میکردم دولت موقت را قرار دادیم، اخطار کردیم از اول باید یک دولتی که قاطع باشد و جوان باشد، قاطع باشد، بتواند مملکت را اداره کند نه یک دولتی که بتواند اداره کند، منتها ما آن وقت فردی را نداشتیم که بتوانیم، آشنا نبودیم بتوانیم انتخاب کنیم. انتخاب شد و خطا شد ... "

بنظر اینجانب نه تنها در آن زمان مسامحای و خطائی از ناحیه آنجناب رخ نداده است بلکه وقتی سرگذشت جستجو و گزینش مسئول دولت موقت را از خاطر میگذرانیم هم عمل رهبر عالیقدر از روی بصیرت و تجربت و مشورت صورت گرفته، اختیار و اشعار کامل از هر جهت داشته‌اند و هم از ناحیه بنده اعلام موضوع و اتمام حجت همراه با پیش‌بینی‌های لازم انجام گردیده جای هیچگونه ابهام و اغوا یا ایراد بعدی وجود نداشته است و حملات و اعتراضات بی‌اساسی که از چپ و راست یاریدن گرفته است ناحق و ناحوانمردانه است.

شاهد قضیه فرمان تاریخی ۱۵ بهمن ۵۸ است که در شرایط روزنه کسی را مناسب آن مأموریت خطیر می‌یافتید و نه کسی جرات قبول آنرا داشت و در مقدمه آن چنین آمده است: " بنا به پیشنهاد شورای انقلاب ... بموجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما بکنکب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی دارم جنابعالی را ... مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم ... "

از طرف دیگر یقیناً بخاطر دارید که قبل از اعلام قبولی خود با اشاره به نوشته‌ها و گفته‌ها و مشاغلی که عهده‌دار بوده‌ام و برای شخص امام و آقایان اعضاء شورای انقلاب شناخته شده و روشن بود، بر این نکته تکیه کردم که معتقد به نظم و اصول و منطق و شیوه‌های منطقی و تدریجی می‌باشم و آقایان با علم و قبول رویه‌ای که در گذشته داشته‌ام و در آینده تغییر نخواهم داد مرا به این سمت معرفی و منصوب می‌فرمائید.

در متن فرمان که بوسیله اعضای شورای تنظیم و بدست مبارک توشیح شد برنامه دولت موقت را مرحله به مرحله ترسیم فرموده بودند: ترتیب اداره امور مملکت، انجام رفراندوم، تهیه قانون اساسی، تشکیل مجلس مؤسسان و بالاخره انتخاب مجلس نمایندگان. همچنین شفاهاً " برای انتخاب وزراء شرایطی تعیین فرمودید و در پایان فرمان از کارمندان دولت و ارتش و افراد ملت خواهان همکاری کامل و رعایت انضباط برای وصول به اهداف مقدس انقلاب و سامان یافتن امور کشور شده بودید. وزرائی هم که معرفی شدند

مورد تصویب شورای انقلاب و تأیید آنجناب قرار گرفتند.

منظور آنکه مسامحه یا غفلت و خدای نکرده تقصیر از طرف امام رخ نداده است و از طرف اینجناب نیز در سخنرانی عمومی ۲۰ بهمن ماه در دانشگاه تهران که با حضور و تأیید آقایان اعضاء شورای انقلاب خطاب به ملت ایران اعلام کردم علاوه بر اعلام مراحل تدریجی برنامه صریحا و مشروحا عمده مشکلات بعدی و عدم امکان تأمین فوری نظریات و انتظارات را گوشزد کردم و اضافه نمودم که پیدا کردن افراد صددرصد مؤمن صالح میسر نیست و تنها عهدهم از بابت خود و کابینه آینده، انتخاب افرادی با حسن نیت و فعال است که گمان نمی‌کنم هیچ آدم با انصاف منکر آن بوده باشد.

رویه فوق یعنی در میان گذاردن صمیمانه و صادقانه مسائل و مشکلات و خواسته‌ها با مردم ایران در پیامهای تلویزیونی دو سه هفته یکبار ادامه داشته نه چیزی را پرده پوشی می‌کردم و نه (تا آنجا که بخاطر دارم) شخص امام و یا هیچ مقامی نسبت به آن اظهارات و تصمیمات دولت ایرادی ابراز میکردند.

آنچه در آغاز کار از هر طرف حکمفرما بود اعتماد و تفاهم و توافق بود و چیزی که مطرح نبود و ضرورت و فوریتی برای آن احساس نمیشد انقلابی عمل کردن بمفهوم ضربت و خشونت و شدت بود. ضمن آنکه همگی معتقد و علاقمند و موظف به اسلام و ایران و انقلاب بودیم.

عقل و منطق نیز حکم میکرد که انتقال مملکت از نظام استبدادی ۲۵۰۰ ساله و استیلای خارجی. ۲۵۰ ساله بنظام جمهوری اسلامی با متانت و استحکام در سایه قانون و مقررات مصوب و قدرت مجهز انجام شود. پس از بیرون کردن شاه و کوتاه کردن دست ابر قدرتها از سر دولت، نیازی به دستپاچگی و آشفتگی نبود و سازندگی با آشفستگی و خصومت سازگاری نداشت. از طرف امام نیز آنچه در مصاحبه‌های قبل و بعد از ورود به ایران اعلام شده بود احترام به آزادی و حقوق کلیه افراد و گروهها بدر حدود قانون و عدالت تا حد عدم مزاحمت و سلب امنیت بود. همچنین در مورد

کشورهای خارجی تصریح فرموده بودند که بشرط عدم دخالت آنها در امور و رعایت حقوق متقابل، خواهان برقراری روابط اقتصادی و سیاسی معقول هستیم.

رهنمود فوق که در ملاقاتهای حضوری نیز تکرار میگردید ملاک عمل دولت موقت در روابط خارجی بود.

این اعتماد و تأیید امام نسبت بدولت موقت در نه ماه خدمت ادامه داشت و هیچگاه نخواستید، با آنکه دولت استعفایش را در اختیاران گذارده بود شخص یا دولت دیگری را تعیین فرمائید. حتی پس از استعفا ۱۴ آبانماه ۵۸ در فرمانی که بعنوان شورای انقلاب صادر فرمودید زحمات طاقت فرسای اینجانب مورد تقدیر قرار گرفته بود.

با عرض مراتب فوق اجازه میخوام بگویم کسی حق نداشت و حق ندارد تحت عنوان گام بگام یا وصله ناروای سازشکار گلایه و اعتراض و اعلام تقصیر به بنده و به دولت موقت بنماید.

یکی دو ماهی نمیگذشت و درحالیکه جریان امور بطور محسوس رو به بهبود میرفت و امیدواری و حرکت در سراسر کشور بوجود آمده بود علل و عواملی روی داد که مخالف رویه فوق و مانع اجرای برنامههای دولت شدند و عوامل و عللی نیز پیش آمد که ملت و انقلاب را در مسیر دیگری انداخت. اولین آوازه‌های انتقاد و مخالفت علیه دولت و انحراف ملت از ناحیه گروههایی آغاز شد که مرامشان همواره با آزادی و استقلال و اسلام منافات داشت و بمرسر رسیدن انقلاب " نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی " قابل قبولشان نبود آنهایکه کارشان کار شکنی و اخلال است و ایدئولوژی‌شان تکیه بر تضاد و تعرض و تخریب دارد و کینه و بدگمانی و انتقام سکه رایج بازارشان می‌باشد. حضرات با آگاهی به اقلیت ناچیز بودن خود چون اجرای قانون و استواری نیروی ملت را به زبان خویش دانسته توفیق نقشه‌های پیش ساخته‌شان تنها در شرایط ضعف و نابسامانی کشور امکان پذیر بود عجله داشتند که با تحریک مردم برای تحقق فوری خواسته‌ها، باعنوان کردن لغو قراردادهای وابستگیها و با یرتاب تیرهای تهمت و تضعیف برای متصدیان

و مأمورین، دولت را بکارهای دفاعی و منفی مشغول سازند و احیاء و اصلاح ارتش و نیروهای انتظامی را مانع شوند و از براه افتادن چرخهای اقتصاد و اداره مملکت جلوگیری نمایند. ضمناً حملات و بدگوئیهای آنان از متصدیان بیشتر اتهام مزدوری و وابستگی به آمریکا بود و توطئه‌های فرضی امپریالیسم آمریکا را که برای آنها اصالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی‌شان میباشد پیش می‌کشیدند. مجاهدین خلق نیز در این رهگذر هماهنگی نشان میدادند. چیزی که باعث تعجب و تاسف شد اینکه بعضی از گروههای انقلابی و مسلمان نیز دانسته و ندانسته تحت تاثیر گروههای چپ قرار گرفتند این آقایان برای آنکه در رهبری قشرها عقب نیفتند و بعضی از نیروهای جوان را که همیشه و همه جا در شعاع جذبه‌های مارکسیسم قرار داشته، عاشق داغی و تیزی یا شدت و قاطعیت و باصطلاح انقلابی هستند، از چنگ چپی‌ها گرفته بطرف انقلاب بکشانند، تندتر از آنها خواستند و بلندتر از آنها فریاد زدند. ایجاد اشتباهی کاذب در طبقات محروم کردند، و انتقامجویی و تجاوزگری را در ادارات و کارخانجات و دهات دامن میزدند. آنچه تراکم و تعجیل در برنامه‌های انقلابی بدنبال می‌آورد خرابی مؤسسات، کمبود محصولات و ضعف و نارضایتی عمومی بود.

در این احوال توده مردم در تهران و شهرستانها بطوریکه دائماً نشان میدادند بخوبی متوجه زحمات و خدمات و مشکلات دولت موقت و شخص اینجانب بوده همه جا با آغوش باز و چهره شاد ابراز احساسات میکردند. فقط بعضی از گروههای سیاسی و جوانهای مخلص و هیجان زده‌هایی که نفس انقلاب برایشان اصل و هدف محسوب میشد روز بروز شوریده و بی‌حوصله و معترض میگرددند. ضمن آنکه تمام مطبوعات و اجتماعات در اختیار معترضین بود و رادیو تلویزیون که باید در مسئله تفهیم سیاست و تبلیغ برنامه‌های دولت و پیشرفت کارها باشد و در تمام دولتهای انقلاب چنین است شدیداً علیه ما سمپاشی مینمود. امام چندبار فرمودید که دولت خیلی خدمت میکند عیبش این است که چیزی نمی‌گوید و تبلیغ نمیکند.

حقیقت این بود که رسانه‌های گروهی تماماً وسائل ضد تبلیغی دولت

بودند و در جهت اهداف شخصی اقدام مینمودند امام نیز از این رو که دیگتوری پیش نیاید توضیح داده بودید رادیو تلویزیون در اختیار دولت نباشد.

اما علیرغم تمام موانع و ناهمکاریها و کارشکنیها، دولت موقت علاوه بر آنکه مراحل عمده مأموریت اصلی و اولیه خود را بیاری خدا و پایمردی ملت انجام میداد گامهای زیادی هم با تصویب شورای انقلاب در طرحهای انقلاب برداشت. از جمله ملی کردن بانکها و نیز قوانین مربوط به ملی کردن اراضی موات شهری، ملی کردن صنایع بزرگ و حفاظت و توسعه صنایع، افزایش بی سابقه حداقل دستمزد، قانون پاکسازی ادارات، الغای قرار دادهای سیاسی و نظامی بزرگ خارجی و تعطیل معاملات زیانبخش عمده مانند نیروگاههای اتمی و غیره.

دولت موقت که گناهی جز اجابت امر رهبر انقلاب و اجرای دستوری که دستش داده بودند نداشت پس از نه ماه تلاش مشبانه روزی بیدریغ و بی منت وقتی خود را محسود و محصور دید و در اثر تعدد مراکز تصمیم گیری و رقابتهای قدرت، راههای خدمت و فعالیت از هر سو بروی او بسته میشد در اول آبانماه ۵۸ به شورای انقلاب هشدار و به محضر امام پیام داد که مشکلات و خطرات تهدیدکننده چنان است که تنها اگر تمام عوامل و مقامات دست بدست داده یکدل و یک جهت کار کنیم میتوان امیدوار به نجات و توفیق بود. و چون هشدار و دعوت فوق مفید چندان واقع نشد در ۱۴ آبانماه ۵۸ استعفای خود را با احترام تقدیم و تقاضا نمود کسانی یا مجموعه‌ای را که هماهنگی داشته علیه خود مزاحمت و اختلاف نمایند مسئول اداره مملکت و پیشبرد انقلاب فرمایند که خوشبختانه مورد موافقت قرار گرفت.

پس از استعفا و مأموریت یافتن شورای انقلاب برای اداره مملکت ملاحظه فرمودید اکثر وزراء همان منتخبین دولت موقت بوده‌جز معدودی آقایان تازه نفس کسان دیگری را نیافتند و اقدامات انقلابی چشمگیری هم بهش از ادامه آنچه ما نموده بودیم نکردند.

وقتی آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور شدند در سخنرانیهای خود همان

تاکید و توصیه‌های دولت موقت دایر بر رعایت انضباط در کشور، تمرکز قدرت، توجه به کار تولیدی و فعالیت، حمایت از خدمتگذاران به سازندگی را به مردم و مقامات می‌نمودند. بطوریکه بزودی از طرف مخالفین متهم بدنباله روی از بنده شدند.

حقیقت این است که شیوه‌های عمل و خواسته‌های دولت موقت اختراع و افتخار شخصی یا ابتکار خاصی نبود. راهی را پیش گرفته بودیم که بدیهی مدیریت و مسئولیت و مصلحت بود، که دولت و دسته اعم از پیر یا جوان که بخواهند امنیت و حرکت و برکت برقرار سازند و انقلاب و جمهوری اسلامی را به ثمر و استقرار برسانند و ضمناً حسن نیت و درایت داشته باشند همان راهها را پیش خواهند گرفت، مدیریت و مسئولیت یک مسئله است احساسات و شور و شعار مسئله دیگر.

اما علل و عوامل نوع دوم که قبلاً عرض شده بود ملت و انقلاب راه تغییر مسیر انداخته مربوط به تحولات انقلاب می‌باشد و باید به ماههای سوم و چهارم دولت موقت برگردیم.

آن زمان در حالیکه مملکت هنوز از جراحات پیروزی انقلاب و ترمیم ضایعات تخلیه طاغوت خلاص نگردیده و توان و نیروی لازم را برای تحرک کسب نکرده بود و دشمنان داخل و خارج در چهارگوشه مملکت درگیری و گرفتاری بوجود می‌آوردند، ابعاد انقلاب بهمت والای امام و پافشاری و حرارت امت از هر طرف وسعت می‌یافت، علاوه بر اجرای عجلانه برنامه‌های مالکیت شهری و روستائی و صنعتی، چنین میخواستند هر صاحب مقام مسئول و مشغول و هر مدیر نیز که در آن زمان مسئولیت یا فعالیت داشته است باید خلع ید شود.

چنین مملکت و دولت که شیرازه‌های داخلی آن از هم پاشیده بود و تنها امید و اسبابش نهادهای انقلاب یعنی نهالهای تازه روئیده بی‌سلاح و بی‌تجربه بود بیاری خدا داعیه حمایت از ملت‌های مسلمان، مدافع مستضعفین جهان، مبارز سرکوب‌کننده امپریالیسم جهان‌خوار غدار و صادرکننده انقلاب به همسایگان پیدا کرد...

حال چرا کسی نخواسته و نمیخواهد قبول کند که چنین اقدام خطیری محال است خالی از مشکلات کوه پیکر، صدمات مافوق بشر باشد. وقتی با جسارت و حدت بی سابقه پنجه درپنجه ابرقدرتی چون امریکا می اندازیم چرا باید لاف‌لاقی قسمت عمده مسائل و مصائب را ناشی از این جهات و اقدامات دانست و بجای کوبیدن دوستان در جهت وحدت و هم دلی عمل نکنیم. چو کردی با کلوخ انداز پیکار

حذر کن کاندر آماجش نشستی

وای بحال وقتی که حریف بجای کلوخ و کمان بمب اتم و قدرت بی پایان و حيله و وسیله‌های کلان در چنته داشته باشد.

شوخی نیست، این انقلاب از همه انقلاب‌های دنیا و حتی قیام انبیاء وسیعتر و شدیدتر است، چه توقعی است که بی دردسر و بی تلفات و بی مشکلات رد شود؟ درست است که عنایت خداوندی و اعجازهای شامل رهبر انقلاب و ملت بوده است و انشاءالله خواهد بود ولی مفهوم و وعده قرآنی " و لنبلونکم بشی من الخوف والجوع و نقص من الاموال والا نفس و الثمرات و بشر الصابرين " هم سر جای خود هست.

چرا صحبت از مسامحه خودتان و متصدیان میفرمائید یا مسائل فرعی و ظواهر جزئی جلوی چشم آمده کوه مشکلات و مسائلی که با آنها روبرو هستیم در نظر نمی آید. آیا فرصت برای وزراء و مسئولین باقی مانده و میماند که مسامحه کنند؟ این خود ناشکری و دل‌سرد کردن خدمتگزاران نیست؟ معنای " من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق " چیست؟

کسانیکه بی اطلاع و خارج از گوداند، تجاهل میکنند به آسانی ایراد می‌گیرند یا اتهام می‌زنند و ذهن امام را مشوب میکنند، باید در نظر بگیرید که با دستپاچگی و بی‌مهابا عمل کردن و اصول و اندازه‌ها را کنار زدن در گفتن و خواستن آسان است ولی تبعات و سر درگمی‌هایی را بیار آورده و راه‌های سوءاستفاده و نابسامانی‌هایی را بوجود می‌آورد. اگر یک جهت درست شود ده جهت خراب میشود.

برای سبک کردن بارها و تفلیل دشمنی‌ها و نارضا‌ئیه‌ها، در این سفر دراز انقلاب بود که مرحوم طالبقانی و دکتر سحابی و سیار کسان دلسوز سفارش عفو و تائبی به عمل رسول خدا و علی و بسیاری از بزرگان وفاتحین را خدمتان می‌کردیم... البته نه در باره عاملین و آمرین و مباشرین قتل ما غارتگران دست اول بیت‌المال و نه آنکه بعدا غفلت از اعمال واحوالشان شود و مراقبت و کیفر شدید عمل نیاید. سفارش ما همان چیزی بود که خدا به فرستاده‌اش می‌فرمود "و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم في الامر" و همان کاری که خدا را به آن سپاس گذاشته می‌فرماید: الحمد لله على عفو بعد قدرته.

رهبر انقلاب نیز با عفوی که ماهها پس از استعفاى دولت موقت نمودند صحت و حق بودن خواسته ما را تأیید فرمودند.

بجای مجمع و تالیف گروهها و تقویت توحید خودمان و تشویق احابت کنندگان بخدمات که لازمه وحدت و موفقیت است، چه افشاگریها و تهمت پراکنی‌ها و نارواگوئیها و چه سلب حیثیت‌ها و انتقام‌کشی‌ها بعمل نیامد و بجای سازندگی تیوه "خود ویرانگری" در کشور صورت نگرفت! اینک به جوانانی که قرار است روی کار آیند و زمام امور را بدست‌گیرند خوش آمد و خدا قوت می‌گویم و در برابر مشکلات برای آنان از خداوند متعال آرزوی موفقیت دارم و امیدوارم در آنچه رضای حق و خیر خلق است توفیق کامل بیابند.

والسلام على اهل التقوى

مهدی بازرگان

ساعرض ارادت واحترام وسلام

۵۹/۵/۶

توضیح اینکه این نامه قبلا " در جراید همان ایام چاپ شده بود.

مرکز پخش: دفتر نهضت آزادی ایران
تهران - خیابان استاد مطهری - شماره ۲۳۴ تلفن ۸۳۳۷۵۷

کلیه حقوق طبع محفوظ است - نقل از مندرجات فقط با ذکر نام مأخذ مجاز میباشد

نشانی: صندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹

بها ۸۰ ریال

مکاتبات

آیت ا... صدوقی
با

مهندس

بازرگان

و

نطق قبل از دستور
مهندس بازرگان

بانهضام

نامه موکلی به وکیل
و جوابیه آن

فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه	الف
نامه آقای صدوقی به مهندس بازرگان	۱
پاسخ مهندس بازرگان به آقای صدوقی	۶
نامه دوم آقای صدوقی به مهندس بازرگان	۹
پاسخ دوم آقای مهندس بازرگان به آقای صدوقی	۱۳
اطلاعیه نهضت آزادی بمناسبت انفجار ساختمان نخست وزیری	۲۲
تکراف نهضت آزادی به امام خمینی	۲۳
تکراف مهندس بازرگان به امام خمینی	۲۴
اطلاعیه نهضت آزادی بمناسبت انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی	۲۵
نامه مهندس بازرگان به روزنامه جمهوری اسلامی	۲۷
نطق قبل از دستور مهندس بازرگان	۲۸
نامه موکلی به وکیل	۳۵
نامه مهندس بازرگان به روزنامه جمهوری اسلامی	۴۱
نامه تشکر آمیز وکلی به موکل	۴۲

در تاریخ ۱۵/۷/۶۰ آقای مهندس مهدی بازرگان بعد از شش ماه انتظار نوبت اجازه ۱۵ دقیقه نطق قبل از دستور در — مجلس شورای اسلامی پیدا کردند • ولی نطق به نیمه نرسید • عده ای از آقایان نمایندگان که اعتقاد به آزادی عقیده و بیان بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ندارند با هیاهو و حملات و بر خلاف قانون اساسی و آئین نامه داخلی مجلس مانع ادامه صحبت نمایندگانه محترم مردم تهران شدند • متن کامل نطق نیمه تمام را که بعد آبا خواهش و اصرار تمام در شماره مورخ $\frac{۱۱۴۱۰}{۶۰/۷/۲۶}$ روزنامه کیهان چاپ شده بود ، آقای مهندس بازرگان برای عده ای از آقایان علما و علاقمندان فرستادند تا آگاهی عینی و قضاوت صحیح در برابر جنجالهای جاهلانسه و اتهامات منتشره حاصل نمایند و همانطور که در نطق خواسته شده بود همفکری اساسی برای چاره جوئی مصائب بکنند • از جمله جوابهایی که در زمینه آن نطق رسید نامه ای بود به تاریخ ۲۸/۷/۶۰ با مضای آیه الله حاجی شیخ محمد صدوقی از یزد ، حاوی پاره ای انتقادها و تعجبها که آقای مهندس بازرگان جوابی بتاريخ ۴/۸/۶۰ فرستادند • جناب صدوقی نامه مجددی فرستاده در ریخ نکردند که در دلهای کلی و — کهنه ای را روی دایره بریزند •

خود نامه اول آقای صدوقی را منتشر کرد و قاعده میبایستی
 جوابیه آقای بازرگان را هم که همراه نامه ای برای روزنامه فرستاده
 بودند چاپ کند ولی ظاهراً برای این آقایان رعایت قوانین قدیم
 و جدید و تعهد به آداب و موازین اسلام تا آنجا که با نقشه
 و نظریاتشان مغایرت پیدا میکند الزام نبوده انقلابی بودن!
 آنها را از هرگونه احوال و افکار و حقوق حاکم بر جامعه معاف
 میدارد. روزنامه مذکور علاوه بر خود داری از چاپ جوابیه
 مقاله ای نیز در شماره مورخ ۷۰۰ خود تحت عنوان "نامه"
 ۶۰/۸/۱۱
 گله آمیز یک موکل بوکیل "منتشر ساخت که خطاب و عتاب به
 آقای بازرگان و استفسارهای فراوان داشت. روزنامه جمهوری
 اسلام پاسخ این نامه را نیز که از طرف آقای بازرگان فرستاده
 شده بود بر خلاف بدیهی ترین اصول اخلاقی و منطقی و
 قرآنی درج نمود.

مهندس بازرگان بنامه دوم آقای صدوقی نیز جواب جامعه
 فرستادند که بدلیل شرایط حاکم در خارج انعکاسی پیدا نکرده
 است.

نظر باینکه مسائل مطروحه در این نامه ها از نمونه های متداول
 و تکراری ایرادها و اتهامهای انتسابی دو سال اخیر مطبوعات و
 تبلیغات انحصاری و رسانه های گروهی به آقای مهندس بازرگان
 به نهضت آزادی ایران و دیگر گروههای مسلمان میباشد و
 پرسشهایی را در بردارد که از ناحیه دوستان و غیردوستان نیز

مطرح میشود. مفید دیدیم مجموعه آن مکاتبات و مقالات را که ارتباط
با مسائل سیاسی و اداری مملکت دارد برای مطالعه و استحضار
هموطنان عزیزی که دسترسی به آنان برایمان میسر است توزیع
نمائیم. • بروان والای شهیدان حق درود میفرستیم و از خداوند
ظیم قدیر وحدت و بهروزی ملت را مسئلت می‌نمائیم.

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

۶۰/۹/۱۵

جناب آقای مهرداد سبزواری

نماینده محترم مجلس شورای اسلامی دامت توفیقاته

با ابلاغ سلام موفقیت شما را برای پیشبرد اهداف عالی اسلام

از خدای تعالی مسئلت دارم

آقای سبزواری پس از روزها سکوت انتظار نصیرت اینگونه ناآگاهانه

قضایا و جریانات ضد انقلابی کشور را تجربه و تحلیل نمائید. تصور

نمیکردم یکپیر مرد پر مطالعه را اسلام و سیاست این سان برنامه های

رسول اله گرامی اسلام و امام امیرالمؤمنین و حضرت ابیعبیدالله

الحسین علیهم صلوات اله را در غزوات و جنگها و نظام حکومتی

اسلام به ورطه فراموشی بسپارند نمیدانم اسلام شما درست

است یا اسلام خاتم الانبیا و شما جزء پیروان دیانت حضرتها بیل

هستید یا جزء پیروان دیانت اسلام. جناب آقای سبزواری اگر

انسان عاشق لقا^۱ الله باشد نمیتواند دلش برای کشته شدن انسان

های فاسد ضد خدا و ضد اسلام بسوزد و بداند اگر مسامحه

کاربندان جناب عالی در اوائل انقلاب در کنار گماردن افراد ناصالح

بر مصاد را مورد موهوم نبود امروز شاهد این حوادث ناگوار در کشور

نبودیم. مردم مسلماً نیکه با ایثار و فداکاری خود انقلاب اسلامی

را به پیروزی رساندند بعد از انقلاب انتظار داشتند بساط طاغوت

و طاغوتیان در کشور درهم بپاشیده شود و زعامت امور به افراد صالح

و متقی سپرده شود و حتی فاسد ها خود خواب آن روز را دیده —

مردن و کلیه حقوق بگیران نسبتاً منحرف از بیت المال خود را آماده

کرده بودند که عملیات و رفتارشان با خواست مردم تطبیق دهند ولی زمانیکه مشاهده کردند نخست وزیر توجیهی به ظواهر اسلام ندارد و اکثریت وزراء و مسئولین برای همه چیز ارزش قائلند جز برای تقوی و ایمان و اسلام * بنا گذاشتند بر مخالف و لهذا دیدیم موج تهمت و افتراء علیه شخصیت های کشور خصوصاً مؤمنین آنها سرازیر شده و با سم آزادی در دانشگاهها و ادارات و سازمانها چه جنایتها که بنام آزادی به اسلام و آزادی و مقدسات ننمودند * آقای بازرگان آنان که بنام آزادی نماز را و دانشجویان نماز خوان را به باد تمسخر میگرفتند عمده گروههای ضد اسلام در فعالیتهایشان آزاد بودند بجز جوانان متعهد و مسلمان که دائم تحت شکنجه روحی و جو تبلیغاتی آنان بودند مگر بنام آزادی نهج البلاغه ها و قرآن ها و دیگر کتب اسلام در مراسم ۱۴ اسفند (روز سخنرانی بنی صدر خائن) به آتش نکشیدند و افراد محاسن دار را به جرم ریش داشتن با چوب و چماق مشروب و مجروح ننمودند آنقدر جسارت و گستاخی علیه اسلام و مذهب رواج دادند که یک نفر معلم و روحانی جرئت آن که چند قدم در خیابانهای تهران راه برود پیدا نیکرده آیا یسک دفعه شد طرفداران باطل با آن همه خیانت و جنایتشان از ناحیه جناب عالی محکوم شوند ! جو ترور و ناامنی که در نطق قبل از دستورتان آنرا یک توطئه دشمن بحساب آورده اید با چه روش میشد و می توان جلو آنرا گرفت * با روش رحمت و وحدت دولت

شما که ملت شاهد آن بودند (حل قضیه کورستان با اعزام هیئت
 حسن نیت دولت) پرداخت پول و حقوقهای سرسام آور از ناحیه
 آقای نزیه به فراریان؛ روبراه کردن دستگاه قضائی بوسیله آقای
 مشری؛ اطلاق جنگ شدن اطافهای دانشگاهها و محل چاپ
 اعلامیه ها و پست نامه های ضد اسلام و ضد خدا با استفاده
 از امکانات ملت) ما نمیدانیم این جریانات را چگونه تفسیر و
 توجیه میکنید منافقین خلق تا بازرگان نخست وزیر بود مرتجع
 و سرمایه دار و آمریکائیش می خوانند چه شد که بعد از تائید
 رجوی برای نمایندگی مجلس چریک پیرش خوانند؛ بنی مداری که
 در زمان تصدی بازرگان شدید آبوی مخالف بود چه شد در زمان
 رئیس جمهوریش برای کوبیدن روحانیت و خط امام در کنار یکدیگر
 قرار میگیرند آقای بازرگان مطالب نطق شما اگر بنظر خود تسان
 دلسوزانه باشد این دلسوزی با سیره رسول اله و روش امیرالمؤمنین
 (با معاویه و طلحه و زبیر و خوارج) صد و هشتاد درجه منافرت
 دارد اگر باور دارید که ماها شیعه حسین (ع) هستیم نباید
 خدا و رضای خدا و اسلام را فدای وجه بین المللی و هواهای
 نفسانی و راحت زیستن بنمائیم میدانید که پیامبران الهی بشیر
 و نذیر بودند جنابعالی که با آیات قرآن متن نطق خود را مزین
 نموده بودید بفرمائید بدانیم آیا آیات قصاص و حدود الهی و تمل
 مشرکین و مفسدین و کافرین برای بهشت و جهنم نازل شده است
 یا جهت تنظیم امور مسلمین و حل منازعات آنها در این دنیا؛

(اندکنا الحدیث فیہ بائس شدید ایگوه الناس بالتوسط و اشده
 علی الکفار رحمۃ بینیم فاقتلوا المشرکین و ورو * * *) شما چشم
 کسانی را کافر و محارب میدانید آیا جوانانیکه فرزندان من و شما
 و ایرانی هستید زمانیکه علیه اسلام و انقلاب و مردم عادی کوچه و
 بازار قیام مسلحانه میکنند و اطفال بیگناه را در ماشین میسوزانند
 و ذغال میکنند ! باز هم میتوان با آنها برخورد مسالمت آمیز داشت
 آقای بازرگان آیا میدانید اعطای آزادی سیاسی شما (بی بند و
 باری) تعداد کثیری از جوانان مسلمان را بسوی بی دینی و ارتداد
 سوق داد ولی با اجرای حدود الهی فوج فوج آنها باز به دین
 اسلام پناه آوردند ! پس اگر خیر این جوانهای ناآگاه و مصلحت
 آنها میخواهیم باید محیط رشد آنها را با از بین بردن غده های
 سرطانی و میکروبیهای فاسد خانمان سوز کفر و الحاد تخریب سازیم
 و زمینه تعالی آنها در پناه اسلام واقعی فراهم سازیم آقای بازرگان
 خیلی میخواستم و میخواهم برخورد جنابحالی با دیگر برادران
 مسئول و متعهدمان برخوردی صد در صد سالم و سازنده و اسلامی
 (المؤمن من آت المؤمن) باشد * اگر دلسوز برای کشور و جمهوری
 اسلامی هستید بجای آنکه در مجلس عوارض و حادثه ها و نابسامانیهای
 انقلاب را که عارضه طبیعی هر انقلاب است اینگونه مطرح بفرمائید
 و خوراک تبلیغاتی برای بلندگوهای استعمار جهانی از قبیل
 بی بی سی و صدای آمریکا و دیگر رسانه های خبری دنیا فراهم
 سازید که از خوشحالی به رقص آیند و از موضع سیاسی شما بتوان

يك مخالف با حكومت سنت گرایان اسلامی باد نمایند می‌توانستید
در خلی حرکت کنید که شما را مخالف جمهوری اسلامی معرفی
نکنند و دشمنان خارجی و ضد انقلابیون داخلی را بطور کلی
مافیوس سازید جناب آقای بازرگان تا زمانیکه يك موضع صد درصد
صحیح اسلامی انتخاب نکنید این نگرانیها خواهد بود چون
در مکتب تشیع واژه ای که بشود سازش با کفر و الحاد را توجیه
نمود نداریم انتظار دارم برای نجات کشور جناب عالی را در کنار
آنان که معتقد به اسلام واقعی و قیامت هستند (همان افرادی
که تا مرز شهادت ایستاده بودند و ایستاده اند) قرار گیرید
نواقص موجود را با همکاری و همفکری مرتفع سازید در پایان اگر
بعضی از مطالب تند نوشته شد عذر خواه است چون قلم در دست
کسی است که خیر خواه عموم خاصه جناب عالی است .
والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته محمد الصدوقی

۶۰/۷/۲۸

حضرت آیه الله مددقی زید عزه العالی

تربانت کردم مرقومه مفصل بر از نیش و نوش و بیهودا له با آغاز
 و پایان کریمانه مورخ ۶۰/۷/۲۸ جناب عالی را زیارت و استفاده
 کردم * از عذر خواهی و مخصوصاً خیر خواهی صمیمانه که در آخر
 فرموده اید بسیار متشکرم ولی گله دارم که چرا مانند آنها یکسره
 در نامه و نطق بنده آنچه را که در دل خود داشته اند خوانده اند
 به اصل مطالب و استناد و استغاثه ام توجه نفرموده اید، آنجا
 که گفته ام " از این تربیت از رهبر عالیقدر انقلاب و مراجع عظام ...
 و همه گروهها و مردم ایران استمداد میکنم که از هر راه میتوانند
 باین بایه بزرگ بایان دهند ... " آیا بایه ای وجود ندارد
 و همان متافق و ملحد شدن جوانان نماز خوان و از جان گذشته
 که دست بچنین کارها میزنند بایه نیست؟

بفرض که بنده سراپا تقصیر بی جهت و بیجا از تروریستها حمایت

کرده باشم (که البته در هیچ جای آن نطق چنین نگفته و نکرده ام
 بلکه داسوزی و چاره خواهی برای همه پدران و برادران و فرزندان
 این مملکت ام از عالم و عام یا متقی و منحرف و مرد و زن بوده است)
 یا خدای نکرده با اجرای احکام الهی و در دفاع و حفظ دولت
 جمهوری اسلامی مخالفت نموده باشم (که البته در هیچ جای آن
 نطق چنین نگفته و نکرده ام بلکه اجرا و اعتدالی اسلام اصیل را خواستام)
 آیا با اعتراض و ایراد به بنده مسئله و مصیبت حل شده است؟ بنده

و حمد ردان بیشماری خبیثی مهنون و مرهون آیه الله میشتایم و میشویم
 که راهنمایش بفرمائید حال و آینده مان چگونه است و چه باید کرد ؟
 همانطور که در آن نطق گفته ام " اگر آنچه هست و آنچه را که
 میشود خوب و درست میدانید و در جبین گشتی نور رستگاری تضمین
 میکنید من حرفی ندارم ... " باز هم از گستاخی خود عذرخواهی
 مینمایم و عرض بحضور جنابعالی ندارم ولی آیا در عالم بزرگواری و
 انشاء الله حسن ظن و برادری اجازه میفرمائید که بیرسم آیا بعد از
 بیروزی انقلاب سال بسال و ماه بماء روزه وحدت و امنیت و پیمبرود
 و سرو سامان یافتن امور رفته ایم و میرویم ؟ این جنگ خانگی و وحشت
 و کشتار دو طرفه و مخصوصاً بد رفتاریها و آزارها و گرفتاریها که تماماً
 شامل متضربین و محدود به حدود الهی و قانونی نیست و آنقدر ...
 دامگیر خانواده ها و بیگناهان یا کم گناهان میشود و نسبت به
 باکناهان آنقدر تعدی و تجاوز از میزانهای اسلامی و انسانی بیعمل
 من آید که یقیناً جزئی از آنها بحضرت جنابعالی هم میرسد آیا نباید
 متوقف شود یا لا اقل تخفیف داده شود ؟ وضع اقتصادی کشور و تامین
 معاش و حیات ۲۶ میلیون جمعیت در ماههای نزدیک و سال آینده
 چه خواهد بود ؟ آیا در داخله مان صرف نظر از تشریحات مجدوب
 گرایش به اسلام در عامه مردم و مخصوصاً در جوانان و سواد داران ...
 بیشتر شده است یا گروه گروه برمیگردند ؟ انشاء الله که بنده و آشنا یان
 مستعد داسوخته ام در اشتباه باشیم .

اما راجع به فرمایشات عمده مرقومه و نظریاتی که در باره مسامحه

کارهای بنده در بکارگماردن افراد نامالح ، بی اعتنائی اکثریت
وزرا به تقوی و ایمان ، آزادی دادن به مسخره کنندگان نماز و اسلام ،
محکوم نکردن طرفداران باطل و جنایت ، اعزام موفی هیئت حسن —
نیت به کردستان ، پرداختن حقوقهای سرسام آور آقای نزبه به —
فراریان ، تایید نمایندگی رجوی ، توجیه سازش کفر و الحاد و مطالب
دیگری که بدون دقت و اطلاع صحیح از واقعیات و امکانات و اقدامات
ادا فرموده اید حرفی نمیزنم . اولاً مشنوی هفتاد من کاغذ شود ثانیاً
فایده عملی در جنب مسائل و مصائب موجود در آن نمیبینم و گذار
بخدای حکیم طیم مینمایم که اگر در این دنیا حقیقت و حق قنایا
برایتان روشن شد در آن دنیا همانطور که وعده داده است ما
را به حل اختلافاتمان آگاه کند .

آنچه لازم است آن همفکر محترم و همرزم قدیمی عزیز اطلاع و
اطمینان داشته باشید این است که هدف و راهم بعد از ۷۴ سال
سن و مشاهدات و تجربیات و زحمات موفی نشده است . بینس و بین الله
همان قرآن و ملت ایران و خواسته های حقه خود جنابعالی است .
شاید در هیجانیهای انقلابی آلوده به تاریکی و خشم و تبلیغات —
انحصاری مسموم کننده حاکم ، کاناالهای اطلاعات و دیدهای کم و بیش
متفاوت داشته باشیم ولی خداایمان و مکتبمان و ملتمان یکی است . امتنان
و ارادتم هم باقی است همچنین احتیاجم به دعای هدایت و سعادت
برای همگی .

والسلام طینا و علی عباد الله الصالحین

مهدی بازرگان

۶۰/۸/۴

با ابداع سلام مطالبی که در مورخه ۶۰/۷/۲۸ به رشته تحریر در آمد جواب استغاثه جنابعالی در خصوص مطالب نطق قبل از دستورتان نبود بلکه ریشه یابی قضایا و توجه دادن بعلتها بود (نه مساواتیکه عنوان کرده بودید * نامه شما بهانه ای شد تا واکنشیات و برداشته افیکه در طول این مدت از خط فکری مایمون بآنها رسیده و نموده ام طبق وظایف دینی گوشزد کنم (خواه از ساندن بند گیر و خواه ملال اقرار نبود دیگر مطالبی بنویسم و یا شما عرض داشته باشیم زیرا در نامه اگر کسی است یک حرف بس است و رای از باب ارادت لازم دانستم مطالبیکه اینجانب و دیگر برادران شما را نگران ساخته تذکر دهم *

جناب آقای بازرگان سر آنکه در روز جسارت نمودن به لایحه قضایان از ناحیه جبهه ملی و دیگر گروهکها که امام امت رهبر کبیر انقلاب اسلامی و هم مسلمان مؤمن و معتقد به مبانی اسلامی را سخت نگران کرده بود و نهضت آزادی در اطلاعیه اش فقط خود را تفرقه نمید و عمل توهمین آمیز و نوظاه حساب شده آنها را محکوم نموده چیه بود *

آیا اینست روشیک فرد مسلمان که اعتقادی اسلام راستین را طالب است ؟

نما که برای اعدامها دانتان میسوزد چو برای حادثه دالخراش انبجار بمب در ساختمان دفتر حزب جمهوری اسلامی که منجر بسه

شهادت بیش از ۷۲ نفر از رجال علم و تقوا و سیاست و متخصص در مسائل اسلامی شد حتی يك كلمه هم در مورد محكوم نمودن آن جنایت هواك از شما شنیده نشد(۱) آیا مردم را اینگونه برخورد ها را هم به حساب رحمت و وحدت شما بیاورند یا باید عناد رسمی به روحانیت و خط امام بحساب آورند و آیا مسخره نمودن خط امام در سخنرانی که " خط امام در جیب من است " این همان شیوه سیاستمدارانۀ قرآنها سرئزه کردن در مقابل قرآن ناطق برای منحرف ساختن اذهان عمومی از خط فکری و علمی امام محسوب نمیشود؟ و هنوز که هنوز است برای ما روشن نیست چرا زمانی که رجائی مظلوم و دکتر باهر در میان آتش جزغاله میشوند نبایدست حتی يك كلمه از ناحیه آقایان در خصوص این جنایت فجیح شنیده شود؟ (۲)

و اما جناب آقای بازرگان آن نگرانیهای شما در خصوص آینده انقلاب و کشور هم مورد ندارد زیرا آن نیروئیکه در این انقلاب ملت ایران را با دست خالی به پیروزی رساند نور رستگاری را هم در جیب گشتی اش نیز تضمین خواهد نمود و ضرورت ندارد که ماها دایه داسوزتسر از مادر باشیم (و بدانید بزرگترین اشتباه شما و دیگر دوستان — با اصطلاح سواد داران هم اینجاست که از نصرت الهی و روحیات مردم پابرهنه انقلاب کرده غافلید)

و نمیتوانید ایثارگری و فداکاری عامه مردم مؤمن را با محاسبات علمی و سیستمهای سیاسی که در دانشگاههای ... تعالیم گرفته اید محاسبه نمائید و لهذا آن قشر خاخر را مردمان بی سواد و ناآگاه بحساب —

(۱) و (۲) رجوع شود بمصحات ۲۲ — ۲۳ — ۲۴ — ۲۵ — ۲۶

می آورید و اما از وضع بد اقتصادی کشور و تا مین معاش و حیات
 ۲۶ میلیون جمعیت که اظهار ناراحتی نموده اید نمی دانم واژه انقلاب
 و استقلال به نظر شما چه اندازه ارزش دارد ؟ مردمیکه ما دائماً
 آنها سروکار داریم تا سرحد جان برای حفظ و حراست از انقلاب
 خود ایستاده اند و انقلابیان را اسلامی می دانند ، به انقلاب شکم
 و بگوری چشم آمریکا و اتباعش با جدیت و کوشش نسل جوان و هم
 کسانی که شرف و عزت خود را در خود کفائی کشور میدانند وضع نابسامان
 اقتصادی هم روبراه خواهند نمود و ازومی ندارد که نگران این مسئله
 هم باشید و هنوز برای ما روشن نیست که مسئول این وضع ناهنجار
 اقتصادی کشور چه کسی است ؟ آنانکه دروازه های کشور را بروی —
 چپا و گران ارز و دزدان فراری باز گذاشتند میباشند و یا دواست و
 مسئولینی که خسارتهای ناشی از یکسال جنگ تحمیلی و ۰۰۰ و ۰۰۰
 متحمل شده اند)

آقای بازرگان بدانید اگر خواسته باشیم مسلمین جهان را بآینده این
 انقلاب امیدوار سازیم باید از اینگونه مسائل انحرافی که تنها خواست
 استعمار است بپرهیزیم و قبل از آنکه خود را مطرح کنیم انقلاب را و
 اسلام واقعی مطرح نمائیم و با همه توان در راه وحدت مسلمین و
 اعتلای کلمه توحید و عظمت جهان اسلام بکوشیم تا بتوانیم وعده الهی را
 که همان پیشوائی مستضعفین است بر زمین تحقق بخشیم و ابرقدرتهای
 جهان را مقهور قدرت اسلام و مسلمین سازیم امیدوارم کانا الهی
 اطلاعاتی که در ضد تضعیف انقلاب و اسلام و ازین بردن صفا و

صمیمیت فیما بین مسلمینند هرچه زودتر مسدود گردد تا موجبات
هدایت همگان فراهم شود و خداوند متعال همه ما را از شر نفس
آماره و شیاطین مصون دارد •

والسلام علی من اتبع الهدی • یزد • محمد الصدوقی

۶۰/۸/۱۱

خدمت کم مرحمت آیه الله حاجی شیخ محمد صدوقی زبدانفاهه العالی

با تجدید سلام و آرزوی نجات ایران و پیروزی مسلمانان (اگر
همین دعا مزید جرم نباشد) و دعای عاقبت و توفیقات جنابعالی
از اینکه باب مکاتبه و راه تفاهم را باز گذاشته مرقومه مورخ ۶۰/۸/۱۱
را ارسال داشته اید تشکر مینمایم.

انقلاب اسلامی ما آنقدر وسیع و سریع بود و مسائل و مشکلات عظیم
را در بر دارد که هر قدر خدمتگذاران آن با وجود وحدت هدف و
قصد خدمت و در اثر قنات نسبی عدد و کمی فرصت، اختلاف و ابهام
و اشکال برایشان پیش آید امری است طبیعی و الزامی. من از اینکه
جنابعالی یا سرورانی ایراد و اختلاف نظر با گفته ها و کرده هایم
(و یا نگفته ها و نکرده هایم) پیدا کنند تعجب و گله ای ندارم. آنچه
را که نمیتوانم قبول کنم بدبینی ها و بدخواهیها است. چرا کسانی که
در شرایط وحشتناک شاه با صداقت و صمیمیت در راه حق همکاری و
همفکری داشته و یکدیگر را شناخته ایم حالا جانب تهمت یا تصور
" عناد و نفس پرستی و دنباله روی شیطان " را بگیرند؟ اگر تفکریا
تأمل از کسی دیدند یا شنیدند که با نظارشان متفاوت بود آیا باید
محکومش کنند، آنهم قبل از پرسش و سنجش؟ ...

در هر حال برای آنکه عقده ها گره خورده تر نشود ذیلاً مختصر
توضیح و جواب در باره استفسارها و استعجابهایی که فرموده بودید
میدهم و ممنون هم هستم که بدون پرده پوشی ایرادهایی که شنیده
یا در دل داشتید مطرح فرمودید.

(۱) در مورد انفجارهای دلخراش حزب جمهوری و دفتر نخست وزیری، از کجا یقین حاصل فرمودید که نخست آزادی اعلامیه انزجار و محکومیت نداده است؟ اگر بموقع داده باشیم ولی نداشتن روزنامه و نطق و تحریمی که رسانه های گروهی علیه ما بوجود آورده اند درجائی منعکس نشده باشد چه میفرمائید؟

(۲) از اینکه در اجتماع قانونی اصفهان برای خاموش کردن جنجال، حزب اللهی های سنگبران و برهم زنده سخترانی گفته ام "خط امام در جیب من است" آیا تصور جنابعالی باید قفسد تمسخر و توهین از طرف من بوده باشد یا تعبیر کاملاً طبیعی ساده واقعی باشد که اشاره بفرمان نخستوزیری و بخط و امضای امام که در جیب داشتم و حکایت از التفات مستقیم ایشان در باره ام میکرد نموده ام؟ و الحق که یکی از مصادیق "ان بعض الظان اثم" همین جا است.

(۳) اما گناه کبیره و خودداری از حکم ارتداد جبهه ملی در آن روز راه بیمائی: من معمولاً فرصت و حوصله نشستن بیای رادیو را ندارم و امروز کسی برایم خبر آورد که آقا خواسته اند نخست آزادی راجع به راهیمائی اعلام نظر کند. من همین کار را کردم برای خبرگزاری پارس خواندم ولی مدتی با اداره رادیو برای اعلام آن کلنجار داشتم تا مجبور شدم برای آقای مانعی در دفتر امام قرائت کرده بخواهم که اولاً ایشان شاهد باشند و ثانیاً به رادیو دستور دهند. آنچه بر رادیو دادم هم حقیقت بود و هم کافی برای شرکت

نکردن کسانی که روی توجه یا تبعیت از بنده و نهضت چنان قصدی
را ممکن بود داشته باشند •

اعلامیه قصاص جبهه ملی را بنده هیچگاه ندیده و اطلاع از
کم و کیفش نداشتم • حتی در هفته های بعد هم گیر نیاموردم • و
بعضی ها احتمال جعلی بودن میدادند • در هر حال اگر
جبهه ملی به لایحه قصاص اعتراض کرده باشد که ظاهراً قاعده
هم همینطور بوده است بسیاری از علمای نظام و اساتید حقوق
مسلمان طرفدار انقلاب نیز نظریات و مقالات طیه تدوین و تقدیم
آن لایحه داده بودند و انتقاد از لایحه با انکار آیات و احکام
قصاص فرقی دارد • ضمن اینکه من با بسیاری از سران و افراد جبهه
ملی مثل مرحوم صالح ، آقای اردلان ، آقای دکتر سنجابی ، مرحوم
مسعودی مظلوم آشنائی قدیمی و دوره های همزندانی داشته حاضر
و شاهد نماز و روزه شان بوده چطور میتوانسته ام بخود اجازه حکم
ارتداد آنها را بدهم ؟ خصوصاً که تخصص و تعهدی در فتوی دادن
و تکفیر کردن ندارم • نهضت آزادی در سال ۱۳۴۰ از جبهه ملی
جدا شد و با آن آقایان اختلاف نظرهای سیاسی و روشی و حتی
هدفی داشتیم وای در مجموع آنها را خائن صاحب سوءنیت و ضد
اسلام و انقلاب میدانم و بطوریکه در دادگاه نظامی گفته بودم انصافاً
خدمات ارزنده ای بکشور و مبارزات ملی کرده اند •
احساس من این بود که نه امام چنین چیزی را از من خواسته
بودند و نه وظیفه شرعی و سیاسی ام چنین حرکتی را ایجاب میکرد •

حال اگر جرم است که من بحکم " ولا تنف ما ایس لک به علم ان
السمع و البصر و الفواد کل اولک کان عنه مسئولا " عمل کرده ام و
راه خلاف انصاف و انسانیت نرفته ام ، این گناه را من بپذیرم .
۱۴) اعوذ بالله که اعتقاد به نصرت الهی و اطلاع از روحیات
هموطنان انقلابی نداشته و منکر توکل بخدا بوده باشم . اما همه
اینها بنا به سنت پیغمبر گرامی و ائمه بزرگوارمان و بنص آیات قرآن
منافی و مانع تدارک ادوات و تزیین ضروریات نیست . نپیدا نسیم
چگونه است که در منطق و مشرب آقایان و از جمله خطاهای انتسابی
به بنده نگران شدن از جنگ خانگی و از قحطی و نارسائی و بفکر چاره
برآمدن گرفتاریهای مملکت میباشد . بفرغ که داسوزی و نگرانی عقلایی
کس حاکی از ضعف ایمان او در سرحد کمال باشد آیا خیانت هم
هست که اینطور با خشم و کینه با او حمله نمایند ؟ (چرا باید از محیط
انقلابی اسلامی ما حسن ظن و حسن خلق رخت بر بسته و تلخی و
تیزی بر روابطمان حاکم باشد ؟

آیا جنابعالی پدر روحانی هم باید مثل جوانان افراطی تاثیر
یافته از مکاتب مارکسیستی خصلت جوانم ایمانی رحماء بینم و توصیف
الحوء منون هبتون ایبتون را فراموش فرموده باشید ؟

بعلاوه مگر سید الشهداء با آن مقام یتیم و رضا نگران تشنگی
اهل بیت و اصحاب و اسبها نبود و برادر شریاب الحوایج را مأمور
آب آوردن از فرات نکرد ؟ مگر رسول اکرم با صلاحدید سلمان فارسی
برای جلوگیری از تصرف مدینه دستور حفر خندق داد ؟ مگر خداوند

محاسبه عددی و مقایسه جنگجویان را نکرده تناسب ذره بریک را عنوان
نمیفرماید؟ اگر انقلاب اسلامی و مردم حاضر بجان دادن شدند —
جسم ها و شکم ها و حاجت ها باید کنار گذاشته شود؟ مگر تعیین
دولت و وظیفه و اشتغال مسئولین از صبح تا غروب برای همین مسائل
نیست؟ خودتان مگر به ما یاد نداده اید که یکاد الفتران یکون
کفرا یا من لا معاش له لا معاد له؟ اما من اگر از مادیات و معاش
و امنیت حرف بزنم گفتم میشود؟

۵) این "عناد رسمی بروحانیت" را از کجا برای بنده پیدا
کردید؟ من اگر با روحانیت عناد داشتم آنزمان که روحانیت مظلوم
و ممنوع از حرکت بود در منزل جناب عالی چه میکردم؟ از سال ۱۳۲۱
با مرحوم طالقانی و از سال ۱۳۲۶ با مرحوم مطهری و قبل از آن و
بعد از آن با چهره های درخشانی از روحانیت مانند آقا شیخ علی
مدرس و حاجی میرزا خلیل کمره ای و حاجی سید ابوالحسن طالقانی
حاجی سید رضا و حاجی سید ابوالفضل زنجانی و حاجی سید
رجوادی قزوینی و علامه طباطبائی و آقا سید احمد نخجوانی و
آقا میرزا احمد آشتیانی و آقا شیخ بهاء الدین محلاتی و دکتر مفتاح
و سایرین ارتباط مستمر و همکاری و استفاضه نداشته ام؟ روحانیون
حجج اسلام در شورای انقلاب مانند دکتر بهشتی و مهدوی کنس و
خانم های موسوی اردبیلی و دکتر باهنریا من از سالها قبل از
پیروزی انقلاب دوستی و همکاری علمی و اجتماعی نداشتم؟

بفرمائید کن پای روحانیت را در دانشگاه و در روشنفکران باز کرد

و حلقه های اول بیوند دین و دانش را در این کشور اتصال داد ؟
اسم اینها عناد است ؟ یا اگر کس اسلامی و آزاده فکر کرد و حرف
حق را از روی اخلاص و خدمت زد باید دشمنش پیدا شد ؟

جنابعالی یقیناً از احترام و موقعیتی که مرحوم پدرم پیشمراجع
بزرگ از قبیل آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، حاجی شیخ عبدالکریم
حائری ، حجت ، مرعشی و بروجردی داشت بی اطلاع هستید . من
پسر آن پدر هستم ، داماد حاجی شیخ مرتضی آشتیانی و باجناب
آیه الله آقا میرزا محمد باقر آشتیانی .

×

۶) در پایان نامه فرموده اید مسلمین جهان را به آینده انقلاب
امیدوار سازیم ، از مسائل انحرافی که تنها خواست استعمار است
بپرهیزیم ، قبل از آنکه خود را مطرح کنیم انقلاب و اسلام واقعی را
مطرح نمائیم ، در راه وحدت مسلمین بکوشیم ، وعده الهی پیشوائی
و وراثت مستضعفین را تحقق بخشیم . . .

از نصایحستان متشکرم اما بینی و بین اله بفرمائید آیا :

۱- مسلمین جهان از پنج دقیقه نطق بعد از شش ماه یک نماینده
مجلس که با منتهای ادب و احترام و التماس بزرگان مملکت را دعوت به
خاموش کردن جنگ خانگی و همکاری ملی مینماید ، نسبت به آینده -
انقلاب ما نا امید میشوند یا از خود آشفتگیها و کشتار و اعدامها و
خطرات که آنها بهتر از ما خبر دارند ؟

آن رفتار ناهنجار آقایان نمایندگان که نشان دادند حداقل

آزادی و اهدیت و احترام در مجلس شورای اسلامی ما وجود ندارد
مسلمین جهان را ناراحت و ناامید نکرد و بهانه و مذرك بدست
دشمنان ما نداد ؟

محیط تفرقه و تخاصم و تحمیل و تهدید هائیکه بجای وحدت
کلمه و یگانگی قبل از پیروزی انقلاب وجود دارد باعث ناامیدی
نمیشود ؟

۲- اگر اشتباه و خطا و خیانت‌هایی در اداره امور دیدیم
و حس کردیم که جریان‌هایی بکام ابرقدرتها پیش‌مرود آیا باید از
ترس اینکه مسئله انحرافی دست‌آویز تبلیغات خارجی میشود حرفی
نزد ؟ در ممالک دیگر دنیا مگر ایراد و انتقاد وجود ندارد و ایراد
و انتقاد و تذکر دایل بر ضعف و سوءنیت میشود ؟

۳- در کجای آن نطق و خود را مطرح کرده‌ام و انقلاب و
اسلام و مملکت را مطرح نکرده‌ام ؟

۴- درد و دادم در همه مقالات و پیامها در روزگاری که ممنوع
القام و ممنوع الکلام نبودم آیا همیشه از وحدت و صدیمیت و همکاری
نبود و به همین دایل ما را لیبرال و سازشکار گفتند ؟

۵- کجا جلوی وعده الهی پیشوایی مستضعفین را گرفتیم
یا داسوزی برای بی‌پناهان و بیگناهان نکرده‌ام و آیا اراده ازلی
الهی محتاج و متوقف بعمل بنده و شما است ؟

عذر میخواهم که ضمیر اشاره ام بخودم یا به پدرم و اشخاص طرف
ارتباطم بزیگشت • چون سرپای مرقومه و مطالب جنابعالی مخاطبش

من بودم ناچار شدم شخص صحبت کنم و درد سرتان بدهم ، اگر موفق شده باشم سرموئی از بدگمانیهای جناب آقای صدوقی را — که هیچ دلیل و موجبی برای آن نمی بینم — کم کرده و گرد کدورت از دل مؤمنی برداشته باشم خدا و شما را شکر خواهم کرد .

×

در خاتمه بنده هم يك سوال از حضورتان دارم : سراین همه تهمت و توهین در باره دواتش که دو سال است کنار رفته و دیپاره نهضت آزادی و بنده که مدتها است کاری دستمان نیست ، چیست؟ حملات شداد و غلاظ و شعارهای مرگ که تقریباً در تمام روزنامه ها و رسانه ها ، منابر و مجالس و مدارس ، راه پیمائیهها ، خطبه های نماز جمعه و حتی در مدینه و منی با هم آهنگی و پیگیری عجیب تعقیب و تجدید میشود ، از کجا آب میخورد ؟ با مرگ من آیا مسائل داخل و خارج مملکت حل میشود که اینقدر اصرار میورزند ؟ آیا واقعاً ماها امریکائی و مهره امریکا هستیم و امام در انتخابشان مرتکب چنین اشتباه بزرگ شده بودند ؟ آنطور که بخشنده وار فریاد میزنند ، آیا من دشمن قرآن و دین هستم ؟ ...

بالاخره این هم مسئله ای از مسائل انقلاب است و اگر من در مقام بحث و توضیح برآمده ام چون موضوع موضوع شخص نیست و سیاست و سرنوشت مملکت بیشتر ارتباط دارد .

×

خواهشمندم اگر مرقومه خودتان را بروزنامه جمهوری اسلامی

داده اید یا میدهید امر بفرمائید و اگر مختصر انصاف و عدالتی
دارند و جواب بنده را هم در کنارش درج کنند *

x

مجدداً از تطویل کلام و تصدیع عرایض که قطره ای از دریای
درد دلها بود و از توجهی که فرموده اید تشکر مینمایم و از خداوند
رحمن حکیم رحمت و حکمت برای همه مردم و مسلمانان ایرانی و —
مسلمانان جهان مسئلت مینمایم *

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

بنده متوکل بخدا

مهدی بازرگان

۶۰/۸/۳۰

اطلاعیه نهضت آزادی ایران بمناسبت فاجعه انفجار در
ساختمان نخست وزیری

انالله وانا الیه راجعون

ضمن محکوم کردن توطئه ها و حملات دستگامه های جاسوسی
دشمنان انقلاب به ارکان جمهوری اسلامی ایران شهادت جانگداز
رئیس جمهور جناب محمد علی رجائی و نخست وزیر جناب دکتر
محمد جواد باهنر را به ملت شهید پرور ایران ، رهبر انقلاب
و خانواده های آنان تبریک و تسلیت میگوئیم *

نهضت آزادی ایران

۶۰/۶/۹

متن تلگراف نهضت آزادی ایران به امام خمینی رهبر و
بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بمناسبت فاجعه انفجار
در ساختمان نخست وزیری

حضرت آیه الله العظمی امام خمینی دام ظلّه

شهادت جانگداز رئیس جمهور و نخست وزیر جمهوری اسلامی

را بحضور عالی تبریک و تسلیت عرض نموده ، توفیق جمهوری -

اسلامی ایران در دفع توطئه ها و حملات دستگامهای جاسوسی

دشمنان را از خدا تعالی خواستاریم .

والسلام علیکم ورحمه ا... و برکاته

نهضت آزادی ایران

۶۰/۶/۹

تلفگراف مهندس بازرگان به امام خمینی
حضور رهبر عالیقدر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران
آیت‌الله العظمی خمینی مد ظله العالی
فاجعه هولناک انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی
را که منجر به از دست رفتن جمع کثیری از شخصیت‌های فعال
و یاران وفادار امام شده است حضورتان تسلیت عرض نموده
بقای عمر رهبر و پایداری و پیروزی ملت را در طریق حق و
عدالت از خدای رحمن مسئلت مینمایم *

حمیدی بازرگان

۶۰/۴/۸

و اتقوا فتنه لا تصیبین الذین ظلموا منکم خاصه
از فتنه بپرهیزید که (عواقب آن) تنها دامنگیر
ستمکاران شما نمیشود - انفال ۲۵

در یکشنبه ۷ تیرماه جمهوری نوپای ما شاهد یکی از
فجیعترین مظالم خشونت بود و برزخ‌های ملت که با حسرت
و وحشت خونبارترین روزهای بعد از پیروزی انقلاب را پشت
سر میگذاشت جراحات تازه ای افزود .

خدایا مغفرت و رحمت را از تشنگان عدالت و شیفتگان شهادت
در بیخ مدار و گام‌های مارا برای پیروزی حق بر باطل استوارندار
و در راه خدمت خودت رستگاران فرما .

نهضت آزادی ایران که همواره نگران اینگونه آشفتگی‌های
هولناک بوده است ضمن دعوت عموم در احترام به قانون اعمال
قتل و زور و قتل را شدیداً محکوم میکند و با عرض تسلیت به مقام
رهبری و بازماندگان ، از هموطنان با شهامت انتظار پایداری
و برادری دارد و از رهبر طایق‌دار انقلاب و مسئولین و متصدیان
تمنا می‌نماید توصیه به حق و صبر اسلامی فرموده ، اجازه ندهند
امور به مجرای انتقام و آشوب کشیده شود ، شیطان بر ما غالب
و دشمن دلشاد گردد .

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

شماره

تاریخ / / ۱۳۶

تأسیس ۱۳۴۰

بازگشت به خود و خدا آرزوی ما و حاکمیت وحدت و برافراشت
اسلام دای ماست •

نهضت آزادی ایران

۸ تیرماه ۱۳۶۰

دفتر روزنامه جمهوری اسلامی

ظاهراً در شماره شبیه ۶۰/۸/۹ آن روزنامه شریف رونوشت
نامه ای را که آیه الله صدوقی در تاریخ ۶۰/۷/۲۸ برای بنده
فرستاده بودند درج کرده اید. خواهشمندم با توجه بقانون
مطبوعات و برای اینکه اصول عدالت و قسط رعایت شده و خوانندگان
محترمتان روشتر شوند دستور فرمائید نامه جوابیه مورخ ۶۰/۸/۴
را که فتوکپی آن پیوست است نیز در اولین شماره جمهوری اسلامی
چاپ نمایند.

با سلام و امتنان

مهدی بازرگان

بسم الله و الحمد لله و السلام علیکم

حسد بی پایان برای قادر متان و سیاس فراوان از
رزمندگان دلاور خود مان با درود رحمت بر شهیدان
فداکار که بیش از یکسال در جبهه های جنوب و
غرب کشور در برابر دشمن نابکار بزرگترین افتخار
را برهبری امام خمینی برای ملت بها خواسته ایران
فراهم کردند و اخیراً علیرغم گرفتاریهای داخلی
و دشمنی های خارجی به پیروزیهای ابد آفرین
ناائل شده اند .

بسم الله الرحمن الرحيم

لئن بسطت الی یدک لتقتلنی ما انا بیاسط یدی الیک لا یتلک

انسی اخاف الیه رب العالمین (۱)

آنچه در چند دقیقه آینده خواهید شنید نه سخنی است
سیاستدارانه و نه لایحه ای دفاعیه ، درد دلی است از قلبهای
سوخته و استغاثه از جانب کسی که قبول دارید سالهای طولانی
از عمر پر فراز و نشیب خود را در آرزوی آزادی و استقلال ملت
عزیز ایران و عدالت و اسلام بجای اختلاف و جور و کفر بسر برده
تلاش و توفیقها داشته ، محرومیتها چشیده و در آستانه انقلاب
لیبک اجابت برهبران گفته صادقانه و فداکارانه همکاری و سپس
قبول مسئولیتها بنا بد عوت معظم له کرده است . حالاهم که به

(۱) ۲۸- اگر تو دست خود را بقتل من بگشایی من دستم را بسوی
تو دراز نمیکنم که تو را بکشم من از خدای پروردگار جهان نیان
بیم دارم

آخرین روزهای زندگی رسیده و در اشتیاق لقاء الله است با صبر و سربلندی توهمات و تهودیدها را که پاداش انقلابی خدمت و صراحت یا اغوای مغرضین است تحمل مینمایند *

اگر انگیزه ام درسی چهل سال گذشته طال و مقام و ریا بوده این عرایض را هم بهمان حساب بپذیرید و با استماع و سکوت کوتاهی که خواهم دید داشت بر من منت بگذارید و ای اگر همیشه روی عقیده و وظیفه و لا اقل با حسن نیت عمل مینموده ام حالا هم خارج از آن خط قدم برنمیدارم و قبلاً از عنایتتان تشکر مینمایم *

بنا بوظیفه نمایندگی مردم تهران و مراجعات و انتظارات — جمع کثیری از هموطنان بمصدق فرمان :

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالتہ واللہ یمصک من الناس ، (۱)

احساس مسؤلیت و رسالتی از جانب بندگان خدا کرده ام و با توکل به پروردگار علیم حکیم مبادرت برساندن آنچه در زبان و دل و حقوق آنهاست مینمایم * امید وارم در پیام حق و حقایقی وجود داشته و با خواهان و برادران ایمانی در مجلس و در خارج روبرو باشم که دستور و ذکر فان الذکرۃ تنفع المؤمنین (۲) تحقق مطلوب پیدا کند *

این احساس مسؤلیت و وظیفه نه تنها در برابر موکلین

(۱) ماده ۷۱ — ای پیغمبر آنچه را که از پروردگارت بتو نازل شده است برسان و اگر (چنین) نکردی رسالت خود را انجام ندادی ای و خداوند تو را از مردم حفاظت میکند *

(۲) ذاریات ۵۵ — ویند ده ویند آنکه پند و یاد آوری مؤمنین فایده

و هموطنان است بلکه در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایستبان
که با عشق فراوان سهم ناچیزی در بنیانگذاری و پیروزی اولی و
اعلام و استقرار دومی داشته و سوگندی که بحفظ قانون اساسی
خورده ام نیز میباشد • همچنین برای حیثیت و توفیق رهبری انقلاب
در بشر رساندن صحیح و کامل آن بسود ایران و اسلام •

با کمال تا ثر و با توسل بدرگاه ذوالجلال باید اقرار کنیم که
آتش هولناک در کشور عزیزمان شعله کشیده خرمن امت و دولت
ودین را مورد تهدید قرار داده ، کمتر کسی است که در صدد
خاموش کردن آن برآید • بعضی میکوشند آتش را آفروخته تر ساخته
بر خرمن ^{طرف} مقابل بپندازند •••• همه بلعیده میشوند ، حوزه های
علمیه از گل‌های سرسبز ^{خود} خالی میشود که " اذامات العالم ثلم فی
الاسلام ثلمه لایسدها شیئ " (۱) ، برادران ارزنده و غیر قابل
جبرانی از مسئولین دولتی و لشگری و از سپاه و کمیته بشهادت —
میرسند ، به‌مراه جانها ، اثار و دارائیها از بیت‌المال و از ملت
بهدر میرود ، افرادی بیگناه در محابر و منازل کشته و معلول
میشوند و همچنین نونهالان دختر و پسر و کسان وابسته و هوادار
یا برکنار که در درگیریهای خیابانی و دادگاههای انقلابی
قربانی التقاط و انحراف یا انتقام میگردند • نونهالانی که هرچه
باشد جگر گوشگان و پرورش یافتگان امید این مملکت بوده عاشق وار
یا دیوانه وار ، فداکار یا گناهکار در طاس لخرزنده ای افتاده اند •
در حالیکه هر طرف گروه مقابل را منافق یا مرتجع و ضد اسلام

(۱) چون عالمی بمیرد شکافی در اسلام پدید می آید که چیزی قادر
به بستن آن نمیشود •

و عامل امپریالیسم میخواند، نه روحانیون ارجمند و مکتبی های غیر
تمدن ما از امریکا وارد شده اند و نه جوانان جانباز در خانواده های
امریکائی زائیده و بزرگ گشته اند که بتوان مزدورشان خواند !
پس چرا اینسان ربختن خون یگدیگر را مباح و بلکه واجب می شمارند ؟
مصیبت بارتر از همه و حاصل خشونتها و بی رحمی ها افزوده شدن
تاراضیهها و انتقامخواهان و برگشت کنندگان از انقلاب و دین است
و حیثیت و حقانیت اسلام که در دنیا لکه دار میشود . (تا اینجا در
جلسه علمی خواننده شد و پس از آن جنجال و حمله بعضی از نمایندگان
باعث قطع آن شد)

صدیقانه و خود مانی میپرسم آیا ما و شط با هر اختلاف که در
سن و سائقه داریم به بارزه پرداختیم و برهبری امام به انقلاب بر
خاستیم که دست آخر سر از جنگ خانگی و برادر روفرزند کشی در آوریم ؟
مرد پیشمار شهرها و دها و ایتمه کشته و آواره دادند یا ارتشیان
دلا و رو سپاه میان جانباز و سایر داوطلبان جان برکف با یکسال شهامت
و شهادت ما را به پیروزی نهائی و دفع دشمن خارجی نزدیک
کردند که داخله ما خراب و سوخته و ماتمزه گردد ؟ آیا خدا
ما را برای چنین برنامه آفریده است ؟ آیا اسلام رحمت و وحدت
تعلیم و پرانی و وحشت بماند داد است ؟ ... خدایا روا مدار
که سر نوشتمان چون قوم بنی اسرائیل شود که بر خود ستم کرده
راه کبر و قساوت پیش گرفتند و مستحق تادیب الهی : " فاقتلوا
انفسکم ذلکم خیر اکم عند بارئکم " گشتند (۱)

(۱) بقره ۵۱ - عیبه یگدیگر جنگ کنید و بکشید . این برای شما

ند آفرید گارتان بهتر است .

نمایندگان محترم متعهد ^۱ اگر آنچه هست آنچه را که
میشود خوب و درست میدانید و در جبین کشتی نور رستگاری
تضمین میکنید من حرفی ندارم و از گستاخی عذر میخواهم ولی
مسئلاً زهر طرف شود کشته سود کفار است و زیان مرگبار برای
ایران و اسلام حتی برای جهانیان •

برای بیگانه دشمن آیا شرایطی مطلوبتر از این میشود که

عقد ه های حقارت و استعفای از شخصیت و مسئولیت چنان بر ما
مسلط شده باشد که با غراموش کردن اصل ترائی "ان الله لا یخیروا
ما بقوم حتی یغیروا ما ^{با نفسم}" (۱) "و یشت کردن به کلام پر معنای علوی

"دا ٲك منك و د و ا ٲك فیک" (۲) خونرا بیکاره وی تقصیر و

خارجی را همکاره و تنها مقصر بدانیم و آنوقت بجای آنکه به

تجزیه و تحلیل ^{صحیح} اجریا نها و شور در غل و چاره ها بنشینیم و روحیه دا

وروبه ها را از مرا م شیطانى بمرام رحمانى تغییر د هم تلافی

نا کامیها را با تهمت و تفرقه و تضعیف خود در آوریم ^۱

آیا فکر کرده اید که این در افتادنها و برانداختن ما چاده

صافکن برای بازگشت مجدد استبداد و استیلاى شرق و غرب باشد ؟

آنها میخواهند از یکطرف عناصر مصمم مقاوم ط یکدیگر را قبلاً نا بود

کنند و عامه مردم از نا امنی و کشتار و قحطی بسته آمده با آشوش

باز با استقبال هرگود تاگر خائن قهار بروند •

(۱) رد ۱۲ — همانا که خداوند وضع قومى را تغییر نمیدهد مگر آنکه
آنها خود را تغییر دهند •

(۲) درد و بیماری تو از خودت میباشد و در سلامت در خودت است

البته خطاب من بهر دو طرف دعوی است و آنچه میجویم نجات

مملکت، پیروزی جمهوری اسلامی ایران و اعتلای اسلام است *

همه میدانید که همواره و از سالها پیش از پیروزی انقلاب

التقاط و نفاق را از هر کس و در جا باشد با قاطعیت و روشی رد کرده

مدافع وفادار اصالت اسلام بوده و هستم و خیلی بی خبری و بی

انصافی میخوانم که بهاران طالقانی و مطهری و بدوستان نهضت

آزادی نسبت لبرال‌پست و سازشکار یا غرب زده امریکائی بدهند

مبارزه مسلحانه و محاربه با جمهوری اسلامی نوپای ایران بجای

مبارزه پارلمانی و قانونی را محکوم میکنم، ضمن آنکه جلوگیری از

آزادیهای حقه و فقدان امنیت لازم برای مبارزه قانونی را یکی

از علل این پیش آمده ها میدانم * و بغرض که از راههای ^{مشروع} قانونی و

امنیت قضائی برای انتقاد و اعتراض و اظهار نظر و بکرسی نشاندن

حق محروم باشیم باز هم در عالم برادری ملی و دینی بر طبق سنت

و عقیده دیرینه ام تاسی بفرزند صالح پدرمان آدم را که به برادرش

میگفت: " لئن بسطت الی یدک لتقتلنی ما انا بباسط یدی الیک

لاقتلک انی اخاف لید رب العالمین " ، بر تجاوز مسلحانه و تلافیهای

ناچارانه یا فرار و تشکیل دولت در کشور بیگانه را که هر چه باشد

بنام و منفعت آنها تمام خواهد شد ترجیح میدهم *

با فرصت نطق کوتاه قبل از دستور که تنها موضع برای ابراز

عقیده مان میباشد و در طرح اصلی مقصود، فعلاً بحثی راجع به

مقصرین و مشکلات و سوء سیاستها و راه حلها نمیکم، ضمن

آنکه خود را خارج از جمع مسئولین و مقصرین نمیشناسم *

از این تریبون از رهبر عالیقدر انقلاب و مراجع عظام رهبر

جمهوری، هیئت دولت و نهادهای انقلاب و شورای نگهبان و
شورای عالی قضائی و مخصوصاً از برادران و خواهران ناپسندگستان
مجلس و همه گروهها و مردم ایران استمداد میکنم که از هر راه
که میتوانند باین بلیه بزرگ پایان دهند و همگی به قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران و قرآن کریم گردن نهند و با توجه به اوضاع
بس خطیر و عواقب شومی که هیچ گروهی را در آن سود و پیشروی
نخواهد بود بتوقف جریان و تجدید نظر بپردازند که "ان تنصروا
الله ینصرکم"

آخر در کجای تاریخ ملتی و دولتی و آئین حقیقی توانسته است
روی اسلحه دوام بیاورد و توسل به خونریزی و تشدید درخشون
و بال روزگارشان نگردیده بد فرجامی بیار برده باشد ؟ عدالت
غیر از انتقام و تعدی است و سیاست موفق نمیتواند خالی از حکمت
و تقوی و رحمت باشد

ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرأ فئانی امرنا و ثبت اقدامنا

و انصرنا علی القوم الکفارین (۱)

والسلام علیکم ورحمته اللله وبرکاته

۶۰/۷/۱۵

نطق نیچه تمام قبل از دستور مهدی بازرگان در مجلس شورای

اسلامی

(۱) آل عمران ۱۴۱- پروردگارا گناهمان ما و زیاده روی ما را راد آره
کارمان بیامرز و عهد مهایی ما را استوار کن و برگروه کافران یاریمان تط

نامه گلسه آمیز موکلی به يك وکیل

بسمه تعالی

تقریباً چند روز قبل شنیدم یکی از روزهایی که نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی همان نمایندگان انتخابی این ملت قهرمان پرور از همان مجلس تهیه شده — بوسیله الله اکبرهای مردم طبق معمول جلسه رسمی تشکیل داده بودند و بعد هم شنیدیم گلسه تعداد زیادی از مردم همیشه در صحنه و ناظر بر گفتار و اعمال و کلامی خود دست به تظاهرات زده و مقابل مجلس جمع شدند پس از مقداری کنجکاوی و تفحص معلوم شد که آقای مهندس مهدی بازرگان یکی از نمایندگان مجلس و بقول بعضیها همان چریک پیر در نطق قبل از دستور خود طیرقم انتظاری که از وی میرفت ضمن سخنرانی خود به تحلیل اوضاع داخلی ایران پرداخته و نسبت به اعدام يك مشت بس سر و پا و هفت تیرکش که در دل هیچ موجود عاقلی هیچگونه پایگاهی ندارند ابراز تأسف و اظهار دلسوزی نموده است که بلافاصله با اعتراض سایر نمایندگان و مردم همیشه بیدار مواجه میشود و به پیوست آن با اعتراض شفاهی و کتبی و طومارهای اقشار مختلف مردم روبرو میشود و گویا یکی از مقاله های روزنامه کیهان بقلم آقای خاتمی باعث میشود که آقای بازرگان همان نماینده این

مات به اعتراضات آنان پشت پا زده و فقط در مدد جوابگوئیس
مقاله های آقای خاتمی برمیآید که با همه گرفتاری و کم وقتست
بیطالعه بخشی از مقاله اعتراضیه نطق آقای بازرگان و جوابیه های
آقای خاتمی پرداخته پس از کم تفکر و بعد از ابراز تأسف البته در
درون خود ناگزیر شدم چند کلمه ای بقول آقای بازرگان با نامبرد
در دل کنم و سوالاتی که در ضمن این جریان بوجود آمد منطرح
کنم گرچه انتظار ندارم آقای بازرگان به سوالات حقیر پاسخ دهد
ولی بهرحال تذکری است برای آن استاد و هم حقایقی ممکن است
برای برادران و خواهران هموطن روشن شود ضمناً از همه برادران
و خواهران انقلابی انتظار دارم که این نامه را مبنی بر جنبه گیری
حقیر در مقابل يك نماینده مسلمان تلقی نکنند .

۱- آقای بازرگان اگر کسی موقعیت انقلاب را درک کرده باشد و
کمی هم توجه بدشمنان انقلاب داشته باشد و متوجه شده باشد که
دنیای کفر و مآحبان زر و زور و تزویر برای نابودی جمهوری اسلامی
ایران و توقف کردن انقلاب کمر همت بسته اند با توجه به مستحسب
انقلاب و کسب آزادی قلم و بیان اینجانب به سهم خود نمیتوانم
قبول کنم که شما در ادعای خود مبنی بر شش هفت ماه انتظار کشیدن
برای سخنرانی صادق هستید مگر اینکه خودتان نخواسته اید و یا
حرفی برای گفتن نداشته اید .

۲- شما گلایه میکنید که چرا نمایندگان به حرفهای من تا آخر
گوش فرمادادند و حال آنکه خورد بهتر میدانید که اولاً حرف زدن حد

و حسابی دارد چون ملاحظه فرمودید مرحوم بنی صدر هم خیلی حرف
میزد و خیالی هم با ظرافت و بیان خوب و در سرمقاله روزنامه خود
هم همان آیه (فبشر عباد الذین) را مرقوم میفرمود ثانیاً جو انقلاب ما
جوی نیست که به این امت شهید پرور وعده یاس و نومیدی داد بلکه
انقلاب ما همه اش با امید به پیش میرود و با امید همه سدهای انحرافی
را میشکند ما وقتی میبینیم روزنامه نگاران خارجی و صداهای بیگانه
ما را امیدوار میکنند ، آیا سزاوار است که خودمان آیه یاس بخوانیم
مگر مقاله عزالدین الفارس تحت عنوان (جهانیان نگران ایرانند و ایران
با قلبی به استواری کوه به پیش میرود) را نخوانده اید ؟

۳- آقای بازرگان یکی از عوامل پیشبرد انقلاب ما مقابله کردن
در برابر دروغ پردازان و معترضانی است که همیشه حقایق را وارونه
جلوه میدهند چطورند که بلندگوهای دشمنان ما اعتراض کردند که
صدها هزار نفر به عنوان اعتراض به سخنرانی آقای بازرگان مقابل مجلس
اجتماع کردند اما شما آنها را با دو ماشین وانت برابری کردید زهی
انصاف.

اکنون میپردازم به محتوای لطفی قبل از دستور شما ، من قبل از
انقلاب و بعد از انقلاب نسبت به شخص شما ارادت داشتم و صرفاً بخاطر
اینکه مردی مسن ، مبارزه مسلمان و عالم هستید اما تقاضا دارم اگر
کسی گفت آقای بازرگان تعهد انقلابی ندارد ناراحت نباشید بلکه
حقایق را بپذیرید ، شما ضمن سخنرانی خود اولاً خواستید این مردم
ستمدیده را از آینده انقلاب مایوس نمائید که این خود خلاف اخلاق
انقلابی است ثانیاً طناًیک وعده منافق را که بقول امام (اسلام از اول -

همیشه گرفتار منافقین بوده) و پشتی از تقاتل، های رژیم منحوس پهلوی را که مستقیماً با معانوا سطره از ارباب صنعتگرشان رنگان همان یکسه تا ز قلابی پرده های لطیفی امریکا که در یکی از مطبوعات خواندم ... وراثت آدم خواری هم دارد ارتزاق میشوند و درس میگیرند متأسفانه جگرگوشه گان و پرورش یافتگان امید این مملکت تلخی میکنند و حال آنکه خوب بیدارند که چه کسانی دلشان برای انقلاب میطپد و چه کسانی تصمیم گرفته اند ریشه این انقلاب را از بین ببرند.

گویانکه بقول همان روزنامه نگار خارجی و به قول امام همان امید ...

بخش مستضعفین که در هر کلامش درسی است و در هر پیامش امید ی است انقلاب اسلامی ایران غیرم مشکلات به پیش میآورد و آنها هدفش استقرار حکومت عدل اسلامی است از شما سؤال میکنم آتهائس کسبه دفتر حزب جمهوری اسلامی را منفجر نموده و بیش از هفتاد تن از بهترین میوه های انقلاب را از این اهدت گرفت و یا کسانی که باعث سوختن دفتر از همانها تیکه مشمول وعده (یرفع المستضعفین و یضع المستکبرین) بودند در ساختمان نخست وزیری شد و آتهائیکه قضات شرع نا را هر روز ترور میکنند و همچنین آنانی که بهترین جوانان متعهد به انقلاب را در گوشه و کنار خیابانها به خاک و خون میکشند تا بدین وسیله چرخ سریع و پرتحرک انقلاب را متوقف سازند آمریکائی نیستند به نظر شما آمریکائی آتهائی هستند که فقط در سرزمین آمریکا زائیده شده اند یا کسانی آمریکائیند که از آمریکا دستور گرفتند و شریع ترین جنایت نظیر اسکندرها و مغولها بر این مردم بدوا اعمال میدارند؟

راستی جناب بازرگان یکشنبه شب فیلم حادثه انفجار اتوبوس شهر

شیراز را از سیمای جمهوری اسلامی ایران ملاحظه کردید ؟ ترا بخدا
 آنها ای که بوسیله بمب آتش را باعث آتش کشیدن یک وسیله نقلیه
 که با پول همین خلق الله تهیه شده و مجروح و مصدوم نمودن حدود
 ۴۰ نفر از هموطنان و جزغاله شدن آن کودک بیگناه که جنازه او حکایت
 از این میکرد و پس از فریاد و ابته و واما و بالاخره در حال پاک کردن
 اشکهای چون باران رحمتش جهت ملاقات خالق خود جان بجان آفرین
 تسلیم کرده بود جز آمریکائی و ضدانقلاب و ضدانسانا نیت چه کسانی
 میتوانند باشند ؟

عجبا که آن جناب با کمال بی لطفی این فجایع هولناک را براساس
 اوج نارضایتی میان خلق الله تلقی میکنید با اینکه خود بهتر میدانید
 که اینها مدنی جز براندازی جمهوری اسلامی ایران را ندارند والا -
 نارضایتی و تورم و مشکلات مادی در هیچ منطقی کسانی را وادار به
 اینگونه اعمال ترور و وحشت و نابود کردن اصیل ترین انسانهای در حال
 تکامل نمیکند . آقای بزرگان جنابعالی تا جائیکه میدانم خود را مفسر
 قرآن میدانید قرآن را هم ترجمه میکنید و هم تفسیر مینمائید و هم تاویل
 مینمائید چرا بیاده و با این خلق قهرمان و شهید پرور همصدا نمیشوید
 و به آن دسته از موکلین خود که بقول خود از شما استمداد کرده اند
 متوسل به آیه سرنوشت ساز نمیشوید که (" و اقلطوهم حیث نقتلوههم و اخرجوهم
 جوههم من حیث اخرجوكم و الفتته اشد من القتل و الا تقاتلوهم عند المسجد
 الحرام حتی یقاتلوکم فیه فان قاتلوکم فقاتلوهم کذا لک جزاء الکافرین)
 و آنها را (بت پرستان که از هیچگونه جنایتی ابا ندارند) سرکجا بیابید
 بقتل برسانید و از آنجا که شما را بیرون ساخته بیرون کنید و فتنه و

بت پرستی از کشتار هم بدتر است و با آنها نزد مسجد الحرام
جنگ نکنید تا آنجا با شما بجنگند پس اگر با شما جنگ
کردند آنها را بقتل برسانید چنین است جزای کافران *
در خاتمه شاید اگر جنازه سوخته شده آن کودک بیگناه شهرازی
را که مظلومانه در حد نهایتش شهید شد نمیدیدم هرگز بخود اجازه
نمیدادم در مقام جوابگویی از اظهارات جناب آقای بازرگان برآیم
از خداوند طول عمر رهبر عظیم الشان و توفیق دولت مردان و صداقت
و گفتار و کردار آنان خواستارم *

سردبیر محترم روزنامه جمهوری اسلامی

در شماره ۶۰/۸/۱۷ آن روزنامه در صفحه ۱۱ مقاله ای تحت عنوان " نامه گله آمیز موکلی بیهک و کیل " درج فرموده بودید که خطاب به بنده داشته و قاعده نویسنده و درج کننده خواهان بجواب پرسشهای طرح شده در آن نامه هستید که با اطلاع خوانندگان نیز برسانید * بدینوسیله به پیوست پاسخ منظوری را خدمتتان میفرستم و زائد میدانم که در محضر آقایان استاد و استعدادی به قانون مطبوعات و از اخلاق و عدالت اسلامی بنده ایم *

ضمناً جواب نامه آیه الله صدوقی را که هفته قبل فرستادم

هنوز ندیده ام *

با سلام و احترام

مهدی بازرگان

۶۰/۸/۱۷

نامه تشکر آمیز و کیلی به ینک موکل

از موکل ناشناخته عزیزم - که حق بود بانام و نشان خود
 نسخه ای از آن "نامه گله آمیز موکلی بیك وکیل" را برای بنده
 هم میفرستاد - تشکر میکنم • خوشحال شدم که در روزنامه های
 "مجاز الانتشار" بعد از مدتها ینک مقاله خالی از تهومت و ناسزا
 دیدم و از قلم ینک آشنا اگر چه با اعتراض و ادعای بوی انسانیت و
 اسلامیت بمشام رسید • امیدوار شدم که من هم در دلد و پرسشی
 بکنم •

انتظارنداشتید به سئوالاتنان جواب بدهم • چرا؟ نمایندگان
 نهضتی استکفاف از جواب نامه ها و مقالات و روشن کردن حقایق
 برای موکلین خود ندارند • حضرات روزنامه های مستند که معمولاً آساک
 و احتراز از درج قانونی جوابهای ما میکنند و نظریات منطقی و اصلاً حیطان
 را درج نمینمایند و جوسازی و جریانهای حاکم است که ارتباط ما را
 با موکلین و مردم بسته و زبان و قلم بدگویان را رها کرده است •
 نوشته ام فقط بخشی از مقاله اعتراضیه من و جوابیه آقای
 خاتمی سرپرست کیهان را خوانده اید • کاملاً درست است • اگر
 متن نطق را خوانده بودید بجای تاسف و تعجب تایید و تشکر میکردید •
 تشکر از اینکه استمداد از بزرگان و دست اندرکاران برای خاموش
 ساختن شعله های خانها سوزی کرده بودم که بجان و مال و کشور
 و دینمان افتاده تر و خشک را با هم از بین میبرد •

البته در صورتی تایید و تشکر میکردید که با دقت و با ذهن و
 دل خالی از پیشداوری آنرا میخواندید • اینکه میگویم با ذهن و
 دل خالی از پیشداوری در دلی است که میگویم • شوخی نیست
 دو سال و نیم است که تمام رسانه های انحصاری و روزنامه ها و منابر
 در جماعت و جمعه حتی در مدینه و منی طبرغم تاکید که فلارفت و
 لا فسوق ولا جدال فی الحج (۱)، آنچه توانسته اند عباد و اتهام
 تحویل داده دور از هر گونه انصاف و صداقت و بدون ملاحظه قانون
 و اخلاق انواع و سله های ناروای سازشکار، لیبرالیست، ضد انقلاب،
 حامی منافقین، امریکائی، دستاخر دشمن قرآن و دین بما چسبانده
 رسوبات مسموم کننده ای در مخز و قلب همه شما و کسانی که جز خیر
 و خد همتشان را نمیخواهم وارد کرده اند •

شما اگر از روی دقت و با دل و ذهن خالی از پیشداوری آنرا
 خوانده بودید نمیپرسیدید که چرا نسبت به "اعدام یک مشت بی
 سروبی پا و هفت تیرکش رنگان ابراز تاسف و دلسوزی نموده ام" یا
 با اعدام و کپیفرکسانیکه علیه جمهوری اسلامی اسلحه کشیده اند
 مخالفت نموده ام • بدلیل اینکه چنین چیزی در آنجا گفته و خواسته
 نشده بوده است • بالعکس دلسوزی برای "گلزای سرسبد حوزه های
 دینی"، پاسداران و ولتمردان، بیگانهان رهگذر و مقیم و پدر
 و مادران بی خبر کرده ام • و همچنین برای جوانانیکه بعضاً منافق

(۱) بقره ۱۹۷/۱۹۳ - پس در حج نه نزدیکی با زنان است نه

فسق و فجور و نه جدال و جنگ •

یا منحرف ولی ایرانی هستند و مسلمانان و در هر حال فرزندان و برادران من و شما • آیا دلسوختن برای هموطنان و همکیشان که محصول دست پرورده این آب و خاک سرمایه و امید آینده هستند، یاباید باشند، جرم است؟ و اگر افرادی راه شیطان را پیش گرفته باشند نباید تاسف و تائیرمان در پی اندان شود؟ آیا نباید درد را از ریشه دوا کنیم و نسل را از سنین جوانی در باییم؟ آیا مسلول و ملاریائی را باید کشت یاسعی در معامله او و از بین بردن علل و عوامل مرض کرد؟

چرا پرسش کنندگان معقول مثل شما و اعتراض کنندگان بدخواه بجای ایراد بالا به آخر نطق توجه نکرده اند؟ آنجا که گفته ام این قبیل نزاع و کشتارهای دوطرفه، جاده صافکن برای تشریف فرمائی کود تاچیان منکی به غرب یا شرق میشود •

نهضت آزادی و من برخلاف انقلابیهای افراطی و مارکسیستها همه هموطنان را دوست داریم و بنامین دلیل یعنی بخاطر خلق خدا بوده است که از اول وارد مبارزه ملی و اسلامی شده ایم • چه برای آنها که میفروشند و میدهند و چه آنها که نمیدانند و بد میکنند • ممکن است بنظر بعضی ما چنین طرز فکر غلط و اشتباه بوده لازمه مسلمانی اشداء بینیم باشد اما کسی حق ندارد صاحبان این عقیده را خائن و منافق یا امریکائی بداند • شما چرا پیش بینی و هشدار خطاها و خطرات را تا یوس ساختن مردم دانسته اید و واقع بینی و چاره جوئی را ادای وظیفه و

شهرامت نمی‌آید؟ خطر و بلاها سرزیر برف کردن و ندیدن و نگفتن
 آیا منتفی میشود؟ مگر خداوند پیشاپیش آیات جهاد و برای آماده
 کردن ما بقبول گرفتاریهای بزرگ راه هشدار " وللهولکم بشی من
 الخوف والجموع ونقص من الاموال والانس والشرات وبشر الصابرين "
 را نداده است (۱)؟ برای ملتی که با چنین مقاومت و عشق از مـ
 محرومیتها و شهادت استقبال مینماید آیا توهین نیست که بگوئید
 پیشش بیدن خطرات و مشکلات او را مایوس و منصرف خواهد کرد؟
 مگر آنکه اصلاً نابودی و بناداری خواسته های عمدی باشد •

کسانی نیز ایراد گرفته اند که چرا منافقین را جانبا زگفته و
 امریکائی نگفته ام • اینان آیا مکنرانند که در مراحل اعدام شدگان
 جان خودشان را از روی عقیده و عشق ولو بخطا و بزبان خود از
 دست میداده اند • پس جانبا زانند و شخص جانبا زیافتد اکاره ممکن
 است جاهل یا گناهکار باشد • ولی نمیتواند مزدور باشد •

جای دیگر گفته اید حال که خود را مفسر قرآن میدانم و آنرا
 ترجمه و تاویل میکنم چرا به آیه سرنوشت ساز " و اقتلوه م حیث
 تقتلوه م • • • " متوسل نمیشوم و سپس علت نامه و سؤال اتان را
 دیدار فیلم دلخراش جنازه جزغاله شده کودک بیگناه شیرازی
 بیان داشته اید • از این پرسش شما ممنونم • بلی من قرآن را
 ترجمه و تفسیر میکنم — البته نه بتازگیها — ولی تاویل نمیکنم •

(۱) بقره ۱۵۵/۱۵۰ — و شما را به چیزی (نمونه هائی) از ترس
 و گرسنگی و از دست دادن اموال و افراد و محصولات گرفتارتان
 خواهم کرد ولی صبرداران را مزده بده •

اصرار دارم که مطالب و معتقدات و نظریات ان التقاطی و اختراعی نبوده منطبق و مستخرج از قرآن باشد • و آنچه اختلاف و منازعه داریم بحکم " فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول" (۱) و بفرموده علی (ع) به محکامات قرآن و بر غتار و سنت مسلم رسول خدا و عترت او عرضه نمائیم • آن آیه شریفه که عنوان کرده اید و در سوره بقره آمده است (۲) صریحاً در مورد جنگ متقابل با کفار است نه منافقین که مجاهدین خلق را از آن دسته بیدارید • بعلاوه

حقیر فقیر در کجای آن نطق حرفی علیه اعدام قاتلین و قصاص ضاربین زده ام یا گفته باشم که فتنه و فساد چیز بدی نیست و نباید از بین برد • بالعکس، خیلی جلوتر از حادثه وحشت انگیز شیراز در — مهرماه امسال که دل شما و همگی ما و هرانسان صاحب معرفت

(۱) نساء ۵۹/۶۱ — و اگر در چیزی (میان خود و با ولی امری که از خودتان است) اختلاف نظر و نزاع پیدا کردید بسوی خدا و رسول برگردانید •

(۲) بقره ۱۹۱/۱۸۷ — و اقتلوهم حیث تقتلوهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم و الفتنه اشد من القتل ولا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقاتلوهم فیه فان قاتلوهم فاقتلوهم کذلک جزاء الکافرین (آنها را هرجا بیابید بکشید و از هرجا شما را بیرون کردند بیرون نمائید و بدانید که — فتنه شدیدتر از کشتن است و مادام که آنها با شما در مسجد الحرام بجنگ برخواستند در آنجا جنگ کنید ولی اگر با شما کارزار کردند بکشیدشان • جزاء کافرها اینطور باید باشد •

را ببرد آورد، و به مجاهدین نسبت داده اند، فتنه و فساد -
 نزدیک را پیش بینی کرده هشدار میدادم و چاره جوئی میخواستم.
 با مقاله " مبارزه قانونی و مبارزه مسلحانه " که در میزان مورخ -
 ۶۰/۲/۹ در آمد یا " فرزندان مجاهد و مکتبی عزیزم " در
 تاریخ ۱۲ اردیبهشت قصدی جز اعلام خطر و جلوگیری از فاجعه های
 نفرت زائی نظیر اتوبوس شیراز و دفتر حزب جمهوری یا نخست وزیری
 و همچنین اعدامهای ده تا ده تا و صد تا صد تا نداشتم. بنابراین
 من هستم که حق دارم از جانب خدا و خلق خدا بیگانه نویسدگان
 و دست اندرکاران اعتراض کنم که چرا امروز توجه به نیت و نوشته ام
 نکرده بحوض تهمت و توهمین نرسیدند که چه راه حلی پیشنهاد
 مینمایم و خودشان نیز عبرت از گذشته نگرفته و فکر درستی نکردند.
 زمانی هم که در دور دوم انتخابات تهران اطلاعیه داده بودم که
 بگذارید اگر کسی اکثریت دارد به مجلس بیاید تا جای درگیریهای
 خون آلود خیابانی را بحث و جدالهای آزاد پارلمانی بگیرد و قانون
 و آراء ملت حاکم شود، همین نگرانی و منظور را داشتم ولی قصد
 رو قلم را قلب کردند...
 در نطق قبل از دستور ۱۵ مهرماه که عده ای از نمایندگان جلوی

آنها گرفتند و حالا هم که این جواب را بشما میدهم مثل همیشه انارید
 الا الا صلاح ما استطعت وما توفیقی الا باللّه علیه توکلت والیه انیب (۱).
 با سلام و دعای عافیت

مهدی بازرگان

۶۰/۸/۱۷

(۱) هود ۸۸/۹۰ - قصدی از اصلاح تا آنجا که از دستم برآید ندارم و
 توفیقتم جزیه (یاری) خدا نبوده برآونوکل دارم سوسی و انابه (وزاری)
 مینمایم.

این نشریات را می‌توانید از دفتر نشریه آزادی ایران واقع در خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان شماره ۴۴ دریافت نمایید :

- ۱۳۶۰ آبان
۶۰/۱۰/۱۵ * قطعنامه نهضت آزادی ایران - کنگره سردار شهید دکتر چمران
۶۰/۱۰/۱۰ * مکانیات آت ۰۰۰۰ سدوی با منتهی بازگان
۱۳۶۰ بهمن
۶۰/۱۱/۱۴ * نطق پیش از دستبرد منتهی سر هاشم سبزه‌بان در مجلس شورای اسلامی
۶۰/۱۱/۱۵ * درباره وسوسه های خناس بزرگ - صدای آمریکا چه میخواهد ؟
۶۰/۱۱/۱۵ * پاسخ به روزنامه های کیتان و جزووری اسلامی
۶۰/۱۱/۱۵ * پاسخ به اطلاعات پیرامین مکتوب شفت
۶۰/۱۱/۱۵ * بیانیه بمناسبة سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
۶۰/۱۱/۲۲ * شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس سر بازگان
۶۰/۱۱/۲۸ * سیمای دولت موقت در پیلج سند
۶۰/۱۲/۲۹ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبة سالروز ملی شدن صنعت نفت
۶۱/۲/۹ * جوابیه نهضت آزادی ایران به سرمقاله " آیت‌سازاواراست ؟ " روزنامه
جمهوری اسلامی
۶۱/۲/۲۲ * بیانیه بمناسبة بیست و یکمین سالگرد تاسیس نهضت آزادی ایران
۶۱/۲/۸ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به علماء اعلام و حجج اسلام ائمه جمعه
۶۱/۲/۹ * نامه مهندس سر بازگان به آیتة ۰۰۰۱ محمدی کیلانی
۶۱/۲/۱۹ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر آموزش و پرورش
۶۱/۲/۲۹ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبة سالروز شهادت دکتر شریعتی
۶۱/۲/۳۱ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبة سالگرد شهادت دکتر چمران
۶۱/۴/۱ * تلاش دولت موقت برای جلوگیری از جنگ تحلیلی عراق
۶۱/۴/۲۰ * ویژگیهای خوارج آنهاکه علی (ع) را کشتند
۶۱/۵/۱۰ * نامه مهندس سر بازگان به حجت الاسلام خامنه ای دبیرکل حزب جمهوری اسلامی
اردیبهشت ۶۱ * بررسی قانون اراضی شهری
تیرماه ۶۱ * تحلیلی درباره بازگانی خارجی
مرداد ماه ۶۱ * نیلایه القدر نهضت آزادی ایران
شهریور ۶۱ * نگاهی به اوضاع لبنان
۶۱/۶/۲۵ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
* پاسخ به حملات وسیع و گسترده علیه نهضت آزادی ایران پیرامین
نامه سرگشاده به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
۶۱ آبان
۶۱/۹/۱ * شانزده آذر بیاد حماسه مقاومت دانشگاه و سه قطره خون باران دانشجو
۶۱/۹/۲۹ * نامه سرگشاده به رهبرین دیوان عالی کشور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ التَّقْوَىٰ

خواننده عزیز ،

این نشریه بمنظور انجام وظیفه شرعی ، اجرای فریضه امر بمعروف ونهی از منکر و ابلاغ بار رسالتی که در شرائط کنونی انقلاب بدوش میکشیم تهیه شده و در اختیار شما قرار میگردد .

در راه مقابله با مشکلات و مجددیت ها و تهدیداتی که در انجام این خدمت خود نمائس میکنند ، پس از فضل الهی بد کتکهای معنوی و مادی شما
پیمازمندیم .

لطفاً کفزارات خود را بصندوق پستی ۱۵۱۹/۴۱ ارسال داشته و کتکهای مالی را بحساب شماره ۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۳۱ مسابازان) بنام آقای مهندس توسلی وارمز و رسید آنرا ارسال فرمائید .

تلیفات و روابط عمومی
نهضت آزادی ایران

پاسخ

به

روزنامه‌های کیهان

و جمهوری اسلامی



بسمه تعالی

خواننده عزیز

بی شک شما نیز چون ما از آغاز پیروزی انقلاب تا کنون شاهد حملات هماهنگی علیه نهضت آزادی ایران و اعضای آن بوده‌اید. این حملات نه تنها از سوی مطبوعات و رادیوهای شرقی و غربی و وابستگان شناخته شده داخلی! آنها که در مجموع خط توده - نفتی را تشکیل می‌دهند بطور مستمر ادامه داشته است - که البته قابل توجیه است - بلکه برخی دوستان مخلص ولی نادان انقلاب نیز تحت تاثیر همان القاضات و درهسان جهت برخلاف اخلاق و معیارهای اسلامی با مطرح ساختن مطالب دور از واقع و تهمت و افترا علیه نهضت آزادی ایران در مطبوعات و سایر مجامع و رسانه های عمومی بدشمنان انقلاب کمک کرده‌اند .

در شرایط کنونی انقلاب برای ما پیام گویی به دشمنان انقلاب اسلامی بعلت نداشتن روزنامه و امکانات لازم ممکن نیست در حالیکه دشمنان انقلاب اسلامی روزنامه، نشریه و امکانات فراوان در اختیار دارند و به توطئه علیه جمهوری اسلامی مشغولند. اما از روزنامه های رسمی جمهوری اسلامی انتظار می رود بر اساس اخلاق و معیارهای اسلامی و در اجرای قانون مطبوعات جوابیه های مارا که بنا بر وظیفه امر بر سرعوت و نهی از منکر

تهیه شده است درج کنند .

نهضت آزادی ایران در هفته های اخیر، سه پاسخ بس

مقاله های :

روزنامه کیهان مورخ ۱۷ دی ماه ۱۳۶۰ تحت عنوان "شناخت

گروههای سیاسی "

روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۹ دی ماه ۱۳۶۰ تحت عنوان

" مقدمات آشنائی با قرآن "

روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ دی ماه ۱۳۶۰ تحت عنوان "مکتوب

هفته" که حاوی مطالب دوزار واقع ، تهمت و افترا نسبت

بنهضت بوده ارسال داشته است . که متاسفانه با وجود پیگیری

های متعدد بجز جوابیه مربوط به روزنامه کیهان هنوز اقدام

به چاپ آنها نشده است . با وجودیکه در این موارد اقدامات

قانونی بعمل آمده و امیدوار است که مراجع قانونی رسیدگی

و اقدام لازم را معمول نمایند لازم دانستیم ، بنا بوظیفه

امر بمعروف و نهی از منکر ، افکار عمومی را در حدود امکانات

بسیار محدود خود روشن کنیم .

با توجه بمراتب بالا متن جوابیه های توضیحی نهضت آزادی

ایران به روزنامه های فوق الذکر برای اطلاع عموم تکثیر

میشود . با امید آنکه مسئولان روزنامه های وابسته به مقامات

و اداهای جمهوری اسلامی که دم از سال قانون می زنند

مصالح جمهوری اسلامی را فدای نظرات شخصی ننموده و نسبت به اجرای مفاد قانون مطبوعات کردن نهند و از عسذاب الهی که خداوند ما را مخاطب قرار داده " لم تقولون مالا تفعلون کبر مقتاً عند الله ان تقولوا مالا تفعلون (سوره ص آیه شماره ۳) بهره‌یزنده والسلام .

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

۶۰/۱۱/۱۲

۱- چرا چیزی به زبان میگوئید که در مقام عمل خلاف آن میکنید از این عمل که سخنی بگوئید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را بخشم و غضب میآورد

* پاسخ با اطلاعات پیرامون " مکتوب هفته " در جزوه جداگانه تکثیر و توزیع شده است .



شماره: ۲۵/۴/۱۱۴

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۲۰

جناب حجت الاسلام آقای سید محمد خاتمی
سرپرست محترم موسسه کیهان

اخیرا سلسله مقالاتی تحت عنوان " شناخت گروههای سیاسی "

در کیهان بجاپ می رسد که روند سیاسی احزاب و گروهها را مسورد
بحث قرار می دهد. در قسمتهای چهارم و پنجم این سلسله مقالات
(مورخ ۸ و ۹ دی ماه ۱۳۶۰) از نویسنده ای بنام " ابویاسر "
در شرح جریانات سیاسی پس از کودتای ۲۸ مرداد اشاره بسسه
مسائلی دارد که قابل توجه است .

ضمن تشکر از نویسنده بخاطر ذکر بعضی از مطالب حقیسی
که آورده است ، بنظر می رسد بعلت عدم توجه کافی به جریانات
سیاسی - تاریخی و یا بعلت عدم دسترسی به اسناد و منابع
متنوعی که از این دوره از تاریخ باقی مانده است موفق نگردیده
به ذکر کامل و حقیقی همه قضایا بپردازد .

نویسنده ضمن شرح بسیار مختصر حوادث سیاسی سالهای ۲۲ تا
۴۰ و چگونگی تشکیل نهضت آزادی ایران نقاط ضعفی را بسسه
نهضت آزادی نسبت داده است که به هیچ وجه صحت ندارد .
۱- بعنوان یکی از عمده ترین اشکال ها ، در قسمت چهارم
سلسله مقالات فوق الذکر مسئله " علم زدگی و ضد فلسفه

بودن " را به نهضت منتسب می نماید. نویسنده سه ———
برای تأیید برداشت خود ، جمله ای از بیانیه ——— مورخ
۵۸/۳/۲۷ نهضت آزادی را نقل می کند.

اولاد برای شناخت تفکر یک سازمان اسلامی تنها از یک بعد
از یک بیانیه آن نقل قول آوردن منصفانه نبوده و هرگز نمی
تواند راهگشای نیل بسوی حقیقت باشد. نهضت آزادی ایران
و همچنین بنیان گزاران و فعالین آن مدها مقاله و کتاب
و نشریه و مطالب از خود بجای گذاشته اند . برخلاف این استنتاج
نادرست مطالعه کتب و آثار موسسین و بنیان گزاران نهضت
نظیر مرحوم طالقانی مرحوم شریعتی و مهندس بازرگان هرگز
چنین ادعائی را به اثبات نمی رساند .

معلم شهید ، دکتر شریعتی خود از معدود کسانی بود که مسئله
" سیاستیم " یا علم زدگی را به عنوان یک مشکل بزرگ اجتماعی
مطرح ساخت . در اولین اسناد نهضت آزادی ایران بصراحت قید
شده است که ما اول مسلمانیم و بعد فعالیت سیاسی را بر
مبنای اعتقادات اسلامی دنبال می کنیم . در هیچیک از
نوشتجات نهضت در مقابل وحی هرگز به علم تکیه نشده است .
بنظر نهضت آزادی ایران ، قبول اصالت وحی به منزله
نغمه ارزش دستاوردهای علمی نمی باشد و قبول ارزش دستاوردهای
علمی به منزله نغمه اصالت وحی نیست و " علم زدگی " محسوب

نم. شود علم زدگی، بدان معناست که تنها آن حقایق، از جهان پذیرفته، است که علم بر آن گواهی، بدهد و لاغیر! اگر نویسنده محترم مقاله کتاب "مسئله وحی" آقای مهندس بازرگان (ج۱) ۱۳۴۱ را خوانده بودند یقیناً چنین اظهار نظر خلاف حقیقت و خلاف انصاف را در حق ایشان نمی نمودند.

واضح است که نه "مهندس" و نه سایر موسسین و فعالین نهضت آزادی چنین اصالتی را به علم در برابر وحی نداده و نمی دهند. آقای "ابویاسر" خود بهتر از هر کس به این مسئله واقف است. مبدا خدای ناکرده اختلاف نظر در مشی سیاسی باعث تجاوز از حدود خدا و تقوی شده باشد!

ثانیا - نویسنده اشتباه بزرگی در نتیجه گیری از استنتاج نادرست خود نموده و مدعی شده که گویا همین انتساب غیر واقعی علم زدگی نهضت آزادی موجب انشعاب مثلا سازمان مجاهدین خلق از نهضت آزادی و انشعاب گروه بیکار از مجاهدین خلق می باشد! چنین برخورد و استدلالی به هیچ وجه درست نیست این یکی از سطحی ترین شیوه های برخورد به این مسئله است و هرگز در جهت "شناخت گروههای سیاسی" موثر نخواهد افتاد. در تمام مکاتب سیاسی، مذاهب و ادیان انشعابات و انحرافات بروز کرده و می کنند در تاریخ اسلام هم از بدو حرکت اسلامی گروههایی با تفکر غیر مانوس با اسلام یا متفاوت با

آن بوجود آمدند . حرکت و ظهور خوارج (درحالی که بسیاری از آنها محضر پیامبر و امام بهر حق را نیز درک کرده بودند) . حرکت اسماعیلیه و ... شیوند شاهی از این انشعابات میباشند . آیا اگر خوارج در آن برهه از تاریخ پدید آمدند اشکال و ایراد در مفاهیم و مبانی اسلام و قرآن و در عمل پیامبر و امامان معصوم بود؟ آیا این طرز استدلال درست است؟ ظهور و حضور گروهها و فرق انحرافی والتفاطسی در تاریخ اسلام تا زگی ندارد و هیچ ربطی هم به اصالت یا عدم اصالت اسلام و تردید در آن ندارد !

۲ - نقطه ضعف دیگری که نویسنده محترم مقاله گویا در مورد نهضت یافته است در رابطه با روحانیت می باشد .

برخورد نهضت آزادی ایران با روحانیت یک برخورد اصولی است . مؤسسين و فعالين نهضت آزادی افتخار می کنند که از پیشگامان اولیه وحدت و نزدیکی دوجریان اسلامی دانشگاه و میضیه میباشند . عملکرد و موضع گیری نهضت آزادی ایران ، خصوصاً در سالهای ۳۹ و ۴۰ اوج گیری مبارزات ملت و تبلور آن در قیام ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی صداقت نهضت آزادی را در برخورد با روحانیت متعهد و مبارز نشان می دهد . سران و فعالین نهضت آزادی ایران از اولین لبیک گویان دعوت امام به قبول مسئولیت در حساس ترین و پرمخاطره

ترین شرایط تاریخی میهمان بوده‌اند . حتی در همان سال ۴۲
دورندگان قصر در آن شرایط سخت دست از مبارزه نکشیدند و
مجلس فاتحه برای شهدای ۱۵ خرداد منعقد کردند که فقط یک نفر
آقایان جبهه ملی در آن شرکت کرد.

اگر نهضت آزادی ایران در خرداد ۵۸ نوشت که روحانیست
رسالت ارشادی داشته باشد در واقع تکرار سیاستی بود که بارها
از جانب امام اعلام گردیده بود . بعنوان نمونه وقتی
از ایشان سؤال میشود که نقش روحانیون و رهبران مذهبی
را در دولت آینده چگونه می‌بینید، جواب میدهد :

" روحانیون در حکومت آینده نقش ارشاد و هدایت دولت را دارا
می‌باشند " (مباحثه با مجله اکونومیست ۱۸/۱۰/۱۳۵۷)

۳- آقای نویسنده می‌نویسد که " اشکال سوم اعتقاد نهضت
دموکراسی از نوع غربی آن بود که بر اساس آراء مردم و نه بر
اساس صلاح مردم است . "

این سخن نادرست است. نهضت آزادی ایران نه به دموکراسی
نوع غربی اعتقاد دارد و نه به سوسیالیسم و " سرمایهداری
دولتی " و استالینسم ! نهضت آزادی ایران بارها موضع خود
را درباره مسئله " آزادی " بیان کرده است . آنچه که قرآن
کریم برای ما از روش انبیاء بیان می‌کند و ما از سنت رسول
خدا (ص) درک می‌کنیم این است که پیامبران برای اصلاح

حال مردم هرگز از شیوه های زور استفاده نکرده اند. بلکه با تلاش و صبر فراوان و با ارائه آیات الهی و بینات (دلایل محکم و استوار) مردم را به راه حق دعوت نموده و آنها را متقاعد و مومن ساختند به اینکه عمل به احکام الهی به صلاح خودشان می باشد. اما بهز حال مردم خودشان با آگاهی و اختیار انتخاب کننده بوده اند، نه با زور و جبر و اکراه مگر شیوه انتخاب مراجع جز این بوده است که مردم خودشان به طور طبیعی و با میل و رغبت می پذیرفته اند و صلاح خود را تشخیص میداده اند و انتخاب می کرده اند؟ آیا چون مراجع اجرای احکام را به صلاح مردم می دانسته اند با آنان بزور رفتار کرده و خود را تحمیل می کرده اند؟ و این هرگز بدان معنا نیست که اگر مردم برای که خلاف اسلام است وحدت کردند ما بایستد آنها بپذیریم در این مورد قرآن تا آنجا پیش می رود که بسمه پیامبر گرامی تذکر می دهد که تو وکیل و وصی مردم نیستی! هدایت دست خداست و هر کس را بخواهد هدایت می کند. آیا اعتقاد به این امر بدیهی اسلامی، اعتقاد به "دموکراسی غربی" است؟! و آیا چنان نگرش و چنان تحلیلی که آقای "ابویاسر" نموده اند خود بخود منجر به پربها دادن بسمه دموکراسی غربی و تطهیر آن نخواهد شد؟ و آیا آن نشانه عدم شناخت حتی دموکراسی غربی نیز نمی باشد؟

۴- نویسنده می گوید : عمده ترین اشکالهای تهمت ، علم زدگی (است) که سیاست گام بگام هم از همین علم زدگی استوار است . که علم سیر تحولی از فرضیه به تئوری و از تئوری به آزمون دارد و تکامل هم گام بگام و تدریجی است . در قسمت های قبلی به تهمت ناروای علم زدگی اشاره کرده و جواب دادیم . اما اینکه به سیاست گام بگام اشاره کرده اند و آنرا به " علم زدگی " ربط داده اند خیلی عجیب و جالب است ! اولاً بهتر بود ابتدا " سیاست گام بگام " را تعریف می کردند و آنگاه حداقل از بیانیته ها و اسناد نهضت نقل می کردند که کجا نهضت آزادی به سیاست گام بگام معتقد بوده است .

اما اگر روزی بدلیل جو خاصی که دشمنان انقلاب اسلامی ساخته بودند و با هوجبگری مسئله سیاست گام بگام را مطرح می ساختند امروز دیگر بعد از گذشت قریب به سه سال از انقلاب تمامی دولتمردان و دست اندرکاران لاجرم به ضرورت برنامه ریزی و اجرای مرحله به مرحله یا قدم بقدم یا گام بگام (در عمل و یا حتی در سخنانشان) نیز اعتراف و اذعان دارند . مشیت الهی در تمامی امور سازنده و خلاق تدریجی میباشد . جهان ما " دغتاً " واحد " خلق نشده است بلکه بموجب سبب نصر صریح قرآن در " ستاییم " (در ۶ مرحله و بیوم) بوده است

خلقت انسان نه تنها مرحله به مرحله باگام بهگام بوده

است بلکه خداوند هریک از مراحل را از خاک خشک و گل و لجن

و " علقه " و " مضعه " و " عظام " و... همه را یک بیک

شرح می دهد. آیا برآستی آقای " ابویاسر " اینها را خوانده اند؟

مطمئنا نویسنده محترم اعتراف دارند رشد و بلوغ خنود

ایشانهم بتدریج و گام به گام بوده است؟!

آیا بهترینست بجای تسلیم شدن به جو سازی های دشمنان

انقلاب اسلامی به معیارها و ارزشهای والای اسلامی تکیه کنیم

و بجای تبعیت از سیاست دفع ، و عملیه شیوه های تضاد دیالکتیک

(ونتیجتا افتادن در غرقاب " التقاط در عمل ") به حبل المتین

الهی چنگ بزنیم ؟ و به بهانه های واهی به جان خدمتگزاران

واقعی اسلام و ایران و انقلاب نیفتیم که خداوند فرمود:

ولاتنازعوا فتفشلوا وتذهب ربکم " !!

(انفعال ۴۶)

آیت الله منتظری در پیام خود بمناسبت هفته وحدت چنین

گفته اند :

" بسیار شنیده میشود ببرادرانی که در صداقت و حسن نیتشان

شکی نیست ناخود آگاه تحت تاثیر جو کاذب و القائات مرموزی

واقع میشوند که نتیجه ای جز تشدید جو سوء ظن و بی اعتمادی

عمومی و منزوی نمودن افراد متدین اعم از روحانی و غیره

که سالها در خط امام بوده و لحظه‌ای در انجام وظایف انقلابی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب کوتاهی ننموده اند، نخواهد داشت.

اینگونه برخوردها، صحنه کار و فعالیت را از افراد مومن به انقلاب اسلامی و فداکار خالی می‌کند و در نتیجه بحای انسان افراد فرصت طلب متعلق و غیر معتقد به مکتب و انقلاب منافق گونه جایگزین میشوند. و در نهایت، انقلاب از درون بسسد پوچی و انفجار کشیده خواهد شد و نسل جوان مسلمان و متعهد به جای گرایش به اسلام خالص و اداره انقلاب و کشور، جذب گروه های منحرف و وابسته میشود و این امر چیزی جز خواست دشمنان اسلام را در برنخواهد داشت در همین رابطه مسئولیت افراد مؤمن مسلمان بیشتر از دیگران خواهد بود. آنان باید با در نظر گرفتن مصالح و آینده انقلاب و به کارگیری قاطعیت و برهیز از محافظه کاری در برابر جریانات و جوهای مسموم و تندروی جاهلانه مقاومت کنند.

"... افراد یک بعدی و تندرو خیال نکنند به اسلام خدمت می‌کنند آنان ناخواسته و چه بسا با حسن نیت زمینه را برای انحراف و سقوط اصل انقلاب فراهم می‌نمایند و با اعمال جاهلانسه و خارج از قانون خود پرستیژ جمهوری اسلامی را در دنیا مشوش می‌سازند و این امر گناهی بس بزرگ است."

"... زبان ناشی از عملکرد اینگونه افراد تک بعدی و تندخوی ، کمتر از زبان دشمنان اسلام نخواهد بود. اینان با پاکسی فطرت و حسن نیت خود عملاً به ادامه و گسترش انقلاب ضربه میزنند و در حقیقت دوستان نادان خطرناکتر از دشمن داننا خواهد بود."

"... بر همه ما لازم است ناخود آگاه تحت تاثیر سوابق و جریانات شخصی جوها و عصبانیت ها قرار بگیریم و از میل و خواست درونی خویش به خاطر اسلام و انقلاب بگذریم."

آیا برآستی اتهام زدن به نهضت آزادی ایران ، و سرانو فعالین آن با سوابق سالیان دراز خدمت موجب پایان جنگ با رژیم بعثی عراق می گردد؟ مشکلات بیشمار اقتصادی تورم و رکود را حل می کند؟ امنیت قضائی و شغلی را در سطح جامعه تامین می نماید؟ برآستی کدام مشکلات را با وارد ساختن اتهامات بی اساس به نهضت آزادی می خواهید حل کنید؟

آیا برآستی تلاش در جهت بی اعتبار کردن کسانی که چه در سالهای سیاه اختناق و دیکتاتوری سیاه پهلوی (حتی به نوشته خودتان) و چه در دوران پس از انقلاب صادقانه خدمت کرده اند و سالهاست که مردم آنها را می شناسند به نفع چه کسانی (یا چه کسی) تمام میشود؟

و ... آیا این حملات از جانب کسی (یا کسانی) که حتی

حاضر نیستند اسم واقعی خود را بنویسند تا مردم بدانند آنها
چه کاره بوده اند و بپاهستند چه معنی و چه ارزشی دارد ؟
خداوند همه ما را در انجام آنچه موجب رضای اوست موفق گرداند.

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی تاریخ ۶۰/۱۰/۱۲

شماره ۲۰/۴/۱۰۲

سردبیر و مدیرمسئول محترم روزنامه جمهوری اسلامی

بعد از سلام در شماره مورخه ۹ دیماه آن روزنامه تحت عنوان "مقدمات آشنائی باقرآن" درس هشتم مطالبی در رابطه با نهضت آزادی ایران آورده شده است که نادرست میباشد و برطبق ضوابط اخلاق اسلامی و مقررات قانون مطبوعات استدعا میشود دستور فرمایند شرح زیر در اولین شماره در همان صفحه درج گردد :

۱- نهضت آزادی ایران و لیبرالیسم - نویسنده محترم در ابتدای بحث درباره ماهیت لیبرالیسم توجه داده اند که اگر لیبرالیسم بمعنای واقعی یعنی آزادی خواهی باشد، این لیبرالیسم چیزی است که اسلام آورده است. نهضت آزادی براساس اندیشه اسلامی به آزادی واقعی انسان براساس فطرت الهی و برطبق مقررات معتقد است. اولین عبارت از بیانیه نهضت آزادی ایران در اردی بهشت ۱۳۴۰ چنین می گوید:

" اقتضای اطاعت از "خدا" مبارزه با بندگی غیراود و شرط سپاس ایزدی تحصیل آزادی برای بکار بستن آن در طریق "حق" و "عدالت" و "خدمت" است ما باید منزلت و مسئولیت خود را در جهان خلقت بشناسیم تا برستکاری و پیروزی نائل شویم .

بنابراین برجسب به نهضت آزادی به عنوان معتقدین به

به لیبرالیسم به معنای غربی آن ، یعنی فرار از حوضه جاذبه احکام خدا و دستورات خدا و فرار از این حوضه بسط حوضه آزادی از شر قید و بندی که متعلق به خدا باشد ، برجسته ناچسبی است . روش و عمل نهضت آزادی و سران و فعالین و اعضای آن در طی سالیان دراز گذشته چه در داخل و چه در خارج از کشور و تبعیدشان داد است که برخلاف ادعای نویسنده محترم متعبد با حکام الهی بوده و هستند .

۲- درباره روزنامه میزان - اولاً این روزنامه نسخه "اسما" و نه "رسم" ارگان نهضت آزادی ایران نبوده است . البته عده‌ای از برادران نهضتی در روزنامه مشغول بوده‌اند . و روزنامه بیانیه های نهضت را بدون سانسور چاپ میکرده است . ولی این بدان معنا نیست که تمامی مواضع روزنامه ، مواضع نهضت آزادی ایران میباشد .

۳- درباره لایحه قصاص - نهضت آزادی ایران نظر خود را درباره قصاص بعنوان یک " ضروری دین " و لایحه قصاص ، پیشنهادی شورای قضائی به مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۶۰ منتشر ساخت که احتمالاً نویسنده محترم آنرا ندیده و یا شاید بی‌خبر باشند . در آن بیانیه ماسا گفته ایم که :

× " نهضت آزادی ایران بحکم اعتقاد به مبانی اندیشه اسلامی

قصاص را از امور ضروری اسلام میدانند و از آنجا که بارها در طول عمر مبارزات و فعالیت های اسلامی خود این اعتقاد را عملاً نشان داده هرگز انتظار آنرا نداشته است که با چنان سوابق روشنی احتیاجی باشد درباره هر یک از مسائل اساسی اسلامی جداگانه اعتقادات خود را بیان کند. اما در مورد اجرای حدود اسلام، ما هم نظیر برخی از علمای نظام اعتقاد داریم که بایستی شرایط و مقدمات اولیه بر طبق ضوابط اسلامی و بدنبال اجرای اسلام در تمامیت آن تحقق پیدا کند. بیان امام در این مورد به حد کافی رسا و گویا میباشد :

" اجرای حدود در اسلام موکول به تحقق شرایط و مقدمات بسیار است و باید جهات بسیاری را از روی کمال عدالت و توجه به اینکه اسلام در کلیت خود اجرا گردد در نظر گرفت. اگر این امور در نظر گرفته شوند ملاحظه خواهد شد که مقررات اسلامی کمتر از هر مقررات دیگری خشونت آمیز است. " (امام خمینی
مباحثه با گاردین آبان ۵۷ - پاریس)

در مورد لایحه پیشنهادی قصاص که توسط شورای عالی قضائی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است شک نیست که باید مراحل قانونی آن بر طبق اصول مصرحه در قانون اساسی طی شود. "

۴- اما درباره دولت موقت و نهضت آزادی - ما بارها اعلام کرده ایم که دولت موقت دولت نهضت آزادی نبوده و برادران نهضتی که در دولت موقت قبول مسئولیت کرده بودند نه تعهدی در برابر نهضت داشتند و نه نهضت در برابر اعمال آنها مسئول بوده است. بموجب شرط اخلاقی که امام برای شرکت در دولت موقت گذاشتند، تمامی افراد وابسته به احزاب در مدت مسئولیت در دولت، نمی‌بایستی فعالیت حزبی و گروهی داشته باشند افراد نهضت آزادی که در دولت موقت قبول مسئولیت کرده بودند با کمال صداقت این شرط امام را اجرا کردند.

اما در مورد چگونگی انتخاب وزراء لازم به تذکر است که تمامی کسانی که برای عضویت در دولت موقت پیشنهاد می‌شدند در جلسات شورای انقلاب به تفصیل مورد بررسی و بحث قرار میگرفت و تنها کسانی دعوت میشدند که مورد تصویب شورای انقلاب قرار میگرفت در مورد خاصی هم که شما اشاره کرده‌اید بهتر است برای اجتناب از هرگونه تهمت و افتراء عیناً " مذاکرات آن جلسه از صورت جلسات استخراج شسسته و منتشر گردد.

در مورد مجلس خبرگان هم بارها توضیحات کافی داده شده است. و ما تعجب می‌کنیم که چرا باز همان مطالب تکرار می‌گردد.

۱۷ نفر از اعضای دولت موقت طی نامه ای به امام نظراتی
را که داشتند به اطلاع ایشان رسانیدند و برطبق رهنمودهای
ایشان هم عمل کردند.

از خداوند توفیق همه خدمتگزاران باسلام و ایران وامست
مسلمان را خواستاریم . والسلام

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

۱۲ دیماه ۱۳۶۰

این نشریات را می‌توانید از دفتر نهضت آزادی ایران واقع در خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان شماره ۴۴ دریافت نمایید :

- * کتابخانه نهضت آزادی ایران - گذرگاه سردار شهید دکتر چمران
- * مکاتبات آیت ۰۰۰۱ مدوئی با مهندس بازرگان
- * تعلق پیش از دستور مهندس هاشم سبحانیان در مجلس شورای اسلامی
- * درباره وسوسه های خفایا بزرگ - زندانی آمریکا چه می‌خواهد ؟
- * پاسخ به روزنامه های کیهان و جمهوری اسلامی
- * پاسخ به اطلاعات پرامون مکتوب هفت
- * بیانیه بنسبیت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
- * شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان
- * سبای دولت موقت در پنج سند
- * بیانیه نهضت آزادی ایران بنسبیت سالروز طغیان شدن صنعت نفت
- * جوابیه نهضت آزادی ایران به سرمقاله " آهاسزاواراست ؟ " روزنامه جمهوری اسلامی
- * بیانیه بنسبیت بیست و یکمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران
- * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به علماء اعلام و حجج اسلام الهه جمعه
- * نامه مهندس بازرگان به آیت ۰۰۰۱ محمدی گلپایگانی
- * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر آموزش و پرورش
- * بیانیه نهضت آزادی ایران بنسبیت سالروز شهادت دکتر شریعتی
- * بیانیه نهضت آزادی ایران بنسبیت سالگرد شهادت دکتر چمران
- * تلاش دولت موقت برای جلوگیری از جنگ تحمیلی عراق
- * ویژگیهای خوارچ آینه‌کام علی (ع) را گشتند
- * نامه مهندس بازرگان به حجت الاسلام خامنه ای دبیرکل حزب جمهوری اسلامی
- * بررسی نائین اراضی شزوری
- * تحلیلی درباره بازرگانی خارجی
- * تبیة التقدر نهضت آزادی ایران
- * نگاهی به اوضاع لبنان
- * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
- * پاسخ به حملات وسیع و مسترده علیه نهضت آزادی ایران پیرامون
- * نامه سرگشاده به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
- * شانزده آذر بیاد حماسه مقاومت دانشگاه و سه قلمه خون باران دانشجو
- * نامه سرگشاده به رئیس دیوان عالی کشور

بسمه تعالی
تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ

خواننده عزیز ،

این نشریه بمنظور انجام وظیفه شرعی ، اجرای
فریضه امر بمعروف و نهی از منکر و ابلاغ بار رسالتی
که در شرائط کنونی انقلاب بدوش می‌کشیم تهیه شده
و در اختیار شما قرار می‌گیرد .
در راه مقابله با مشکلات و محیدودیت ها و تهدیداتی
که در انجام این خدمت خودنمایی میکنند ، پس از
فضل الهی به کمکهای محبوس و مادی شما
تیاژندیم .

لطفاً نظرات خود را بصندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹
ارسال داشته و کمکهای مالی را بحساب شماره
۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۳۱ - آرزان)
بنام آقای مهندس توسلی واریز و رسید آنرا
ارسال فرمائید .

تلفیقات و روابط عمری
نهیض آزادی ایران

پاسخ به سرمقاله

آیا سزاوار است؟...

روزنامه جمهوری اسلامی

روزنامه محترم جمهوری اسلامی

باردیگر سرمقاله سراسر تهمت و توهین و تخطئه علیه
 نهضت آزادی ایران و عده ای از همکاران دولت موقت
 بی پرده و بی پروا، درج فرموده اید (شماره دوشنبه
 ۶۱/۲/۶) وظیفه شرعی و سیاسی و ملی ما ایجاب نمود تا
 حیات و حرکت داریم از حق پایمال شده و مظلومیت خودمان
 دفاع کرده استنتاجهای نادرست و اتهامات ناروای شما را
 پاسخ دهیم و باینترتیب جلوی تجاوز به حیثیت و حقوق
 و حریم دیگران را بگیریم . وظیفه شرعی و قانونی و صنفی
 آن روزنامه نیز ایجاب مینماید که آزاد منشانه و بزرگوازانه
 بدرج مقاله ما مبادرت فرمائید خصوصا با توجه به ممنوعیت
 و محدودیتهایی که ما گرفتار هستیم و برای شما آزادی کامل
 و امکانات وسیع با همکاری همه رسانه ها و خطبه ها وجود
 دارد که در برابر هر نظرو هر سطر ما ، اگر آنرا خلافا دیدید ،
 دهها سطر بنویسید و بگوئید .

تمادفا در همان شماره از جناب آقای مهندس موسوی نخست
 وزیر فعلی و سردبیر قبلی خودتان نقل کرده بودید که " دولت
 تخطی در مقابل قانون را در هیچ جای مملکت تحمل نخواهد کرد "
 بنابراین جا دارد برای آبروی ایشان و متذکران شما هم که

باشد جواب ما را در اولین شماره جمهوری اسلامی و در اولین
صفحه درج فرمائید و اگر عقیده دارید که قانون مطبوعات
مصوب شورای انقلاب روزنامه را ملزم به انتشار جوابها نت
شدگان نمینماید ما را مطلع سازید .

در صورت استنکاف شما ، شکایت بشورای عالی قضائی و
دادستانی و بازرسی کل کشور خواهیم کرد ولی امید و انتظار
و اطمینانمان به احکم الحاکمین که رب العالمین و مالک
یوم الدین است میباشد .

السلام علی من اتبع الهدی

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

متن پاسخ نهضت آزادی ایران به سرمقاله جمهوری اسلامی

بسمه تعالی

آیا سزاوار است؟...

کینه، تهمت و توهین

سکه های رائج جمهوری اسلامی باشد؟

من روی علی مؤمن روایه برید بپاشینه و هدم مروء ته لیسقط من اعین
الباس اخترجه الله من ولایتہ الشیطان فلا یقبله الشیطان.

(هر کس بزبان مؤمنی مطلبی نقل کند که قصدش عیب گیری از او و
ریختن آبرویش باشد تا از چشم مردم بیفتد خداوند او را از ولایت خود
بزولایت شیطان اندازد و شیطان هم او را نپذیرد).

(حدیث نبوی - جلد چهارم اصول کافی)

در شماره مورخ ۶۱/۲/۶ روزنامه جمهوری اسلامی سرمقاله

مفصلی تحت عنوان "آیا سزاوار است؟" بدنبال سرمقاله فرودم

میخواهند بدانند؟ که دوروز قبل درج شده بود به تبعیت از

جو مسموم متخاصم موجود بایک سلسله اتصال و استدلالهای بی پایه

و اتهامهای ناروا افراد و گروههایی (از جمله نهضت آزادی ایران)

را مشمول حرم و جنایتهای عظیم از قبیل سازشکاری و خیانت، ضد

انقلاب بودن و توطئه براندازی، غرب زدگی و ملی گرائی مشرکانه،

وابستگی ریشه دار به آمریکا جهانخوار، حیف و میل اموال عمومی

و غیره آنها کرده‌اند که نظیر جنین بی پروائی و فحاشی آزاد را در روزنامه های دوران طاغوت نیز ندیده بودیم . برآستی مشاهده جنین اعمالی بشت هرایرانی و مسلمان را که پیرو قرآن و علاقمند به انقلاب و اسلام باشد بلرزه درمی آورد !

ماصرفاً بدلیل آنکه قبول ظلم ، گناه است و دفاع از حیثیت و حق و وظیفه شرعی و قانونی و خدمت بعدالت و حقوق ملت می باشد و با آنکه بدلیل تجربیات گذشته امید چندان بحوانمردی و قانون شناسی یا تقوای سیاسی و دینی نویسندگان آن روزنامه نداریم و بدون آنکه از مجوز خدائی: ^۱ «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم» ^(۱) استفاده نمائیم بدستور و ^۲ «حادلهمم بالتی هی احسن» ^(۲) عمل نموده بجواب مختصر آن سرمقاله میپردازیم و عدم درج آنها ، با وجود آزادی و امکانات یکطرفه وسیعی که برای رد و رسوا کردن دارند ، دلیل محکومیت و سوء نیت نویسندگان آن روزنامه خواهیم دانست .

از پایه های اصلی استدلال در این مقاله و اتهام خیانت و توطئه بما ، استناد به آشنائی و احیاناً حمایت ما در گذشته از آقایان بنی صدر و قطب زاده بوده است میپرسیم اگر بقول شما روابط همکاری با افرادی که بعداً اتهام و محکومیت پیدا

(۱) (نساء ۱۴۸) خداوند دوست نمی دارد که کسی بگفتار زشت (بعیب خلق) صدا بزند کند مگر آنکه ظلمی بدور رسیده باشد .

(۲) (انحل ۲۵) : ... و با بهترین طریق مناظره کن .

میکنند دلیل همسخی وهم خطی باشد آیا. براساس این استدلال مخالفت و خصومت آنها را نباید نشانه جدائی ومقابله دانست؟ آیا اطلاع نداشتید که درمیان روشنفکران بقول شما مذهبى و از اروپا برگشته قبل ازهرکس و بیش ازهرکس، این آقایان درروزنامه ارگانشان و درصدا و سیمای تحت اختیارشان بادولت موقت و ما درافتاده و ستیزه و دشمنی کرده بودند؟ اگر روزنامه میزان از پاره ای جهات تأیید وتشویق از رئیس جمهور قانونی کشورو فرمانده کل قوای منصوب امام بدلیل سرسختی وحضور شبانه روزیش درجبهه جنگ نموده وباکسی گنجه درآن اوان امام درباره اش فرموده بود دردلنهای فرد فرد ملت جا دارد روترش نکرده است یا اعتراض ببا زداشت یکطرفه عضو ووزیر خارجه دولت شورای انقلاب سابق کرده است، چرا این عمل مارانشانده اصولی بودن، انصاف داشتن، طرفداری از قانون اساسی وآزادی و عدالت نمیگیرند درحالیکه اگر پای انتفامجوئی و حب و بغض های جاه طلبی در میان بیاید میبایستی به تصفیه حسابهای خصوصی میپرداختیم! اگر حمایت بی دریغ درکار می بود آیا در نطق قبل از دستور آقای مهندس بازرگان درمجلس ایراد وانتقاد به خود بینی آقای بنی صدر وتجاوز وی از حدود قانون اساسی بعمل میآید؟ در سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی و در بسیاری از حملات یکطرفه متداول روز صرف انتصاب و دفاع از حق احيانی اشخاصی که بعداً

بدلائلی مطرود و محکوم شده‌اند ، مدرک خیانت و توطئه گسری قبلی ما گرفته شده است ، روی این استدلال مغرضانه و سفسطه گری شما کسانیکه آقایان بنی صدر و قطب زاده را وارد شورای انقلاب کردند باید بیشتر متهم باشند ! اصولاً آقایان بنی صدر و قطب زاده که در رکاب امام بایران آمدند در سال اول بعد از پیروزی انقلاب بطور مستمر و منظم مورد حمایت روحانیت دست اندرکار بوده و هر دوی آنان با ما موضع و سر مخالفت داشته اند . اگر چه آقای قطب زاده قبلاً در نهضت آزادی خارج از کشور فعالیت داشت ولی پس از ورود به ایران برای مدتی عضویت شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی را پذیرفت و از عضویت نهضت مستعفی شناخته شده به معارضة با دولت موقت و نهضت آزادی پرداخت .

مگر رئیس جمهور شدن آقای بنی صدر و ۱۰/۵ میلیون آراء ملت تا حدود زیادی مدیون توصیه و پشتیبانی روحانیت مبارز نبود ؟ مگر روز نامه انقلاب اسلامی غیر از زمان توقیف غیر قانونی روزنامه میزان و آنهم بمنظور دفاع از آزادی مطبوعات و پیش بینی سرنوشت مشابهی برای خود هرگز هماهنگی و طرفداری از ما داشت ؟

جای حسرت و سوز دل است که مطبوعات انحصارگرا جمهوری اسلامی باین درجه از ابتذال ، و ضعف در منطق و عدالت سقوط کرده باشند و هیچ گوش شنوایی برای انتقاد ، تظلم و احقاق

حق و حقیقت وجود نداشته باشد .

فرموده اید " همواره همراه و موازی با این طیف ، جریان روحانی نمایان قشری و متعهد به شاه و غرب حاضر بوده اند و از سالها قبل هر می را تشکیل داده اند که در رأس آن شریعتمدار قرار داشت . " اگر منظور شما نهضت آزادی باشد که گروه مسلمان و روشنفکر بوده عده ای از اعضاء قدیمی آن تحصیلات غربی دارند ولی نه غرب زده هستند و نه ملی گرای مشرک بخدا ، افراد این حزب از خیلی قبل و در سطح وسیعتر از آشنائی با شریعتمداری همکاری و همفکری با روحانیونی امثال طالقانی (که خود مؤسس و عضو نهضت بود) ، مطهری ، علامه طباطبائی ، شیخ محمدتقی جعفری ، دکتر بهشتی ، صدوقی ، خامنه‌ای ، مهدوی کنی ، موسوی اردبیلی و حتی شخص امام داشته‌اند . پایبای بعضی از آن حضرات (اگر نگوئیم پیشاپیش آنها) علیه شاه و آمریکا حرکت کرده مدها سخنرانی و کتاب و اعلامیه داشته ، مجلس و محفل و مجمع ها تشکیل داده و بیست‌شاز هرکدامشان به حبس و دادگاه رفته‌اند . با مرحوم طالقانی از سال ۱۳۲۵ همگامی بوجود آمد و با مرحوم مطهری از سال ۱۳۳۵ در یک انجمن مخفی که موجب بعضی از تألیفات ایشان و مادر بسیاری از مؤسسات فعالیت‌های اجتماعی اسلامی داخل

و خارج کشور شد همکاری سرى صمیمانه برقرار بود که تا لحظه شهادتش این همکاری ادامه داشت . شما جواب خدا (و وجدان خودتان) را در این تهمت و جمع بندی ظالمانه چه میدهید؟ در میان مراجع عظام تقلید با همه آنها ما مراوده داشتیم و در محکومیت دادگاه نظامی سال ۴۲ ، نهضت آزادی مسرور عنایت والتفات قاطبه علمای اسلام و مراجع آن زمان از جمله حضرات آیات عظام امام خمینی ، میلانی ، شریعتمداری ، گلپایگانی مرعی و محلاتی قرار گرفت . . در آن زمان مؤسین و فعالین نهضت هم خدمت مرحوم بروجردی میرسیدند ، هم میلانی و هم بشری و هم امام خمینی (چه قبل از زندان و تبعید در داخل و چه بعد از تبعید در خارج از کشور) و هم آقایان شریعتمداری و مرعی و گلپایگانی و قصدشان علاوه بر کسب فیض ، دادن اطلاع از احوال مبارزین و مردم مظلوم و استدعای دفاع از آزادی و استقلال و حاکمیت اسلام از همه آن سروران ، و همکاری آنان با یکدیگر بود (آقای هاشمی رفسنجانی شاهد و تاحدودی حاضر در گوشه ای از اقدامات آقایان طالقانی و دکتر سبحی و بازرگان در این زمینه بودند) . پناه بر خدا از استدلال مخدوش و استقرار یک بعدی و جسارت دور از تقوی شما در لجن مالی مردم موهـــــــــــــــــن و خدمتگذاران ملی و مسلمان ! رسول اکرم در این مســـــــــــــــــورد میفرمایند :

ما من انسان یطعن فی عین موء من الامات بشرمیته وکان قمنا
ان لایرجع الی خیر. (اصول کافی جلد چهارم)

هیچ انسانی در چشم مؤمنی (روبرو) با وطن نزنند جز اینکجه
به بدترین مرگها بمیرد و سزاوار است که بخیربازنگردد.

شرح مبسوطی در شکسته بندی جراحی دکتر بختیار و وصله زدن

آن بنهضت آزادی راست و ریس کرده تعبیر " دم تکان دادن "

راکه دوران ادب اسلامی و سیاسی است و معرفت ماهیت غیر

اسلامی نویسنده مقاله میباشد ، بکار برده واقعاتی را که

در جو شورای انقلاب قبل از مراجعت امام به ایران بمنظور

استعفا گرفتن از بختیار برای سقوط بدون خونریزی دولت

غیرقانونی و ثبوت حاکمیت انقلاب و امام بعمل می آمده

است مهر خیانت و آمریکائی بودن به آن زده آید و نهضت

آزادی را برخاسته از دامن نامطهر ملی گرائی و خیانتکاری

دانسته مصرّ به نگاهداری بختیار قلمداد نموده آید ! ...

اما هیچ از خود نیپرسیده و فکراین پرسش هز خواننده با شعور

را نکرده آید که اگر تهمت مهره آمریکا بودن مادرست بوده

باشد چگونه امام و شورای انقلاب با ابراز " اعتماد بنه

ایمان راسخ بمکتب مقدس اسلام و اطلاع از سوابق در مبارزات

اسلامی و ملی " دبیرکل نهضت آزادی ایران را در آغاز مأمور

براه انداختن نفت مصرفی مملکت در بحبوحه قدرت شاه نمود.

و سپس نخست وزیر و اجاب الا طاعه دولت امام زمان ساختند ؟
با این طرز استدلال آیا شما بطور ضمنی وزیرکانه اهانت بید امام
و سلب صلاحیت یا صداقت از معظم له ضمیمه کنید و اصالت انقلاب
را زیر سؤال نمیگذارید ؟ ...

مردم ما نهضت آزادی و پایه گذاران آنرا از شهریور
۱۳۲۵ از طریق تدریس در دانشگاه ، تأسیس دهها کانون
و کلاس و مسجد و انجمن و جبهه و نهضت در داخل و خارج کشور و
زدان رفتن ها و محاکمات نظامی و غیره شناخته اند. هرکس
شک در اصالت نهضت آزادی بنماید شک در اصالت انقلاب و در
حلال زادگی سیاسی خودش کرده است !

مگر نه این بود که انتخاب اعضاء شورای انقلاب از طرف
امام به آقایان مطهری ، هاشمی رفسنجانی ، بهشتی ،
مهدوی کنی و موسوی اردبیلی محول گشت ؟ و مگر نه این است
که همین آقایان فرد فرد اعضاء شوری از جمله آقایان
بنی صدر و قطب زاده را انتخاب کردند ؟

حال اگر دولت موقتی را که صلاحیتش مستقیماً توسط اعضاء
شورای انقلاب تصویب شده و افرادی از نهضت آزادی را که
توسط آقایان پنجگانه فوق عضویت شورای انقلاب و دولت
موقت دعوت و انتخاب شده اند مهره چینی آمریکا قلمداد
کنند آیا دانسته یا ندانسته سعی بر این ندارد که آقایان

پنجگانه را عامل اصلی ومیره‌های دست‌اول آمریکا معرفی کنند ؟
آیا این ادعای همبستگی بیگانگان وعوامل ضدانقلاب نیست که
انقلاب ایران خواسته و پرداخته آمریکا وانگلیس است ؟
اگر کسانی برای ادای شهادت ، از راه جوانمردی ومذاقت نامه
بدادستانی انقلاب نوشته بخاطر آنکه مشمول آیه کریم " ولاتکتم
الشهاده ومن یکتّمها فانه آثم قلبه " (۱) نشوند هزاران حمله
و خطر رابجان دل خریده حقایق مربوط به اتهامات ادعائی
علیه آقای امیرانتظام را آشکارا بیان کنند ، شما این اشخاص
راتوطئه گر میگیرید ؟ بفرمائید چند نفر با این صداقت و
شهامت در طوفانهای سیاسی این انقلاب میتوانند نشان دهید ؟
اگر دولت موقت در قضیه مجلس خبرگان قصد توطئه داشت منظر
و پیشنهاد خود را در جلسه علنی هیئت دولت با حضور و آراء
آقایان خامنه‌ای ، هاشمی رفسنجانی ، مهدوی کنی ودکتر باهنر ،
به بحث و بررسی نمیگذاشت و بعد نظر تصویب شده را برای کسب
تکلیف خدمت امام نمیبرد و آنگاه طبق نظرایشان عمل نمی نمود
شما چنین صداقت اخلاقی وحریت سیاسی را در چند نفر از جمله
کنندگان به نهضت سراغ دارید ؟

(۱) بقره ۲۸۳ - کتمان شهادت نکنید که هرکس کتمان شهادت کند
بدل گنهکار است .

مسلمانان دشمنان داخلی و خارجی ایران و انقلاب و اسلام
میخواهند کسانی که زمانی قیام یابد نباله روی در نهضت ملی
کردن نفت نمودند و مأمور موفق خلع ید از شرکت انگلیسی شدند
و بعد از کودتای ۲۸ مرداد آمریکائی - درباری - انگلیسی
علیرغم اخراج از شغل و بزدانان افتادن از پانیفتاده به
رسوا کردن کودتا و مخالفت با کنسرسیون و اعتراض مستقیم به
اعمال شاه و حامیان او پرداختند بدنام و معدوم شوند تا با
قلم و فریاد امثال نویسنده سرمقاله بدنی اعلام کنند که
در کشور ایران هر چه شده و میشود - از جمله انقلاب اسلامی -
طبق نقشه و دستور اجانب بوده است و آنها که مردانگی
داشتند برای گستاخی خود برسند تا آیندگان جرأت فضولی
را پیدانکنند!

همه میدانند که نعل وارونه زدن از طرفند های کهنه
سیاستهای خارجی و حتی دزد های قدیمی است که وارد جمعیت
شده هوار میکشند و آید دزد آید دزد سرمیدهند . از کجا معلوم
خیلی از آنها که امروز سنگ آتشین انقلاب بسینه های چاک خورده
میزنند و رکیکترین فحش ها را انثار آمریکا مینمایند شریک
دزد و رفیق قافله نباشند ؟ یا سخیبت با توده نفتیهای
تغییر قیافه داده نداشته و با اصطلاح متداول روز از عوامل
نفوذی نباشند ؟ آیا کلاهی ها و کشمیریها از عوامل نفوذی

درون حزب جمهوری ونخت وزیرى نبودند ؟

درجای دیگرگفته اید " هرکدام باشیوه ای - پیدایا پنهان -

بالقاء مأموریت وتعهدشان نسبت به بت غرب مشغول اند "

آیا اعتراض ما به سلب آزادی وحیثیت و به جلوگیری از

اظهار عقیده در جمهوری اسلامی وامضا درکنار نمایندگانى از ملت

که درآنموقع گناهاشان قرارگرفتن در اقلیت قانونى مجلس بود

مدرک شرعى وقضائى برای بت پرستى ومزدورى بیگانه، میتوانند

باشد ؟

معلوم نیست نویسنده سرمقاله معتقدبه کدام مسلک ومدعى

کدام مکتب است که این چنین بی پروا وبى مدرک نسبت نفاق و شرک به

جمعى از مسلمانان میدهد و خود را از مجریان عدل على و بیروان

ولایتش میداند ؟ در حالیکه على (ع) حتى افتراء و ناسزا معاویه

را بر اصحاب خود منع میفرمود ! وانى اگره لکم ان تکنونوا سبابین (۱)

افسوس که مسئولان دستگاههاى قضائى ما ، بهر دلیل کوچکترین

ایراد به آنچه خلاف قانون وقرآن است نمیکیرند وشمارا بچرم

همین افتراء واهانت تعقیب نمیکند .

من دوست ندارم شما از دشنام دهندگان باشید

(خطبه ۱۹۷ نهج البلاغه فیض)

در قسمت آخر مقاله برگشت به آغاز و عنوان سرمقاله کرده برای کاری که مدتها است عملاً انجام و تعقیب میشود منطق‌سازی و بحمل‌تراشی کرده‌اید . از خون شهیدان دلاورمایه گسذارده بعنوان مدعی خود را درمسند قضا و قانون و دولت قرار داده بلندگوی ملت را بدست گرفته ، با تهاجم اینک " ناسازگاران با انقلاب که هرچند گاه یکبار هدیه ای به پیشگاه آمریکا و برای مقابله به انقلاب اسلامی تقدیم میدارند در مراکز تصمیم گیری و اجرائی مملکت اسلامی به تعهد درونی شان به غرب لبیک میگویند " و " صمیمی‌ترین همدستان بنی صدر و قطب زاده هستند " ، نباید همچنان در رأس بعضی از امور مانند ریاست کمیسیونهای مجلس و نمایندگی مجلس باشند و در بعضی وزارتخانه ها بحیف و میل و استفاده‌های شخصی بپردازند ...

گوارا باشد شما این حکومت که آزادی دارید هرچه بزیان و قلمتان میرسد میگوئید و از هیچ قانون و کتاب و بازخواست در دنیا و عقبی هراس ندارید !

همه میدانند مسئولیت و مقامیائی که ما پذیرفتیم با اصرار امام و شورای انقلاب بود و ما هرگز خود مدعی نبودیم و در حالیکه ما همیشه آماده و مایل به تحویل آنها به کسانی بودیم که داوطلب و آماده بودند . و بعد از استعفای دولت موقت باز با اصرار امام و شورای انقلاب بود که اکثراً در دولت بعدی نیز

باقی ماندیم. نمایندگی مجلسان با آراء طبیعی سنگین ملت
علیرغم ناسزاها و جوسازیها بود. ریاست کمیسیونها با تکلیف
و رأی مخفی و قریب با اتفاق نمایندگان عضو هر کمیسیون تعیین
شده است و سخن شما توهین و تحقیر نمایندگان مجلس میباشد.

شما ادعا دارید که در خط امام هستید. و تنها خودتان را

هم در خط امام میدانید. مگر امام بارها فرمودند که :

" هر کس ، هر که دلش می خواهد هرچی می گوید - نمی داند
که تهمت زدن به مؤمن جزایش پیش خدا چیست . بمیداند
غیبت کردن از مؤمن چیست . نمی داند که هتک حرمت
مؤمن ، هتک حرمت الله است . اینهارا نمی دانند ، هر که
هرچه دلش می خواهد به هر کس نه به یک نفرته به دو نفر
به اشخاص متقی ، تهمت می زنند ...

مردمی هستند که برای اسلام کار انجام میدهند. ایسن

مردمی که برای اسلام کار از شان میآید یکی یکی را کنار بگذارند
و همه را خلع سلاح بکنند آنوقت چه کسی باقی می ماند . (کیهان

(۵۸/۷/۲۱)

حضرت آیت الله منتظری نیز بارها به همین نکته توجه و توصیه

نموده اند که :

" بسیار شنیده می شود برادرانی که در صداقت و حسن نیتشان

شکی نیست ناخودآگاه تحت تأثیر جو کاذب و القائات مرموزی واقع میشوند که نتیجه ای جز تشدید جوسوءظن و بی اعتمادی عمومی و منزوی نمودن افراد متدین اعم از روحانی و غیره که سالها در خط امام بوده و لحظه ای در انجام وظایف انقلابی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب کوتاهی ننموده اند، نخواهد داشت.

اینگونه برخوردها، صحنه کار و فعالیت را از افراد مؤمن به انقلاب اسلامی و فداکار خالی میکنند و در نتیجه بجای آنان، افرادی فرصت طلب، متملق و غیر معتقد به مکتب و انقلاب، منافق گونه جایگزین او میشوند. (پیام آیت الله منتظری بمناسبت هفته وحدت ۱۶ دیماه ۱۳۶۵)
مردم می خواهند بدانند که شما، نویسنده سرمقاله، واقعاً در چه خطی هستید؟ خط اسلام و امام یا در خط.....

در این محیط سراسر تهمت و توهین و تحدید و تحریک نه برای خودمان بلکه برای ملت و مملکت پاسخمان را با آخرین سوره قرآن کریم ختم میکنیم :

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الناس ملك الناس اليه الناس من شالوسواس

الخناس الذى يوسوس فى صدور الناس من الجنه والناس

روايظ عمومي

نهفت آزادى ايران

٦١/٢/٩

٢٥ - ٣ - ١٣١

این نشریات را متعاقباً از دفتر نهضت آزادی ایران واقع در خیابان استاد مطهری چهارراه مازان شماره ۲۳۴ دریافت نمایند :

- ۱۳۶۰ آبان
۶۰/۹/۱۵ * قطعنامه نهضت آزادی ایران - کنگره سردار شهید دکتر چمران
مکاتبات آیت ۰۰۰۱ مدد و تقی بامهندس بازرگان
- ۶۰/۱۰/۱۰ * تلقی پیش از دستور مهندس هاشم سبغانیان در مجلس شورای اسلامی
درباره وسوسه های خناس بزرگ - صدای آمریکا چه میخواهد ؟
- ۱۳۶۰ بهمن
۶۰/۱۱/۱۲ * پاسخ به روزنامه های کیهان و جمهوری اسلامی
پاسخ به اطلاعات پیرامون مکتوب هفته
- ۶۰/۱۱/۱۵ * بیانیه بمناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان
- ۶۰/۱۱/۲۲ * سیامی دولت موقت در پنج سند
- ۶۰/۱۱/۲۸ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالروز ملی شدن صنعت نفت
جوابیه نهضت آزادی ایران به سرمقاله " آيا سزاوار است ؟ " روزنامه
- ۶۱/۲/۹ جمهوری اسلامی
- ۶۱/۲/۲۳ * بیانیه بمناسبت بیست و یکمین سالگرد تاسیس نهضت آزادی ایران
نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به طعنه اعلام و حجج اسلام ائمه جمعه
- ۶۱/۲/۸ * نامه مهندس بازرگان به آیت ۰۰۰۱ محمدی گیلانی
- ۶۱/۲/۱۹ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر آموزش و پرورش
- ۶۱/۲/۲۹ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالروز شهادت دکتر شریعتی
- ۶۱/۲/۳۱ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالگرد شهادت دکتر چمران
- ۶۱/۴/۱ * تلاش دولت موقت برای جلوگیری از جنگ تحمیلی عراق
و رژیمهای خوارج آنها که علی (ع) را کشتند
- ۶۱/۴/۲۰ * نامه مهندس بازرگان به حجت الاسلام خامنه ای دبیرکل حزب جمهوری اسلامی
- ۶۱/۵/۱۰ * بررسی قانون اراضی شهری
- اردیبهشت ۶۱ * تحلیلی درباره بازرگانی خارجی
- ۶۱ * لیلۃ القدر نهضت آزادی ایران
- شهریور ۶۱ * نگاهی به اوضاع لبنان
- ۶۱/۶/۲۵ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
پاسخ به حملات وسیع و گسترده علیه نهضت آزادی ایران پیرامون
- ۶۱ آبان * نامه سرگشاده به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
- ۶۱/۹/۱ * شانزدهم آذر به یاد حماسه مقاومت دانشگاه و سه قطره خون یاران دانشجو
- ۶۱/۹/۲۹ * نامه سرگشاده به رئیس دیوان عالی کشور

بِسْمِ تَعَالَى

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى

خواننده عزیز ،

این نشریه بمنظور انجام وظیفه شرعی ، اجرای
فرضه امر بمعروف و نهی از منکر و ابلاغ بار رسالتی
که در شرائط کنونی انقلاب بدوش میکشیم تهیه شده
و در اختیار شما قرار میگیرد .

در راه مقابله با مشکلات و محدودیت ها و تهدیداتی
که در انجام این خدمت خود نمائی میکند ، پس از
فضل الهی به کمکهای معنوی و مادی شما
پسایندیم .

لطفاً نظرات خود را بصندوق پستی ۱۵۱۹ / ۴۲
ارسال داشته و کمکهای مالی را بحساب شماره
۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۳۱ مبارزان)
بنام آقای مهندس توسلی وارسی و رسید آنرا
ارسال فرمائید .

نبلیغات و روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

پاسخ
به جهالت و سب و گستاخ
علیه
نهضت آزادی ایران

پیرامون نامه سرکشاده به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

نهضت آزادی ایران

آبانماه ۶۶

۱	مقدمه
۵	۱- طرح بودن
۶	۲- درباره مسئله کردستان
۱۱	۳- هیئت ویژه برای مسخران کردستان
۱۲	۴- در مورد ولایت فقیه و مجلس خبرگان
۱۶	۵- درباره علمی بودن انقلاب اسلامی ایران
۱۷	۶- در مورد کردهائی اسفند ۵۷ در احمد آباد
۱۸	۷- در مورد کمک به کمیته امداد امام و شهداء انقلاب
۲۲	۸- مقرری برتره مرحوم شهید دکتر سید حسین فاطمی
۲۳	۹- مسائل فقهی مبارزات نهضت آزادی
۲۴	۱۰- سخنرانی مهندس بازرگان در دارالانصاف قم
۳۵	۱۱- تاسیس سازمان حقوق بشر
۳۶	۱۲- اعلامیه هیئت ای خائن
۳۷	۱۳- تکلیف‌ها با این کشورها
۳۸	۱۴- خورشیدمالی دشمنان
۳۹	۱۵- "مسئله مهندس بازرگان"
۴۲	۱۶- چپ‌سازان امریکایی
۴۶	۱۷- مسائل اصلی و طرح انتقادات
۴۷	۱۸- مسئولیتی با این کشور
۴۷	۱۹- سرپرست، پوله‌ها و وظائف و مخارج نهضت
۴۹	۲۰- تکلیف‌های آینده
۵۰	۲۱- بیان مطالب در روزنامه و رادیو
۵۱	۲۲- نهضت آزادی و اسلامی شدن جامعه
۵۲	۲۳- استفاده از ماشین ضد گلوله
۵۳	۲۴- نظامی‌گری قدرت و حکومت
۵۴	۲۵- استفساری دولت، موقت و از راج دوم
۵۸	یادداشت‌ها و ساخت

پاسخ به جنابان وسیع و گسترده علیه نهضت آزادی ایران
پیرامون نامه سرگشاده به حجت الاسلام هاشمی رشتی جناب

مادامی که امت من امنه محروف و نهی از منکر کرده و
در کارهای نیک همکاری کنید همواره در خیر و سعادت
بسرخواهند برد ولی اگر امن محروف و نهی از منکر و همکاری
را فراموش کنند برگشته از آنان گزافه میشود و ...
(از رسول اکرم (ص) - وسائل الشریعه)

هموطنان عزیز

برادران و خواهران سلیمان :

بنظریکه از طریق رسانه های گروهی ، مطلع شده اید اخیراً حالات همه جانبه
ظبه نهضت آزادی ایران اوج جدیدی بخود گرفته است . همزمان با رادیه های بیگانه
سخنرانان در مجلس و مسجد و نمازهای جمعه ، مفسران صدا و سیما ، نویسندگان روزنامه ها
و مجلات روزانه و هفتگی و ماهانه با کمال آزادی و بی ترس و واهمه از خدای بزرگ و از حاکمیت
قانون در کشور انواع و اقسام تهمت ها و نسبت های دروغ و برچسب های ناچسب را علیه
نهضت آزادی و سران و فعالین آن هوان میکنند . و در طرح آنهاست حدود خدا
و مقررات شرع انور و اصول مبرحه در قانون اساسی جمهوری اسلام را زیر پا گذارتند . در حالی که
هیئت حاکمه کمترین فرصت و امکان پاسخگویی را از ما سلب کرده است . روزنامه ها غیرمفید
قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب جواب های مابعد دروغها را که منتشر مینمایند چاپ
نمکنند . عداوتیما حاضر نیست نه تنها بهمان اندازه که تهمت ها و نسبت های ناروا
ظبه ما راهش میکند بلکه هیچ فرصتی بدهد تا با اشاره و اختصار هم که شده باشیم
بآنها دروغها و تهمت ها جواب بدهیم . از آنجا که در برابر این همه ظلم نمیتوانیم
سکوت کنیم بر آن شدیم در این نشریه عمومی مطالبمان را با مردم آزاد بخواند و شهید بهرور ایران
که صاحبان اصلی این انقلاب و قیامه عدالت و حق هستند در میان بگذاریم و آنها را بدآوری
بطلبیم . قضاوت نهایی را نیز ب خدا واگذار میکنیم .

اینهمه جنجال و سرو صدا برای چیست ؟

چرا اینهمه به نهضت آزادی حمله میکنید ؟ مگر باز چه شده و چه خبر است ؟ جنجال

کنندگان انجمن ملت این پوروش را نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ذکر می کنند *

چرا نهضت آزادی این نامه را نوشت و مطالب آن چه بوده است ؟

مکتب نوشتن این نامه سرگشاده ، بیاناتی بود که آقای هاشمی در خطبه نماز جمعه

۶ شهریور ماه خود در رابطه با نهضت آزادی مطرح کرده بودند *

بخش از سران نهضت آزادی در دیدار خصوصی که چندی قبل با آقای هاشمی رفسنجانی داشتند ، بر حسب وظیفه شرعی و قانونی خود درباره مسائل سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی کشور و همچنین جنگ تحمیلی عراق از دید خودشان و از دید مردم مطالب را با ایشان در میان گذاشتند * ما معتقدیم بیان خصوصی مطالب و تذکرات و توصیه ها و انتقادهای مداقت و وظیفه ای است که در مقابل جمهوری اسلامی و ملت شهید پرور باید انجام بدهیم و اگر دولتمردان انصاف داشته باشند ، از این عمل ما باید استقبال می کردند * و این اعتقاد بر پایه گفتار حضرت امیر علی (ع) است که میفرماید: حق من (یعنوان والی) بر شما مردم این است که بمن تذکره دهید ، انتقاد کنید و راهنمایی ام نمائید * جایی که دولای متفقان (ع) چنین دستوری بدهند ، قطعاً گردانندگان جمهوری اسلامی نباید خود را بی نیاز از یک چنین توصیه ها و انتقادهای و رهنمودهای تصور کنند * خصوصاً که این امر بصورت خصوصی و درواز چارو جنگال های سیاسی روز و بدنهال ملاقاتهای مشابه گذشته انجام گرفته بودن *

جناب آقای هاشمی رفسنجانی بخشی از مطالب خصوصی آن دیدار را در خطبه نماز جمعه ششم شهریور ۶۱ خودشان بطور عری و صومی بشرح زیر مطرح کردند :

" از این سران نهضت آزادی يك وقت یکیشان بمن می گفت که امروز اگر رای آزادی باشد ما مثلاً ۷۰ - ۸۰٪ رای میآوریم ...

معنقد هستند و خیال می کنند که آنها کانالهایی که دارند ، یعنی اینها با انسانهای ناراضی رابطه دارند ، خانمشان ناراضی هست ، خاله شان ناراضی هست ، همه شان ناراضی هست ، مثلاً قوم و خویششان ناراضی هست و خوب اینها با اینها زندگی میکنند و فکر می کنند که مجموعه مردم اینجا هستند ، و آراء مردم را از اینجا می خواهند دربیاورند و دقیقاً آنها اینجور آمارگیری می کنند *

عوان کردن بخشی از مطالب خصوصی ما در نماز جمعه که از رادیو و تلویزیون بطور

وسیع و گسترده ای پختن گردید. اولاً برای ما نشانه ای بود از اینکه طرح انتقادات و ایرادات و توصیه ها در سطح وسیع و طیفی ظاهراً بلا اشکال است. و نکته دلیلی برای طرح آنها وجود نداشت ثانیاً چون مطالب ما بصورت ناقص و موهنی عنوان گردید و مخصوصاً نظریات و ایراد های برجسته تر از مردم انکار شده بود. نهضت آزادی خود را موظف دانست در سطح عمومی به آن پاسخ بدهد. لذا نامه ای تهیه و در ۲۵ / شهریور جهت ایشان ارسال گردید. علاوه بر آقای هاشمی، نامه سرکشاده برای دکتر امام و نمایندگان مجلس رئیس جمهوری، نخست وزیر و هیئت وزرا، اعضای شورای نگهبان، شورای عالی قضائی، مراجع و مدرسین قم، استادان، فرمانداران، رؤسای سپاه و جهاد و برخی ادارات در تهران و شهرستانها و تعداد معدودی از نزدیکان ارسال گردید، جمعاً رحدانش در حدود هزار نسخه در یک کشور ۴۰ میلیونی، برای عده خاصی، که اکثرشان همسرانین امور ملکی هستند.

تدرین و توزیع کاملاً محدود این نامه، عکس العمل وسیع غیر مترقبه و حملات شدیدی را بدینال آورد. تمامی دستگاه های تبلیغاتی، در مجلس، نماز جمعه، صدا و سیما و مطبوعات از همه طرفی علیه نهضت آزادی نشانه گرفتند.

در یک دسته از حملات، معترضین و مخالفین غالباً به جای توجه به معنوی و منظور آشکار نامه و خواندن آن و پاسخگویی مستدل و منطقی به مطالب آن نامه سرکشاده، صرفاً قسمتهائی از نامه را بطور ناقص خوانده و برداشتهائی کردند و مطالب را بنامیت دادند که نادرست میباشد ما این مطالب را در این اطلاعیه توضیح خواهیم داد.

یک دسته دیگر از مخالفین نهضت، در حملات خود، ایرادها و اختلافات گذشته با نهضت آزادی و دولت موقت و عده های کهنه را بیرون ریختند و بدینصورت حقایق بسج جوسازی علیه نهضت آزادی پرداختند. ما باین ایرادات و الفاظ شبهات و افتراءات نیز در اینجا جواب میدهم.

دسته دیگر از مخالفین، در حملات خود مطالبی را به نهضت آزادی و دولت موقت نسبت داده اند که سراپا کذب و بی اساس است. ما آنها را نیز در این نشیبه توضیح میدهم. در میان معترضین و مخالفین چند نفری هم به بهانه "حرکت در خط امام" "حفظ خط اسلام فقامتی" اعضای دولت موقت و نهضت آزادی را با کلماتی از قبیل "موش مرده ها"، "گرمها"، "بی حیاهما"، "پسریرها"، "بازنگران سیاسی"، "حقه بازها"، "بک ناشناسها"، "عکس مستعرب"، "آمنگانی های لیبرال"،

"جانبکارها"، "لاشخورها"، "مشاطه گران اجانب"، "فاسدخا"، "امید آمیز"، "مردسته انحراف و خیان و فساد"، "بی شمورها"، "احسن صا"، "آمنگانی های خائن"، "بهمرغه ها"، و تهمت هایی که حتی به زبان آوردن آن زنده مسلمان متقی نیست مورد بیورش قرار دادند.

ما سزگار حاضر در ستم با این قبیل از معترضین خود حمد همان بشویم و با آنها مقابله به مثل کنیم. ما مرتکبین این افعال زشت را به مثاله آیهات و روایاتی که در مورد "اصالة النصح فی عمل الغیر" (۲۲) آمده است سزاوارش نمود. و یاد آور میشویم که امام معصوم (ع) فرمود: "ان من اتهم اغاه فهو ملعون ملعون" (۲۳)

دیویم و آقایان معترضین و مخالفین بیعت آزادی نه بما بلکه به نظام جمهوری اسلامی کشور و حتی به اسلام اهانت کرده بدینا اعلام نمودند که در این جواب ادب با فحش داده میشود. جواب مطلق با تهمت و تحریف و جواب انتقاد و اظهار نظر با مرگی خواهی و تهدید!

قبیل از آنکه ما به پاسخ اتهامات و دروغها و افتراات بپردازیم لازم میدانیم برخی نکات را در مورد محتوای نامه تذکره دهم - قبلاً نیز از مفصل شدن نشویم و تصدیق دادن بخواننده ذکر می‌خواهیم - اگر چه سه تصور از آن است که ایده‌ها جاری و جنجال و اتهام راه انداخته اند هدف از این نامه بهیچوجه از بیان و ارائه کارنامه انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و تراز بندی دولت حاضر (و پاسروسی توطئه های بی دین دشمنان انقلاب اسلامی ایران) بوده است. بلکه صرفاً انتقال بار ضایعاتی مردم بمسئولان بوده است. بیعت آزادی ایران در امرنامه، خط شش، قطنامه و بیانیه های مکرر و متعدد، تعهد خود را در قبال انقلاب اسلامی و تحلیل دستاوردهای عظیم و بی سابقه آن و عملکرد امین الهیتم و استکبار جهانی و دشمنان انقلاب اسلامی بیان کرده است. اگر دشمنان بیعت آزادی کتسب این اوصاف داشتند، آنها را هم میخواندند و سپس به قضاوت می پرداختند.

آنها بظن رایج بسیاری از معترضین و مخالفین که در رابطه با نامه سرگشاده بیعت آزادی سخن گفته و فتن زده اند، به ایرادات و اعتراضات مردم که در آن نامه عنوان شده بود پاسخ نرفته اند.

بمنظر روش منطقی تو نزدیک تر به تضوی اسلامی آن بود که حضرات معترضین اولاً مطالب نامه جوابیه یا با خود مان و احیاناً با مسئولین در میان می گذاشتند. یا اگر اصرار بر افشای آن داشتند برای مردم مینام می خواندند و شویبه شو جواب مسقول و منطق میدادند. هر جای بیعت آزادی ایران

آن که صحیح بود تصدیق و تعهد توهم میکردند ، و هرگفته را که ناصحیح می یافتند توضیح میدادند و ما و مردم را ارشاد میکردند در اینصورت علاوه بر آنکه کمترین زیسان در افکار عمومی و در سیاست دولت پیش نمی آمد این ادعا با درخشندگی جالبی در دنیا با افتات میرسود که در نظام جمهوری اسلامی ایران آزادی ، عدالت و عظمت حاکم میسود .
 بحرانیهای انقباد کننده بدون جوسازی و برچسب زدن رسیدگی میشود و ترتیب اثر میدهند و بنابراین تمام ادعا های دشمنان در انکار آزادی و عدالت در ایران کذب محض است و خنثی میشود .
 و اگر از تذکر و انقباد ما استقبال و تشکر هم می نمودند ، چه بهتر .

دنیای ناظرو غافلند و نگران انقلاب اسلامی به شکوهمندی محلی انقلاب و بقدرت و کرامت جمهوری اسلامی اقرار و اعتراف میکنند .

آبرخی از مسلمانان متعهد و آزادی خواه و علاقمندان به نهضت آزادی اظهار نظر کردند که مطالب و انتقادات اکثری درست و وارد میباشد ، اما از ما انتقاد کردند که لحن نامه کمی تند بوده است و شاید بهتر و موثر تر آن بود که مطالب بالحن دوستانه تری نوشته می شد . ما ضمن قبول این انتقاد از تذکر برادرانه این علاقمندان تشکر می نمائیم .

اما درباره مطالبی که در نمازهای جمعه ، سخنرانی در مرکز حزب جمهوری (تهران و مشهد) سخنرانیهای قبل از دستور در مجلس ، سرمقالات روزنامه های یومیه و هفتگی و ماهانه و در صدا و سیما جمهوری اسلامی به نهضت آزادی نسبت داده شده است به شرح زیر توضیح میدهم و قضاوت نهائی را به خدای احکم الحاکمین و شما مردم روشنگر و دلسوخته آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی واگذار می نمائیم .

۱- مطرح بودن :

معرضین به نهضت آزادی مدعی شده اند که :

" این آقایان منزوی هستند و با کاغذ پراکنش می خواهند خودشان را مطرح کنند و اینها دنبال نام و نشان هستند " . (۱۴)

" آنها می خواهند همیشه مطرح باشند حتی اگر شده با شعار مرگ برفلاسی " (۱۵)

حتی برخی پافشارتیهاد و مدعی شدند که آن کامی خواهد آمد آنها مطرح میشوند .
 خیلی بی انصافی است که صاحبان قدرت و امکانات تبلیغاتی مرتب در صحنه جا و بی استفاده از هر فرصتی به نهضت آزادی و سران آن فحش بدهند و بعد هم مدعی شوند که گویا اینها خودشان دلشان می خواهد که با آنها فحش داده شود ، مرگ برفلان . . . بگویند ، تسلیم نهضت آزادی ایران

مطرح باشند ! با آمریکا می خواهد اینها مطرح باشند !

این اولین بار نیست که این چنین با ما رفتار کرده اند .

مخالفین و دشمنان نهضت آزادی ایران از هر فرصت و بهر مناسبت ولو آنکه کمترین ارتباطی

با نهضت آزادی نداشته است بما هتاک کرده و اشاعه اکاذیب نموده اند . مثلا وقتیکه

نماینده ای در مجلس وزیر امور خارجه فعلی را بمناسبت فرار و پناهندگی سفرا و کارداران

جمهوری اسلامی در کشورهای خارجی مورد ستوای قرار میداد . تصویر آنها بگردن وزیر

خارجه دولت موقت می اندازید که کمترین دخالت و مسئولیت در انتصاب آن سفرا و

کارداران نداشته است و باین خلاف واقع و با وجود تکذیب های مکرر هنوز قطب زاده را وزیر

خارجه دولت موقت عنوان می نمایند . اگر این ادعای آقایان درست باشد و واقعا آمریکا

می خواهد نهضت آزادی مطرح باشد خوب به بهنیم چه کسانی ابزار اجرایی این

برنامه های آمریکا می باشد ؟ يك نمونه ذکر کنیم :

روزنامه اطلاعات در روز ۵ شنبه ۱۸ آبانماه مصاحبه ای را از حجت الاسلام آقای

حاج سید احمد خمینی نقل کرده است . در بالای صفحه اول یعنی در بهترین جای

روزنامه با حروف درشت عنوان مصاحبه ، از جمله نام نهضت آزادی آورده شده است .

در حالیکه در متن مصاحبه نام نهضت آزادی نیامده است . آیا این روزنامه اطلاعات

نیست که خواسته باین ترتیب نهضت آزادی را مطرح و طبع آن جوسازی نماید ؟ اگر بقول

آقایان معترضین آمریکا می خواهد نهضت آزادی مطرح باشد ، آیا نباید سرخ را در میان

نویسندگان روزنامه اطلاعات و یادر میان کسانی که دائما با استفاده از هر فرصتی به نهضت

آزادی حمله می کنند جستجو کرد ؟

۲- درباره مسئله کردستان :

معترضین به نامه سرگشاده نهضت آزادی ، به ما تهمت زده و مدعی شده اند که :

" مگر شما نبودید که کردستان را از دست دادید ؟ مگر شما نبودید که

پاداران را از سندج بفرین کردید ؟ مگر شما نبودید که به جلال

برادر عزالدین گمراه در اسفند ۵۸ اسلحه دادید؟ و آنها روز بعد

به پادگان سندج حمله کردید ؟ مگر شما نبودید که در مقابل درخواست

مرحوم قمر لیسینی بر جلوگیری و سرکوبی ضد انقلابیون در کردستان پاسخ

منفی دادید و نگذاشتید او کار کند و وقتی او مانع از سقوط پادگان

سندج شد از او انتقاد نمود و ایشان را به همین جرم که در مقابل
 ضد انقلابین مقاومت کرده بود از کار برکنار گردید ؟ نمایندگانی
 شخصی به نام اسماعیل اردلان در همان روزهای که سندج متشنج
 بود ۴۵۰ فقره اسلحه به جلال داده بود که با همان اسلحه ها
 به پادگان حمله کردند . ما چقدر بهیوش مسئله سندج و کردستان بودیم ؟
 و آیا مسئولیت خون بچه مسئله آنهاست که در آنجا شهید شدند تا توانستند
 سندج را آزاد کنند بعهده شما نیست ؟ آیا مسئول خون مسلمانهای
 نظر شہلی ها که از خانواده های برادران امل ^(۳) تسلین دین زرشکی
 توسط گروهکها به شهادت رسیدند شما نیستید ؟

سایر سخنوران و قلم بدستان نیز از این قبیل تهمت زده اند :

" سپردن پادگانها و تمامی وسایل آن پادگانها در قسمت کردنشین ایران
 اسلامی به دموکراتها و عزالدین حسینی ، دادن پول به عزالدین حسینی ،
 هتک باصطلاح حسن نیت و ... " (۱۱، ۷)

موسطمان عن — ز

کوچکترین عصری از حقیقت در مطالب بالا وجود ندارد . این اولین بار نیست که در مورد
 کردستان ما بناحق مورد حمله قرار گرفته ایم . قبل از این گروههای منحرف و دشمنان انقلاب
 اسلامی ایران از این تهمت ها به دولت موقت ، به شهید چمران و به نهضت آزادی فراوان
 زده اند و ما بارها درباره این اتهامات بی اساس توضیحات داده ایم . و از تکرار آن برای
 روشن شدن اذهان مردم حق طلب هرگز خسته نخواهیم شد .

واقع قضیه در کردستان چه بوده است ؟ :

فائده کردستان قبل از تأسیس و یا حتی ماوریت دولت موقت و قبل از پیروزی انقلاب شروع
 شد . چرامسئولیت آن را بردوش دولت موقت میگذارند ؟

شاه و ابادی امپریالیزم آمریکا و صهیونیسم بارها تهدید کرده بودند که اگر شاه برود
 مملکت تکه پاره میشود . وقتی دیدند که نمی توانند شاه را نگه دارند ، وقتش سقوط
 حتمی بختار را نزدیک دیدند ، دست به ایجاد بلوا و آشوب در نقاط مختلف مملکت از جمله
 کردستان زدند . از همان ماههای قبل از پیروزی انقلاب ، یکی از مجرب ترین و ورزیده ترین
 نظامیان متخصص در امور کردستان را به استناداری منسوب کردند و او بود که اجسرای

برنامه های توطئه گرانه را شروع نمود . امام با توجه باین برنامه ها و توطئه ها بود که در ۱۵ آبان ۵۷ از پاریس پیامی برای برادران کرد ارسال داشتند .

با روی کار آمدن دولت موقت تحریکات دشمنان انقلاب اسلامی از چپ و راست و امپریالیسم و صهیونیسم طبع دولت جدید شدت گرفت و تشجعات کردستان به مرحله انفجار رسید . در سی ام بهمن ۵۷ ، یعنی هشت روز بعد از پیروزی انقلاب پادگان مهاباد در اثر خیانت افسران طرفسد ارشاه خائن سقوط کرد و تمامی تجهیزات آن بدست دشمن افتاد . دولت نسبت به توطئه ها و تحریکات در کردستان و سایر نقاط کشور توجه کافی و دقیق داشت . آقای مهندس بازرگان ، نخست وزیر دولت موقت در مصاحبه رادیویی خود در ۷ فروردین ۵۸ درباره این تحریکات و توطئه ها گفتند که :

" در باطن امر ، این سروصداها و بگویموها و متأسفانه زد و خورد ها بنا بعقیده و اطلاعات دولت معلول تحریکات نا جوانمردانه و توطئه های نابکارانه ای است که عموماً از داخل حمل می آید . از ناحیه گروههای کمونیستی و فبریلی و ضد اسلامی که بیش از همه سنگ آزادی و طرفداری از خلق و ضدیت با استعمار را بسینه می زنند و از هر طرف بر طبق نقشه های پیش پرداخته به نواحی مورد نظر سرانیز به مراکز محلی ملحق میشوند . و هم چنین از ناحیه عوامل وابادی زخمی شده و کمن کرده ساواک و دیپاراست که ظالماً و طامداً با تصادفاً با اولیها همکاری و نقشه مشترک دارند و از اسلحه های غارت شده داخل با وارد شده از خارج استفاده می نمایند . همان داستان توده ای نقش زمان مرحوم دکتر مصدق و تحریک مردم ساده تکرار میشود . "

سپس در پاسخ خبرنگار که سؤال کرده بود : " دولت در برابر این توطئه ها و تحریکها چه اقدامی کرده و می کند ؟ "

آقای مهندس بازرگان جواب دادند که :

" دولت در تمام موارد بانهایت مدارا و آزادمنشی عمل کرده هموطنان عزیز خود اعم از شیعه و سنن با عرب و ترکمن و بلوچ و لئو کرد و دیگران را به چشم برادر نگاه میکند . کما آنکه با اقلیت های مذهبی اهل کتاب نیز تفاهم و دوستی برقرار است . نهایت کوشش بعمل آمده است که از طریق تماس مستقیم با اهالی و معتقدین و رهبران محلی به خواسته ها رسیدگی

شود و تا آنجا که آزادی مملکت و وحدت و حاکمیت ملی و هدفهای انقلاب اسلامی اجازه میدهد موجبات رضایتشان را فراهم آورد پس بعنوان پیشنهاد برای تدوین طرح قانون جمهوری اسلامی میگذرد . افراد ملی و مبارز موجه به محل کار رهنسپار شده اند و حتی هیئت های رسمی نمایندگان از طرف امام با از طرف دولت و روحانیت و گروههای سیاسی اعزام شده و میگویند . « ولس متاسفانه ناچارم بگویم بعضی از گروهها و دسته های ناباب و غیراصیل در موارد مختلف متعرض همشهریها و مسایگان خود می شوند یا کالائتری ها و پاسگاهها و پادگانها را مورد حمله مسلحانه قرار میدهند و به خلع سلاح و کشتار میپردازند . در چنین شرایطی بدیهی است که وظیفه طبیعی ، قانونی ، انسانی و دینی هر دولت مسئول و هراجتماع شرافتمند دفاع کردن است در مقابل اسلحه ناچار اسلحه باید بکار برده شود .

خوشبختانه دولت و ارتش و نیروهای انتظامی ظفرم مددات و لطافتی که دیده اند آنقدر ریز میروند و مصمم هستند که مردانه و شرافتمندانه از استقلال و تمامیت کشور و آزادی و حقوق ملت دفاع نمایند .

خوب ملاحظه می فرمایند که موضع کاملاً روشن و توجه دقیق شده است .

اما در برخورد با این توطئه ها و بحران ، از همان ابتدا ی پیروزی انقلاب ، نظر امام و شورای انقلاب و دولت موقت اتخاذ راه حل سیاسی در مرحله اول و نظامی در مرحله بعدی بود .

و بر همین اساس بود که نمایندگی مخصوص امام در تاریخ ۱۲/۱/۵۸ به مهلباد اعزام شد تا با ژنرال دین حسینی ملاقات و پیام امام را برای مردم بخواند و با تصویب شورای انقلاب و تأکید امام مرحومین طالقانی و دکتر بهشتی و آقایان هاشمی رفسنجانی و فروهر و بنی صدر به کردستان رفتند . مذاکرات مفصلی با افسران مختلف و گروههای مختلف انجام دادند . مجموعه این فعالیتها توانست آرامش نسبی بوجود آورد و اولین انتخابات آزاد بعد از پیروزی انقلاب در شهر سنندج برگزار شد و شورای ۱۱ نفری شهر با پیروزی مسلمانها انتخاب گردید . و بخشی از توطئه های ضد انقلاب خنثی شد .

شورای انقلاب و دولت موقت به ملاحظات زیرحالی بر به اعمال راه حل نظامی به تنهایی

درکردستان نبود.

۱- خطر انجم زودرس ارتش - بطوری که مبادید، ارتش شاهنشاهی بر اثر پیروزی انقلاب انجم خود را از دست داد. بود. ارتش شاهنشاهی از ذخائر و باگاههای اصلی آنجا بود. آنها تلاش و کوشش بسیار بود که انجم یافت طاغوتی ارتش حتی، بمسداز پیروزی انقلاب حفظ شود تا بموتوان "ذخیره" روزی بکارش گیرد. (۱۹۱)

با آنکه ضربه های وارد، بر اثر پیروزی انقلاب باعث دروس ارتش را متزلزل ساخت، اما هنوز راهی طولانی در پیش بود تا باعث سازمان و فرهنگ ۵۰ ساله حاکم بر ارتش تغییر مناسب با آرمانهای انقلاب را پیدا کند.

یکی از هدفهای جنگ کردستان درگیر ساختن دولت وقت و اعزام ارتش و انجم زودرس آن بود. در آن زمان هنوز سپاه پاسداران مراحل جنبش خود را طی میکرد لذا راه حسل نظامی و درگیری مسلحانه دولت مرکزی در کردستان تنها با اعزام ارتش میسر بود. و این درست همان چیزی بود که دشمن می خواست. فعل و انفعالات و رویدادهای درونسی ارتش در طی ماهها و سالهای بعد نیز نشان داد که تا چه اندازه خطری که مورد توجه دولت وقت قرار گرفته بود جدی و واقعی بود.

۲- برخورد حکومت مرکزی و دولت شاه با مردم کردستان طی سالهای دراز فرستادن ارتش به منطقه و سرکوب نظامی بوده است. در طی دوران انقلاب، بدلیل تفاوتهای بازمیان فرهنگ انقلاب اسلامی و وابستگی های مذهبی مردم کردستان، انقلاب بآن صورت و بآن سرعت که در سایر بلاد ایران توسعه پیدا کرد، در کردستان توسعه پیدا کرده نبود. لذا لازم بود بعد از پیروزی با استناد به از امکانات جدید، انقلاب چهره واقعی خود را به مردم اصل و زحمتکش کردستان ارائه دهد. البته نه از طریق ارتش، بلکه از طریق جهد سازندگی و سایر نهاد های انقلابی. درگیری مسلحانه دولت در کردستان، بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب به حیثیت جمهوری اسلامی لطمه می زد.

۳- توطئه جنگ مسلحانه در کردستان، با سوابق خاص منطقه، دولت مرکزی را در سبک جنگ شورشی دراز مدت درگیر ساخت که خروج از آن، کار ساده و آسانی نمی بود.

تجارب جنگهای شورشی در نقاط مختلف جهان این خطر را دقیقاً نشان داده است. بنابراین برنامه دولت وقت، حتی الامکان پرهیز از درگیری مسلحانه و بیفتادن در دام توطئه ها و کوشش برای اعمال راه حل سیاسی بود.

البته این بدان معنا نبود که دولت از انجام وظائف و ایجاد امنیت سرپاز زند ، کما اینکه مرحوم شهید دکتر چمران ، در سمت معاون نخست وزیر در امور انقلاب ، برای مقابله با آشوبگران و دشمنان انقلاب اسلامی ، شخصاً به پاوه رفت و در عملیات پاکسازی شرکت کرد .

سفر چمران و مهم‌تر از آن فرمان معروف امام ، نقطه عطفی شد در سیر حوادث کردستان . نکته ای که باید تذکر داده شود این است که تمام امور کردستان و درگیری‌های نظامی نقاط مختلف کشور در یک کمیسیونی متشکل از وزرای دفاع و کشور و خارجه و کار با حضور مشارکت روسای ستاد و ژاندارمری و شهربانی و فرمانده سپاه پاسداران همچنین آقایان هاشمی رفسنجانی و خامنه ای بررسی و تصمیم گیری میشده و مسائل اصلی با اطلاع و کسب اجازه امام انجام میگردد .

۳- هیئت ویژه برای عمران کردستان

اما درباره " هیئت ویژه برای عمران کردستان " ، بعد از جریان پاوه و سفر دکتر چمران به کردستان ، برای حل مسائل این استان برنامه های همه جانبه ای از جهات نظامی ، عمرانی ، مالی ، در نظر گرفته شده و تمامی اختیارات هیئت دولت به سه نفر وزرای دفاع (دکتر چمران از جهت برنامه جای نظامی) ، برنامه و بودجه (مهندس سبحانی از جهات تأمین مالی برنامه ها) و کشور (مهندس صباغیان از جهت امنیت داخلی و عمران و آبادی و نیروهای انتظامی) تفویض گردید . تا هر طور و هر کجا مقتضی دانستند با سرعت و مصلحت عمل کنند . شورای انقلاب و امام نیز این مصوبه دولت موقت را تصویب و تأیید نمودند .

بعد از استعفای دولت موقت بلافاصله امام طی فرمانی مأموریت هیئت ویژه را تثبیت و ضرورت ادامه کار آنرا را تأیید کردند :

" بسم الله الرحمن الرحيم هیئت حسن نیت مأمور در کردستان - سند ج ، جناب آقای مهندس بازرگان به جهاتی از مقام نخست وزیر استعفا نمودند و امور کشور محول شد به شورای انقلاب . هیئت حسن نیت لازم است بکار خود ادامه دهد و با شورای انقلاب در تماس باشد امید است رفاه حال برادران کرد بطور شایسته فراهم شود .

۵۸/۸/۱۵

روح الاموسوی الخمینی "

لهذا هیئت ویژه در کردستان ماند و بکار خود ادامه داد . هیئت ویژه گزارش تمامی اعمال برنامه های خود را پس از هر سفر طی ملاقاتی با امام مطرح و رهنمود ها ی لازم را دریافت می نموده است . وهم چنین مرتباً شورای انقلاب را در جریان کامل امور قرار میداد است . بدینال نهضت آزادی ایران

گزارشات هیئت ویژه، امام در ۲۶ آبانماه ۵۸ پیام تانخس خود را در مورد درخواستهای مردم کردستان صادر کردند. حال شما مردم قضاوت کنید، دولت موقت در کردستان خدمت کرد یا خیانت. آنانکه نسبت خیانت به نهضت آزادی، دولت موقت و هیئت مردممد، ندانسته به شورای انقلاب و امام نیز همین نسبت ها را می دهند چرا که تمام اعمال یا تصویب و تائید ایشان بوده است.

۴- در مورد ولایت فقیه و مجلس خبرگان

مخالفتن ما توطئه انحلال مجلس خبرگان را به نهضت آزادی ایران نسبت میدهند. و می گویند که :

" ما شما (نهضت آزادی) نبودید که با ولایت فقیه مخالفت کردید ؟

شما نبودید که با مجلس خبرگان مخالفت و برطیبه آن توطئه کردید ؟ (۱۳)

جواب ما بورد و مطلب و اتهام بطور قاطع منفی است .

در مورد مطلب اول : در هیچیک از انتشارات رسمی و غیررسمی نهضت آزادی ایران و سخنرانیهای سران نهضت جمله و عبارتی که بتوان مطلب فوق را از آن بیرون کشید نمی توان یافت . اگر چنین مطلبی بنظر معترضین و مخالفین نهضت رسیده است بهتر است عمداً آنرا نقل کنند و بفرمایند در کجا و در کدام نشریه از نهضت آزادی مطلبی در مخالفت با این مسئله آمده است .

نهضت آزادی ایران آنچه را که در قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان آمده است و با مضای رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلام ایران هم رسیده است و همگان بر آن توافق کرده اند پذیرفته و بصدان رای مثبت داده است . نمایندگان نهضت آزادی در مجلس شورای اسلامی نیز طی سوگندی دفاع از تمامی قانون اساسی را برعهده گرفته اند . قطعنامه آبان ماه ۱۳۶۰ نهضت آزادی در بخش اعتقاد به انقلاب اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری و قانون اساسی در این باب صراحت دارد :

" قانون اساسی حدود و شعور اختیارات هر يك از قوا و نهادها را تعیین کرده است . هم مقام ولایت فقیه و هم حقوق اساسی ملت و آزادیهای سیاسی در رابطه با اجتماعات و مطبوعات و نظامات آن و هم اصول

و روابط حاکم بر روابط اقتصادی و هم اختیارات قوای سه گانه مشخص شده است . اجرای دقیق و جامع اصول مستدرج در قانون اساسی در جهت حرکت بسوی جامعه اسلامی ضروری و اجتناب ناپذیر است . قبول و اجرای برخی از اصول وثقی و انکار برخی اصول دیگر و تخطی از آنها از جانب مرکب و محتام و یا سرگروختی محکم و منظور می باشد .

. آیا از این قاطع تر و واضح تر بی تران موضع خود را بیان کرد ؟

اما در مورد توطئه انحلال مجلس خبرگان - مابین کرات باین اقیام بی اساس پاسخ مبسوط داده ایم و مطمئن هستیم که معترضین آنرا بخوانده اند . و اگر خوانده بودند و انصاف داشتند هرگز مسئله را باین صورت مطرح نمی ساختند .

اولاً - تشکیل مجلس خبرگان بدنبال پافشاری و استدلال اعضای دولت موقت در مورد تاسیس مجلس مؤسسان که رسماً و مکرراً از طرف امام و نخست وزیر به ملت وعده داده شده بود صورت گرفت . مجلس آن اینکه تدوین طرح قانون اساسی در هیئت دولت و شورای انقلاب بیش از مدت انتظار بطول کشیده بود و چون در شرایط آنروز مملکت بیم اختلالهایی از ناحیه ضد انقلاب مبرفت نظر امام و اکثریت شورای انقلاب (از جمله روحانیون عضو شورا) باین شده بود که پیشتر نویسنده تنظیمی عیناً به فریاد مردم گذارده شود . پیشتر نویسنده تهیه شده سراجیل نهائی خود را گذارنده بود یعنی هیئت دولت و شورای انقلاب آنرا بحث و در سبب کرده بودند . امام و مراجع عظام آنرا ملاحظه ، مطالعه و با اصلاحاتی جزئی تأیید کرده بودند . در آن پیشتر نویسنده مملکت ولایت فقیه وجود نداشت . در جلسه مشرف اعضای دولت و شورای انقلاب که در حضور امام در قم تشکیل شد ، دو نظریه مطرح گردید . حداً بطور کسبه آمد ، نظر امام و روحانیون عضو شورای انقلاب و برخی دیگر از اعضای آن این بود کسبه از تشکیل مجلس مؤسسان صرف نظر شود برای اینکه وقت کم بود ، توطئه ها زیاد بود و لذا نباید

هر چه سریع تر همین پیشتر نویسنده قانون اساسی را به فریاد مردم گذاشت . آنگاه این که در آن جلسه این نظر امام را تأیید نکردند - عبارت بودند از مرحومین دکتر بهشتی و دکتر باهنر و طالقانی . آقایان هاشمی رفسنجانی ، خامنه ای ، مهدوی کنی ، صادق قطب زاده و مهندس کبیرائی .

نظر دیگر آن بود که مجلس مؤسسان که وعده داده شده است تشکیل گردد . کسانی که این نظر را داشتند عبارت بودند از آقایان مهندس بازرگان - دکتر سجانی - دکتر یزدی - سید احمد صدر ، مهندس هاشم صباغیان ، مدنی صدر .

پس از بحث طولانی ، بالاخره با پیشنهاد مرحوم آیتا ، مطلقاً و بصوب اکثریت و موافقت امام
تزارشد مجلس بررسی قانون اساسی (معروف به خبرگان) با تعداد اعضای کمتری تشکیل
گردد و طرح پیشنهادی قانون اساسی ، بعد از بررسی و اصلاحات لازم به ریخاندوم گذارده
شود .

دولت موقت با جدیت مسئولیت خود را بر عین ترتیب با انجام رسانید و مجلس خبرگان تشکیل
و کار خود را آغاز کرده از آنجا که در مصوبه امام و شورای انقلاب دوره مجلس خبرگان يك ماه
محدود شده بود لذا پس از انقضای این مدت جبهه‌های غلبه مجلس خبرگان آغاز شد ،
و اطلاعاتی بدولت موقت رسیده بود که باعث شد مسئله در هیئت دولت که آقایان مهدوی
کنس ، خامنه‌ای ، هاشمی رفسنجانی و دکتر باهنر نیز حضور و مشارکت داشتند مطرح
گردید . پس از بحث زیاد اکثریت اعضای دولت نامه ای محرمانه جهت امام
تهیه کردند و روز بعد نخست وزیر و چند نفر از وزیران در يك ملاقات حضوری نامه را همراه
توضیحاتی بنظر امام رساندند . رهبر انقلاب آنرا تأیید نکردند و راه حل دیگری را اعلام
داشتند . به این ترتیب مسئله در همان سطح دولت و گزارشیه امام خاتمه پذیرفت
که دولت نامه را منتشر کرد و به دیگر اقدامی صورت گرفت . حال کجای این اقدام را میتوان
توطئه نامید ؟ آیا طرح مسائل اساسی در هیئت دولت بطور رسمی و با حضور حداقل
ده نفر از اعضای شورای انقلاب و از جمله ۵ نفر روحانیون عضو آن شورا ، و مذاکره
درباره آن ، که تماماً در صورت جملات بطور مشروح ثبت است و گزارش آن به رهبر انقلاب
"توطئه" است ؟

هیئت آزادی ایران اتهام توطئه علیه مجلس خبرگان را نمی پذیرد . در هیچ يك از نشریات
هیئت هم چنین مطلبی ابراز و عنوان نشده است .

اما در مورد مخالفت با مجلس خبرگان : همانطور که گفته شد ، بودند کسانی که شدیداً
به مخالفت با مجلس خبرگان برخاستند و به صدور اعلامیه و انتشار آن در جرائد کثیرالانتشار
پروموه پرداختند .

مراجعه کوتاه به آرشیو روزنامه کیهان و اطلاعات و دیگر نشریات و مجلات و همچنین
رادیو و تلویزیون در آن تاریخ ما را با ده ها اظهار نظر غرضی مخالف مجلس خبرگان رو برو
خواهیم کرد .

از جمله نامه‌ای است که آقایان ثخالدین حجازی و جعفر شجونی در ۲۶ مرداد ۵۸
جهت آقای مهندس سازرئیسان نخست وزیر دولت موقت نوشته اند و در بخشی از آن چنین
هیئت آزادی ایران

"اما چیزی که در نهایت اهمیت و غیرقابل گذشت و افشای است این است که تشکیل مجلس با این ترکیب و هیئت یکسان و تعلق آن فقط به یک طبقه توحدین بزرگی به تمام جامعه ایران تلقی میشود و این چقدر خطرناک است که انبوه ملاحظت ها و صداقت ها که بمنزله سرمایه بزرگ دوران سازندگی این کشور محسوب میشود با این رفتار یکطرفه ظالمانه و حق کشی بحال انزوا و کناره گیری درآیند. این خطر بزرگ نه تنها موجودیت جامعه و انقلاب مستضعفین است مبارزین بمخاطره میاندازد بلکه بزرگترین تهدیدی است برای مکتب نجات بخش اسلام و این زبیده شخصیت شما نبود که پدر دویان نخست وزیری شما چنین انحطاط و سزوقه قرانی به نهضت اسلام ایران تحمیل شود (۱۴)

مخالفت با مجلس خبرگان از این قاطع تر و صریح تر نمیشود. علاوه بر این نوشته دیگری بتاریخ ۱۲، آذرماه ۵۸ خطاب به امام موجود است که باضای جمعی از جمله آقای شجویسی نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی رسیده است که در آن شدیداً به قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان حمله و اظهار کرده اند که :

"در شرایطی که همه ما میبندیم یا مجذوب ما برای آنکه حق حیات در این جامعه را از خود سلب نکنیم ناچار به رفتارندم پیشنهادهای مقام رهبری رای مثبت میدهیم. اما این نه بآن معناست که ما این قانون که تناقضات از سوره روی آن موبارد و حاکمیت ملی و مردم را که خلاصه خلیفه الهی انسان است و میراث انقلابین اسلام را پس از قربیها اینک به مخاطره سقوط و تهاوی من بیهیم و جاذبیت مکتبی که معجز آسای طی هشتاد سال اخیر با ما فهم جدید در مقابل مکاتیب دیگر اظهار وجود و تفوق جهانیان میکرد و مسل جوان را از سرگشتگی و گرایش انحراش بمصراط مستقیم اسلام هدایت کرد و این دستسازورد گرانها را امروز شدیداً در خطر من بیهیم، موافق باشیم! ما قاطعانه پیشبینی تناقضات شدیدی را بین گروهها و طبقات مختلف درآینده ای نه چندان دور می نمائیم. ما این تناقضات را نه تنها بین عامه مردم بلکه بین همان دستگاه که اینک حامل ولایت فقیه گردیده به روشنی

احساس می‌کنیم *

حال چرا آنجا که باین صراحت طبع مجلس خبرگان موضع داشته اند فراموش و با زقربین درگاه شده اند ؟ و نهضت آزادی این چنین بدور از انصاف و تقوای اسلام مورد اتهام و حمله قرار می‌گیرد ؟ اگر ابراز مخالفت با مجلس خبرگان جرمی قابل تعقیب محسوب بشود قاعدتا باید سراغ آنهاش رفت که چنین تخطی را مرتکب شده اند به نهضت آزادی ایران *

۵ - درباره ملی بودن انقلاب اسلام ایران :

یکی از معترضین اظهار داشته اند که نهضت آزادی ایران انقلاب اسلامی را یک انقلاب ملی قلمداد نموده است و بعد نتیجه گرفته و قضاوت کرده اند که :

"مترشما نبودید که داشتید انقلاب را منحرف میکردید و یک جنایتی به تاریخ می‌نمودید ... شما واقعا صد اذیت انقلابی دارید ؟ مردم شعار اسلام را دادند و به جمهوری اسلامی رای دادند و آنوقت که سفره باز شده شما می‌آئید و اسم ملی بر روی آن می‌گذارید ؟" (۳)

ما از چنین بهانی واقعا تعجب می‌کنیم . مگر انقلاب اسلامی ایران بر توده های ملیزین ملت ایران تکیه نداشت ؟ از نظریه ملی بودن انقلاب اسلامی به این معنی است که این انقلاب بزرگ یک از ابرقدرتها و دولت‌های خارجی وابسته نبوده به کمک هیچ دولتی پیروز نشده است . انقلاب اسلامی ایران بعد از الطاف خفیه الهی تنها با قدرت متحد و یک پارچه اکثریت نظام ملت ایران بود که توانست نظام شاهنشاهی را سرنگون سازد و سلطه سیاسی اجانب را قطع سازد .

انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب ملی باین معناست که ماهیت طبقاتی نداشته از ملت ایران و بخاطر آزادی ملت و استقلال مملکت و اسلام بودن دولت برخاسته است . و بقول شهید مطهری :

"نهضت کنونی ایران به صنف و طبقه خاصی از مردم ایران اختصاص ندارد . نه کارگری است ، نه کشاورزی ، نه دانشجویی ، نه فرهنگی ، نه بورژوازی . در این نهضت غریب و فقیر مرد و زن ، شهری و روستایی ، طلبه و دانشجو پبله و بی‌سواد ، کاسب و کشاورز ، روحانی و آموزگار ، باسواد و بیسواد یکسان شرکت دارند ." (۴)

حرکتی با چنین اوصاف یک حرکت ملی است . یعنی متعلق به ملت است . از ملت نشأت

گرفته است نه از جانب و نه از غیر ملت • ملت هم یعنی مردم ایران با معتقداتش و فرهنگش و تاریخ و حشرش •

ملی بودن انقلاب اسلامی ایران بمعنای مردمی بودن آنست. نهضت آزادی ایران به کلمه "ملی" بهمین معنا و مفهوم می اندیشد و نه به معنا و مفهوم دیگری • نهضت آزادی ایران به "ملی گرایی" به مفهوم اندیشه قومیت پرستی و ملیت پرستی که به صورت "پان میسم"، "پان ایرانیم"، "پان کردیم"، "پان هندویم" و غیره بخسومرد پرخانی کشورهای اسلامی و جهان سوم، ترویج میشود و هدفش تشدید نزاعهای مذهبی و نژادی و قطعه قطعه کردن سرزمین اسلامی است اعتقادی ندارد و با آن درستیز بوده است • نهضت آزادی ایران چنین درکی و تفسیری از ملی و وطن بردن دارد و این اعتقاد بملیت را از اسلام میداند • حال این چه نهضت و افتراش است که باینجسب ملی گرایی ما را متهم بکفر و نفاق می نماید؟ •

ما مایل نیستیم به بحث و مجادله لفظی بپردازیم • اگر معترضین نهضت آزادی از واژه "ملی" ناراحت و نگران هستند، می توانند از هر لفظ و لغت دیگری که مردمی بودن و عهد میبستگی انقلاب اسلامی را به شرق یا غرب برساند استناد کنند • بظن ما ملی و مردمی بودن انقلاب اسلامی با ویژگی عقیدتی آن، یعنی اسلام بودنش منافات ندارد • بلکه ملی بودن آن، یعنی قدرت انقلاب در جذب و بسیج تمامی اشخاصیت، ناشی و نتیجه ی مذهبی بودن آنست • امام هم که در حکم نخست وزیری آقای مهدیس بازرگان به سوابق مبارزات ملی و اسلامی ایشان اشاره کرده اند ملی را بهمین معنا، یعنی مبارزات بخاطر ملت و مردم، بکار برده اند •

آیا آنها که بناحق نهضت آزادی را دائما مورد حمله و تهاجم قرار میدهند تمامی نشانهات نهضت را مظانعه فرموده اند؟ و برآستی چه مطلبی را مغایر با اندیشه اسلامی در آنها یافته اید؟ ما با کمال علاقه انتظار داریم اگر به مطلبی در این مسوود برخورد کرده اند ما را آگاه سازند تا به اصلاح آن برخیزیم •

۱- در مورد گرد هم آید اسفند ۵۷ در احمد آباد :

بنا نسبت داده اند که :

"مگر شما نبودید که جمعیت را جمع کردید و به احمد آباد بردید و

خواستید به خیال خودتان رهبری انقلاب را تضعیف کنید" (۱)

اطلاعات گنبد، در این مورد ناقص و در نتیجه قسارت ناصحیح و دراز ازین کرده است.

برگزاری مراسم سالگرد درگذشت دکتر مصدق در ۱۴ اسفند ۵۷ در اراحد آبادیه توسط دولت موقت بود و به نهضت آزادی ایران در آن مشارکت داشت. دعوت کنندگان بیان مراسم عبارت بودند از: جبهه دموکراتیک ملی - جبهه ملی مجاهدین -

چریکهای فدائی خلق و جبهه ملی خراسان تجمع و گرد همایش در جلسه هیئت دولت و شورای انقلاب مطرح شد. بدینال گزارش دولت، شورای انقلاب در جلسه ای در همان روزها در منزل آقای دکتر عباس شهبانسی تصویب کرد که اولاً دولت در این رابطه بهائیه ای صادر کند و ثانیاً مرحوم آیت اله طالقانی، ترتیبی بدهند که حتماً

در آن مراسم صحبت کنند و سعی نمایند حتی الامکان صحبت های خود را طرالی بسازند تا تمامی وقت را بگردند و برای سایر سخنرانان مجال کمتری بماند و باین ترتیب از سخنان نحتالاک سراسری و شبیه انگیز جلوه گیری شود. این جلسه ۲ یا ۳ روز مانده

به ۱۴ اسفند تشکیل شد. بود و وقت و فرصت کم بود. معذالک مرحوم طالقانی با استاذان از موقعیت خود شان توانستند اینکار را بکنند همه این برنامه ها برای آن بود که برگزار کنندگان

آن مراسم از احساسات مردم نسبت به مرحوم دکتر مصدق سوء استاده نکنند و خود را تصدیقاً

مدافعان آن شخصیت بزرگ و خدمتگزار ایران که پنجه در پنجه قول استعمار انگلیس انداخت،

و وارثان نهضت ملی و ضد استعماری سالهای قبل از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۲۲ معرفی نمایند.

ما برشهادت مکرریم مذاکرات شورای انقلاب در آنروز جهت اطلاع معترضین و استحضار

مردم عیسا منتشر گردید.

۷- در مورد کمک به کمیته امداد امام و شهدا انقلاب:

یکی از معترضین گفته است که:

"برادرها من مسأله کمیته امداد بودم خدا شاهد است هجرت هشت ماه بر پایه گذشت با گرفتن پول و حوائج از امام ماکمیته امداد را ادایه میکردیم و در خدمت شهدا و مجروحین بودیم و در خدمت برادران مسر اولادی و سایر برادران وضع عجیبی ما داشتیم بارها به قییمت میرفتیم برای پول و این دولت موقت که اینجور برای مردم گریه می کند اصلاً نمی پرسید که شما چکار میکنید؟ شهید و مجروح چطور اداره میشود؟ آغله مائی که دولت این مردم مستقیم و این مردم با شهید دادن و مجروح شدن پیروز شده اند آیا اینها چکاری کنند؟ و توضیح

خانواده طایفان چیست ؟ حتی يك سؤال از ما نکردند ، هر چه بسود
 حضور امام . حتی ما رشتم حضرت عبدالعظیم پول گرفتیم از روی ناچاری
 که بتوانیم اوضاع را اداره کنیم . خوب گوش بدیدید . اینها اصلاً بیسود
 نگریدند . اما مسئله بعدی را توجه کنید که اون خیلی مهمه .
ما همین وضعی که ماهشت ماه باخون دل خانواده شهید و مجروح
رامی گذرانیدیم و اصلاً دولت موقت سؤال نمی کند . شورای انقلاب هم
بعضی حاشین مانند مرحوم بهشتی مسیوزه و تلاش می کند که به کساری
پشه و نهی توده يك کاری بکند ." (۳)

عمو طایفان عزیز

آیا بی انتصاف نیست که واقعتاً وضع مملکت را بعد از زهروزی انقلاب فراموش کنیم ؟
مگر یادتان رفته است که دولت موقت و ارت چه وضعی بود ؟ دولت موقت در شرایط پس
قبول مسئولیت و ساموریت کرده خزانه خالی بود . اقتصاد کشور متوقف شده بود ، بانکها
در حال ورشکستگی بودند . مایه ایدها سرمایه از کشور خارج شده بود . و این امری بود
که از دید مردم و رهبری انقلاب پنهان باشد . آقایان مهندس بازرگان از ضمن ابتدای
قبول مسئولیت از فرارهای استفاده میکردند و حاکمیتی وضع مملکت را به ملت ، به عین پس
صاحبان اصلی انقلاب ، گزارش میدادند در پیام رادیو تلویزیونی ۲۴ اسفند ۵۷ گفتند :
 " روزیکه بانک بازشد و شروع بکار کردیم ۵ میلیارد تومان بیشتر پول نبود
 که همان روز اول ۲ میلیارد آن رفت (در برابر چکها ، بانکهها دادیم)
 و يك میلیارد و نیم آن دم روز بعد پرداخت شد و روز سوم دیگر چه چیزی
 نمانده بود ."

این گزارش نخست وزیر آن وقت بود که هم مردم در جهان باشند وهم توقعات پیه رسوده
 از دولت نداشت باشند :

" از همه طرف فشار روی دولت است همه میکنند حکیم باشی بخوانید [۱]
در حالیکه دولت از همه بیچاره تر و بی پول تر است ، از همه چیزش
خالی تر است . این احتصابها دولت را هم منتشر کرده يك قلم
از کار خراجات دخانات ۲ میلیارد تومان کسوفروش داشته ، در گرفتار
بخاطر احتصاب ۹ میلیارد تومان کسوفروش دارد ."

این تنها آقای مهندس بازرگان نبودند که واقعتاً را درک و سپس بر ملت گزارش

کردند • آنهاکه قبول مسئولیت های اجرائی کرد • و من کنند • وقتی از نزدیک با حقایق سن و واقعت های مملکت رو برو می شوند • لاجرم به این امواعتراف می نمایند •

از جمله آقای ماسمی رستمجانی • اخیراً در خطبه نماز جمعه ۷ آبانماه ۶۱ خود وضع مملکت را در زمانی که انقلاب پیروز شد چنین ترسیم نمودند •

* "وقتی این کشور را با از خانواده پهلوی تحویل گرفتیم مثل یک ضمیمه

از بدن است که از دهن یک سنگ مار بیرون آمده باشد و نه چهار لعاب

دهن سنگ مار آن عضو را بکنی و باقی رزده باشند این عضو آسیب دیده

را تا انسان به حال غازی برگرداند خیلی طول دارد • حالا دیگر چه رسد

به اینکه به حالت کاملی و ایدآل برساند •"

* "شما میدانید که ما چه تحویل گرفتیم و چه کشوری تحویل گرفتیم

از دست بیهم شاه و چقدر کار داشتیم •"

* "کشوری که وقتی دست ما افتاد و شش ماه اعتصاب را پشت سر گذاشت

بود آنچه از آن کشور بیرون کرده بودند • همه کارخانه های ما

تیرازه به مذهب خارجی و قطعه خارجی داشتند یا مذهب داخلی که فرار کرده

بود •"

"پیمانکاری ها همه خوابیده بود و موسسات اداری بکنی فلج شده

بود •"

"وزرا • مدیرکل ها • استادان را • فرماندارها نبودند • و ارتش مسمان

آبجوری بود که • میدانید • چقدر از نیروهای سطح بالای ارتش صنایع

شدند • پلیس اصلاً رفته بود • ساواک که این کشور را به هم میزد و خست

و نگه برداشت بطور کلی رفت •"

"همه اینهاست که حافظ بودند آن نظام را از دست رفته بودند • ما هم

آدمهایی نبودیم که • کج • کشور داری داشته باشیم •"

"و تازه ما را هم بحال خودمان نگذاشتند •"

البته نباید توجه داشت که رژیم پهلوی مملکت را به ما "تحویل" نداد • بلکه آنرا به

بدترین شکل و وضع ممکن بهیم رساند و مشران امور از بسا بر انقلاب با فرار کردند و یا

بدست انقلاب اسیر شدند • کسی نهاد کشور را بدولت موقت "تحویل" نداد • تا ما بعد از

سپاه های موجود کجا است و چیست ؟ مادامی طول کشید تا دولت موقت توانست بدست

این اطلاعات را جمع آورنی کند *

حال چگونه انتظار داریم که دولت در آن شرایطیه کمک کبته امداد امام ممشافحه است ؟
 اما این امر ، بمنزله آن نبود که دولت بملگر نباشد ، اهمیت ندهند ، غیر چنین نبود .
 دولت در رابطه با نیازها ، و توقعات برحق مردم ، طرح تهیه کرد بنام " صندوق ترمیم
خسارات زمان انقلاب " و از خود مردم ، که در تمامی مراحل انقلاب ابتکار خود را به حداکثر
 و اتم بروز داده اند درخواست کمک نمود . در این طرح پیش بینی شده بود که تأملاتی
 خساراتی که در اثر انقلاب بر مردم وارد شده است جبران گردد . از جمله خسارات مالی شخصی
 فراوانی که در اثر تهاجم گروههای ضد انقلاب وابسته به دربار در شهرهای مختلف ایران ،
 از جمله نجف آباد کرمان ، گنبد کاووس ، پاوه و ... به مردم وارد شده بود .
 آقای مهندس بازرگان در بهام ۲۴ / ۱۲ / ۵۷ خود بملت در مورد تأسیس صندوق ترمیم خسارات

انقلاب چنین گفتند :

" ... وظیفه و برتبه دولت که جزو واجبات است ، در مرحله اول
 این خواهد بود که عموپتان و کسانی که در آن دوران با اختلافات مسئولان و ار
 استعداد خانه هایشان را خراب کردند و دکانهایشان را آتش زدند
 و خدمات مالی و مادی فراوان دیدند و وظیفه این است که ما حداقل ،
 ترمیم این خسارات بکنیم و در همین راه هم فکر شده . بلاشک معسر
 شد که یک خانه و دو مغازه و اینها نیست صحبت از صد هزار تومان بسا
 یک ملیون تومان هم نیست بلکه ، بیاراد ها تومان است این بود که وقتی
 من مراجعه با این خرج و عظمت کارشدم صدایش را در برابر مردم * ولیس
این حرف زده شده و کاری است که باید انجام بشود و چیزی نیست که
کسی بتواند بگوید چون نداریم نمیشود . باید انجام داد ."

" بنابراین شکی که بنظر آمد این بود که ما از یک سرمایه سرشار و از یک
 چیزی که ارزنده تر و اساسی تر از نفت و درآمد گمرک است استفاده
 کنیم اما سرمایه سرشار زنده تمام نشدنی منگت و ملت همان همگساری
 و علاقه و میل مردم به معاشرت نماید بگراست . بنابراین وقتی چندی
 گنجی داریم که از گنج قانون هم وسیع تر است چرا از آن استفاده نایم ."

لذا تشکیل صندوق ترمیم خسارات انقلاب اعلام گردید و از مردم درخواست شد که

کمک های خود را بحساب این صندوق در بانک شاپوریزند . امام هم همین تأیید ایمن

برنامه دولت موقت اولین کمک عمده و اساسی را به حساب صندوق مزبور پرداخت می نمایند .
و از همین راه حدود ۸۰٪ خسارات وارده پرداخت شد .

۸ - مقرری ورثه مرحوم شهید دکتر سید حسین فاطمی :

گنبده ای پس از بهمان مشکل مالر کمیته امداد انام و شکستن تمامی کاسه کوزه ها
برسر دولت موقت ، ضمن تحریک احساسات مردم علیه نهضت آزادی ایران مدعی می شود
که :

" به ما خبر می رسد که آقایان نشسته اند و جلسه گفته اند یک مصوبه ای
داشته باشند تصویب کنیم براین که برای زن و بچه دکتر حسین فاطمی
که شهید و کشته شد در سال ۲۴ ، یعنی ۲۰ سال قبل ، برای او
ماهی فلان قدر به خارج بفرستیم که دیگر بچه هایش در خارج دیگر
بزرگ شده اند ، زنش دیگر چنین و چنانه . تو بخدا به بینم ما .
انحمار ظنهم باشما . آخه وقاحت یک حدی دارد . آخه بی انصافی
هم یک حدی داره . چقدر آدم بی انصاف باشد . اصلاً در این ایران ،
شهیدی نبوده ، نواب صفوی شهیدی نبوده ، سعیدی شهیدی نبوده ،
مظاری شهیدی نبوده ، شهدای ۱۷ شهریور شهید نبوده ، آنها
شهدا شهید نبوده اند ؟ بلکه شهید بوده که آنها از آقایان نبوده ،
آنها بعد از ۳۰ سال که حالا دیگر بچه هایش به نره غولی شده بفرستیم
پول برایش به خارج تا اون بخوره ؟ " (۳)

مطالب فوق خلاف واقع است ، راوی آن قطعاً و بدون تردید اشتباه کرده است .

تصویب مقرری جریمت ورثه مرحوم شهید دکتر سید حسین فاطمی ، در تاریخ ۵۹/۴/۱۵
یعنی هشت ماه پس از استعفای دولت موقت توسط شورای انقلاب بوده است . متن
تصویب نامه شورای انقلاب را می توانیم تا آنکه فرصتی باشد و بخواهند سخنان خود
را اصلاح کنند مفید و لازم به یاد :

لا بعه قانونی راجع به برقراری حقوق وظیفه درباره همسر مرحوم دکتر

حسین فاطمی وزیر امور خارجه اسبق تصویب ۵۹/۴/۱۵

ماده راجده : از تاریخ تصویب این قانون ما عانه معادل حداکثر حقوق
بازرسی ستگی وزرا بعنوان حقوق وظیفه در مورد همسر مرحوم دکتر
حسین فاطمی وزیر امور خارجه اسبق ایران بشرط نداشتن شوهر و

بازتاب کلیه مقررات مربوط به قرار از صندوق بازبستگی کشوری برداشت
 میگردد. این حقوق وظیفه مشمول کلیه افزایش های بعدی حقوق
 بازبستگی و وظیفه مقامات موضوع تبصره ماده ۲۲ قانون استخسار
 کشوری می باشد.

آیا این عمل دور از حق و انصاف نیست ؟

۹- سابقه مبارزات نهضت آزادی :

اکثر محترمین و مخالفین نهضت آزادی بدنهال حملات و جوسازی ها به نقطه سوابق
 روشن مبارزات نهضت پرداخته و مدعی شده اند که :

" آقا جان من ، شما چه مبارزه کردید و چند بارزه کردید و مبارزاتتان

درجه حدی بود . شما یک مبارزه قبل از ۴۱ داشتید و یک حرفی بر علیه

رشم بر علیه رشم و دولت نه شاه می گفتید . همان موقع در کارش هم یک

ایشی به روحانیت می زدید ، یک نیش هم به مدرسه دنا و مسجد هاشمی زدید "

مگر شما نبودید که در سال ۴۱ می گفتید رفو اندوم آری اصلاحات آری و

دیکتاتوری نه و اصل اصلاحات آمریکائی را می خواستید ؟ تنهاییه امیر

این بودید که آمریکا علی امین را کنار بگذارد و شما جای او را بگردد ؟ (۳)

هموطنان عزیز :

مادر صد آن هستیم که کارنامه مبارزات سران و فعالین نهضت را از روزهای سیاه و

تاریک بعد از کودتای تلکین ۲۸ مرداد ۲۲ طبع دولت مرحوم دکتر مصدق و بازگشت مجدد

شاه فراری و استیلاي خونین امپریالیست های شرقی و غربی برکشورمان تا با امروز یک یک بیان

کنیم . بجز به استاد مبارزات نهضت قضاوت می (سالهای ۲۲ تا ۴۰) و نهضت آزادی

ایران از سال ۴۰ به بعد تماما موجود و در دسترس می باشد در انسان نهضت با مراجعه

به آنها می تواند قضاوت کند که چه کسانی در خانه ها خنجره بودند و چه کسانی

با شجاعت و قاطعیت در برابر غول عظیم استبداد و استیلاي خارجی مقاومت می کردند .

ما نیازی به ذکر آنها نداریم آنچه بر حسب وظیفه ملی و اسلامی کرده ایم ، اثرات مسئول

درگاه احدیت قرار گیرد ، ما را بس و از هیچ فردی و گروهی هم انتظار پاداش ندانیم .

اما این سخنان تحریف تاریخ است . ما آنها را به مطالعه اسناد تاریخی در ایمن

زمینه دعوت می کنیم تا معلوم شود که قضاوت ها تا چه حد ظالمانه است . تا معلوم

گردد که در آن زمان که حتی در محافل مذهبی ، یکی از بزرگترین ارادات به موسسین

نهضت آزادی ایران

بهضت فعالیت های سیاسی بود و مرحوم طالقانی بعنوان "آخوند سیاسی" طرد می شد. ما به فعالیت ما و مبارزات خود طره استعداد شادشاهی و غبه استیلای خارجسی براساس اعتقاد به جهان بینی توحیدی ادامه میدادیم - و این در زمانی بوده است که هیچ کس و هیچ گروهی در داخل ایران غبه شاه - و استعداد پهلوی سخن نمی گفته است - اثر سه قول مخالفین ما بهضت آزادی غبه شاه جبرفی نمی زده است پس دلیل دستگیری سران و لغاتین بهضت آزادی و محاکمه و محکومیت های سنگین آنان چه بوده است -

اگر این حضرات استاد بهضت مقاومت ملی و بهضت آزادی را ندیده اند ، مسلماً کتاب بررسی و تحلیلی از بهضت امام خمینی را ملاحظه کرده اند - انصاف داشته باشند بیمن کتاب رجوع کنند - در این کتاب آمده است که وقتی محاکمات نظامی سران بهضت پایان پذیرفت و احکام صادره اعلام شد عده ای از دانشجویان دانشگاه تهران بدیدار امام در قم رفتند - امام خطاب به این دانشجویان درباره محکومیت سران بهضت آزادی چنین گفتند :

"... من خوف داشتم که اگر در موضوع بیدادگری نسبت به حجت الاسلام آقای طالقانی و جناب آقای مهندس بازرگان و سایر دوستان کلمه ای بیهوشم موجب تشدید امر آنها شود و ده سال زندان ، بیانزده سال تبعید گردد اینک که حکم جایزانه دادگاه تجدید نظر صادر شد با چارم از اظہار تأسف از اوضاع ایران عموماً و از اوضاع دادگاه خصوصاً" (کتاب صفحه ۱۶۲)

طلوه براین وقتی امام از زندان آزاد و به قم بازگشتند ، دانشجویان حوزه علمیه قسم در شب جمعه ۲۱ فروردین ۴۲ در مدرسه نهضت جشنی بهمین مناسبت برگزار کردند و طی قطعنامه ای از جمله آزادی سران بهضت آزادی را خواستار شدند (کتاب صفحه ۱۷۰) روز بعد ، جمعه ۲۲ فروردین ۴۲ ، امام سخنان جامعی ایراد کردند که شروع آن بشرح زیر بود :

"از زندان بودن آقای طالقانی و مهندس انصاری ، نباشد تا این چیزها باشد کارها درست میشود - تا زندان رفتن ها نباشد پیروزی بدست نمی آید - هدف بزرگتر از آزاد شدن عده ای است - هدف را باید در نظر داشت" (کتاب صفحه ۱۷۰)

... بهمانه ای که بهمانی سجاهدین حوزه علمیه قم بهمناسبت سالگرد انقلاب بااصطلاح

سفید شاه تحت عنوان " دام اسارت بازراندم قلابی ششویچمن انتظامیافت آمده است -
 " از طرفی حضرت آیت الله طالقانی و اساتید محترم دانشگاه مانسند
 جناب آقای مهندس بازرگان و جناب آقای دکتر سبحانی که از افتخارات
 این آب و خاکند بازداشت و بعد در محکمه فرمایشی چندین سال حبس
 مجرد محکوم شدند و دانشجویان عزیز پیوسته مورد حمله کماندو و صاعقه
 و سربازان گارد قرار گرفته و سپهر راه زندانهایش میگیرند " (۱۶ صفحه ۶۲۸)
 هم چنین در بیانیه ای که هیئت های مؤلفه اسلامی بمناسبت هفتمین روز شهادت طایفه
 حاج رضائی و حاج اسماعیل رضائی انتشار دادند آمده است :

" بگذایمردان آزاده ای نظیر عجت الاسلام طالقانی و مهندس بازرگان
 و دکتر سمنانی استادان محترم و ارزنده دانشگاه و دوستان در محیط
 تهور و وحشت و دین پر سابه سر سیزه بدست نظامیان بی اراده ای که با خراف
 خودشان مجری فرمانند محاکمه و محکوم شوند " (۱۶ صفحه ۶۲۲)

در همین کتاب یاد شده پس از نقل مطالب امام آمده است :

" پشتیبانی قائد بزرگ از " نهضت آزادی ایران " نام موثر ، شایسته
 و ارزنده ای دیگری بود که در راه استادان تهور های اسلامی و نهضت
 استعماری برداشته میشد و در نزدیک ترکودن نیروهای دانشگاهی و
 حوزه های طبه نقش سازنده و مؤثری ایفا کرد و وظیفه ی مغرضانسه
 و حسودانه و کوبه نظراته ای بعضی از احزاب را که با اصطلاح خود را تنوا
 مدافع امام خمینی و راه ایشان معرفی میکردند و میگویند که میان ایشان
 و هر گروه ، حزب و جمعیت دیگری تعاضد ایجاد نکردد به کل خدش ساخت
 آنان در یافتند که امام خمینی اندیشه عدالتی ، ژرف نگری و دور اندیشی دراز
 آنستکه آنها بتوانند به عنوان جماعتی از ایشان استفاده کنند و خسورده
 حسابهایشان را که سالها درازست با بعضی احزاب دارند از طریق ایشان
 تصفه نمایند "

حوزه ی طبقه ی ام که با سران نهضت آزادی ایران و شخص آقای
 طالقانی رابطه نزدیک و مرتب داشت به دنبال صدور این اعلامیه
 پشتیبانی روابط خود را عمیق تر و استوارتر ساخت و همکاری نزدیکتری و
 مشکلتری را آغاز کرد . بسیاری از اعلامیه ها و مدافعات سران نهضت

آزادی به وسيله ی مجاهدین حوزه ی قم چاپ و پخش میگردد . به دنبال مرگ داد و مهندس بازرگان تسلیم نامه ای به جوان ایشان از طرف عده ای از روسایان مجاهد قم تنظیم گردید و همراه باده ها ايضا به روزنامه ها داده شد ولی هیچ روزنامه ای به درج آن مبادرت نکرد و با کمال معذرت خراهی اظهار داشتند که از طرف سازمان امنیت درج هرگونه تسلیم نامه ای جهت آقای مهندس بازرگان اکیداً ممنوع اعلام گردیده است . روحانیان مجاهد تسلیم نامه ی مزبور را به صورت اعلامیه ای چاپ و پخش کردند و در زیر تسلیم نامه جلوگیری ساواک را از درج آن تسلیم جهت آقای مهندس بازرگان درج نراند . شدیداً محکوم کردند . (۱۶ صفحه ۶۹۲)

اعلامیه مزبور با امضای ۵۳ نواز مدرسین و فضلاء حوزه طبعه قم عیناً در کتاب کلیشه شده است . از جمله امضاء کنندگان آن آقایان محمد شبستری ، سید هادی خسروشاهی ، حسین حقانی ، سید ابوالفضل موسوی ، احمد آذری قس ، علی قدوسی . علی مشکینی مهدی کریمی ، سید محمود دعائی ، محمد علی شرفی . . . میباشد که بعضی از آنان در سال حاضر مسئولیت های بسیار حساسی را در مملکت بر عهده دارند .

با آنها که بعد از پیروزی انقلاب مکلف و انقلابی شده اند و امروز بهش از همه خود را طلبکار از انقلاب می دانند و به نهضت آزادی ایران هنگامی می کنند حرف ندادیم . اما سخن ما با آن معترضین است که مطمئناً در آن شرایط کاملاً در جریان مبارزات نهضت آزادی فسرار داشته اند و چه بسا توزیع کننده اعلامیه های نهضت در مخالفت و مبارزه با استعداد پهلوی که نمونه های از آن ها ، در همین کتاب مذکور کلیشه شده است ، بوده اند . آنها بهترینست یکنار دیگران اعلامیه ها و سپهر بنامیه ای را که خودشان امضاء کرده اند مطالعه کنند آنگاه با ما همصدا خواهند شد که حقا قضاوت بسیار غرور نادانانه و بددور از حقیقتی را کرده اند .

علاوه بر اینها توصیه می کنیم که این برادران معترضین اطلاع و هم آنهاکه معلوم نیست از کی مسلمان و انقلابی شده اند برای اطلاع بیشتر از مبارزات نهضت آزادی علیه شاه به نشریه " بعثت " که از طرف محصلین حوزه ی طبعه ی قم در همان دوران منتشر میگردد مراجعه کنند .

و برای مزید اطلاع اضافه می‌کنم که برخلاف نظرمترضین اولین بیانیه‌ها و موضع‌گیری‌ها علیه استبداد محمد رضا پهلوی و استیلای امپریالیسم آمریکایی بعد از کودتای ۲۸ تیر ۱۳۰۶ توسط نهضت مقاومت ملی اعلام شد. اولین مقاله کوتاه علیه سلطه مستشاران خارجی تحت عنوان "ملت سلطان ایران مستشارسیحی نی خواستند" در مهرماه ۱۳۲۲ توسط همین انفراد نوشته شد. در تمام بیانیه‌های نهضت مقاومت ملی در سالهای ۲۲ تا ۴۰ و در بیانیه‌های نهضت آزادی در سالهای ۴۰ به بعد همیشه لیه تیز حمله با توجه شاه و سلطنت پهلوی و سلطه امپریالیست‌ها بوده است و خطوط مشخصی را در پی داشته‌اند. بدینار و خطوطی سیاسی طرفدار سیاست صیور انتشار و مداخلت پادشاهی، نهضت قاطعانه و بیاورن بیمن دربار شاه و پهلوی را بعنوان پایگاه استعمار خارجی و مرکز توطئه علیه ملت مورد حمله مستقیم خود قرار داده است. به عنوان نمونه در بیانیه نهضت آزادی در تاریخ ۱۸/۱/۴۲ (قبل از فرام ۱۵ خرداد) آمده است:

"خواست ملت ایران يك كلمه است که از روحانی عالم قدس و کاتب سرگذر از دانشجو و کارگر و دهقان همه در آن شریک اند آنهم "آزادی است" ملت ایران میگوید یک فرد حق ندارد به صورتی که دلخواه اوست و با اعمال هرگونه زور و قدرت، بريك ملت حکومت کند.

این سخن فارسی است و قابل فهم. این سخن عبری نیست که بسیاری فهم آن احتیاج با استخدام مستشار و مترجم و مشاور از کشور اسرائیل باشد. نتیجه می‌شود بیانیه ۱۰۰۰ ما آزادی می‌خواهیم. ما می‌گوئیم شخصی شاه حق ندارد قانون وضع کند، دولت بیاورد، دولت ببرد و مرکزی از کوچک تا بزرگ با نظر و اراده او انجام گیرد و درین حال معصوم، غیرمسئول و دارای مقام مقدس و حتی لاپروا باشد. اینها می‌گویند آزادی می‌گویند استبداد... می‌گویند دیکتاتوری... (۲۱)

بنا بر این دربار شاه پهلوی، در زمانی محور اصلی فعالیت‌های سیاسی نهضت قسرسار گرفت که طرح کنندگان سیاست رژیم ایران با تهیه مقدّماتی درصدد آن بودند که با ایجاد "نهضت کاذب" یا "نهضت ملی‌مهای مصدق" در موضع‌گیری جنبش‌های ایران علیه دربار، بعنوان مرکز توطئه‌های ضد ملی و پایگاه امپریالیسم... آنحران‌ها ایجاد نمایند. موضع‌گیری واقع‌بینانه نهضت به تنها برپا به دشمن را فاش ساخت بلکه آنرا عقیم گذاشت. در این مبارزات، نهضت با ارزیابی عینی از ظرفیت عظیم روحانیت در تقویت زیربنای فکری جنبش

و توسعه توده ای آن ، به همکاری و همگامی با روحانیت اصیل و متوقی پرداخت . نهضت از این روحانیت و رهبری آن حضرت آیت الله خمینی ، با کمال قدرت پشتیبانی کرد و مقابلاً از پشتیبانی روحانیت ترقی و ضد استعماری و ضد استبدادی برخوردار گردید .

در سایه همین حسن سیاست و صداقت نهضت ، پیوندی مقدس و ناگسستی میان روحانیت اصیل با نیروهای مبارز بوجود آمد که از برکت آن بزودی در ظرف مدت کوتاهی قشورهای وسیعی از زحمتکشان ملت ما بمیدان مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی کشانده شدند و یکبار دیگر سنن ایزدنده انقلابات گذشته ایران زنده گردید . فرهاد های اعتراض ملت ما با مشیت های گره کرده ، قیام خوابین ۱۲ محرم (۱۵ خرداد) را بوجود آورد که اساس دیکتاتوری شاه پهلوی را بلرزه در آورد .

نهضت آزادی ایران از همان ابتدا لبه تیز حمله خود را بپتوچ شاه نمود و با استفاده از امانات و شرایط مبارزات علمی در نهایت آگاهی و دقت نظر با علامه ها ، بهائیه ها و نافع های سرکشاده بتدریج خطوط چهره مدحوس شاه را که در پشت قهقه نخست وزیر غلام خانه زاد و چاکر جان نثار پنهان بود بر روی صحنه سیاست ترسیم نمود . این جهت گیری صحیح در پیداری و آگاهی مردم ما و جهت گیری سایر نیروهای مبارز تاثير بسیار گذاشت و کسل نهضت ملی را از دام بزرگی سازشکاری که سیاست آمرکا و شاه در سر راه آن گسترده بودند نجات داد . علاوه بر آبانماه ۱۳۴۱ مبارزات نهضت آزادی و روحانیت بهم پیوسته و یکپارچه گردیدند .

این سمت گیری و حملات ، همزمان با طرح انقلاب سفید شاه و فرزادیم مسخره اش شدت بیشتری یافت و در اعلامیه ۴ بهمن ۱۳۴۱ که بمناسبت فرزادیم صادر شده بود چنین نوشت :

" ملت شرافتمند - کارگران - کشاورزان عزیز ایرانی .
 دولت و شاه بنام شما و ظاهراً بخاطر شما میخواهند فرزادیم بهمیاهند .
 فرزادیم یعنی مراجعه به آراء صومئ ملت یعنی اخذ نظرات در باره امر
 سعیمی ."

برای چه فرزادیم میکنند ؟

نهضت آزادی یار دیکر به کشاورزان و کارگران ، روحانیون و اصناف و
روشنفکران و همه طالبان سعادت و سربلندی ملت ایران نسبت به خواب
بزرگی که برای اسارت آنها و پایدار کردن بساط خود سری و دیکتاتوری

و فرعون ملشی دیده اند هشدار میدهند "

"وقتی قرار است انقلاب !! و تحول !! بدست مظاهر اختلاف طبقات و
 منبج و منشاء فساد و بدبختی و سرکشگی یک ملت انجام گیرد بهترین زمان
 اجراء میشود." (۶۱)

در اعلانیه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۴۱: نهضت آزادی نوشت که :

"ما چرا نفراندم شاهانه ! ای ظالمرا پاهان یادت • کارانتضاح و رسوائی
 در این رفرااندم بعدی بود که حتی دستتاء و قبیح و بی باک • هیلست
 حاکمه • که در ادعای موهوم و دروغ پردازی بد طولانی دارد از پیروزه سرخی
 کردن خود در این رفرااندم شرم دارد ••• همه این عقب نشینی هسا
 عواملیسی حا و غشویت حا برای جاگیری از شکست و چیران ضررست
 غیرمنتظره ایست که عهت حاکمه و حکومت ظنی شاه در اولین مرحله
 تاثیر انقلاب سفید بر دیگر خود احساس نموده است." (۶۱)

اعلامیه دانشجویان نهضت آزادی ایران تحت عنوان " مبارزه صحیح و مناسب روزه
 نقشه و برنامه و فداکاری لازم دارد " بخوبی نشان میدهد که نهضت بحرکت تکاملی چیست توجه
 و آگاهی داشته درصداست که این آگاهی را به تمام مبارزین انتقال دهد • در این اعلامیه
 چنین آمده است :

" دانشجویان عزیز، سربازان قهرمان ایرانی :

در تاریخ مبارزات شریقی فراز و نشیب حا و شکست و پیروزی حاشی پذیرد
 آمده نفا" و اثبات آکاری باقی میگذازد بعضی از ملت حا در اشرفیک پیروزی
 موقت مغرور شده دست از مبارزه بر میدارند یا بعکس با شکست گوی کسی
 عقب نشینی اختیار میکنند • ولی بشهادت تاریخ علی بن به پیروزی نهائیسی
 رسیده اند که دنیا بر این پیروزیه و شکست حاشی زودگذر خود رانهاخته
 هدف و مقصد را فراموش کرده با برداری و هوشتیاری پیش رفته اند •••
 ••• هدف • سلاح نوین دشمن • تخریب فکر ما • فرسنگ ما • اخلاق ما
 و معنیهات ملی و مذهبی ما است •"

سپس نهضت در اعلامیه دیگری که بعد از حمله گاندومهای شاه بعد از این طریقه رقم میخورد

شده است چنین میگوید :

نهضت آزادی ایران

"فعل الله الصاهدين على القاعدین انجسراً عظیماً"

مردم شرافتند ایسران :

هیئت حاکمه اعلی در مدت یکسال فرصتی را که از اربابان خارجی خود گرفته است شرح همین بدیختی ها را برای ملت ایران تدارک دیده است و اکنون که پایان این فرصت نزدیک میشود به مذبحخانه همین تلاشوها متوسل گردیده است و رازاندم قلبی برای میاندازد وقتی در این راه با تمام شاگردوسازانها که میکند باین اعطاش وسیع مردم رو برو میشود زخمی شده ب فکر انضام میافتد و اربابان حرفه ای خود را بجان مردم میاندازد . هرگونه مقاومت مناطق و استواری را که در مقابل خود احساس میکند اعم از دانشگاه و مسجد و بازار مرکز و شورستانها و قرا و آبادیها را طعمه آتش میکند ، پهلوی میبرد ، دندان میسکند ، تیرباران میکند در شراز با بسبب و در تیریز بارگبار مسلسل و در قم با دشنه و اسلحه کسری . در اصفهان و مشهد و کاشان و . . . هر کجا بدحوی بگنجد جهان شکست و مریت بنمای پی در پیته حکومت میباشد

. . . . اکنون حربه هیئت حاکمه متوجه روحانیت است . شکل پیروشی و نارت و قتل عام کم و بیش شبیه آنچه در دانشگاه تهران گذشت میباشد . مدتها با وسعت و درندگی بیشتر و کاملاً بیگانه شکست آشکارا از روحانیت آنها در آستانه حکومت علی شاه که منجز به پس گرفتن تصویب نامه ارجین های ایالتی و ولایتی گردید گرفته روحانیت را قانع نساخت و حضرت آیت الله شبلی و سایر علمای اعلام در اعلامیه های خود کرا را متذکر شدند که هیئت حاکمه باید از تجاوز بقانون اساسی و قرآنی شی اسلام منوع گردند و پس زمین عقب نشینی برای هیئت حاکمه گران تمام شد و درصد جبران آن بود

. . . . بنابراین هیئت حاکمه را رسوا سازیم و بیهمن جهت باید برای درهم کوبیدن این تپیل اراذل و اویش آماده بشویم " (۱)

این اعلامیه ما با شعارهای زیرایان میپذیرد :

"سلام به روحانیین مجاهد و غالب قدری که در رهبری مسلمانان بدفاع و جرات از حرم مقدس اسلام و قانون اساسی به پمات از یوغ اسارت و بندگی لجنه ای از پای بنیست اند و بوظایف خود عمل می نمایند"

پیروز باد همگیش خلل ناپذیر بجا هدین راه حق آزادی" (۱۳)

در اعلامیه دیگری که نهفت آزادی روز ۱۶ خرداد ۴۳ صادر گردید ابتدا به شرح وقایع قیام پرداخته ، شهروان مردم و انقلابیین جهت صحیح رانشان داده ، و قیام و حوادثی را هم که احتمال دارد بدانش این قیام بولوح ببینند و تعبیراتی در شکل ظاهری بنام موجود آورد پیش پش نموده همگان را آگاهی میدهد :

بسمه تعالی

"خون سراپای و جان نایب آلود و اسیر ما را پوشانده است • سرایان گمراه آزادی و ایمان در برابر سپاه جنگجوی دشمنیم بزرگ ، بفاک و خمسون می فلتند و ... آری در " مذکوب جان دادن و تسلیم ناشدن " پیرویش پاینده اندم از شکوه قدرت دربار صحرایند • هماس که امروز گریه عبا و خیابانها را کوکستانهای ایران را با خون خویش رنگین ساخته اند از کتب بزرگترین شهید راه حق آزادی و انصابت حسن (ع) درس جانباوری و شجاعت آموخت . و در روز قیام او قیام کرده اند ...

... • شهروان : آتش بخون همه جارا فرا گرفته شاه در محرومی نسبا و نابودی است • رژیم بر سیده او دیگر نمیراند در برابر اراده شما توانم و دوام بگیرد • اورش است • شمشیر با شمشیر چون ممکن است استعمار وقتن کار را باین صورت ببندد بایک کودتا رژیم شاه را برانداخته برای اینکه مردم را بفرزند کاری ضد انقلابی راه بیانندازد • این نقشه دیرباز استعمار است • او برداند شاه شناخته شده و دیگری از دست او ساخته نیست • حتی نوکری هم نمی تواند بکند ...

... • شما میدانید که در مساکت ما نان آور خاندان • مرد است • اما صد هسنا نان آور بخاطر مساکت شما واستقلال و آزادی ایران عزیز قطعه قطعه شدید • شاه آنها را قطعه قطعه کرده است • بخاندان های آنها کمک کنید ، هر طوری و بهر اندازه که می توانید کمک کنید آنها را تسلیمت بدشید • تسلیمت آنان گرفتن انتقام از شاه آدم کش است • صدوق شود او زندانیان درست کنید ... (۱۴)

این اعلامیه با شعارهای سرنگون باد رژیم شاه مغرب براسراپایل ارباب پست شاه درود برون پاک شهیدای خونین کفن ملت ایران

درد بر روحانیون دلاور که با قیام مردانه خود قرافه بزیدی شاه را بجهانبندان

نمایانند ، پایان مریز میرد .

سپس در تاریخ ۱۶/۳/۴۲ اعلامیه دیگری تحت عنوان " دیکتاتور خون میزند " صادر

و پخش نموده است که قسمتهای از آن بشرح زیر است :

مردم مسلمان ایران :

در طول تاریخ ایران ، نخستین بار است که بمقام مدعی نهایت عظیم امام
علی علیه السلام جسارت میشود و مرجع تقلید حضرت آیت الله خمینی
دزدیده و زندانی میشود

رقم کشته ها و زخمی ها در کشور از ده هزار فرمتجاوز است . مردم ایران
و بجان رسیده این مملکت سینه های لخت خنجر را بر گهاریهای مسلسل های
شاه دیکتاتور سپردند . مردند و تسلیم حکومت جبار شدند . دانشجویان

دلیر ، بسیاری مردم مسلمان بخوابانها ریختند و
ایرانی مسلمان :

بحکم آیت الله میانی (در اعلامیه ای که در تکذیب اعلامیه جعلی از قول
ایشان صادر فرمودند) هر کس در این شرایط دست از مقاومت بردارد به
اسلام ، به قرآن ، به آزادی خیانت کرده است .
هیئات : که موسلمان باشرف خیانت کنی ، هیئات که تو تو که با نفیاد
الله اکبر (اسلام و خمینی پیروز است) جان میدهی اندیشه تسلیم و
خیانت بدماغ راه دهی .

... افراد نهضت آزادی ایران ، یاران وفادار قرآن و شاگردان مکتب

آزادی بخش حسین بن علی علیه السلام با ایمان راسخ و فاطمیت و بدون

تزلزل با قیام صومی مردم ایران همگام نموده و بهاری خدا ملت ستندیده

ایران را تا پیروزی معاونت خواهند کرد . با استعانت از خداوند قهار . " (۲۱)

در تاریخ ۲۴/۴/۴۲ نهضت آزادی در اعلامیه ای تحت عنوان " چنین روز از شهادت "

فرزندان رشتهد ملت مرگدرد " چنین نوشت :

" امسال از همین حسین معادف با روزهایی است که ملت مسلمان ایران
بعملت چنینی روز قتل عام وحشیانه هزاران نفر از خواهران و برادران

خود دادار میباشد . . . اکنون چهل روز از شهادت عزیزان ما میگذرد .
 خانواده های بیشماری از کشتاربان آوران و نورچشمیان خود دادار
 و عزا دارند . چه بسا افرادی که بوسیله دستگاه سپاه دیکتاتور
 زند بگور شدند . چه قدر زنان و اطفال بی گناه از بین رفتند .
 چه سینه هایی که هدف گلوله قرار گرفت !!! . . .
 . . . آیا ملت ایران که برای احقاق حق خود قیام کرده و دایرانه در

مقابل زور و قلندری استادگین نمود شکست خورد و یا حکومت دیکتاتوری خودخوار
 که خود را در مملکتی ای اداخته است که از آن خلاصی ندارد ؟ آسوده
 بخوابید ای شهیدان ملت ایران . ای آزادگان . ای مسلمانان دلمسوخته . . .
 آسوده بخوابید و مطمئن باشید ملت ایران بخون هد گذارد خون شما فرزندان
 اسلام پایمال گردد و راه شما یعنی راه مدرسها و خمینی ها زایل خواهد
 نمود .

سلام و درود و تحیت خالصانه ما بر شما ای شهیدان راه آزادی - شما
 گناهی نداشتید جز اینکه خدا را به خدایی قبول داشتید و در مقابل مسر
 صاحب قدرتی و هنرست و رذائل سرعظیم خم نکردید . فرهاد شما را ظالمی
 با گلوله خاموش کردند و مافیل از آنکه بانگ حق طپس شما تا پیروزی نباش
 در سراسر گیتی طنین انداز است .
 درود و رحمت الهی بر شما باد (۲۱)

و بالاخره نهضت آزادی ایران پس از صدور اعلامیه های متعدد دیگر
 بمناسبت محاکمه سران و فعالین خود در دادگاه نظامی دست به صدور اعلامیه ای زده و
 در آن به تحلیل و نشان دادن وحدت و یکپارچگی نهضت با روحانیت و مراجع عالیه بخصوص
 حضرت آیت الله خمینی پرداخت .

حال چگونه است که بجای پاسخ انتقادات مادرنامه سرکشاده ، با ضعف تاریخ طریقه
 نهضت آزادی جوسازی می کنند و مارا بدروز به قایم رفتارند و شاه ، عدم مبارزه با اجانب
 خصوصاً آمریکای جنایتکار و بانی سرزدن بیروحانیت اصل و متعهد و صادق بتهم می سازند ؟
 آخر کمی انصاف داشت باشید ، کمی هم خدا را در نظر بگیرند .

علاوه بر استناد یاد شده مگرد یازده بهشت سال ۵۷ ، این آقای همت سازگان نبود که
 رسماً و علناً و با صراحت در مصاحبه با خبرنگاران خارجی گفتند تا همتاس که شاه در این

ملکت هست ایران روی آزادی را خواهد دید ؟ مگر نه است آزادی نبود که در شهریور ۵۷ نوشت
 " که شاه باید بیرون " - در آن دوران و در داخل ایران چه کسی و کدام گروه شناخته شده ای
 چنین موضعی را رسماً و با مراحت اعلام کرده بود ؟ همین موضع گیری نه است آزادی بود که
 امام و رهبران انقلاب در ۱۶ رمضان ۱۳۹۸ در پاسخ به نامه نه است آزادی ایران خارج از
 کشور آنرا مورد تأیید قرار دادند .

۱۰- سخنرانی مهندس بازرگان در دارالتفلیح قم

یکی از خطبات در سخنان خود گفته است که :

" آقای مهندس بازرگان در سال ۴۶ از زندان آزاد شد مستقیم رفت به

دارالتفلیح و سخنرانی کرد .

یعنی درست مقابل نیروهای مقاوم ، نیروهای مخالف ، نیروهایی که با شاه درگیر بودند

استادگی کرد . امام با دارالتفلیح به آنصورت مخالف بود .

برادران ما همه از مرحوم مطهری بگیر تا پائین مخالف بودند " . (۳)

آقای مهندس بازرگان مدتی بعد از استغلاص از زندان شاه خائن یکبار در دارالتفلیح

صحبت کردند . و این در زمانی بود که برخی از مدرسین و فضلاء قم ، از جمله مرحوم شیخ

مطهری مرتب در آنجا صحبت میکردند . تدیس مرحوم مطهری در دارالتفلیح حتی تا سال

۱۳۵۶ نیز ادامه داشت .

مهندس بازرگان دو شهر املد به ایراد آن سخنرانی در دارالتفلیح پرداخت که شهید

مطهری درباره مراجع قم ، حتی تا زمان بهروزی انقلاب قضاوتی بشرح زید داشته اند :

" نه است اسلامی ایران متعز است که در حان حاضر رهبری آنرا را جمعی

آگاه و شجاع و مبارز برعهده گرفته اند که نیازهای زمان را تشخیص

می دهند ، با مردم همدردند ، سودای اعتلای اسلام دارند پائین و نوبندی

و توس را که از جفوت اهلین است به خود راه نمی دهند " .

" ما رهبری این رهبران عظیم الشان را ارج می نهیم و تقدیر می کنیم و

ذکر خیرشان را به تاریخ می سپاریم و از خداوند متعال عزم را مستحضر

و سختکوشی افزون تر و بهینش هر تو موفقیت بیشتر برای آنها مسئلت می نمائیم .

" مراجع عظام و بزرگوار قم ، حضرت آیت الله عظیم شریعتداری ، آیت الله

عظمی گلپایگانی ، آیت الله عظیم مرعشی نجفی دامت برکاتهم که در راه

اعلاء کلمه حق گامهای مفید و موثر داشته مایه غرور و مباهات اسلام

و مسلمین شده اند . برای همیشه در تاریخ این مملکت نام اینکشان بسمه
بادگار خواهد ماند . و این کمترین اجری است که خداوند متعال نهایت
فرموده و خواهد فرمود ." (۱۶)

۱۱- تاسیس سازمان حقوق بشر :

• به برخی از سران نهضت ایراد می‌گیرند که چرا به مسئله حقوق بشر در ایران پرداختند .
گویا که جایزه برای احراز او این و اساس ترین مبنای حقوق بشر و آزادی مفروضه ای جدا از
مبایزات همه جانبه مردم و جرم بزرگی است و ایراد گرفته اند که :

" آمدید سال ۵۷ و ۵۸ چکار کردید ؟ سازمان حقوق و آزادی این چیزها

ایضا تاسیس کردید . سازمان حقوق تاسیس کردید . چکار کردید ؟

ما باید اینها را به ملت بگویم . یکی از کارهای شما این بود که سازمان حقوق
تاسیس کردید و این حقوق دانها و این جمعیت های شدند می رفتند قسم
خوبه آقای شریعتی را متحصن می شدید ؟ " (۱۷)

" کمیته حقوق بشر را در اوج انقلاب اسلامی تشکیل دادند ، تا مبارزات
اسلامی مردم را که به رهبری امام انجام میشد منحرف کنند ." (۱۵)

مادرها سخ بیکی دیگر از اتهامات وارده متذکر شدیم که آنچه کرده ایم انشاء ... برای جلب
رضای خدا بوده است و از کسی جز ذات باری تعالی اندک لاجرو بادا اثر بدایم . اما برای
روشن شدن ذهن مردم توضیح زیر را لازم میدانیم :

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران در سال ۵۶ با شرکت جمعی از مردم مسلمان و
وطن دوست تاسیس یافت و به گواهی اسناد موجود در افشای ماهیت ضد انسانی رژیم شاه
در دنیا توانست نقش بسیار ارزنده ای ایفا نماید . این کار شرایط غیر انسانی زندانیهای شاه ،
شکجه های تیرین و سطاتی رکشترهای بی حساب و کتاب ، تصدیق های بی درین مبارزین ،
از جمله روحانیون ، از اقدامات جاری این جمعیت بوده است . هنوز نامه های خطی بسیاری
از شخصیت های مذهبی ، از مسئولان کنونی از جمله رئیس جمهوری که از تصدیق گادیسای
خود به این جمعیت نوشتند و توسط نمایندگان این جمعیت ترجمه و در جهان منتشر
و منعکس گردید موجود است .

همین فعالیت ها بود که زمینه های مساعدی را بفتح انقلاب اسلامی ایران در میان مسردم

جهان بوجود آورد . حال چرا بعد از گذشتن از آن مراحل اکنون این گزیده ظالمانه قساوت
می گنجد ؟

۱۲- اعدام هویدا ای خائوسن

معتزترین و معاندین برای گرم کردن جو و تحريك عرچه بیشتر مستمعین شان طبع نهضت
آزادی مدعی شده اند که :

" بابا شما می گفتمد هویدا اعدام نشه ؟ شما می خواستید شغل جدید
و پست جدید بدهید به نادر مقدم رئیس ساواک به جویری که خلخالسی
میگه " (۵، ۲)

این اولین بار نیست که چنین دروغی را بنا نسبت میدهند آخر کار و کجا ؟ آیا در جمهوری
اسلامی و اسلام تهمت و افتراء و نسبت دروغ حلال و مجاز شده است ؟

ایراد ما به بگریگی اعدام هویدا این بود که او ۱۲ سال نخست وزیر شاه بود . او مخزن
از اطلاعات در مورد رژیم شاه ، عملکرد آن ، روابط با ابرقدرتها بود ، او از سرمایه ها و ثروت
شاه و خاندان پهلوی باخبر بود او آماندگی داشت که حرف بزند ، و اسرار را فاش سازد .
از درمیان ابتدای دستگیری اش گفته بود که محمد رضا شاه همه اطرافیان خود را قربانی
کرد تا خود را نجات بدهد . حرف ما این بود که چرا او را قبل از آنکه سخنان خود را بگوید
گشود ؟ گپهای بازگردد این شاه و احوال او گروگانگیری بشد ؟ در حالیکه کمترین اطلاعات
در مورد میزان و وضعیت اموال شاه در ایران و خارج کشور در دسترس داشتند ؟ یکی از کسانی
که می توانست اطلاعات جامع بدهد هویدا بود ! او علاوه بر آنکه نخست وزیر شاه بود مخزن
اسرار شاه نیز بود و بعد از نخست وزیر ، وزیر بار شاه شد . در تمام جنگها و انقلابات
دشمن و نقش مهمی ای این چنین از دشمن دستگیر می شود ، با تمام قوا از امنیت او حفاظت
می کنند ، تا اطلاعات او را بگیرند . در بسیاری از موارد ، برای آنکه فرد اسرار اطلاعات خود را
بهرز ندهد یا خودکشی می کند یا آیدای دشمن بزند آنها نفوذ کرده ، او را می کشند .

آیا تاخیر در اعدام هویدا و کسب این اطلاعات چه ضرری داشت ؟ سخن ما این بود که
چرا نگذاشتند او در يك محاکمه علنی و وسیع صحبت کند ؟

مگر نهیرانی ، شکنجه گرمیروف ساواک که علنی محاکمه شد و بسیاری از مطالب را گفت
میفید برای ملت نبود ؟ آیا جمهوری اسلام ضرر کرد ؟ کجای این سخن ایراد دارد ؟ کجای
این حرف ما غلط و ناپیاست ؟

براستی چه کسانی از سخن گفتن هویدا و افشای اسرار شاه و خاندان پهلوی ترس
لویضت آزادی ایران

داشتند و غم‌زمن کردند ؟

مردم حق ندارند سوال کنند چه کسانی نگذاشتند و بسند اسرار را هم سر می‌برد شاه

خائن رافا ش سارد .

در مورد ناصر مقدم این چندمین بار است که چنین ادعائی مطرح میشود قبل از این هم رادیوی صدای بختیار و هم گروه‌های لیب و حزب دینا بدین اتهام را بدوایت موقت زده بودند . براسنی اگر گویندگان این سخن ، سندی و مدرکی که درخور توجه و محترم دارند چسبند منتشر نمی‌کنند یا چرا آنها را در اختیار مقامات ذیصلاح قضائی قرار میدهند تا اگر آنها را معتبر و قابل توجه و بررسی یافته رسیدگی کنند ، و بر حساب قانون عمل نمایند .

ایراد تهمت و افتراء برای کسانی که تقوی ندارند خیلی آسان است .

۱۲- مکاتبه با آمن‌کائیه‌ها

بدینحال این جوسازها خطبا و سخنرانان پیش از دستور قلمزنان سرمقاله نویس مطهریات مدعی شدند که :

* در کتاب شهیدت در دادگاه تاریخ و دیوبندی ساواک هست که شما

در سال ۴۱ با آمن‌کائیه‌ها مکاتبه میکردید و خواسته آنها را می‌خواستید

اجرا کنید " (۴)

* در دوران شاه برای آمن‌کائی ما نامه نوشتید که شما چه خواسته‌هایی

از ما دارید بگوئید تا انجام دهیم " (۵)

" به آمن‌کائی ما نامه می‌نوشتید که بگوئید شما چه خواسته‌هایی دارید

تا ما انجام دهیم " (۵)

ما بعد از این نویسنده کتاب مرید بحث چه موازق اسلامی با انقلابی دارد ؟ و از کجا و از کدام منبع اطلاعات خود را دریافت کرده و دستوری کرده . اما از آنجا که بهاران يك مسلمان در کسرت روحانیت و با حزب جمعیوری اسلامی که این خبر را خزان کرده اند بطور جدی می‌خواهیم که در برابر این بیعتان عظیم گرد نایلی داریم ، سندی دارند اراکه بدهند آنها چون مسلمان هستند ما به زبان اسلام با آنان سخن می‌گوئیم : ما تو را برهانیم ان گنیم صادقین .

آنها این حضرات معتقدند که براسنی خداوند براحشی از این همه تهمت و افتراء خواهد

گذشت ؟ پناه بر خدا !

ما معتقدیم در شان يك مسلمان آگاه و معتمد نیست که هر مطلبی را در روزگاری دهد

بدون بررسی و تحقیق دقیق با آن استناد نماید . اگر این رویه در جامعه اسلامی رواج پیدا

کند و روحانیون مسلمان با تمسک باین رویه آنها مرجه قلمداد نماید به خودشان ظالم میکنند ،
 چراکه مطالب بسیاری ، در کتابهای متعدد درباره روحانیون و ارتباطات آنان با دولت‌های
 خارجی از جمله انگلستان از طرف نویسندگان با نام و بی نام مطرح شده است . برای بسک
 لحظه فکرتان بیاورید ببینید که خطر این رویه بیشتر از همه متوجه کدام گروه‌ها و شخصیتها خواهد شد .
 ما حاضر نیستیم حتی اسم آن کتابها را ببریم و با از مطالب آن چیزی بگویم .
 و تنها بذکر مسئله در همین حد اکتفا می‌کنیم و امید داریم خود آقایان طبعه اینگونه جو-
 سازیهای مفر و خطرناک که دودش در نهایت به چشم خود آنان خواهد رفت ایستادگی
 کنند .

۱۴- خوشحالی دشمنان

گویندگان در سخنان خود مدعی شده اند که :

" کاری کردید که امن‌کا از کارتون خوشحال ، کاری کردید که اسرائیل

ازتون ستاین می‌کند ، کاری کردید که رادپو آلمان ازتون ستاین میکند ؛

کاری کردید که صدای آزاد ازتون ستاین میکند ، ... (۳)

مانند این منبع غیری این حضرات کجاست .

براستی از کجا فهمیدند امن‌کا و اسرائیل از کار ما خوشحال و از ما ستاین کرده اند ؟ آیا
 در مطبوعات آنان چیزی منعکس شده است ؟ آیا در رادپوها خود چیزی گفته اند ؟ آخر
 با کدام معیار و با کدام اطلاعات این چنین بی ترس از خشم خدا هتک حرمت و مهیبت می‌کنند ؟
 کدام رادپو از نهضت آزادی ستاین کرده است ؟ این آقایان اگر نمی‌پسندد که از کارهایشان
 انتقاد بشود یا تحمل آنرا ندارند با مری است چنانکه و قابل فهم . اما چرا این چنین
 برآورد می‌کنند ؟

اولاً مطمئناً اینها رادپوهای خارجی را گوش نمی‌کنند و گزارش سخن پراکنس های آنها
 را نمی‌خوانند و ثریه چنین قضاوت نمی‌کردند . آنها که به این رادپوها گوش می‌کنند و با
 گزارش آنها را می‌خوانند می‌دانند که مطلب دقیقاً برخلاف ادعای آنهاست . در همین
 ۲-۳ هفته اخیر رادپوهای خارجی وابسته به ضد انقلاب و قدرتهای خارجی ، چه آنها
 که وابسته به غربند و چه آنها که از مسکو و بلاتینر صدای می‌ازدقتاً از بخش می‌شوند ،
 مرتب طبعه نهضت آزادی و سران آن سم پاشی و شایعه پراکنس می‌کنند . چه کسانی
 شایعه چندانهای طلا و جواهر ... راه سران نهضت نسبت دادند ؟ چه کسانی

شایعه فرار سران نهضت را مرتب بخشش کنید ؟

آخر بقبول یکس از معترضین به نهضت خوبست انسان کمی هم
انصاف داشته باشد .

تابنا " آیا ستایش و تجلیل دشمنان از فرد ، گروه یا ملتکی ، دلیل بر
خوش آمد و با بار آنان از آن فرد ، گروه یا کشور است ؟ اگر قرار باشد
پایه قضاوت‌های شما اینچنین باشد مگر روزی در دفاع آمریکا کاسیروا بنسرگتر ،
و سایر مقامات رسمی آمریکا بارها از روحیه عالی سرانان اسلام در جبهه ما
معریف و تمجید نکرده اند . همین دو هفته قبل بود که بانک مرکزی انگلیس
وضع اقتصادی ایران را بسیار خوب توصیف کرد بحدی که آنرا موجب سی
برای از سرگیری معاملات ارضاری با ایران قلمداد نمود .

همین اخیراً " رئیس سی‌ای آمریکا ویلیام کیسی ، در مصاحبه‌ای
از وضع ثبات در ایران و استقرار نظم و یک پارچگی نظام حاکم
معریف‌ها کرده است . آیا این امر می‌تواند دلیل بر ارتسباط
آمریکا با گردانندگان فعلی دولت باشد ؟

مگر رادیوها و سران و عناصر وابسته به کشورهای بلوک شرق مرتب
از رهبران ایران تمجید و تجلیل نمی‌کنند ؟
آیا می‌توان این تجلیل‌ها و ستایش‌ها را بهمان معنایی که این
حضرات استهزاء کرده‌اند تلقی نمود و سپس به قضاوت نشست و رای داد که
لابد روابطی بسیار حسنه و مطلوب ما بین دولت‌مردان کشورهای ایران
و آن کشورهای موجود دارد !!

ما تصور نمی‌کنیم چنین شیوه قضاوتی اساساً صحیح باشد .

۱۵- " ملامهندس بازرگان "

یکی از معترضین به نامه سرگشاده نهضت آزادی در خطبه نماز جمعه
ضمن بدعات شدید به آقای مهندس بازرگان و بی‌ضیست آزادی به تاریخ از
ایشان با عنوان " ملامهندس بازرگان " یاد کرده است . (۴)
جای تاسف است که اصطلاح را که امیران ، صاحب‌مجله درباری " خواندنیها " در

مقاله ای در سال ۴۱ تحت عنوان "ملا مهتدی، مبارزان فتوا می دهد" علیه آقای مهتدی
 مبارزان و نهضت آزادی بکار برد در نماز جمعه وحدت آفرین بعد از انقلاب عنوان نمایند
 حق نبود که چنین کنند *

بسیاری از روحانیون متعهد و صادق برآید دارند که رژیم شاه در مهر سال ۴۱ ناگزیر
 اعلام کرد که دو شرط "اسلام" و "ذکوریت" از شرایط انتخاب شوندگان برداشته شده
 است و به زنان در انتخابات انجمن های ایالتی حق رای داده شده است *
 بدیهال مسئله با اصطلاح اصلاحات ارضی و خبرمیزور ناگهان تمامی روحانیت در قم
 و تهران و شهرستانها به حرکت درآمد *

ضمن آنکه برخی از علما و مراجع به اعلی و منشاء فساد توجه داشتند اما جو غالب در
 جهت مخالفت با تصمیمات دولت و بحث بر سر "عواقب شرکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی" (۱۸)
 بود و اینکه :

"شرکت زنان در انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی گذشته از اینکه
 خود محذورات زیادی دارد مقدمه شرکت در انتخابات مجلس شورای
 و سنا و آن هم مقدمه برای مساوات کامل میان زن و مرد در امر طلاق،
 قضاوت و ارث ... میباشد و مخالفت این امر با موازین دینی محتاج به
 بحث و گفتگو نیست" (۱۸)

و هم چنین : مداخلات زنان در امور اجتماعی چون مستلزم امور محرمة و توالی فاسد
 کشوره است ممنوع و باید جلوگیری گردد (۱۸)

دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه منحوس سعی و تلاش میکرد که حداکثر بهره برداری
 تبلیغاتی را از این امر بداند و با این موضع گیری ها علما و مراجع را با چماق برجسب
 "ارتجاع" سرکوب و در جامعه لکه دار سازد *

سران نهضت آزادی در طی ملاقاتهای مکرر خود با علما و مراجع عظام ضمن تحلیل اوضاع
 خاطرشان ساختند که مسئله اساسی نگر از این هاست * و همین معنا و در بنایه های
 متعدد منحنس ساختند و از توطئه رژیم پرده برداشتند *

در آبانماه ۴۱، نهضت آزادی در بنایه تحت عنوان "دولت از چهاروی انتخابات
 انجمن های ایالتی چه خیالی دارد؟" نوشت :

" امر مسلم این است که دل آقبابان (هیئت حاکمه) برای آزادی و حقوق
انتخاب کردن کسی سرورخته است و بهروجه قصد اعطای حق به زرتشت
نیامردند و اجرای انتخابات صحیح و واگذاری کارها بدردم درین نیست
وقتی ظهوریم صریح قانون اساسی و سنت ۷۶ ساله مشروطیت باین پیرائیس
فوق العاده ای ملت ایران را از انتخابات مجلس شورای ملی محروم می کنند
خیلی متشکک است که بخوانند به خانم ما حق رای اوتخاب نمایند گمان
انجمن های ایالتی و بعد مجلس شورا را بدهند .

شیردشا در این مملکت چه حالا و چه دوره های بعد از کودتا که بسال
رسوایی انتخاباتی بعمل می آمد حق رای دارند و داشتند که زینها از
آن محروم باشند ؟

ببینا " خواهران عزیز و زوجهفکرما گول چنین صدها سالی را را می خورد " (۷۱)

بدینال اعلامیه مزبور هیئت در اعلامیه ای تحت عنوان در زمینه اعلامیه های اخیر
ظمای اعلام و تراجم عظام دامت برکاتهم ضمن تحلیل خطوط اساسی توطئه رژیم شاه نوشت
که برخلاف تبلیغات شاه و برخی از عناصر کج سلطه و با مغرضان اعتراض روحانیین و علمای
اسلام به موضوعات انتخاباتی ایالتی و ولایتی و مسئولیت
اصلاحات ارضی که دست آویز ظاهر فریبی برای دولت شده است محدود و متوسط نباشد .
در بنایه آمده است که :

" نهضت آزادی ایران برای رفع سوء نظام از جراتان و بانوان ایران و
جلوگیری از سوء تدبیرهایی که بلندگوفشان دولت و مخالفین شریعت و استقلال
مملکت بخوانند در میان مردم ایران و در انتظار خارجیان شایع نماید ناچار
است و اینکه ذیل را توضیح دهد :

۱- آنچه ظمای اعلام و اکثریت مات مسلمان می خواهند بهیچوجه ارجح
و سرفه نقر ، یعنی جلوگیری از آزادی و دفاع از حقوق ملت ام آرزو ورد
برده کسی خواهند رژیم پارلمانی و حکومت قانون و تامین حقوق آزادیهای
مشروع و حقوق میباشیم .

۲- دین اسلام و روحانیت اسلام مخالف حق و ارزشی نیستند اسلام برای
اولین بار به زینا اعطای مقام و حق تملک و تصرف در اموال و متاع خاصه
خود را داد و ...

بدیهی است که طغیان اعلام بخواستند زنها را نادون و بنده مردها بشناسند بلکه بانوان شرناً حق مباشرت مستقیم در اموال و منافع و ایجاد و کول در کارهای خود را دارند ولی چون روحانیون با شرایط موجود و علم باینکه دولت بیوج دسته ای از ملت خدمت نکرده که حالا خواهد به خادم ها خدمت کند امراشان بیشتر از جهت اغراضی است که در چنین نقشه ها نهفته است و شکستن سد های اسلام و قانون اساسی که منظور دولت میباشد " (۶۱)

عکس العمل رژیم شاه حملات گسترده تازه نهضت آزادی بود و از جمله مقاله ای بود که امیران در مجله خواندنیها تحت عنوان "ملا مهتدین بازرگان فتوا می دهند" نوشت و نهضت آزادی و مهتدین بازرگان را سخت بیاد تهمت گرفت . حال آنها سزاران است که بعد از پیروزی انقلاب شکوختند اسلام ایران، همان حملات از ظرف کسانی صورت گیرد که نهضت آزادی همیشه مدافع فعالیت های حق طلبانه آنان در جهت اعتلای کلمه حق و پیروزی مردم بوده است ؟

۱۶ - چندان آمریکا

معتزین و مخالفین نهضت آزادی که تصمیم به بین الطلی کردن نامه سرگشاده ما گرفتند بجای آنکه به پاسنگوشی محقول و منطقی ایرادات و انتقادات بپردازند، به تهمت زنی پرداختند و چماق آمریکا را بر سر ما کوفتند . و ادعا کردند که گویا این آمریکا یجنایتکار است که می کوشد تا نهضت آزادی را مطرح سازد . یا آنکه :

"حالا چون استکبار جهانی می بیند که مادر آستانه چند کولونتری بغداد قرار

داریم به نرزه افتاده نهضت آزادی را آنتریک می کند " (۸، ۶)

"من اعتقادم براین است که مسئله انجمنی ها و مسئله ضمن نهضت

آزادی و مسئله دیگر و ... همه اینها را آمریکا درست می کند که

ما را از آن حرکت اصیل انقلابیمان باز دارد " (۸ و ۷)

وکی دیگر از آنها می گوید :

" دشمن وقتی که می بیند در مقابل حرکت اسلامی ما توان مقاومت را از

دست داده است ... لیبرال ها و شکست خوردگان سیاسی نهضت

آزادی و بهره‌های ۰۰۰ را با بزرگ کردن و مطرح نمودن وارد بسپرد
می کند " (۱۰ و ۱۱)

و از این قبیل اباطیل .

حال شما ای مردم ، ای کسانی که این سطور را می خوانید ، و از انتشار گفتار مخصوص ما
در نماز جمعه ۶ شهریور توسط آقای هاشمی رفسنجانی و متن نامه سرگشاده ما که برای
عده معدودی ارسال شده بود ، مطلع شده اید دیدید و شدید که ما همین تبلیغات خود
این آقایان از مجلس گرفته تا نمازهای جمعه ، در صدا و سیما و مطبوعات نامه مارا این الطلی
کردند و نهرا ترا بگوش شما مردم و همه جهان رسانیدند . شما قضاوت کنید چه کسانی
هما حو بیا کردند ؟

اگر ظاهر سخن این آقایان را بپذیریم ، که آمریکای جنایتکار میخواهد ما مطرح شویم ،
معنا و مفهومش این خواهد بود که بریا کنندگان هیا حو و بین الملی کنندگان نامه سرگشاده
ما برای خواص دانسته باندانسته در خط آمریکای جنایتکار عمل کرده اند ؟

چرا معترضین که بعضی از آنان درستان نادان انقلاب هستند کمی در اجمال و گفتارهای
خود اندیشه نمی کنند ؟

مجله اطلاعات مفتحی ، ۲۸ مهر ۱۳۵۷ برای عقب نماندن از مقاله و حریمیت از فیض شرکت
دوره نامه دروغ پردازها در مقاله ای تحت عنوان " نظری به راد یوهای بیگانه در هاشته ای که
گذشت " کانکا تور آقای مهندس بازرگان را در نیم صفحه چاپ کرده و با حیوف درشت نوشت که :
" نامه مهندس بازرگان خوراک تبلیغات این راد یوهای استعمار سازی
بسرد " .

" نهضت آزادی ایران سنگ میوراراضیان " .

اما مشت درونگو و قش باز میشود که در همین مقاله که اخبار راد یوهای خارجی ، از سکو
و پکن و آلبانی تا بغداد و صدای آمریکا ۰۰۰ مورد بررسی قرار گرفته است . نویسنده
مقاله تنها یک خبر در چهار خط از بی بی سی لندن نقل می کند و تازه محسور
اصلی خبر بی بی سی انگلیس و توضیح حملات خود آقایان به نهضت آزادی برده
است که نامه نهضت . به عبارت دیگر خود آقایان بودند که باعث شدید نامه در
سطح بین الملی عنوان گردد .

البته نویسنده مقاله با ذکر همان چهار خط آنچه را که شایسته قلمن مقاله است نشان

نهضت آزادی کرده است *

در این میان موضع و برخورد حزب توده ایران خیلی جالب و درخور توجه است. اولاً حزب توده ایران، کما فی السابق، مرتب نشریات خود را در تیراژ بسیار بالا (باقرار خود ششمان درجهل هزارنسخه) بطور غلیظ چاپ و بطور وسیعی توزیع می نمایند. هر کس می تواند براحتی آنها را از روزنامه فروش ها یا کتابفروشی ها تهیه کند. نه تنها مجلات و جزوات، بلکه طیف وسیعی از کتابهای سیاسی وایدئولوژیک حزب و مارکسیسم - لنینیسم. و این در شرایطی است که نهضت آزادی ایران امکانات بسیار محدودی برای چاپ نشریات خود دارد. و از آن محدود تر امکانات نهضت برای توزیع این نشریات است.

در گذر نشریه ای است که از جانب حزب توده منتشر شود و بدحوای از احاطه به دولت موقت و نهضت آزادی و اعضای آن حمله نکند، ناسزا نگوید، تهمت و افترا نزند.

بدینال انتشار نامه سرگشاده نیکت و حملات وسیع علیه نهضت، حزب توده نیز به گزوان تهاجم کنندگان به نهضت پیوست. دهرگل حزب توده، در نشریه "پرسش و پاسخ" خوشحالی وصف ناپذیر خود را از گسترده گی حملات علیه نهضت منعکس می سازد. و رعسوی حزب توده، بعد اذ کافر همه را به کوش خود پندارد می نویسد:

"به عقیده ما فعال شدن نهضت آزادی ایران در ارتهاظ بیستقیم با توطئه نهج آمریکا ۱۰۰۰ است." (۱۲)

مانند اینم منبع اطلاعات آقای دهرگل از کجاست. و چگونه از تمام جزئیات توطئه همای امریالیسم آمریکا، از توطئه شماره یکم تا هم آن مطلع هستید! سابقاً نشریات حزب توده، گاه بگاه به نقل از "دوستان آمریکائی" - حزب رومیان "مقالات ذی نفوذ در واشنگتن اطلاعات را منتشر می ساخت اما هرگز نگفتند که این "دوستان آمریکائی" حزب توده چه کسانی هستند که این اخبار "مرفق" را با آنها میدهند؟ وانگیزه آنها چیست؟ اما سردم مسلمان و متعهد ایران وقتی می شنوند و می خوانند که بخش محدود نامه نهضت آزادی توطئه نهج آمریکا است واقعا جز آنکه بخوانند و بخندند اکاری نمی توانند بکنند. شرکت فعال حزب توده و رفتای مرفق آنان یعنی حزب دموکرات کردستان و کومله و سایر دشمنان انقلاب اسلامی و کشتار گسترده مردم مسلمان و پاستاران در کردستان توطئه محسوب نمیشود اما توزیع يك نامه در محدوده بسیار خصوصاً و تومیه بحق به دولت مردان توطئه آمریکا! معرفی نمیشود!!

دهرگل حزب می نویسد:

"نهضت آزادی نمیتوان چیزی از نیروهای ضد انقلاب توطئه چید پیسدی

را آغاز می کند " (۱۲)

دیگرکل حزب درنشره اول آبانماه بازرگی و شوخط نشان داده است که تمام ایراداتی که مخالفین نهفت آزادی ، از جمله سرمقاله نویسن روزنامه جمهوری اسلام علیه با مطرح میکنند همان حرفهایش است که حزب توده بارها طی سه سال ونیم گذشته طرح ریبگیری مکرده است . پس از اوج گیری حملات علیه نهفت آزادی ، رهبری حزب توده با رشایت خاطر در پاسخ سئوالی در مورد حملات اخیر به نهفت آزادی می نویسد :

"شناخت واقع بنانه مسلمانان انقلاب پیرو خط امام نسبت به دشمنان انقلاب عمیق تر میشود " (۱۳)

و سپس ضمن تایید همه جانبه این حملات ، در حالیکه از غیرشعالی سوز پایدیشناسد بسا خوش بینی اظهار خوشوقتی کرده و می نویسد :

"واقعا هم باید با خوش بینی به این روند نگاهست و امیدوار بود که این روند از همین جهت تکامل پیدا کند " (۱۴)

از نظر سران حزب روس توده جهت تکاملی این روند امیدوارکننده برای آنها تشخیص
درگیری میان اسلام و ضد اسلام ، میان نیروهای متعهد و مسلمان و معتقد به انقلاب اسلامی
با دشمنان انقلاب اسلامی وابسته به استعمار و الحاد جهانی نیست بلکه شدید تشجعات
و اختلاف میان نیروهای اسلامی است :

" حزب ما از ابتدا این مسئله مهم را مطرح کرد که خط جدائی بین مسلمانان و دشمنان انقلاب ، به هیچ وجه طبق آنچه که خیلی از مسلمانان میسازد ، حتی شخصیت های درجه اول متاخر اعلام می کردند بین مسلمانان و نیروان سوسیالیسم علمی نمی گذرد ، بلکه خط قرمز جدائی در داخل همان جبهه ای است که همه افرادش خود را مسلمان میدانند " (۱۵)

با این ترتیب خط دشمنان انقلاب اسلامی ، یعنی خط توده - ملتی های سایز و مارکسیست
های آمنگاشی کتوبی ، حفظ اسجام هرچه بیشتر مارکسیست ها را با اصطلاح حزب توده
" پیروان سوسیالیسم علمی " از یکطرف و آنچه را اختلاف تشخیص درگیری در میان
نیروهای متعهد و معتقد به انقلاب اسلامی میباشد .

حزب توده که این چنین به نهفت آزادی حمله و بعضی گروههای اسلامی و حمایت را تا بهود
و حمایت می کند ، در واقع به بخاطر اعتقادی است که به امام با آن احزاب و گروههای اسلامی و
نهفت آزادی ایران

پارو حاکمیت دارد بلکه دقیقاً بخاطر تشدید بحران در میان مسلمانها می باشد .
 پامان پندین خطی تشمت و فرسودگی و ناپودی تمامی نیروهای موثر اسلام و یکپارچه و محفوظ
 ماندن نیروهای کنونیستی آنها خواهد بود . دبیرکل حزب توده در نشانیات این حزب از سن
 حدیثات راتحت عنوان "انتقاد" به "حاکمیت جمهوری اسلام" با کلماتی از قبیل "قشری شریها"
 و "انحصار طلبیها"، "خود محوریها" که "صدمه می زند به انقلاب" شروع کرده است . (۱۴)

۱۷- مسائل اصلی و طرح انتقادات

بما ایراد گرفته می آید و اعتراض می کنند که چرا در زمان جنگ این مسائل را مطرح می سازیم
 و ما را بنا حق متهم می سازند که :

"این نامه (خواسته مسئله های جزئی که لازمه یک انقلاب است بنویسد ،
 بمان بکشد ، مردم را با این جزئیات مشغول کند تا مردم مریا با این جزئیات
 مشغول کند تا مردم از جنبه جنگ آمریکا غفلت کند و نیروی چون اینچنین
 می بینند دارد ایران پیروز میشود و منافع آمریکا سخت به خطر افتاده است" (۱۵)

اولا این ما هستیم که این مسائل را مطرح می کنیم . این دشمنان نهضت آزادی هستند که
 مرتب از همه طرف بهما حمله می کنند ، تهمت می زنند ، مسائل کهنه و قدیمی را که بارها
 بدانیها جواب داده شده است مطرح می کنند ، در سخنرانیهای قبل از دستور مجلسی در

نمازهای جمعه ، در رادیو و تلویزیون مرتب علیه نهضت آزادی اشاعه ، کاذب می نمایند .
 و همچنین از خود سوال نمی کنند که آیا حمله به نهضت آزادی ، روشنی و ترغیب شعارهای
 مرگ بر فلان و ... مسائل جنگ را حل خواهد کرد ؟ تصور شخصیت سران نهضت ، فحاشی بآنها ،

حمله به مراسم ایله القدر و دعای شب احوای ۲۶ رمضان نهضت آزادی ، مشکلات جنگ را حل
 خواهد کرد ؟ صدام ، رگن ، بگین و تاجر را سرنگون خواهد ساخت ؟ هرگز از خود شان نمی پرسند
 ادامه دروغ پراکنی و حملات علیه نهضت آزادی که از چنگ از مشکلات را می خواهند حل کنند ؟ و آیا

این حملات و ادامه آن در واقع تلاش آشکار برای مشغول کردن اذهان مردم به مسائل جانبی نیست ؟
 و چطور است شروقت که ما بر اساس تکلیف شرعی ، در برابر ظلمی که به ما شده و میشود اعتراض می کنیم ، غورا
 همه ریاد بر ما آورند که این مسائل را مطرح نکنند که از دلان از جنگ منحرف گردد ؟ ...

چگونه است که طرح مسائل اعتراض در جماع عمومی ، از جمله نماز جمعه از قبیل این که دولت
 موقت مظهره چنین آمریکا بود متزلزل کردن مبنای اعتماد عمومی نسبت به انقلاب و امام و شورای
 انقلاب نیست ، مگر نمی دانید کتابها و تفسیرها و تحلیل های زیادی در دنیا
 علیه اصالت انقلاب اسلامی ایران از جانب شرق و غرب

منتشر شده است و مدعی شده اند که انقلاب اسلامی ایران را اجانب، خصوصاً آمریکا و انگلیس برپا کردند. حال وقتی آن سخنران در نماز جمعه چنین می گوید، در واقع بد استه (زاد استه) نمی خواهد بگوید آمریکائی ها بدست امام و شورای انقلاب دولت موقت را روی کار آوردند؟ و آب با آسپای دشمن نمیرزد؟ پناه بخدا از این همه جهل و تعصب و غرض و مرض!

آخر چه کسانی از این اتهامات شما سرود می برند؟ اگر در نماز جمعه با انقلاب، به امام، به شورای انقلاب و به ما چنین اتهامی بزنند، دشمن شاد کن نیستند، کسی هم کمتر ایرادی نمی گیرد، اما به محض اینکه ما متذکر شویم که آقا آبروی انقلاب را بریدید، امام و شورای انقلاب و دولت موقت را عامل خارجی معرفی کرده اید، آنوقت ما را متهم می کنند که چاره مسائل جزئی را مطرح میکنید!

۱۸ - همکاری با بنی صدر

کابین بنی صدر جنس و زخم برضیرو فکر و اندیشه آنانی که با سادگی نسبی سیاسی و با فرصت طلبی نردبان ترقی او شدند سطره دارد. و ایمان ناخود آگاه در درون خود احساس گناه می نمایند. چرا که مردم بنی صدر را نمی شناختند و با اعتبار حمایت های آنان بود که بوی رای دادند. اما ایمان بجای آنکه با صداقت همه حقایق را به ملت بگویند و از اعمال خود طلب مغفرت کنند، سعی در خلط بهاحت و انحراف افکار می نمایند. تا به باد مردم بیاد آورند که چه کسانی او را عضو شورای انقلاب کردند و بجزین دولت موقت انداختند چه کسانی او را به مجلس خبرگان بردند، چه کسانی او را تبلیغ کردند، چه کسانی اجازه گرفتند تا از محل وجوهات شرعی روزنامه انقلاب اسلامی را برآوردند تا او را بمقام ریاست جمهوری رسانیدند! سپس با او به جنگ و ستیز برخاستند.

حال مخالفین ما با کمال بی تقوائی بها می گویند که:

"در شورای انقلاب همواره در مقابل جناح روحانیت می ایستادید" (۱۱)

"در شورای انقلاب با بنی صدر همکاری کردید" (۱۱)

"می خواستند روحانیون را به کنگر خانه هایشان بفرستند و آنهارا در حوزة های علمی محصور نمایند" (۵)

"خودها بدل روحانیون عضو شورای انقلاب میگردد" (۵)

چقدر بی تقوائی؟ چقدر بی انصافی!

۱۹ - سر نوشت پولنسا و طلاها و مخارج نهضت

معاندین ما به کرات و دفعات، از تنهون مجلس و سایر امکانات وسیع تبلیغاتی

خود استفاده کرده اند و مطرح ساخته اند که :

" در اول انقلاب پولنایش جمع شده بود در دفتر امام و در جاهای دیگر

تحویل داده اند به آقای افجه ای نمایندگ دولت موقت آنها آمدند

این پولها را کجا گذاشتند ؟ این طلاها را - بایک فیضی ، بایک چکسی ،

بایک نوشته ای ، اینها را کجا گذاشته اند . بگویند تا ما بفهمیم و بدانیم

این ملت بشنود و بداند " . (۸)

یک آقای دیگری قدم فراتر نهاد و مدعی شد که مخارج نهضت آزادی از محل همین طلاها

تامین میگردد .

" من میگویم نباشد این پولها از بقایا و یا از همان پولهای است که

چندان به چندان طلا آلتی که در روز قبول انقلاب به دولت موقت

داده شد به دست ابراهیم یزدی " . (۱۷)

براستی اگر این مدعیان خود یکی درکنش ندارند ، و از ترس افشای بعضی مسائل ،

این بومه ها را بلند نکرده اند ، چرا مدارک و اسناد ادعائی خود را به مقامات رسمی

قضائی ، جهت تحقیق و پیگیری تحویل نمی دهند ؟ از چه میترسند ؟ اگر اسنادشان ناقص

است می توانند از صدای یختیار و سایر رادیوهای بیگانه و از روزنامه " ایران تایمز " وابسته

به ضد انقلابیون در آمریکا ، کمک بگیرند . چراکه آنها ، خیلی جلوتر از این حضرات مدعی

شدند که ۴۰ ماهین دلار طلا و جواهرات توسط دکتر یزدی به آمریکا فرستاده شده است

و در مرکز نیویورک توقیف می باشد !

البته اینها هرگز درین کشف حقیقت نبوده و تاکنون اعلام نکرده اند که کسی به حساب ملیونها

طلاها و جواهرات و پولها و فرشها و عتیقه جات صادره شده بعد از انقلاب رسیدگی

کند .

اما ماکه حسابان پاک است و از محاسبه باکی نداریم ، برطبق موازین قانونی از این

آقایان به مقامات قضائی شکایت کرده ایم و اعلام جرم نموده ایم .

اینها هتک حریت کرده اند ، اینها اشاعه اکاذیب نموده اند ، اینها بهتان زده اند

اینها بعنوان منتری قابل تعقیب و مجازات هستند . مطمئناً مقامات قضائی از آنها خواهند

خواست اگر مدارکی در رابطه با آنچه می گویند دارند ، بآنها ارائه دهند تا مورد رسیدگی

قرارگیرند . اگر مدارک آنها مستند و قابل قبول برای مقامات قضائی باشد ، لا جرم براساس

قانون عمل خواهد کرد • ولی اگر نتوانند ارائه سند و دلیل نمایند و صرفاً بعلت عاد و عرف و مرضی که دارند توبت زده اند . طبیعتاً انتظار میرود که برطبق مقررات شرع و قانون مجازات گردند • و ما در انتظار بهنگامی اقدام جدی مقامات قضائی دادگستری هستیم •

۲۰- تاریخکی آینده

ما در نامه سرگشاده خود ، ابراز نگرانی مردم را نسبت به آیند • ممکن ساخته ایم معترضین نامه حقنود بجای اینهمه توبت و افترا و جنجال پاسخها را طوری بد میدد که اگر چنین احتمالی هم وجود دارد رفع نگرانی بشود • از قبیل آن پاسخی که آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه های ۲۰/۶/۶۱ و ۲۷/۸/۶۱ در رابطه با دستاورد های انقلاب بهمان کردند • صرف نظر از بررسی آماری سخنان ایشان تحلیل آقای هاشمی قطعاً بیروحمیه بسیاری از مستمعین آن خطبه ها اثر مثبت داشته است • و اگر نامه سرگشاده ما هیچ اثر مثبت دیگری نداشته ، همین يك عكس العمل و توضیحات منهد ایشان کافی است • چقدر بهتر و موثرتر بود که تمامی کسانی که خود را موظف و مجبور به طرح آن نامه و بین العلیل کردن آن و پاسخشویان می دیدند ، از همین رویه تبعیت میکردند • بحث بجای حمله به نهضت و طرح مسائل دیوخی و بی اساس و ترویج بازار کذب و شایعات دیوخی ، متن کامل نامه را منتشر میکردند یا می خواندند و سپس بآن جوابهای قانع کننده میدادند •

اما آنها بجای اینکه با طرح مسائل امیدوار کننده رفع نگرانیهای مردم را بنمایند گفتند که : " آینده نهضت آزادی تاریک است • آینده نهضت ضد آزادی، نهضت اخلاق ! ! تاریک است ! " . (۶ و ۵)

مانی توانیم پیش بینی هائی از این قبیل بنمائیم • ترس می هم از آینده مان در این دنیا ندانم • اگر کلمه حق را بزیم که مرضی خدا باشد ، ولو تمامی بلندگوها هم علیه نهضت بسوز شوند و صبح روشن ما را به شب تاریک بدل سازند ، ماهمه را در راه حق پذیرا هستیم •

شما مدعی هستید که تمامی سخنان و اعمال نهضت آزادی و سران آن غلط ، اشتباه ، خیانت و جنایت است ، آینده نهضت در تاریکی است ، نهضت درین بست است • بسیار خوب فرض که این ادعای شما درست باشد خوب ، چه خواهد شد ؟ قطعاً ما ما هم عتبه هستیم که در آن صورت خطری جدی مملکت و شما را تهدید نمی کند • سر نوشت مادر دنیای دیگر را هم بگذارند به عهده خداوند • اما حال بیاید برای يك لحظه هم که باشد ، تصور کنید و احتمال نهضت آزادی ایران

بدهد که شاید حرف ما درست باشد و روشهای شما ، اعمال شما ، سخنان شما نادرست است و نگرانیهای ما و مردم بجاست .

در اینصورت برای يك لحظه سده آینده مملکت تصور کنید . آیا میزان خسارات مملکت ، اسلام و ملت در اثر حرف و سخن اشتباه و خطای ما با میزان خسارات مملکت ، اسلام و ملت در اثر اشتباهات و ندادن کارها و انحرافات شما از قانون اساسی و استقلال یکسان است ؟ و میدانید که قطعاً یکسان نیست .

پس چرا کم توجه نمیکنید ؟ چرا به جای بررسی و پاسخگویی علمی و منطقی ، به جوسازی سیاسی و تکرار شعارها میپردازید ؟

۱۲- بیان مطالب در روزنامه و رادیو

پرسی گفته اند که :

" اگر درست میگوین ، اگر حقیقت میگوین ، بیان تو روزنامه و رادیو بیگانه و

هیچکس هم شنیده نمیشود . اگر نادرست میگوین و اگر تهمت میزنند ، اگر

افتراء می کنند ، اگر تحریف تاریخ می کنند اگر دروغ میگوین پس چرا جلوگیری

نمیشود و باید جلوگیری بشود " . (۴)

ما با این سخن کاملاً موافقم . میگوئیم تهمت زدن پس است . تحریف تاریخ پس است .

در فرهنگ اسلامی ، تهمت و برچسب و دروغ و اشاعه اکاذیب جائز ندارد . در فرهنگ

اسلامی این روشها مطرود و ملعون است . بپایید همین يك حرفتان را عمل کنید .

ما بارها گفته ایم و باز هم میگوئیم بپایید يك جلسه مناظره ، جلسه مباحثه ، در مجلس

در تلویزیون در هر کجا که می خواهید و مردم می توانند بپایند و مطلع شوند تمامی اشکالات و

ایرادات خود را بگوئید بگذارند ما هم جواب بدهیم ، توضیح بدهیم ما هم انتقادات و ایرادات

و اشکالات کار شما را بیان کنیم . قضاوت را بمردم ، که صاحب اصلی انقلاب هستیم واگذاریم .

در شان نمایندگان مجلس نیست که مرتب تهمت بزنند در شان روحانیون نیست توسل باین

شیوه ها . چرا در مجلس اجازه هست که هر روز در سخنان قبل از دستور بهترینها را ،

حتی سؤال از وزراء ، دولت کنونی ، بدولت موقت و به نهضت آزادی حمله بشود ، تهمت

بزنند ، نسبت دروغ بدهند در نماز های جمعه بگویند . در روزنامه ها بنویسند ، رادیو

پخش کند ، نه یکبار چندین بار ، طوبیون پخش کند . اما امکان پاسخگویی به ما داده نشود ؟

نه رادیو ، نه طوبیون ، نه مطبوعات جواب های ما را منعکس ننمایند ؟

بله آزادی هست اما برای کسانی که تهمت میزنند اما برای آنها که بخواهند از حیثیت

و شرافت خود دفاع کند ، آزادی وجود ندارد .

قانون اساسی حدود آزادیها را مشخص ساخته است . حرمت امام زاده بامتولی است ، آنها که باین قانون اساسی را داده اند و از آن دفاع می کنند و پاسوگند خود حفظ آنرا متعهد شده اند ، باید از حقوق ملت پاسداری کنند . براساسی کدام يك از آزادیهای مشروع مصرحه در قانون اساسی وجود دارد ؟

عکس العمل همین نامه سرگشاده ناچه بوده است .

بسیار از ۳۰ نفر ، در نمازهای جمعه در مجلس شورای اسلام ، در روزنامه هسار رادبو و طنزین ، با تمامی قوا و نیرو طبعی نهضت سخن گفتند . تهمت زدند ، برجسب زدند ، دروغ پردازی کردند ، اما نماندند به همه انتقادات و ایرادات جواب بد دهند ، و هیچگاه امکان نمی دهند تا جوابهای ناممکن گردند .

ای برادران : پس آنهمه آیات قرآنی واحادیث مکرر در منع غیرت ، دروغ ، بزتان ، چه شد ؟ در رژیم شاه این رویه عا غیر منتظره نبود اما در جمهوری اسلامی چرا ؟

آیا بهتر نبود بجای این همه حملات و اتهامات و طرح مسائل بی اساس منبوط به ۲۰ سال قبل به پاسخگویی منطقی و مستدل از نامه نهضت می پرداختند .

۲۲- نهضت آزادی و اسلامی شدن جامعه

مخالفین نهضت آزادی ادعای نیست که بما نسبت دهند ! از جمله در عکس العمل به نامه سرگشاده ، مدعی شده اند که گویا "زجر نهضت آزادی از اسلامی شدن جامعه است" چنته گویند . باید دیگر خیلی خالی باشد که چنین مسئله ای را هوان نماید .

خبر برادران . زجر ما از اسلامی شدن جامعه نیست . اگر نگران و ناراحت هستیم از آنست که سالهاست برای زنده نگهداشتن و تبلیغ ارزشهای والای اسلامی تلاش کرده ایم . و در شرایطی بسیار سخت چه در داخل ایران و چه در غربت و آوارگی در بلاد کفر با افتخار و سربلندی در حفظ و اعتلای اسلام نام برداشته ایم . و لذا وقتش نیستیم کسانی

بنام اسلام ، بنام انقلاب ، در جمهوری اسلام ، در مجلس شورای اسلام ، که صافه فضیلت ملت و مظهر عدل طی (ع) خسوانده شده است ، ارزشهای والای اسلامی ما را بهانچه گزینیم

و به آسان ترین وجه زینما می گذارند زجر می کشیم ، نگران می شویم که مبادا بزرگترین شهزید این انقلاب ، ارزشهای اصیل و متعالی اسلام باشد ! و این تقیاً ما نیستیم که این نگرانی را

داریم . تمامی کسانی که صیقا با ارزشهای اسلامی که از زبان سنت رسول خدا (ص) و روح البلاغه مولای متقیان طی (ع) در نامه به مالک اشتر و یاد روصیت به فرزندان شرو سیره سایر

انته اظهار آشنا هستند و آنها را با بر خرازا آنچه بنام اسلام توسط بعضی از مسئولان انجام می‌گیرد مقایسه می‌کند با ما در این احساس نگرانی شدید شریک می‌باشند .

۲۲ - استفاده از ماشین ضد گلوله

معرضین به نامه سرگشاده و مخالفین نهضت آزادی بدون توجه دقیق به مفاد و لحن نامه ما را مورد حمله قرار داده‌اند که گویا ما گفته‌ایم چرا دولت مردان از ماشین های ضد گلوله استفاده می‌کنند . آنها بر اساس استنباطات خودشان گفته اند :

" اینها میگویند شما سوار این ماشین ها بشوید . فردا همه شما شریف بشوید پیش آقای مدنی ، پیش آقای بهشتی ، تا ما هم که يك دولت موقت تشکیل داده بودیم ، يك دولت موقت تشکیل بدیم . اینها بی دولت موقتند . " (۴۲)

آخر سراداران ما کجا گنجهم شما سوار ماشین ضد گلوله نشوید ؟ ! خوب حالا که مخالفین ما نامه سرگشاده ما را بین المللی کرده اند مردم آنرا می‌خوانند و قضاوت می‌کنند و می‌بینند که ما هرگز نگفته‌ایم شما سوار ماشین ضد گلوله نشوید . و یا خدای نا کرده خواسته‌ایم شما هم بدست منافقین شهید بشوید .

ما تنها گفتار برخی از مردم را در زمینه عدم دسترسی به مسئولین بازگو کرده‌ایم . همان حرفش را که خود آنها هم بیان بالاخره اعتراف کرده اند و گفته اند :

" به اینها (پاسداران) حمله می‌کنیم می‌گوئیم با باجان ما را کردید آنرا مهر ! بگذارید بروم توی مردم " (۴۳)

یکی از معرضین نامه سرگشاده که خواسته غیر مستقیم جواب ما را بدهد می‌گوید :

" وقتی شما سرکار بودید و هیچ خبری از ترور نبود خودتان هم در ماشین ضد گلوله می‌نشستید ؟ " (۴۳)

اولاً در آن موقع هم ترور بود . گروه فرقان که بنا بادعای دانشجویان خط امام سربرخشان در لایه جاسوسی بوده است عملیات ترورستی خود را آغاز کرده بودند و بموجب اطلاعاتی که دادستان انقلاب منتشر ساخت ، اسامی برخی از اعضای نهضت آزادی عضو دولت موقت در صدر لیست آنها برای ترور قرار داشت .

ثانیاً همین برادر معترض ما پادشان برفته که در همان موقع به دولت موقت در استفاده از ماشین ضد گلوله اعتراض کردند و نوشتند که از این ماشین های ضد گلوله ، نه تنها گلوله بلکه فریاد مستضعفین هم بداخل آن رسوخ نخواهد کرد ؟ بمعبارت دیگر سخن مردم

که ما بازگو کرده ایم ، همان حرف ایشان در آن موقع بوده است .
 اما پاسخ ما باین برادر این است که در آن زمان روزنامه ها آزاد بودند ، و هر چه دلشان
 میخواست در انتقاد و اعتراض از دولت می نوشتند علاوه بر روزنامه های کیهان ، اطلاعات
 و آیندگان ، پیغام امروز ، نامه مردم ، مجاهد ، بهکابو کابو ... که در اختیار نیروهای ضد
 دولتی و باضد انقلاب اسلامی بودند روزنامه های جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی که وابسته
 به اعضای شورا یا انقلاب هم بود ، مرتب از دولت نه انتقاد ، بلکه حمله میکردند . مدعی دولت بود
 دولت بودند ، صدا و سیما در اختیار شورای انقلاب و در برابر دولت موقت و مدعی دولت بود .
لذا درست است که برخی از اعضای دولت موقت در مواردی از ماشین های ضد گلوله
استفاده می کردند ، معذالک بدلائیل ذکر شده از طریق روزنامه ها ، صدای سیما از
نظرات تمامی اقشار مردم ، مطلع میگردیدند .

ضمناً باید اضافه کرد که سخن مردم تنها درباره استفاده از ماشین های ضد گلوله
نیست ، که برای امنیت دولتمردان ضروری است . بلکه آژیرهای باورد و باپی مورد ، و
تخلیفات فاحش رانندگی در شهر با ضایعات ناشی از آن ، نیز مورد سؤال مردم است ، مردم
می گویند وقت اداره راهنمایی و رانندگی بحق برود یوار شهر تابلو نصب می کند همین برای آنکه
در دولت اسلامی تخلیف از قوانین راهنمایی و رانندگی ، تخلیف از احکام شرعی است ، انتقاد
آن است که دولتمردان بیش از همه احکام شرع را رعایت کنند .

۲۴- عطش قدرت و حکومت

مدعیان به نهضت آزادی تهمت میزنند که گویا قبول مسئولیت از جانب اعضای نهضت آزادی
در شورای انقلاب و دولت موقت بعلت عطش قدرت و حکومت بوده است و ما بزور و باادب و با
حیل و برنامه ریزی ها قدرت را بدست گرفتیم . در حالیکه هرگز چنین نبود .

اعضای نهضت آزادی ایران ضمن آنکه در ادای وظیفه اسلامی وطنی از قبول خطای مرتضی
مسئولیت ها در بحرانی ترین و حساس ترین شرایط تاریخ کشورمان ، چشمه قبول از انقباض
و چه بعد از آن هرگز روی برنگردانند ، معذالک قبول مسئولیت ها بعلت قدرت طلبی نبوده
است . عضویت در شورای انقلاب و ما بهریت در دولت موقت با پیشنهاد و اصرار اعضای شورای
انقلاب ، خصوصاً روحانیون آن و تکلیف شرعی امام بوده است .

سران و فعالین نهضت آزادی ایران آدمهای ناشناخته ای نبودند که تازه بعد از پیروزی
 انقلاب اسم و رسمی پیدا کنند و نظیر برخی تازه واردان به معرکه ، بعد از پیروزی انقلاب
 مسلمان و مدعی تمامی انقلابیون مسلمان سابقه دار باشند و کسی هم از گذشته آنان خبری
 نهضت آزادی ایران

نداشته باشد • از شخص امام گرفته تا آن روحانیونی که از جانب امام مأمور تشکیل شورای انقلاب و دولت موقت شده بودند همه از تمامی سوابق و روحیات و عملکردها و تمام افراد نهضت در داخل و خارج مملکت کاملاً مطلع بودند و اعضای نهضت نیز هرگز چیزی را از آنان پنهان نکردند اما برخی از معترضین پافشاری کرده و مدعی شده اند که :

" اینها شایعشان درمصر است ، رئیس جمهورشان در فرانسه است نخست وزیرشان در فرانسه است ، اینها تشکیل دولت شان را دادند ، منتظرند تا اینها از ماشین ها بپایند بیرون تا دوباره آنها را اینجا یک دولت موقت تشکیل بدهند آن دولت موقتی که ... " (۱)

پناه ببرند

حالت چگونه است که بعد از گذشت قریب به چهار سال از پیروزی انقلاب چنین نسبت های ناروایی بعداد میسر شود ؟

۲۵- استعفاى دولت موقت و ازدواج دوم

درست برعکس اتهام نادرست بالا ، برخی از معترضین نهضت آزادی را بید برای اثبات قدرت طلبی ما ، میگویند چرا نخست وزیر دولت موقت صحبت از استعفا نمیکرده است و میگویند : " دولت بازرسان در اوج قدرت خود بود چرا قبولی استعفایشان را ازدواج دوم تلقی کرده و استعفا دارند ؟ " (۲)

یکی دیگر از همین اشخاص ملامت و نشانه های خهانت ! ! نهضت آزادی را ! ! :
" استعفاى توطئه آمیز محمد قیصر نخست وزیر نهضت آزادی " (۷) دانسته و آنرا گناه می شمرده است •

گویندگان این سخنان نمی فهمند که وقتی مردم باین اباطیل گوش میکنند چه تصویری از گویندگان آن در ذهنشان پدید می آید ؟ مردم می پرسند چگونه است که گروهی ما را متهم می سازند که چون آماده بوده ایم که نجیبانه کنار برویم و کار را بدولت شورای انقلاب تحويل بدهیم ، توطئه کنیم و جمعی دیگر ما را قدرت طلب می خوانند ! !

۲۶- سئوالات بدون جواب

درنامه سرگشاده ، ما سئوالات و اعتراضات و ایراداتی را هم مطرح کرده بودیم که مخالفین نهضت آزادی و معترضین مانده آنها با آنها جوابی ندادند حتی کمترین اشاره ای هم نکردند •

مادران نامه پرسیده ایم (حق سؤال که داریم) : قانون اساسی که مجلس خبرگان آنرا تصویب کرده ، و بیش از ۹۹ درصد آنرا اخذ شده ملت آنرا تایید و تصویب کرده است و امام آنرا معادل اسلام و محصول فقه‌های عظام و واجب الرطبه دانسته اند چرا تماماً اجسرا نمیشود ؟ چرا اصول مصرحه در قانون اساسی از جمله حقوق ملت ، آزادی تشکیلات ، مطبوعات ، احزاب ، جمعیت ها ، تشکیل اجتماعات و راه پیمائی ها و ممنوعیت بازرسی مراسلات و مکالمات و تجسس و ... اصل برکت ، ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت و اشاعه اکاذیب و تشهیر عقاید ، همه باین زودی و باین سرعت فراموش شده اند ؟

آیا جواب این سؤال ساده باید اینهمه تهمت و افتراء باشد ؟

ما پرسیده ایم که چرا قرارداد های خارجی به تصویب مجلس نرسیده اند ؟ اگر قرارداد با کشورهای خارجی ، از جمله ترکیه و پاکستان ، یا سوریه ، لیبی ، ... در حد اختیارات دولت است و نیازی به تصویب مجلس ندارد ، چرا برای تصویب به مجلس بریدید ؟ و اگر تشخیص دادید که باید در مجلس بحث و تصویب شود ، چرا قبل از تصویب آنرا به مرحله اجرا در آوریدید ؟

ما می گوئیم ، قرارداد ؟ میلیارد دلاری با دولت ترکیه که به تعویق آقای مرسوی نخست وزیر و سردبیر سابق روزنامه جمهوری " ژرنالهای آمریکا " در آن کودتا کرده اند ، بفتح ملکست نیست . ما می گوئیم قرارداد منعقد با آمریکا (معروف به بهانه الجزایر) خلاف قانون اساسی و خلاف مصلحت کشور ، و به ضرر ایران بوده است ؟ آیا جزای این حرف ما تهمت و افتراء است ؟

پاسخ باین ابرادات ما ، ناسزاگوئی نیست . وقتی مردم می بینند که مسئولان امور بجای پاسخگوئی و ادای توضیحات ، به تهمت زدن و اشاعه اکاذیب می پردازند بیشتر نگران میشوند و از خود می پرسند چرا بجای پاسخگوئی اینهمه جدجال و سروصدا ایجاد می کنند ؟ شك و تردیدشان بیشتر می گردد .

مرد می پرسند براستی اگر مسئولان امور از بهمان حقایق ترس و واهمه ای ندارند ، چرا در برابر يك نامه ۶ صفحه ای که حد اکثر برای چند هزار خواننده در سراسر ایران توزیع شده بود ، دهها نفر ، صدها ساعت وقت در مجلس ، در روزنامه ها ، در صدا و سیما برای سرکوب نهضت آزادی که جسارت کرده است و این انتقادات را مطرح ساخته و در جامعه اسلامی امن معروف و نهی از منکر کرده است ، صرف نموده اند ؟

براستی مردم می پرسند چسرا ؟

هم مبهتان عزیز

برادران و خواهران مسلمان

مطالعه آنچه گذشت نشانگر واقعیت تلخ است که چگونه تذکرات خصوصی برخی از نمایندگان به رئیس مجلس از تنبیه نماز جمعه پخیز میشود و پاسخ آنان در نامه ای سرگشاده ولی باتوجه محدود چنان غولانی مآفریند که گوئی ارکان جمهوری مورد تهدید قرار گرفته است. همانطور که قبلاً گفتیم منظور نهضت آزادی ایران از نگارش و انتشار این نامه به اینهاست که کارنامه انقلاب و نه بزرگ کردن نارشائی های موجود بود. هدف آن بود که از یکطرف تبلیغ رسالتی را که از طرف مردم بجهت گرفته ایم بدمائیم و نارشائی ها و شکایات آنان را منعکس کنیم. اگر نمیکردیم نگران آن بودیم که " ما بلغت رسالته " و از طرف دیگر فرمان الهی " فذکر ان الذکری تلغ العوینین " را بکار بسته و بدست اندرکاران سیاست کشوری تذکرات لازم را بدیم *

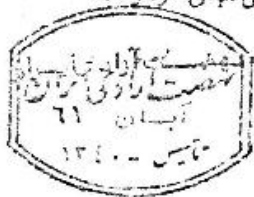
بنظر ما نامه نهضت تا اندازه ای هردو منظور را علی ساخت آثار توجه دولت مردان به درد دل های مردم در کوچه و خیابان ، رادیو تلویزیون ، سخنرانیها و روزنامه ها بچشم میخورد . اگر دست اندرکاران هم بتوانند این نارشائی ها را برطرف سازند ، لا اقل ، با ذکر آنها بزرگمهای ناراضیان مرهمی میبندد . از طرف دیگر ، بسیاری از برادران در خلوت و جلوت از تذکرات ما اظهار خشنودی و رضایت می نمایند .

اگرچه رضایت مردم و رای و نظر آنان همانطور که رهبران انقلاب گفته اند میزان است و لیس بالا تر از آن ، رضایت ذات مقدس بان تعالی و انجام وظیفه امر بمعمروف و نهی از منکر است که ما را بانجام چنین کاری واداشت و تکیه بر گفتار الهی " انما کفیناک المستهزئین " (۳۴) است که ما را بادامه در راه این دو وظیفه پشت گرمی میدهد .

ما در اینجا اعلام میکنیم که طبرقم جوسازیهها ، تهمت زنی ها و فشارها درآیند . نیز باین وظیفه اسلامی خود عمل خواهیم کرد و در عین حال خواهیم کوشید انتقاد اتمان سازند . لحن سخنان برادرانه و نهی از منکرمان رؤفانه و رفتارمان اسلامی باشد . که تنها پس از انجام این دو وظیفه است که دعای ما برای اصلاح جامعه مستجاب میشود و فتنه و فساد از جامعه رخت برمی بندد .

در اینجا لازم میدانیم از آنانکه ما را در انجام این وظیفه تشویق نمودند و باها تذکرات برادرانه خود کوشیدند اند بواقص نامه را بما گوشزد کنند مجدداً سپاسگزاری کنیم و بدانانکه با ما همدرند ولی از بهم تعجیل اجل و باهنگی معیشت لب فرو بسته اند سخن مولای متقیان

علی (ع) را بیاد بیاوریم که " ان الامر بالمعروف والنهي لایقران من اجل ولا ینقضان من رفق " و بالاخره به برادرانی که اداره امور جامعه را بعهده گرفته و نگران آنها - که تذکرات ما، خدای بخواسته وقفه ای در سازندگی و مکش در اصلاح امور ایجاد کند سخن امام باقر (ع) را یاد آور شویم . که " ان الامر بالمعروف والنهي عن المنکر سبیل الایمان و مدیاج الصلحاء فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تامن الذخایر و تحل الکاسب و ترد المظالم و تعمرا الارض و ینتصف من الاعداء و ینتقم الامر " (۴۶) امانا امر بمعروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان و فریضه عظیمی است که سایر فرائض به آن بستگی داشته و بوسیله آن، راهها امن، کسبها حلال میشود و رد مظالم میگردد و حقوق غصب شده مسترد میشود و زمین آنها د میگردد، و از دشمنان منصفانه داد ستانده می شود و کارها درست و امور اصلاح میگردد . بنا آتقا من لدیک رحمه و همی لایمان امرنا رشدا (۴۷)



یادداشتها و ماخذ:

- ۱- حجت الاسلام آقای فاطق نسوری - وزیر امور - سخنرانی در دفتر حزب جمهوری اسلامی در مشهد ۶۱/۷/۶ بمناسبت عید قربان - پخش گسترده از شبکه صدا و سمای خراسان و پیش خطبه نماز جمعه ۱۵ آبانماه ۶۱ تهران
- ۲- حجت الاسلام آقای موحدی ساوجب - سخنرانی قبل از دستور در مجلس شورای اسلامی - سه شنبه ۱۳ مهرماه ۶۱ - پخش از صدا و سیما - چاپ در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی - صبح آزادگان
- ۳- حجت الاسلام آقای گروبی - پیش خطبه نماز جمعه تهران - ۶۱/۷/۱۶ پخش وسیع و مکرر از صدا و سیما - چاپ در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی - صبح آزادگان
- ۴- آیت الله مشکینی - خطبه نماز جمعه قم - جمعه ۱۶ مهرماه ۶۱ - پخش وسیع از صدا و سیما - چاپ در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی - صبح آزادگان
- ۵- روزنامه جمهوری اسلامی - ارگان حزب جمهوری اسلامی - سرفاله " اقتضای زمان "
- ۶- ۱۷ مهرماه ۶۱ و سرفاله " جبهه جدید " یکشنبه ۲۵ مهرماه ۶۱
- ۷- روزنامه صبح آزادگان سرفاله " چه می گویند " ۶۱/۷/۱۷
- ۸- آقای کمال عابدینی زاده - سخن قبل از دستور مجلس شورای اسلامی يك شنبه ۱۸ مهرماه ۶۱ - پخش مستقیم از رادیو - چاپ و انتشار در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی - صبح آزادگان - ماهنامه شاهد
- ۹- حجت الاسلام آقای صادق خلخالی - سخن قبل از دستور مجلس شورای اسلامی يكشنبه ۱۸ و یکشنبه ۲۵ مهرماه ۶۱ - پخش مستقیم از رادیو - چاپ و انتشار در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی - صبح آزادگان
- ۱۰- حجت الاسلام آقای هاشم حجازی - سخن قبل از دستور در مجلس شورای اسلامی - سه شنبه ۲۰ مهرماه ۶۱ - پخش مستقیم از رادیو - چاپ در کیهان - اطلاعات - صبح آزادگان - جمهوری اسلامی
- ۱۱- حجت الاسلام آقای احمد زمانیان - سخن قبل از دستور در مجلس شورای اسلامی ۵ شنبه ۲۲ مهرماه ۶۱ - پخش مستقیم از رادیو - چاپ و انتشار در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلامی - صبح آزادگان

۱۱- آقای محمد رشیدیان - سخن قبل از دستور در مجلس شورای اسلام و بخش ستقیم

از رادیو - چاپ در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلام - صبح آزادگان

۱۲- آقای نورالدین کوانوری - دبیر اول حزب توده ایران - نشریه "پرسش و پاسخ"

شماره های ۱۷ میزماه و اول آبان ماه ۶۱

۱۳- حجت الاسلام آقای حاج احمد خمینی - مصاحبه با مجله شاهد - ۱۵ آبانماه ۶۱

و روزنامه اطلاعات ۱۸ آبانماه ۶۱

۱۴- حجت الاسلام آقای جعفر شجونی - آقای محمدرالدین حجازی - نامه "جناب آقای

مهندس بازارگان نخست وزیر محترم ایران" - اطلاعات ۲۱ مرداد ۵۸

۱۵- علامه شهید مرتضی مطهری - "عقاید پای اسلام در ده ساله اخیر" - حساب

نشر ممرقم - ۵۷/۴/۳۰

۱۶- "بررسی و تحلیل از بهجت امام خمینی" - بقلم س-ح - در انتشارات دارالفکر

• قم

۱۷- آقای محمد کبانش - سخن قبل از دستور مجلس شورای اسلام - ۷ شهریور ۶۱ - بهخار

از رادیو چاپ در کیهان - اطلاعات - جمهوری اسلام - صبح آزادگان

۱۸- حجت الاسلام آقای علی دوانی - بهجت روحانویان ایران - جلد سوم - انتشارات

بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)

۱۹- به گزارشات و اسناد سفر های زریه ایران و خاطرات سرایوان رجوع کرد •

۲۰- مجله "گنج شایگان" - سرمقاله شماره ۵ - مهرماه ۱۳۳۳

۲۱- بهجت آزادی ایران و جنبش رهائی بخش خلق ما - اسناد بهجت آزادی ایران -

جلد اول - قسمت دوم - بیانیه ها و توضیحات سیاسی ۱۳۴۰ - ۱۳۴۳ - حساب

بهجت آزادی ایران - خارج کشور ۱۳۵۵

۲۲- اصل "حمل کار دیگران برصحتت"

۲۳- همانا کسی که برادر (ایمانی) خود را متهم سازد ملعون است ، ملعون است •

۲۴- همانا ما ترا از شر تصخر و استهزا کنندگان محفوظ مینمایم • سرره الحجر آیه ۹۵

۲۵- مسلما امریه معروف و نهی از منکره اجلی را نزدیک من کند و نه از روزی من تواند

۲۶- همانا امریه معروف و نهی از منکره راه بنامبران و روش و شیره سالحان است و

فریضه عظیمی است که سایر فرائض به آن بستگی داشته و بر سوله آن راهها امن

و کسبها حلال می شود و رد مظالم می شود و حقوق غضب شده مسترد می گردد و زمین
(جهان) آباد می شود ، و از دشمنان داد ستانده می شود [منصفانه انتقام گرفته
می شود] و کارها راست و درست و امر اصلاح می شود .
۶۷- بآزالتها تو در حق ما بملطف خاص خود رحمتی عطا فرما و بر ما وسیله رشد و هدایت
کامل مهیا ساز سوره کهف / آیه ۱۰

این نشرات را می‌توانید از دفتر نشریات آزادی ایران واقع در خیابان اسناد سلطنتی، چهارراه مبارزان شماره ۴ دریافت نمایید :

- ۱۳۶۰ آبان * قلمنامه نهضت آزادی ایران - کنگره سردار شهید دکتر چمران
- ۶۰/۹/۱۵ * مکاتبات آیت الله ۰۰۰۱ سدوشی با مهندس میر بازرگان
- ۶۰/۱۰/۱۰ * تلاش پیکر از دستور مهندس هاشم باغبان در مجلس شورای اسلامی
- ۱۳۶۰ بهمن * درباره وسوسه هماره خناس بزرگ - سدای آمریکایی چه می‌خواهد ؟
- ۶۰/۱۱/۱۴ * پاسخ به روزنامه های کیهان و جمهوری اسلامی
- ۶۰/۱۱/۱۵ * پاسخ به اطلاعات پیرامون مکتوب هفته
- ۶۰ بهمن ۱۵ * بیانیه بناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
- ۶۰/۱۱/۲۴ * شورای انقلاب و دولت وقت از زبان مهندس بازرگان
- ۶۰/۱۱/۲۸ * سیمای دولت وقت در پنج سند
- ۶۰/۱۲/۲۹ * بیانیه نهضت آزادی ایران بناسبت سالروز ملی شدن صنعت نفت
- ۶۱/۲/۱ * جرایم نهضت آزادی ایران به سرمظالم " آیت‌الله اراست " روزنامه جمهوری اسلامی
- ۶۱/۲/۲۲ * بیانیه بناسبت بیست و یکمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران
- ۶۱/۲/۸ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به علماء اعلام و حجج اسلام ائمه جمعه
- ۶۱/۲/۹ * نامه مهندس بازرگان به آیت الله ۰۰۰۱ محمدی گیلانی
- ۶۱/۲/۱۱ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر آموزش و پرورش
- ۶۱/۲/۲۹ * بیانیه نهضت آزادی ایران بناسبت سالروز شهادت دکتر شریعتی
- ۶۱/۲/۳۱ * بیانیه نهضت آزادی ایران بناسبت سالگرد شهادت دکتر چمران
- ۶۱/۴/۱ * تلاش دولت وقت برای جلوگیری از جنگ تحمیلی عراق
- ۶۱/۴/۲۰ * ویژگیهای خواجگ آینه‌ها علی (ع) را گفتند
- ۶۱/۵/۱۰ * نامه می‌تند مبارزان به حجت الاسلام خامنه ای درباره حزب جمهوری اسلامی
- اردیبهشت ۶۱ * بررسی نائین اراضی شهری
- ۶۱ قیرماه * تحلیلی درباره بازرگانی خارجی
- ۶۱ مرداد ماه * نیمة التقدر نهضت آزادی ایران
- ۶۱ شهریور * نقاشی به اوضاع لبنان
- ۶۱/۶/۲۵ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
- ۶۱ * پاسخ به حملات وسیع و مستوره علیه نهضت آزادی ایران - پرامسون
- ۶۱ آبان * نامه سرگشاده به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
- ۶۱/۶/۱ * شانزده آذر بیاد حماسه مقاومت دانشگاه و سه شماره خون باران دانشجو
- ۶۱/۹/۲۹ * نامه سرگشاده به رئیس دیوان عالی کشور

بسمه تعالی
تعاونوا على البر والتقوى

خوالده عسریز ،

این نشریه بمنظور انجام وظیفه شرعی ، اجرای
فرضه امر بمعروف ونهی از منکر و ابلاغ بار رسالتی
که در شرائط کنونی انقلاب بدوش میکشیم تهیه شده
و در اختیار شما قرار میگیرد .

در راه مقابله با مشکلات و محدودیت ها و تهدیداتی
که در انجام این خدمت خود نمایی میکند ، پس از
فضل الهی به کمکهای معنوی و مادی شما
پسازندیم .

لطفاً نظرات خود را به صندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹
ارسال داشته و کمکهای مالی را بحساب شماره
۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۲۱ سازمان)
بنام آقای مهدی توشلی واریز و رسید آنرا
ارسال فرمائید .

تبلیغات در رابطه عمومی
نهیض آزادی ایران

پاسخ

۱۰

اطلاعات

پیغامون مکتوب ہفتہ

۶۰/۱۰/۱۷

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

شماره ۱۳۲۰

بسمه تعالی

حیة الاسلام جناب آقای مهد محمود دعاش
سرپرست محترم موسسه اطلاعات

در نشریه اطلاعات مورخه ۱۷ دیماه ۱۳۶۰ در مقاله ای بقلم آقای
سید عطاء الله مهاجرانس تحت عنوان " مجامدین خلق! شما فرزندان نهضت
آزادی هستید " مطالبی آورده شده است که برخی حقایق را با تمهیدات و کژافسه
گوئیهای شاعرانه تحریف های آشکار نموده است . متنش است بر طبق اخلاق اسلامی
و مقررات قانون مطبوعات دستور فرمایند شرح زیرا در اولین شماره آن جریده در همان
صفحات اول و ششم بهمان ترتیب که آن مقاله آمده است درج نمایند .

باتشکر

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

بسمه تنالی
نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۲۰

توضیح نهضت آزادی ایران پیرامون مکتوب هفته اطلاعات (۱۷/۱۰/۶۰)

بسم الله الرحمن الرحيم

ایمان الذين یحسون ان تشیع الفاحشیه
فی الذین امنوا لهم عذاب الیم
کسانیکه دوست دارد اعمال ناشایسته
از مومنین ظاهر گردد عذاب دردناکسی
در انتظارشان نباشد *

سوره نور آیه ۱۹

« نزدیکترین حالات بنده به کفر آنست
که با مردی در دین برادر باشد و بدیهما
و لغزشهای او را بشمارد و نگاهدارد کسه
روزی او را به آنها سرزشت نماید » *

اطم با تفسر علیه السلام

آقای عطاء اله مهاجرانی مقاله ای بعنوان " مباحثین خلق شعا فرزند ان نهضت آزادی هستید " نوشته و در آن مقاله نهضت آزادی ایران را مورد حمله قرار داده اند . اگر نه این بود که این مقاله موجب گمراهی افکار عمومی و مسخ تاریخ و دفاع از موضع منافقین بود . در نشتی بود مابه پیوسته روزی از دستیر " اذا مروا باللغو مروا کراما " گرفته اند از آن میگفتیم بعد از طلاع نپسندید راه فرودمان " اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما " باسلام پاسخ می گفتیم ولی گمراه کنندگی این مخالفان بویژه دفاع تضحی و ناآگاهانه ای که از مواضع جریان فرموده بودند نهی ها دنبال کرده است . ما را بر آن میدارد که به نکت سخنان نپسندیده پرداخته وظیفه اسلامی خود را در عدم کتمان شهادت و بیان حقایق ایفای کنیم . ما با مخالفان درست دریافتیم این که پیام گرامی اسلام (پی) آنان را که در صدد تجسس لغزشها و عیوب مسلمانان هستند " معشر من اسهل سانه ولهم یسلم بقلیبه " کسانیکه بزبان ایمان آورده و ایمانی در دل ندارند خطاب فرموده و کوشیده است که خطای پیش به چهار دیوار مسجد مدینه محدود نشود و بگوش آنان که در خانه های خود نشسته اند نیز برسد . بدین دلیل در صدد عیب جوئی از مقاله نپسندید . محترم نیستیم و از خدا میخواهیم قلبان را به تسور ایمان روشن سازد .

بسمه تعالی
نهیضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۲۰

— ۲ —

اینک مطالبی را که نویسنده محترم شماره نهمه اند مطرح ساخته و بتوضیح درباره آن می پردازیم :

۱- مسئله کردستان - این اولین بار نیست که بشاخص مأمور حملات و انتقامات ناروا در سازه مسئله کردستان قرار گرفته ایم . قبل از این گروه های منحرف و دشمنان انقلاب اسلامی از این جهت ها با ما آراوان زده اند . و بارها هم درباره آن توضیح داده شده است . تأسف که از این است که این بار سخن دشمن از دهان دوست بیرون می آید .

واقع قشیه در کردستان چه بوده است ؟ غایب کردستان قبل از تأسیس و یا حتی تأسیس دولت موقت و قبل از پیروزی انقلاب شروع شد . چرا نویسنده مسئولیت آن را بردوش دولت موقت میگذارد ؟ تمام و یابادی اخیر با ایسم آمریکا و صهیونیسم بارها تجدید کرده بودند که اگر شاه برود مملکت ننگه باره میشود . وقتی دیدند که نمی توانند شاه را نگه دارند ، و وقت سقوط حتمی بختیار از نزدیک دیدند ، دست به ایجاد بلوا و آشوب در نقاط مختلف مملکت از جمله کردستان زدند . از همان طغیانهای قبل از پیروزی انقلاب ، یکی از مجرب ترین و ورزند ترین نظامیان متخصص در امور کردستان را به استناد اوی غصب کردند و او بود که شروع به اجرای برنامه های توطئه گرانه نمود . امام با توجه باین برنامه ها و توطئه ها بود که از یارسان بهامی برای برادران کرد ارسال داشتند .

با روی کار آمدن دولت موقت تحولات امپریالیسم و صهیونیسم طبع انقلاب اسلامی شدت گرفت و تشنجات کردستان به مرحله انفجار رسید .

در برخورد با این توطئه ها و بحران ، از همان ابتدای پیروزی انقلاب ، نظر امام و شورای انقلاب و دولت موقت ، راه حل سیاسی بود ، نه نظامی .

و بر همین اساس بود که باتصریب شورای انقلاب و تأکید امام آذیان مرحوم طالقانی و مرحوم بهشتی و بنی صدر به کردستان رفتند . مذاکرات غلطی با اقتدار مختلف و گروههای مختلف انجام دادند . نماینده مخصوص امام که به موافقت انضمام شده بود پیام امام را برای مردم خواند . فعالیت های انجام شده نتوانست آرامشی نسبی بوجود آورد و اولین انتخابات آزاد بعد از پیروزی انقلاب در شهر سنندج برگزار شد و شورای ۶۶ نفری شهر با پیروزی مستجابها انتخاب گردید . و بخشی از توطئه های ضد انقلاب خدش شد . اما آنچه دست برداشتند .

شورای انقلاب و دولت موقت به ملاقات زیر سایه قبول راه حل نظامی در کردستان نمود . (سخنرانی انجام زود بر ارتش - پیروزی که میدانید ، ارتش شاهنشاهی بر اثر پیروزی انقلاب انجام خود را از دست داده بود . ارتش شاهنشاهی از ذخائر و پایگاههای اصلی آمریکا بود . آمریکا تلاش و کوشش بسیار نمود که انجام یافت ظانوس ارتش حتی ، بعد از پیروزی انقلاب حفظ شود تا بعنوان

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

شماره ۱۳۳۰

— ۳ —

"ذخیره" روزی بکارش گیسرد *

تا آنکه ضربه هسای وارد. بر اثر پیروزی انقلاب باعث درونی ارتش را متوازن ساخت. اما هنوز راهس طولانی در پیش بود تا با همسازمان و فرهنگ ۵۰ ساله حاکم بر ارتش تغییر متناسب با آرمانهای سیاسی انقلاب پیدا کند *

یکی از هدفهای جنگ کردستان درگیر ساختن ارتش و انجام زودرس آن بود * در آن زمان سنسوز سپاه پاسداران تازه مراحل جنبیتی خود را طی میکرد و درگیری مسلحانه دولت مرکزی در کردستان تنها با اعزام ارتش میسر بود * و این درست همان چیزی بود که دشمن میخواست * فعل و انفعالات و رویدادهای درونی ارتش در طی ماضیها و سالهای بعد نیز نشان داد که تا چه اندازه خطیری که مورد توجه دولت موقت قرار گرفته بود جدی و واقعی بود *

۲- برخورد جدی سالیان دراز حکومت مرکزی دولت شاه با مردم کردستان فرستادن ارتش و سرکوب نظامی بوده است در طی دوران انقلاب * بدلیل تفاوتهای بازمیزان فرهنگ انقلاب اسلامی و وابستگی های مذهبی مردم کردستان * انقلاب بآن صورتی بآن سرعت که در سایر بلاد ایران توسعه پیدا کرد * در کردستان توسعه پیدا نکرد * بدین دلیل ابادی امپریالیسم و دهنویزم به ملاحظاتی نظیر کردستان خیلی دلبسته بودند * لذا لازم بود بعد از پیروزی با استفاده از امکانات جدید و انقلاب پیچیده واقعی خود راه مردم اهل و زحمتکش کردستان ارائه دهد * نه از طریق ارتش * بلکه از طریق جهاد سازندگی و سایر نهاد های انقلابی * درگیر ساختن سطحانه در کردستان * بلائاصله بعد از پیروزی انقلاب به حيثیت جمهوری اسلامی لطمه می زد *

۳- توطئه جنگ مسلحانه در کردستان * با سوابق خاص منطقه * دولت مرکزی را در همسنگ جنگ شورشی در آن وقت درگیر می ساخت که خروج از آن * کار ساده را آسانی نمی بود * تجارب جنگهای شورشی در نقاط مختلف جهان این خطر را دقیقه گشان داده است * بنابراین برنامه دولت موقت * حتی الامکان پرمیاز درگیری مسلحانه و به طاعت در دام توطئه و کوشش برای افعال راه حل سیاسی بود *

و این بدان معنا نبود که بهر حال از انجام وظایف و ایجاد امنیت سر باز زدند * گمراهی که مرحوم شهید دکتر چمران * در سنج و مسئولیت معاون نخست وزیر در امور انقلاب * برای مقابله با آشوبگران و دشمنان انقلاب اسلامی * شخصا به پاوه رفت و سفر چمران و متعاقب آن * بیابانه معروف امام * نقطه عطفی شد در سیر حوادث کردستان *

اما درباره هیئت ویژه، برخلاف آنچه بدخواهان شایع کرده اند، نام این هیئت "حسن نیت" نبود، بلکه "هیئت ویژه" بود. بعد از جریان پناه و سفودگترجیران به کردستان برای حل مسئله این استان برنامه همه جانبه ای از جهات نظامی، عمران، مالی، در نظر گرفته شده و تمامی اختیارات هیئت دولت به سه نئوزرای دفاع، دکترجیران (از جهت برنامه های نظامی) برنامه بودجه، مهندس بریسجانی (از جهت تأمین مالی برنامه ها) و کتیروه مهندس صباغیان (از جهت استادداری و نیروهای انتظامی) تفویض گردید. تا هر ضرورتی که مقتضی دانستند با فاطمیت عمل کنند.

بعد از استعفاي دولت موقت، شورای انقلاب و امام مأموریت هیئت ویژه را نذیت و ضرورت ادامه گذر آنها را تأیید کردند. لهذا "هیئت در کردستان ماند و نگار خود ادامه داد. هیئت ویژه تمامی جزئیات اعمال و برنامه های خود را مرتباً به امام و شورای انقلاب گزارش میداد. است.

کتاب نوشته اند که "مشکل آنها (نهضت آزادی) از دست دادن مواضع قدرت است و اینکه:

" تصور میکردند که می مانند و استعفايشان در واقع نمایش قدرت و باناز و نترسهای نه نمی خرابیم می خواستند مواضعشان را مستحکمتر نمایند و نهایتاً برای اینکه استعفا از رادیو و تلویزیون خوانده نشود کلی تقلا کردند. خودشان خوب میدانند و دکتر یزدی که با استعفا مخالف بود بهتر از همان وقت مبارزه قدرت را شروع کرد و شروع کردند."

نویسنده محترم آقای مهاجرانی راجع به مسئله ای اظهار نظر و قضاوت نموده اند که درباره آن ظهیر داشته و آنها از روی ظن و گمان سخن گفته اند و این برخلاف دستور اسلام است که می فرماید:

"ولا تقف ما لیسرک به غیو ان بعضی الظن اثم"

اولاً اعضای نهضت آزادی ایران در نهال موضع قدرت نبودند و در گذر خود برین مقدم برای قبول پستی و سستی چه در شورای انقلاب و چه در دولت موقت نبودند. قبول عضویت در شورای انقلاب آنهم قبل از پیروزی انقلاب و قبول مأموریت از جانب امام برای برآوردن انداز هیئت، ظویرم کار شکنی های توده، نقشها در جنوب و سایر مراکز نقش بدین احساس مسئولیت در آن شرایط بحرانی احساس بوده است. اعضای نهضت آزادی افتخار می کنند که اولین لیدر گویان دعوت برای قبول مأموریت های حساس و خطیر بوده اند. از زمانی که امام درباره سیاست برنامه خود را، برای مرحله انتقال قدرت از جمله تشکیل

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۲۰

- ۵ -

شورای انقلاب، طرح ساختند و به سه نفر مأموریت دادند تا اشخاص را شناسایی کرده و جهت عضویت در شورا بایشان معرفی نمایند. تا زمانی که امام به تهران برگشتند حدود سه ماه و نیم طول کشید. در این مدت برای شورای ۱۵ نفری مورد نظر امام تنها هفت نفر را توانستند بیابند و معرفی کنند و از این ۷ نفر حداقل ۶ نفر که قبول مسئولیت و مأموریت نمودند، اعضای نهضت آزادی شدند. بعد شام قبول عضویت در دولت موقت، حداقل برای اعضای نهضت آزادی، صرفاً "بر اساس تکالیف شرعی بود. احتمالاً ناآشنائی نبودند. به سوابق حرکت اسلامی باعث نگارش این مطالب شده و ما بحکم و امر بالعرف و نهي عن المنکر" از ایشان تقاضا داریم در صورتیکه بخواهند در این باره اطلاعاتی بفرمایند. ما در پی روابط عمومی نهضت آزادی تماس گرفته و بسا دانستن واقعیات پرورشگری بپردازند در غیر این صورت از بیان مطالبی که ممکن است مردم را همراه کنند خودداری نمایند.

در هر صورت آقای مهندس بازرگان، و برخی دیگر از اعضای نهضت، نه برای ما پناها ساخته بودند، نه برای اعضای شورای انقلاب. امام در حکم انتصاب نخست وزیر ایشان به این سوابق چندین بار اشاره کرده اند:

"...بموجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما بکتب مقدس اسلام و اطلاحی

کس از سوابقشان در مبارزات اسلامی وطن دارم ..."

در خرداد ۵۸ آقای مهندس بازرگان طی نامه ای خدمت امام، که متن آنرا تا بحال منتشر ساخته اند، درباره برخی از مشکلات که ناشی از تعدد مراکز قدرت است توضیحاتی داده اند و از آنجا که آقای مهندس بازرگان و سایر دوستانشان بدنبال قدرت سیاسی نبودند و نفع و مصلحت انقلاب را بالاتر از هر امری دانسته و میدانند ادامه تعدد مراکز قدرت، عدم تمرکز در مدیریت را کس هم اکنون نیز ریشه بسیاری از مشکلات دولتمردان کنونی است و موجب نگرانی و ناله مسئولین شده است، بمسأله انقلاب بداند و در اواخر آذرماه ۵۸ به پیشنهاد و اصرار خود دولت و بالاخره بتصویب شورای انقلاب و تأیید امام رسید که دولت استعفاء بدهد و یک شورای انقلاب ۱۵ نفره تمام امور را بدست گیرد.

آقای مهندس بازرگان چندین بار در مصاحبات خودشان گفته بودند هرگاه استعفاءی ایشان را بپذیرند، عروس دوشان خواهد بود. پس از بازگشت از سفر الجزایر استعفاءی دولت، باز برخلاف صورت واهی و شاعرانه آقای مهاجرانی این خود دولت بود که متن استعفاء را به رادیو و تلویزیون

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۲۰

— ۶ —

برای انتشار داد. امام هنوز استعنا را نپذیرفته بودند. جریان کامل سفر صبح روز ۱۶ آبانماه ۵۸) سه نفر آقایان بهشتی - هاشمی رفسنجانی و موسوی اردبیلی به قم را مسئولین حاضر در گاه صلاح بدانند خواهند گفت. برادران نهضت آزادی هرگز مدعی قدرت نبودند تا برای از دست ندادنش تلاش کنند! وقتی دیدند کسانی هستند که خود را لایق ترو شایسته تر میدانند، مدعی هستند، بآنها واگذار کرده و بقبول آقای خامنه ای - رئیس جمهوری، نجیبانه کنار رفتند! اثر تشنه قدرت بودند، بدانگونه که کنار رفتند، کنار نمی رفتند.

حتی بعد از استعنا بدولت موقت هم باصرار شورای انقلاب اکثریت وزرای دولت موقت در پست های خودشان ابقاء شدند. برخی خود حاضر به قبول سمتی نشدند از جمله آقای دکتر یزدی که ظییرغم اصرار بایشان حاضر با دامه کار نبودند. تجلیل امام از مهندسین بازرگان بعد از قبول استعنا ای ایشان و با تأیید جدیدی که امام به آقای دکتر یزدی دادند و صداقت و نظر کار برادرانی که در شورای انقلاب و پست های دولتی بعد از استعفای دولت موقت، باقی ماندند نشان میدهد که نویسنده مقاله چقدر در این موارد بی اطلاع بوده و تشاوتی دروازه علم و انصاف نموده و متأسفانه از "حدود الله" تجاوز کرده است.

آنها در باره د عسرت نمایندگان احزاب سیاسی مختلف به وزارت خارجه توسط آقای دکتر یزدی در خرداد ۵۸ که نویسنده مخالف فاحشی خوانده اند و به بیانیه حزب جمهوری و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی استناد کرده اند، باید گفت که اولاً "دعوت از تمامی احزاب سیاسی بوده است نه ملاقات و مذاکره خصوصی با حزب توده و یا چریکهای فدائی خلق! و ثانیاً برخلاف نظر نویسنده، صحبت بر سر مشورت با آنها و تنظیم سیاست خارجی نبوده است بلکه توضیح سیاست خارجی دولت بوده است که در یک جلسه برای احزاب توضیح داده شد و در یک جلسه هم برای آنها اجرا شد. وزارت امور خارجه در همان موقع با اندازه کافی در این باب توضیح داده است. ثالثاً ما بر اساس اصول و مبانی اسلام که از کتاب خدا و حدیث و فقهاء آموخته ایم مذاکره با دشمن را خلاف شرع نمی دانیم و آنرا همیشه به رسمیت شناختن آنان نمی دانیم. روش پیامبرگرامی و ائمه اطهار مطرز نمونه های فراوان در این مورد می باشد. حزب جمهوری اسلامی نیز بعد از آنکه همین نظر را قبول دارد که اینک مرحوم شهید دکتر بهشتی با سران سازمان چریکهای فدائی خلق ملاقات و مذاکره کردند و هم چنین در یک مناظره و بحث آزاد تلویزیونی (۱۰/۳/۶۰) با شرکت نمایندگان احزاب توده و چریکهای فدائی خلق شرکت کردند. شرکت و حضور مرحوم دکتر بهشتی در آن بحث آزاد را نباید به مثابه برسمیت شناختن و صحنه گذاشتن برخیا نتهای

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

شماره ۱۳۲

— ۷ —

رهبری حزب توده • با جنایات رهبری چریکهای فدائی خلق در کردستان و گنبد • • • دانست • نویسنده •
محترم از عدالت بد و افتاد • است که مطلب روزنامه • مردم راکه رباکارانه برنامه سیاسی وزارت امور خارجه
را " منطبق با سیاست خارجی پیشنهادی حزب توده " یافته است امتیاز منشی برای آقای دکتر بزرگی
ذکر می کند

اولاً: نوشته روزنامه مردم بحق رباکاری حزب توده را نشان میدهد • و هشدار که مبادا فریب قسم و آیه و
سوگند های او که مدعی خط امام است بخورید • ثانیاً اگر این امتیاز منشی برای آقای دکتر بزرگی باشد •
حزب توده • که از این شعبده بازیها در رابطه با حزب جمهوری و روحانیت و دولت مردان گذری بحد و مسرور
و کرات کرده است!

۳- درباره تماس و ملاقات با نمایندگان سفارت آمریکا در تهران که نویسنده مقاله اطلاعات آنسرا
پهراهن عثمان نموده است! اولاً " که آن ملاقاتها به سخنرانی آقای مهندس صباغیان در مجلس
و انذار و اخطار درباره خط خیزده توده منشی ما چه مربوط است ؟

ثانیاً بارها این مسئله به تفصیل از جانب کسانی که در آن برنامه ها شرکت داشته اند شرح
داده شده است که تماماً با موافقت و اطلاع شورای انقلاب در آن زمان بوده است •
مرحوم دکتر بهشتی هم باین مسئله در اسفند ۵۸ جواب قانع کننده ای شرح زبرداده است

(کیهان ۵۸/۱۴/۲)

"س - آیا این محتدارد که شما با هیئت آمریکایی تماس داشته اید ؟

ج - با هرگونه ارتباط با شرق و غرب و این اشخاص • که جنبه کسک

خرامی از آنها بنا جنبه تناس و سازش با آنها داشته باشد

همیشه مخالف بوده • و خواهم بود و هیچوقت هم نداشته ام

اما اگر آنها بخواهند با ما ارتباط بگیرند • و تقاضای ملاقات

کنند • مطالعه می کنیم • آن متدین های سیاسی که ما با هیچ

خارجی تماس نگذیریم مبادا مردم بگویند که اینها با خارجی ها

حرف می زنند • من این رایج ضعف میدانم و هیچ فرد و روشنی

را که به این ضعف دچار باشد دارای عزت و توانایی و قدرت

برخاسته از توحید و ایمان به خدا نمی یابم • ما باید با مردم

روابط باز و روشن برقرار کنیم و بآنها بگوئیم که اینها تقاضای

ملاقات کرده اند و ما هم بنظرمان آمدن می تواند مفید باشد •

بنابراین پذیرفتم * و در این ملاقات هم با آنها از موضوع قدرت برخوردار داشتیم *

مرحوم بهشتی در محاسبه دیگری در ۳۰ بهمن ۵۹ و در همین باره می نویسد :

" من در سال ۵۸ در این مورد (مسئله ملاقات با نمایندگان سیاسی کشورهای دیگر) چنین اظهار نظر کرده ام که برای مشاوران یک کشور ملاقات با مسئولان و نمایندگان سیاسی یک کشور دیگر کارطردی است

در مورد ملاقات آقایان با آقای برژسکی هم اعتراض به اصل ملاقات مطلق نیست "

اما درباره خطا خزیده توده نفتی ها : گله برادرانه ما از نویسنده محترم این است که ایشان جای دوست و دشمن را عوض کرده و آنجا که قرآن دستور داده است مسلمانان "رحماء" باشند "اشداء" و آنجا که فرار بوده است "اشداء" باشد نسبتاً "رحماء" اند . با آنکه نویسنده از این گروه منافق و غرض طلب الحادى انتقاد کرده اند ولی لبه تیغ ایشان بطرفی نهضت آزادی ونه توده نفتی هاست . اگر در مقاله توجه شود ایشان کمتر از نوشته خود را با این گروه که طبق مدارک موجود در مراکز حساس مشغول توطئه است اختصاص داده اند این نیز شاید از بی اطلاعی نویسنده از مبانی اسلام و سوابق سیاسی این گروه باشد .

ثانیاً کجا آقای مهندس صباغیان در سخنان خود گفته اند که کمونیست ها برانقلاب ایران چنگ انداخته اند ؟ اینکاش روزنامه اطلاعات ابتدا سخن آقای مهندس صباغیان را نقل میکرد و سپس به نقد آن می پرداخت . که مسلماً خدمتی به خوانندگان می بود .

آقای مهندس صباغیان چنین گفته اند :

"در کلبه انقلابات جهان پس از پیروزی انقلاب
گرومی مستقیماً در برابر آن ایستاده و مخالفست
خود را آشکار می‌سازد و گروه دیگر تغییر قیافه داده
و هدفهای شوم خود را در زیر پوشش تند ترسین
و چپ‌گراترین شعارها دنبال می‌کنند و از این طریق
انقلابیون واقعی را با مشکلی عظیم روبرو می‌نمایند .
حوادث پیرامون پیروزی انقلاب ایران نیز این واقعیت
را بخوبی نشان می‌دهد . گرومی از دشمنان انقلاب
سیاست مقابله و رود رزوی مستقیم با جمهوری اسلامی
را اتخاذ کرده و علاوه بر اعمالیات در کارخانه‌جات
و ادارات و کارشکنی‌ها با جنگ مسلحانه درگنبد و
کردستان علیه جمهوری اسلامی قیام کردند ، گروه
دیگر که به خود « - نژاد - ها معروضند و رهبران انقلاب هم
بارها از آنان بنام " مارکسیست های آمریکائی " نام
برده اند تحت پوشش ظاهر خوب همراهی با انقلاب
بصورت خزند و روزه در نهادها با بتراضیه پرداختند
تا بتوانند علاوه بر مختل کردن اداره امور از داخل
محتوای اسلامی انقلاب را زمین بزنند و در هنگام
مقتضی غریبات لازم را بر بیگانه‌ها و انقلاب اسلامی
وارد آورند . و مجدداً مملکت را به دست ابرقدرتها
یعنی اربابان خود بسپارند " .

حال شما خواننده عزیز قضاوت کنید در کجای این سخنان صحبت از سلطه حزب بوده و که نیست ها
بر انقلاب اسلامی ایران شده است ؟ مگر آنکه به حرفهای رادیوی آمریکا بیشتر توجه شده باشد تا به سخنان
نابنده مجلس شورای اسلامی !

در سخنان آقای مهدی صباغیان صحبت از طیف وسیع شیوه های عملکرد دشمنان انقلاب اسلامی ایران
از جمله رهبری خائن و وابسته حزب بوده ایران است . صحبت از آنست که دشمنان انقلاب اسلامی
از جمله عناصر وابادی وابسته به امپریالیسم آمریکا یعنی همانها که از بدو انقلاب تاکنون مسلحانه در

به تائی
نهشت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۲۰

- ۱۰ -

در برابر انقلاب ایستاده اند و عمل می کنند زیر پوشش چپ و چپ تائی ، زیر پوشش کمونیسم و مارکسیسم ، زیر پوشش شراطی ترین شعارها ، رفته و در برابر انقلاب ایستاده اند . صحبت بر سر این است که ضد انقلاب مساراکی ها ، ساطلت طلبان ، ایادی و عوامل وابسته به امپریالیسم غرب ، بعد از سقوط سلطنت و پیروزی انقلاب اسلامی دیگر قادر نبودند با شعار " جاوید شاه " به میدان آمده و در برابر انقلاب ایستادند . آن شعار و آن برخورد دیگر کارآئی ندارد . آن موقع که شاه بود و تمامی قدرت را داشت توانست خود را محط کند . لذا بعد از پیروزی انقلاب ، ضد انقلاب ، جا عرض می کند ، از راست ترین موضع ، طرفداری از شاه ، به چپ ترین موضع ، یعنی در زیر پوشش سازمانهای چپ و افراطی و مارکسیستی قرار می گیرد . بطوری که ظاهراً چپاست ، توده ای است ، اما باطن اش ، نفی است ، عمق اش آمریکائی است . ظاهرش مردم را می ترسند و با شعارهای فرسند ، مردم را دچار گمراهی می کنند و انقلابیون را هم را دچار مشکلات سیاسی می نمایند . لذا صحبت از سگه هائی است که یک طرفش نفی مارکسیستی ، توده ای دارد و یک طرف دیگرش نفی آمریکا و انگلیس و صهیونیسم (نفی) را دارد . صحبت از وابستگی به امپریالیتهای شرق و غرب است که در هر حال دوروی یک سگه هستند ، چپ میزند اما سرد را خنک راست دارد ، و این خط خنزند ، و این جریان مودی ترین دشمن اسلام و خلق خداست . در این بحث ضحور ما از خط خنزند ، توده - نفی تنها رهبری خائن حزب توده نیست . اگر چه عملکرد سالکسان دراز رهبری حزب توده ، از عماد بقی بارز خط توده - نفی یا مارکسیست های آمریکائی می باشد .

این مسئله ، یعنی حضور و وجود و فعالیت خط خنزند ، توده - نفی ابداع و اختراع نهشت آزادی ایران نیست . بسیاری از کسانی که رویداد های کشورمان را از شهریور ۱۳۲۰ تا امروز بخاطر دارند و با عملکرد خطوط و جریان های مشابه در لبنان و بعث عراق و برخی دیگر از سازمانهای سیاسی آمریکائی لائیک آشنائی دارند متوجه اهمیت مسئله و حساسیت آن میباشند . سعی در معرفی این خط مرموز و خطرات آن برای جمهوری اسلامی و همدار مردم و مسئولان نموده می نمایند .

اوپناید . مقاله اطلاعات اگر بهمان اندازه که به مدای آمریکا گوش می کند به بیانات امام و ولتقرمدان توجه میکرد متوجه میشد که در کشور خود مان این مسئله آنقدر جدی است که از طرف امام و سایر ولتقرمدان به کرات بآن اشاره شده است و همدارهای فراوان داده شده است . ما ذیلا چند نمونه از آنها را ذکر می کنیم تا بدانید که حضور این جریان خنزند ، خط توده - نفی ، ابداع نهشت آزادی نیست بلکه یک واقعیت و خطر هست که باید بآن مقابله جدی شود .

۱- نشریه نگاهبان ارگان کمیته مرکزی انقلاب اسلامی در مقالاتی تحت عنوان شناسنامه حزب توده که شماره ۲۹ ۵۳۱] ۵۹/۱۷۷ - ۶۰/۱/۱۰ (ادامه داشته است بخش اختصاصی داده است به

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۲۰

- ۱۱ -

"اسناد رخنه عوامل حزب سوده در مراکز مهم" و چنین می گوید :

"حزب توده پس از انقلاب تعام سعی خود را بر روی نفوذ در نهاد های مختلف، گذارد. تا از این طریق بتواند قدرت خود را در بین مردم بیشتر نماید. توده اینها چهره مدحی و فریبکارانه به خود گرفته و در کارخانه ها و سرویس های مسلح جهاد سازندگی، کلاسهای پیکار با بیسوادی، مساجد و حسینیه ها، انجمن ها و شرکات، مدارس و دانشگاهها نفوذ کرده و با صبر و حوصله بسیار یک برنامه دراز مدت را جهت جذب اعضا برای خود پیاده می کند"

نویسنده سپس به شرح جزئیات این توطئه ها می پردازد و اسم و آدرس و مشخصات افراد حزب توده را که رخنه کرده اند و شیوه کار آنها را بیان کرده و در یک گزارش می بندد.

همین پیگیریها باعث شده است که تصفیه مائو در سپاه پاسداران، که یکی از حساس ترین و مهم ترین نهاد های انقلاب اسلامی ایران است و کمیته ها و برخی دیگر از نهاد ها صورت گیرد. این تصفیه ها که در برخی از مراکز حتی با درگیری جانی نیز همراه بوده است (نظیر تغییر فرماندهی سپاه در ارومیه) باعث سردی و جدجال و تحریکات و صیغ همین عناصر ضد انقلاب و دشمنان انقلاب اسلامی ایران شده است. برای اطلاع و یک نمونه آنرا ذکر می کنیم :

"سپاه پاسداران ارومیه و سایر نهاد های وابسته بدان در اسفند ماه گذشته بطور وسیع و همه جانبه ای مورد تصفیه قرار گرفت. و بسیاری از افراد مترقی و مبارزان از جمله شورای فرماندهی سپاه توسط هیئت باصلاح پاکسازی به سرپرستی "آیت الله محلاتی" از کار برکنار شدند" (کار- ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اکثریت) سه شنبه ۱۱ فروردین ماه ۶۰ - سال سوم - شماره ۱۰۳ - صفحه ۱۷)

و در همین شماره از کار، فحاشی ها و تهمت ها و افتراهای زیادی به اسناد اراستق آذربایجان رئیس آقای دکتر جمشید حقنورده شده است. همین شورای فرماندهی تصفیه شده در طی دو سال گذشته مرتباً در بسیاری از خرابکاریها بطور غیر مستقیم دست داشته است. از جمیع عملیات این عناصر، اسناد اراستق و همچنین جناب آقای ملاحسن نماینده محترم ارومیه مستحضر هستند.

۲- امام در پیام های مکرر خود باین خطر جدی توجه و هشدار داده اند. مثلاً در پیام غسود به عاصبت سومین سالروز جمهوری اسلامی ایران در مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته اند که :

"بعضی از پاسداران در بعضی نقاط کشور از طریق اعدال و شرع خارج و از مأموریت قانونی خود تجاوز و دراموری که مربوط به دادگاهها یا نهادهای دیگر میباشد دخالت ناروا می کنند ، بر رؤسای پاسداران در سطح کشور است تا از این نحو دخالتها که خلاف قانون و خلاف طریقه اسلام است جلوگیری و خود داری نماید . و اگر بعضی اشخاص این نحو دخالتها میکنند و ممکن است از گروههای منحرف بین آنان رخنه کرده باشند آنان را تنبیه نموده و اگر خلایق انجام داده اند تعویب دادگاهها را نباید "

سپس امام اظهارنگرانی کرده اند که :

"این ارگان فدائکار مؤمن و متعهد حیثیت خود را در بین ملت از دست بدهد و نفوذ افراد بعضی از گروههای منحرف و اعمال خلاف عقل و شرع آنان خدای بخواستم این جوانان عزیزان تلافی را بد نام کند " .
امام در اجتماع انجمن های اسلامی در رابطه با نفوذ عناصر منحرف و غیر متعهد با اسلام و دشمن انقلاب اسلامی چنین فرموده اند :

"توجه باین معنی باشد که در این انجمن ها اشخاص منحرف غیر متعهد به اسلام بلکه دشمن به اسلام نیا شد . آنهائی که میخواهند اسلام در این کشور تحقق پیدا نکند و از اسلام سیلی خوردند اند آنها در همه جا هائیکه با اسم اسلام یک انجمنی و مساجدی است و جاهائی دیگر گوشه دارند که در آنجاها نفوذ کنند .

در همین پیام باز آمده است :

"مگر این مطلب بمن گفته شده است که در انجمن های اسلامی اشخاص هستند که اسلامی نیستند ، اشخاص هستند که به نام اسلام و صورت اسلام در این انجمن ها آمده اند و میخواهند الحراف ایجاد کنند " .

در سخنان امام خطاب به جمع پرسنل شهرتانی و افراد پلیس تهران در ۵/۱۲/۵۹ :

" شما ها یک مردم صحیح ، یک مرد صادق و صاف دل هستید و بعضی از سیاسیون که نفوذ پیدا کرده اند از طرف اجانب در بعضی از جاها ۱۰۰ نفرها یک مردم شیطان هستند و میخواهند با همان مسائل شمارا وارد کنند در سیاستهای شیطانی و افتراق بین شما بیاندازند " .

همین مضامین را امام در سخنان خود خطاب به پرسنل نیروی هوایی در ۲۰/۱۱/۵۹ عنوان کرده اند :
" شما آقایان توجه داشته باشید که یک گرایشهای سیاسی یک تبلیغات سیاسی در ایران هست و شاید گروهها و با اشخاصی را باید در بین شما نفوذ کنند در بین شما ، و بآن

نهضت آزادی ایران

تابش ۱۳۲۰

— ۳۳ —

دیدهای سیاسی که انطباق با دین اسلام ندارد، سیاستهای شرقی یا غربی مسائل را القاء کند. شما در این گرایشهای سیاسی و در این مسائل سیاسی وارد نشوید، دیدهای سیاسی را داشته باشید مطالبات سیاسی مانع ندارد."

باز امام در جای دیگری خطاب به شورای عالی تبلیغات اسلام در ۵۹/۱۱/۱۸ بر مسئله رخنه عناصر ناپاب و دشمنان انقلاب اسلامی ایران در ارگانها و نهاد های انقلابی تاکید نموده اند:

"نه اینکه مانعمانم که الان ما گرفتار همباشیم داریم و اشخاصی فاسدی هستند که در همه ارگانها نفوذ کردند در همه کمیته ها، در همه دانشگاهها، در همه جاهای دیگر نفوذ کردند و برای خرابش کردن این جمهوری کارهای خفای میکنند."

برادر شهید مانرجائی در ۲۸ اردیبهشت ۶۰، در سمینار کارگران در مورد کارشکن ها و توطئه های خط توده - نفتی ها در کارخانجات و خطر جدی که در پیش است چنین گفتند:

"مخالفین اصلی انقلاب در محیط های کاری سازمانهای سیاسی در حد بالائی هستند از جمله حزب تود. رای شود نام برد و برای پاکسازی محیط ضرورت دارد که باین گزوه توجه خاصی بشود. آنها که با ما مبارزه مسلحانه می کنند شناخته شده هستند و حرفشان معلوم است. ولی آنچه که برای ما مطرح است گروههایی هستند که مذبذبه عمل کنند و متاسفانه خودشان را در خط امام معرفی می کنند و از خدای امام گرفته تا مستضعفان امام به هیچ کدام اعتقاد ندارند. اینها از دشمنان سرسخت اسلام هستند. به اعتقاد من اینها کسانسی هستند که مستقیماً از خارج از کشور دستور می گیرند و هرگاه دستور سازش باشد در مقابل بزرگترین حملات شما صبر می کنند و اگر دستور حمله باشد مظلومترین افراد جامعه را سر می برند. اینها ر. د و دوره مشخص خودشان را شناسانده اند."

"در دوره نهضت دگر تصدق اینها لحظه ای مجال ندادند به این مرد که به کار مبارزه با انگلستان بپردازد. هر روز که به خیابان می آمدیم از صبح روزنامه چنگیز پوشوی آید. پخش میشد و در مخرج دید قرار می گرفت و اعتبارات کارخانجات را راه می انداختند و آنقدر پیش میرفتند برای ما به کردن مسئله دولت که حتی شلوات امتحانات نهائی را هم در بین بچه ها پخش میکردند. هر شب در خیابانها درگیری بوجود می آوردند شاه و پاپس به اینها می خندیدند و اینها به جان نیروهای ملی می افتادند. اینها به میان مردم میرفتند و تبلیغ میکردند و می پرسیدند آنها خداست؟"

در نتیجه بزرگترین نیروهای ما در آن موقع مجبور شدند در جهت اثبات وجود خدا کتب مقدسه از قبیل آقای مهندس مهدی بازرگان و عبدالحسین کاشی و بسیاری از دوستان

بسمه تعالی
نهشت آزادی ایران

تابش ۱۳۲۰

- ۱۴ -

دیگر " .

زهیری حزب توده که دستخود را کاملاً روشده می بیند در مردم (۵ خرداد ۶۰) به رجائی حمله کرد . می نویسد :

" ما از اظهارات آقای رجائی علیه حزب توده ایران بغایت متعجب و متأسفیم ما نسبت

باین اظهارات خلاف واقع ، غیر منصفانه و افترا آمیز بدت معترضیم ."

سپس به آقای رجائی توصیه می کند که " پدرو خط امام " باشد ! او " کلام حکیمانه امام خمینی راهسواره در مد نظر داشته باشد ! ؟"

در همین چند روز قبل ، یعنی در آغاز هفته وحدت (۶ دیماه ۶۰) آیت اله منتظری در پیامی که برای مسلت ایران فرستاد بد چنین گفت :

" بسیار شنیده میشود برادرانی که در صداقت و حسن نیتشان شکی نیست ناخود آگاه تحت تأثیر جو کاذب و القائات مرموزی واقع میشوند که نتیجه ای جز تشدید جو سوء ظن و بی اعتمادی عمومی و منزوی نمودن افراد متدین اعم از روحانی و غیره که سالها در خط امام بوده و لحظه ای در انجام وظایف انقلابی چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب کوتاهی ننموده اند ، نخواهد داشت ."

اینگونه برخورد ها ، صحنه کار و فعالیت را از افراد مؤمن به انقلاب اسلامی و فدائوکار خالی می کند و در نتیجه به جای آنان ، افرادی فرصت طلب ، متعلق و غیر معتقد به مکتب و انقلاب ، منافق گونه جایگزین او میشوند . و در نهایت انقلاب از درون به بیچی و انفجار کشیده خواهد شد و بسط جوان مسلمان و متعهد به جای گرایش به اسلام خال و راداره انقلاب و کشور ، جذب گروه های منحرف و وابسته میشوند و این امر چیزی جز خواست دشمنان اسلام را در بر نخواهد داشتند رحمن رابطه مسؤلیت افراد مؤمن مسلماً " بیشتر از دیگران خواهد بود . آنان باید با در نظر گرفتن مصالح و آینده انقلاب و به کارگیری قاطعیت و پرهیز از محافظه کاری در برابر جریانات و جوه های معیوبتد روی های جاهلانه مقاومت کنند ."

" . . . افراد یک بعدی و تعدی و خیال نکند به اسلام خدمت می کنند آنان ناخواسته وجه بسا با حسن نیت زمینه را برای انحراف و سقوط اصل انقلاب فراهم می نمایند و با اعمال جاهلانه و خارج از قانون خود پرستی جمهوری اسلامی را در دنیا مشوثر می سازند و این امر گاهی بس بزرگ است " .

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۷۰

- ۱۵ -

" زبان ناشی از عملکرد اینگونه افراد تک بعدی و تنگ خوی، کمتر از زبان دشمنان اسلام نخواهد بود. اینان با پاک‌فطرت و حسن نیت خود عملاً به ادامه و گسترش انقلاب شریعه میزنند و در حقیقت دوستان نادان خطرناکتر از دشمنان خواهند بود. "

" بر همه ملازم است تا خود آگاه تحت تأثیر سوابق و جریانات شخصی جوها و عصبانیت‌ها قرار نگیریم و از میل و خواست درونی خویش بره خاطر اسلام و انقلاب بگذریم. "

بحث انگیز و تعجب آور است که درست در همان روزی که آیت‌الله منتظری چنین توصیه‌های راهبردی مطرح و مردم نعوذ اند مقاله اطلاعات منتشر میگردد ! !

آیا این جوگازب و القائات رمزری که در کشور بوجود آمده است و آیت‌الله منتظری بدان توجه کرده اند و هشدار می‌دهند ساخته و پرداخته نهضت آزادی است یا اینکه واقعی است و وجود خارجی دارد؟ آیا باید مدعیان پیروی از خط امام به هشدارهای داده شده توجه کنند و بمقابله بسا آن برخیزند یا بهای اطلاعاتی و پاک اطلاعاتی اسیران جو و القائات گردند !

طبرای آنکه ریشه این القائات رمزری را نشان بدهیم به فکرمونه‌ها و شواهدی می‌پردازیم تا ببینیم که چگونه میان دو جریان که یکی راست است و دیگری ظاهراً " چپ‌چپ ! " هماهنگی وجود دارد. در واقع هر دو یک خط هستند و یک صدا دارند و یک فن‌ادرا می‌زنند :

* مذاکرات سعید سلطانپور (مردوم) با بهار (۵۷/۸/۳۰):

" سلطانپور اظهار داشت که شهیده ام در پاریس قطب‌زاده و پزدی و بی‌صدرا و اورا (منظور امام را) احاطه کرده اند و تحت کنترل این سه نژاد کمونیست میباشد. حتی بدون وجود و حضور آنها سنجایی نتوانسته است با خمینی ملاقات کند. من این خبر را نوشته‌ام تحت عنوان محاصره خمینی و سبیل ابادی کمونیست که می‌خواهیم در روزنامه ام چاپ کنم. "

سلطانپور این صاحب‌رادر همان زمان در " پیغام امروز " چاپ کرد ! سلطانپور نگران محاصره امام توسط کمونیست‌ها ! بعد ها زیر کدام پوشش در برابر انقلاب ایستاد تا دستگیر و معدوم شد؟ چریک‌های فدائیان

* روزنامه خلق مسلمان (۵۸/۸/۱۲) ارگان حزب جمهوری خلق مسلمان ایران :

" براستی مانا چه اندازه مصم به قطع دستهای امریه در ایران هستیم و دولت (بازرگان) تا حد حدی محری خواستهای انقلابی و ضد امپریالیستی مردم است ! ! دولت بازرگان عملاً نشان داده است در برابر دخالتها و سلطه حوش امریه نقش نیرومندی

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

شماره ۱۳۲۰

- ۱۶ -

ندارد.

"مدتهاست که ملت فریاد میکند امیرالیهام آمریکا دشمن خطرناک و دسیسه کار انقلاب است در چنین حوی با مقامی چون برونسکی به گفتگو برداختن تنها نمایانگر ناهماهنگی میان اراده و عد امیرالیهام مردم و دیپلماتش گام بگام دولت است؟ باورکردنی است؟ روزنامه خلق مسلمان! و این حرفها؟ براساسی خلق مسلمانها بنظر نویسند مقاله اطلاعات به کجا وابسته بودند؟ که این جوردم از مبارزات "صد امیرالیهام" می زدند! نویسند و گذاش در همین روزنامه در ۵۸/۸/۲۰ نوشت:

"خط مشی اساسی و کلی دولت بازرگان تابع و بازتاب از مانیست دولت و قدرت حاکم بوده است. جهت اصلی حرکت دولت مسائلات با امیرالیهام و اتحاد روش کج دار و مریز بوده است. این رویه نه تنها از قاطعیت و سراحت لازمه یک سیاست خارجی فعال انقلابی برخوردار نبوده بلکه اساساً بر محور تمایلات سازشکارانه سرخپوشان است علل بنیانی چنین پیش روی را باید از ترکیب طبقاتی و سوابق اجزای قدرت حاکم جستجو کرد." از همه بازمشتر! اظهار نظر آقای مقدم مراعاتی است کدر ۵۸/۴/۸ می گوید:

"وزیران کابینه بازرگان انقلابی نیستند. جبهه انقلابی که بتواند ادعا کند در انقلاب جای داشته و در انقلاب نقش داشته باشیم!!"

روزنامه آیندگان: در همان زمان (۴ تیرماه ۵۸) بموازات و همصدا با خلق مسلمان نوشت:

"یک شش ماه اردی بهشت ماه سنای آمریکا بر رهبری سناتور جاکوب جاویتس طی قطعنامه ای به دولت و ملت ایران معلولت اعدام توکران جنسی و سرسپردگان امیرالیهام حمله کرد. با این حمله از طرف رهبری انقلاب و ملت ایران شدت پاسخ داده شد. اما عکس العمل دولت موقت شما هم چنان در برد ما بهام باقی ماند!"

و این نسبت در روش بود بعد دولت موقت بر اساس روزنامه آیندگان، با این چپ روی به کدام جریان وابسته بود! تنها این نشریات نبودند:

"روزنامه کارگران چریکهای فدایی خلق (۱۷ بهمن ۵۸)

"هنوز مهرهای اصلی کابینه بازرگان در راس حساس ترین ارگانهای حکومت هستند. مصطفی چمران، کسی که در ماههای گذشته بنیاد از همه خلقهای ایران خیانت کرد ماست هنوز وزیر دفاع است. بازرگان هنوز در شورای انقلاب است. این عناصر که همیشه علیه مردم

بسته تعالی
نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۲۰

- ۱۷ -

میهن ما با ایرانالیم امریکا هندست بود موهبتی بایک هم در میان تو ما ندانند ...
هنوز در آس کارها باقی مانده اند !
چرا بازرگان هنوز عضو شورای انقلاب است؟ چرا او را دستگیر و محاکمه نمی کنند ؟ چرا شورای
بازرگان هنوز در آس حساس ترین ارکانهای حکومت هستند !!
همین نشر معتدلی استحقاقهای او، خواست ۲۰ میلیون توده هاست ؟! من نویسد ...
* از سوی دیگر دکتر مصطفی چمران ۲۰۰۰ نفر مانده هان چنانکار ارتش کجا مانده است و تجمیع و
فقدانهای کردستان در نماز نام هستند اخیراً جلساتی تشکیل داد و تصمیم گرفته اند به
هر قیمت توده از استقرار صلح عادلانه در کردستان جلوگیری کنند ۱۰ این مطالب بالینیرالیم
امریکا در ارتباطند و برای رسیدن به هدفهای خود آماده شده اند که هر جنایتی را عیب
خلفهای ستمیده ایران مرتکب شوند *

این سخنان از گوی کسانی علیسر دار شهید اسلام دکتر چمران خارج میشد کصحن برادر نویسنده مقاله اطلاعات
را در کردستان گنند و امروز آزاد انبرای خود شان نشر منتشر می کنند ! و از ضامن آن جنایتان امر را بد باید !
و این تنها روزنامه های با اصطلاح چپ و پاراست یعنی تود خفتی ها نبودند که این چنین نغمه حساسی
شوس را سر میدادند بلکه راد یوهای بیگانه که منع تغذی آنها هستند نیز پس پس صدای امریکا ، صدای
اسرائیل و صدای ملی را در یوسکو هم می کشد و یک برنامه علیه انقلاب اسلام ما را داشته و دارند . در
موضوعه جنگ علیه مصدام ، برای ایجاد شبهه در ذهن رزندگان ما و اشاعه افکار چپ غیرگزاری تاس از مسکو
در بار برادر روزند ما - سردار شهید اسلام چنین گفت :

* دکتر مصطفی چمران بروایتولادیمرگزین چاروف مفسر سیاسی تاس :

* مردم این چهار سرزمین را در ایران خوب می شناسند . اگر با بیوگرافی چمران آشنایی داشته
باشم توجه خواهم شد که این دروغ برد از جا ار کجا ناشی شده است .

چمران پس از بارغ التحصیل شدن توسط دولت شاهزادی اد است تحصیل به امریکا اعزام شد و در
دانشگاههای کالیفرنیا مشغول تحصیل گردید سپس چمران در برنامه های هسته ای
پایگاههای هوایی آمریکا در بوکنلی و نیوجرسی مشارکت کرد و او خود اذعان کرده است
در تهیه سلاحهایی که آمریکا بر سرانه آن فلسطینی ها و ویتنامی ها را نابود کرده است
مشارکت داشته است .

او هنگامی که در آمریکا بود در تشکیل انجمن های دانشجویی که تحت کنترل سازمان سیا

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

شماره ۱۳۲۰

— ۱۸ —

بود شرکت کرده است .

چهران سپس ناظم لبنان شد و ریاست يك مدرسه ضد جاسوسی را بعهده گرفت .
پس از آن مدرسه نظامی "نوسط ساواک" تأمین می‌شد چهران بعداً "عضو کادر رهبری سازمان
نظامی امل شد که به همراه علائقیت های لبنان نیروهای چینی لبنان را بارها مورد تهاجم
قرار دادند .

اما با بالا گرفتن موج انقلابی در رهبری انقلاب مصطفی چهران تمام کوشش‌ها را بر آن برود تا رونق
حوادث را باینجا شگفتن تغییر دهد .

ظهور اظهارات عوام قربانه اش ، تمام رفتار مصطفی چهران دارای مارك ارتباط با "سیا" و "ساواک" و
روش کار تمام آن آزادمس های خیری نیز آشکارا در جهت جعلیات تحریک آفرین ضد شوروی چهران
است .

تردید بیست که تمام معجون هایی که چهران با استفاده از دستورالعمل های بی ارزش سرویس
های جاسوسی آمریکا و شاه ، ساخته و پرداخته است نمیتواند بر موضع اصولی شناخته شده اتحاد
شوروی که کرارا در مورد عدم مداخله در جنگ عراق با ایران گفته شده و قویاً از دوکشور
سلطان خواسته است تأثیر بخورد های مسلحانه خود که تنها منبع نیروهای امپریالیستی ، پایان
دهند خدشه ای وارد آورد .

بناستف باید متذکر شد که خیرگزاری فرانسه ، آشکارا و برای دومین بار از روی قصد در چند روز
گذشته در ارتباط با جنگ ، عراق با ایران ، دست به انتشار اتهامات واهی ضد شوروی زده است .
درک این مطلب که چنین خیرگزاری با تجربه ای بتواند دست با انتشار اظهارات بواضع مزخرف
و مخفکانه مردمی با چنین بیگانه سیاسی خشکونی زند ، مشکل است .

تعمی این ناسیها و فریادها و اتهامات و پرونده سازی علیه چهران از جانب مسک و بواسط اشرف را بران
بآن دلیل بود که خیرگزاری فرانسه بر است با دروغ از قول چهران نقل کرده بود که : تائکتهای عراقی در
حملات خود علیه ایران نوسط خدشه روس رانده میشوند و دلیل آنهم دستورالعمل است که بزبان روسی
داده میشود و مابین مخالفات را ضبط کرده ایم " !!

نشریه کار ارگان شعبه گروه ، در ۱۰ دیماه نوشت :

همان ارگسان لیبرالهای ایران حملات خود را علیه خط امام ، علیه نیروهای مترقی خواعی
که از خط امام حمایت می کنند علیه متحدان جهانی انقلاب ایران تبلیغات گسترده ای را

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

تابش ۱۳۲۰

— ۱۹ —

پایه های امپریالیسم جهانی به پیش می‌رسد !

آیا ناشرین این روزنامه جزو همان کسانی هستند که بارها اعلام باخراحت آنها را "مارکسیست آمریکایی خوانده است ؟ و اینها هستند که بارادیه اسرائیل هم صدا شدند * که در ۱۸/۱/۶۰ گفت :

"دیروز روزنامه پرترسراز میزان ارگان گروههای لیبرال ایران برشهری مهندسین مهدی بازرگان

توقیف گردید " !!

روشن است برجسب لیبرال به بازرگان و بارانش از کجا سرچشمه گرفته است !!

بیکاری دیگر از گروههای وابسته به این طیف همصدایش خود را با این دغمه ها چنین بیان کرده است

(۵/۱۲/۵۹) :

"میتینگ لیبرالها عوام مریخی است * اجازه ندهد لیبرالهای خائن این دشمنان خلعتی

عوام فریاد خود را در میتینگ روز ۵ شنبه دوست مردم جا بزنند *"

مردم - ارگان حرب غیر وابسته ! توده ایران در نهم اسفند ۵۹ همصدایش نوشت :

"پهروان خط برزیسکی" (بازرگان و شرکا) نهایت تلاشی خود را برای اجرای رهنمود ریگان

و تشریح امپریالیسم جنایتکار آمریکا بکار بردند *"

راه کارگر برای عقب نماندن از قافله نوشت (۶ اسفند ۵۹) :

"چرا آبرویا ختگانی نظیر بازرگان و بارانش که سراسر عمر کابینه اش سرشار از خیانت به مردم

است جرئت یافته اند که با برپائی متینگ و سخنرانی به ایران وجود به بردازند *"

رادیهو بختیار هم موافقت خود را با خط توده - نوشتی غا در ۶/۱۲/۵۹ ایران داشت :

"استعمار بین المللی غرب و همیشه حاکمه آمریکا به کمک ایادی خود که گروه بازرگان *"

مزدور را با پیمان قرارداد اشتند یک رژیم ارتجاعی را مردم تحمیل کردند *"

جل الخالق * بختیار برین اختیار از استعمار غربی صحبت می کند ! و در ضمن برنامه بازرگان را از

"واخوردگان سیاسی و بزدلی و پجران را" آوارگان بی وطن " می نامند *

در همین چند هفته گذشته ، بایک هماهنگی معنا داری ، روزنامه اتحاد مردم ارگان توده ای ما

همان چیزی را در باره نهضت آزادی نوشته است که صدای بختیار در مصاحبه با عصری بنام موسسی

اصغیان زاد عنوان نموده است *

آقای موسی اصغیان زاد ، را آقای دغائی و سایر برادرانی که در نجف بوده اند خوب می شناسند و

از سوابق ایشان مطلع هستند و روابط او را با مقامات و محافل خاص میدانند و از توطئه های او در مسعود

"نهضت روحانیت ملیهای خمینی" با خبرند همین شخصی در مصاحبه با صدای بختیار در شب ۱۷ دیماه ۶۰

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۲۰

- ۴۰ -

زشت ترین و وقیح ترین حملات و نسبت هارابه انقلاب و رهبری آن نموده است. و از جمله او هم مدعی می شود که بازگان یزدی و چمران و نهضت آزادی آمریکائی هستند!؛ همان تهمت ها و افترااتی را که روزنامه اتحاد مردم ارگان رهبری حزب توده و وابسته بروسیه در شماره های ۱۰۹ و ۱۱۰ خود عنوان کرده است ؟

ملاحظه می فرمایید که چگونه راست راست و چپ چپ با هم از یک آخور سرد می آورند. برابستی که

کفر ملت واحد است. و این سخن بروز واقعی چرمان توده - نفتی است.

۶- نویسنده ایراد گرفته است که چرا آقای مهندس بازرگان گفته اند مجاهدین فرزندان نهضت آزادی هستند؟! «اولاً ایشان مطلب را ناقص نقل کرده اند. آقای مهندس بازرگان مجاهدین و مکتبی ما مهربان و فرزندان خود و برادران هم خطاب کرده اند. آنها اشاره به فرزندان آنها بمعنای کفر و شرکت در گناه است؟ چرا نویسنده مقاله قرآن را ملاک و معیار قرار میدهد. مگر خبر ندانید که هابیل و قایل هر دو فرزندان پیامبر خدا بودند و برادر هم. آیا فرزند نوح پیامبر منحرف نشد؟ و نوح بر او دل نسوزاند؟

مگر نه اینست که برادر رشید طغان رجائی، تا پایان سال ۱۳۵۸ عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران نبود!

مگر در میان اعضای این گروهها از فرزندان برخی از مدعیان و روحانیون سرشناس قم نیستند؟ آیا خانواده آنها هم آمریکائی است؟ آیا رابطه فرزندی و پدری موجب می شود که پدر در ابحصراف فرزندان شریک و سهیم باشد و در پیشگاه خدا ملاحظه شود!

نویسنده مقاله نهضت آزادی ایران را مورد شطارت و ملامت قرار میدهد که چرا مجاهدین خلقت از آنها منتعجب شده اند و آنرا نتیجه تفکرواندیشه نهضت میداند؟

ما نمیدانیم معیار اسلامی نویسنده چیست؟ اما میدانیم که در نظامی مذاخوبواندیشه ها و از جمله اسلام، ابحصراف از خط اصلی و التفتاً علیاً اندیشه ما مشاییر بروز کرده است. در میان خوارج صدر اسلام کسانی بودند که سالها محضر پیامبر گرامی را در کتف کرده بودند و کلام خدا را مستقیماً از زبان رسول الله می شنیدند. اما هنوز نسلی بر آنها نگذاشته بود که معرفی شدند. مارتن، ناکشن و قاسطییین شمره های همان قرن اول هجری هستند. کدام عقل سلیم و معیار اسلامی گناه ابحصراف این دستجات را به پیامبر گرامی نسبت داد؟ و یا آنرا ناشی از ماعیت تفکرواندیشه رسول الله (ص) دانسته است؟ آخر با کدام معیار اسلامی سخن گفته اید؟

۷- تردیدان " ملتیت " بی صدر؛ ما اکنون در مقام آن نیستیم که نشان دهیم چه کسانی تردیدان

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

شماره ۱۳۲۰

- ۶۱ -

آن مثبت بودند و طبعاً همه آشنائی با اطلاعات و سوابقی که از وی داشتند او را به صحنه کشاندند ، تکبیرش نمودند و نمایندگانی را برای مجلس خبرگان کردند و در آرزوی "استاد" چیده ، قصیده هایی برای چاپ نظر کرده های مردم ساختند ! چه کسانی ، در برین از همین نهاد های انقلابی و جامعه روحانیت و احزاب اسلامی ، و در نمازهای جمعه ، زمین صحنه او را فراهم ساختند !
و چرا ! و حالا می گویند کی بود کی بود ما نبودیم ! ! این بحث را به فرست دیگری موکول نموده تنها بتذکر این نکته اکتفا میکنیم که سیاست ما در برابر ریاست جمهوری بی سند و برهمنای احترام برآی مردم و تأیید و توصیه شکر امام است بوده است .

در پایان اجازه بدهید سخن را با توصیه امام به نمایندگان مجلس در ۶ خرداد ۶۰ پایان دهیم :
"فرض کنید که یک نفر میرود وسائل خودش را می گوید انتقاد هم دارد . انتقادات آزاد است به اندازه ای که نخواهند یک کسی را خفه کنند یا یک گروهی را خفه کنند و از صحنه خارج کنند ، انتقاد برای ساختن و برای اصلاح امور دین لازم است ."

اللهم ربنا نمسنا بحسب و نعرض

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

۶۶ دیماه ۶۰

بسمه تعالی
تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ التَّقْوَىٰ

خواننده عزیز ،

این نشریه به منظور انجام وظیفه شرعی ، اجزای
فهرسته امر به معروف و نهی از منکر و ابلاغ بار رسالتی
که در شرائط کنونی انقلاب بدوش میکشیم تهیه شده
و در اختیار شما قرار میگردد .

در راه مقابله با مشکلات و محبدرت‌ها و تهدیداتی
که در انجام این خدمت خود نمائی میکند ، پس از
فضل الهی به کمکهای معنوی و مادی شما
تیساز میشویم .

لطفاً نظرات خود را به صندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹
ارسال داشته و کمکهای مالی را بحساب شماره
۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۳۱ مسازان)
بنام آقای مهندس توسل واریز و رسید آنرا
ارسال فرمائید .

تبریغات و روابط عمومی
نهیضت آزادی ایران

بها ۳۰ ریال

۲۰-۳-۱۱۸

X
نامه

مهندس بازرگان

به

مجلس اسلام خاتمه ای

دبیرکل حزب جمهوری اسلامی

نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۲۰

حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای سید علی خامنه ای
رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

با حمد خدای سبحان، درود بر پیامبران و شهدای آن و صالحان و با تجدید اسلام
و دقایعیت و توفیق برای آنجناب، بار دیگر زحمت افزا مشغوم
این نامه را به بریاست جمهوری و شخص جنابعالی بلکه به دبیرکل حزب جمهوری
اسلامی می‌نویسم. سلام و گلاله و اعتراض بحزب زیر نظر ارتان دارم. حزین که هتـسوز
نفرمید. ام چیز از روز تاسیس سرباسازی و بی لطفی (و بعداً بی انصافی) نسبت بدولت
موقت و نهضت آزادی و اینجانب داشته اند، در صورتیکه نظر شهید دکتر بهشتی در
مذاکراتی که سال قبل از پیروزی انقلاب با آقای دکتر سبحانی و بنده برای ورود درسایست
و تشکیل حزب داشتند ترکیب و توسعه نهضت آزادی ایران بود.

فعلاً از گذشته و از نیش و نیش های سنوات اخیر حرفی نزنه. با اجازه تان تنها دو جریان
را پیش می‌کشم و جنابعالی را قاضی می‌کنم. یکی سرمقاله ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ (ارگیان
حزب تحت عنوان "آیا سزاوار است" و چاپ نکردن جواب آن که خواهش نموده بودیم
شخصاً ملاحظه و اقدام خدای پسندانه ای که خود به پسندید بفرمائید (۱). جریان دوم که
نا روا تر از اولی است اینکه اجازه داده اند در چهارشنبه شب دوم ترمه جاری شخصی
که خودتان به تیراز بنده. بسوا پیش آگاهی دارید در مجلس عزای ماه رمضان برای تجلیل
از شهدای هفت تیر حزب و بدون آنکه مناسبی در کار بوده و غیر و رحمتی نثار ارواح آنان
بشود علیه نهضت آزادی و دولت موقت سخن پراکنی کنائی یا "عقدہ نکالی" بنمائید!
جنابعالی در آن شب حضور نداشته با احتمال قوی فرصت تماشای بخش تلویزیونی
را هم نکرده و شاید ندانید چه قلب حقیقی و ایراد اتهامات و تحریکات بعمل آمده.

x x x

بسیار ناگوار و باعث تاسف است در ایامی که ملت و دولتمان درگیر مسائل سربوشت ساز
ملکت و در حال مشکلات تاریخ ساز انقلاب و جهان هستند و ضرر فرد یا گروه باید با تعیام
وجود مشارکت و قبول مسئولیت بنمائید هر چند گاه فکرها و وقتهایی صرف حواشی
بی خاصیت و دفع اباطیل و حملاتی میشود که جنبه خصوصی یا گروهی دارد و دیگران مطرح
نماینند. چه کنیم که ایادی و افرادی دست بردار نبوده بانقشه منظم و برنامه مستمر

از راهبای اغوا و انحراف و افتراف به ایجاد جو بدبینی و بدخواهی و یعنی به تفرقه
ملت و تخریب مملکت میپردازد. اگر چیزی نگوئیم هم بلحاظ دفاع نفس که وظیفه هر
مظلوم در برابر ظلم است مسئول خواهیم بود و هم بلحاظ دفاع از حق و حقیقت و حقوق
مشاهه دیگران، که وظیفه مهتری در برابر خلق خدا و انقلاب و تاریخ است. مقصر
میشیم. معلومه خود شما اگر چنین ناسزاها را میشنیدید چه میکردید ؟
بعد از آن شب نه تنها دوستان اینجانب بلکه هر شنونده یا خواننده به طرف که آگاه
از واقعیتها باشد از خود میبرد چه نقشه و مدفن در کار است و غرض سخنران که میگفت
اعضای اولین دولت بعد از پیروزی انقلاب و مسئولین آنزمان آدمهای زرنگی بوده و وارث نظام
شدند تا حکومت لبرالسم و دموکراسی را بوجود آورند و امریکا را راضی کنند. چیست
معلومه چگونه و بدستور چه کسی این زرنگها روی کار آمدند ؟
جوانان و گردانندگان حزب جمهوری اسلامی آنها از امثال جنابعالی و آقای هاشمی
رفستجایی نشیده اند و میدانند که انتخاب و انتصاب نخست وزیر و تشکیل دولت حجت
نه روی زرنگی و فرصت طلبی و زمینه چینی ما بوده است و نه به پیشنهاد و تقاضای
اینطرف. همانطور که در مصاحبه ای اشاره فرموده بودید نظر و تصویب خود آقایان
مخصوصاً امام به این امر تعلق گرفته بود. خط مشی و برنامه دولت حجت نیز رد میشد
امام با انشاء شهید مطهری و توشیح ایشان صادر گردید. در آن فرمان آنها تصحیح به
اطلاع از سوابق مبارزات ملی و اسلامی و اعتقاد کامل نشده بود ؟ پسوند "دموکراسی"
بر جوان جمهوری اسلامی که بهانه تهمت و توهمین های سخنران آنشب و مغرضین
متعدد دیگر شده است مگر در اساسنامه مصوب شورای انقلاب در جلسه مورخ ۱۷ بهمن ۵۷
بر طبق نظر شهید دکتر بهشتی نهاده بود ؟ مگر رهبر انقلاب در مصاحبه های مکرر
تجف و پاریس کبر فرموده بودند که حکومت اسلامی یک نظام جمهوری و دموکراسی
است ؟ علاوه بر اینها مگر در طول مدت نه ماه مسئولیت چندین بار اعلام نکرده بودیم
که علاقه و اصرار باین مقام نداشته هر زمان که رهبری انقلاب و شورای انقلاب کمتسری
نارضایتی داشته باشند یا راه حلهای بهتر بنظرشان بیاید به درنگ کنار خواهیم رفت ؟
آدمیان و طاندنمان زرنگی بود یا " تکلیف شریعی " که از طرف اطم ارجاع و اصرار میشد ؟
اگر این جریانها حقیقت است چرا باید در مرکز حزب بگذارید (یا بخواهند) چندستان
اتاقک بیان گردد و صدا و سیما جمهوری اسلامی آنها را پخش کند ؟ و چرا یک جوان مرد

سلطان از همان آقایان درخواست که بحکم "ولا تکتروا الشهاده" و من یکتونها فانه اثم قلبه " شهادت بحق بدهد ؟

آیا نخبه‌یستی در برابر این باره سرائبها جواب داده میشد که باصغرئی و کبری چیدنهای سفسطه آمیز خرید ، رهبر انقلاب و یاران برکننده اود رشورای انقلاب را بدنام و شریک اصلی جرم میکنند ؟ آیا واقعا شما آقایان چه زنده ها و چه رفته ها گول ما هارا خورد . بودید یا ما سپردن کار بدست امثال ما تعزیه گران آمریکا شده بودید ؟ ..

در نه ماه عدولت عوقت کدام اتخاذ موضع سیاسی و اقدام اساسی بود که بدون اطبلع و نظارت و تصویب آقایان صورت بگیرد یا از شوری و از رهبری انقلاب که ارتباط متقابله منظم مستعداشتم پرده پوشی شود ، تا چه رسد که ساخت و پاخت با خارجی بکنیم . انصاف و شهامت داشتن و شهادت بحق دادن هم خوب چه چیزی است .

یقیناً خاطرتان هست و صورت جلسه های نزد آقای دکتر شیجانی گواهی میدهد که سه جلسه شورای انقلاب در حوالی شهریور ۵۸ اختصاصی به بحث و بررسی سیاست خارجی یافت و آقای دکتر یزدی در گزارش پیشنهادی هیئت دولت روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را منقسم و معطوف به سه دسته کشورهای (۱) ابرقدرت ها (۲) غیرمتعهد ها و مفرقه و (۳) مسلمانها نمودند که مورد تایید و تصویب قرار گرفت . فقط در مورد کشورهای مسلمان بعضی از آقایان و مخصوصاً شهید دکتر باهنر توصیه و تاکید بتوجه و توسعه بیشتر داشتند ولی شوری کمترین اظهار نظر و ایرادی نکرد که روابط خارجی مادر کلبه سوار در مبنای استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران با دوستی و احترام متقابله نسبت بحقوق طرفین باشد و در مورد ابرقدرتها سیاست موازنه منفی مرحوم دکتر صدق یاشمار " نه شرقی و نه غربی " انقلاب را تعقیب نمائیم .

آیا با امریکا ما جز به روش " کجدار و مریز " که کلام و جواب امام بمشوال ما در خیزداد ۵۸ پس از آنکه سفیر پیشنهادی آنها را نپذیرفتیم بود ، عمل کردیم ؟ فکر نکنم گزارش مفصل چهار ساعته را که آقای دکتر یزدی بعد از مسافرت گویا و سازمان ملل متحد و بعد از مذاکرات با وزرای خارجه کشورهای مختلف از جمله امریکا در شورای انقلاب داد و حاکمی از معرفسی روح انقلاب اسلامی ایران و مطالبه حقوق سیاسی و مالی ما ، تحویل گرفتن سلاحهای خریداری شده قبلی و تصفیه حساب سپرده های باقی مانده نزد امریکا بود ، فراموش کرده باشید . در آن جلسه چهار ساعته شورای انقلاب و دولت که در نخست و زهری تشکیل شد

آقایان جز تأیید و تشویق عکس العمل دیگری نداشتند . این مطلب را هم یقیناً از همان موقع
 بخاطر دارید که وزارت خارجه دولت موقت بعضی اطلاع از قصد آمریکا به انتقال شاه
 بهمانه معالجه و پیش از آنکه در هیچ سخنرانی یا راه پیمایی و شعاری مطرح شده باشد
 اعتراض شفاهی و کتبی نموده رسماً خواهان برگرداندن شاه و فرج گردید .
 باین اوصاف چه انصاف است که چنان داستانهای دروغ و نفاق آور درباره مادرحزب
 شط سرداده شود !

× × ×

البته يك سخنور حرفه ای با چم و خم های هنرپیشگی میتواند بسهولة از آسمان و ریسمان
 حوادث بافته وقایع مختلف و اشخاص مخالف را سرهم کرده حقایق را وارونه جلوه داده
 بیدریغ و بیشرطانه وانمود کند که :
 - ملاقاتها و مذاکرات رسمی غنی که با همه نمایندگان خارجی از جمله آمریکا انجام میگردد
 و کارچاری هر دولت است زد و بند های پشت پرده و گزارشگری با آمریکا پیونده است ،
 - امنیت مملکت در آن مدت و حرکت های سازندگی همراه با عدم تعرض و توطئه های آمریکا
 نشانه سازشکاری و مزدوری است ،
 - عمل ما انهدام انقلاب و سرشکستگی اسلام در جهان بود برنامه پیش ساخته برای مهار
 نمودن اسلام و کند کردن شمشیرهای اسلام داشته ایم (یعنی طی راهی که در پنج سال
 خلافت جز برای دفاع در برابر حملات داخلی شمشیرزده و قشون بیژنما نفرستاده
 است باید ضد اسلام و ضد رسول الله دانست) .
 - خلاصه آنکه دولت موقتی ما بدتر از بیلی امه و نهضت آزادیها ، لیبرال بودند ، لیبرال
 بمعنای بی خدا و خادم غریبها . . .

در نظر سخنوران منتخب حزب ، اسلام کسانیکه در بجهت اخذ تفریق داخلی و اتحاد
 خارجی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ ، علیه زد و زود و تزویر قیام کرده " شیعه سفوسی و
 شیعه طوی " نوشته محاکمه و زندانشان بخاطر " چرا با استبداد مخالفیم " و بدلیل
 خلع ید از شرکت نفت انگلیس و اعتراض عمومی بر ضد قرارداد کنسرسیوم نفت بود ، اسلام
 شاه عباسی و ناصرالدینشاهی و آمریکائی میشود ! . . .

پناه میبرم بخدا ! سبحانک اللهم هذا بهتان عظیم !
 پناه بخدا میبرم چون نه شورای قضائی و بازرسی کل کشور ترتیب اثر به اعلام جرمهای ما

میدهند، نه دادگاه انقلاب که قاضیش مدعی است دادرس میکند و نه حق و وفا در این جمهوری حاکمیت دارد. یقین دارم غیر از خدای حکیم عظیم مردم ایران و دنیا و تاریخ نیز قضاوت خواهند کرد.

اما بفرس که ما خائن بودیم آیا امام و شما هم خواب بودید؟ چطور گذاشتید ماجرای جنایات عظیم را انجام دهم و چرا اصرار به نگاه داشتن ما داشتید؟

نمیگویم از ما بلکه از خودتان، از رهبری انقلاب و از انقلاب دفاع فرمائید. با این ترتیب برای چه کس در کشور جمهوری اسلامی و در حزب جمهوری اسلامی حیثیت و امنیت باقی میماند؟

در حزب جمهوری چهار جای دولت موقت جهان کلاهها، کشمیرها و فخارگرانی ما که چگونه آمدند و رفتند و کارداران و سفیرای مکتبی که چگونه انتخاب شدند همه پناه دشمنان رفتند، مطرح نمیگردد؟ آیا دولت موقت دیناری از بیت المال به اجانب داد یا قرارداد و بیانیه ای برخلاف مصالح مملکت و تصویب مقامات قانونی امضا کرد؟

x x x

در نشریه ای بنام "ایران و اسلام" تجزیه تحلیل منطقی مستندی کرده گفته بودم که (اکثریت مبارزین مسلمان و فعالین دوران انقلاب) و بنده بعنوان فریضه دینی و ملیسی و وظیفه خود را "خدمت به ایران از طریق اسلام" میدانستیم اما سخنران "صدیق" نظریه ام را غیرممنون موجود بصورت "اسلام در خدمت ایران" تحریف نموده صادر دیگری علیه ما ساخته است. ما از پیشنهاد ایشان که حزب جمهوری یک میلیون نسخه از آن نشریه را چاپ و منتشر نماید استقبال نمینماییم تا همسوه بهت مشارالیه آشکار شود و هم اعضا حزب محترم و مردم مملکت که دید و دلشان فقط از یک کانال تغذیه میشود بر مبنای منطق و قرآن آنها بررسی و قضاوت صحیح بنمایند.

x x x

همه این ادعا و تحریکات و اتهامها برای شاعر مسلکهای مجلس آراء کاربری است. الشمره، بفتحهم الغا، الم تر انهم فی کل واد یهیمنون. یک فردی که تیسار رئیس ستاد کودتای ۲۸ مرداد و استاندار نایب التولیه طاغوت را طالع اشتر شاه لقب میدهند و جواب مثبت به فریاد مردم "انقلاب شاه و مردم" را فریضه دینی در مجلس آستان قدس شاهی و تلخین بنمایند و در روزگاری که ورق بر میگردد چاهلوس و غلو تبلیغش رهبر انقلاب

را به اعتراض و ابعاد دارد. اقتضای طبیعتش این است که به قدح و دشنام کسانی بپردازد که زمام مذهب و نظریه مبارزین و مسلمانان بوده به نشستن پای منبرشان در مسجد هدایت و خواستن مقدمه یا چاپ کتابهایشان افتخار و اتکاء مینماید.

هیچ گفتاری در دنیا آسانتر و در عین حال کثرتزاید نام کردن و تهمت زدن نیست.

بسهولت و سرعت میشود فضای مجلس یا کشوری را مسموم نموده برای نشو و نماي تخم های کینه و خصومت و برای اشاعه فحشاء و فساد مساعد ساخت.

معتزکاری هم مانند غیبت پیش خدا و خلق مورد بخشش و لغت است. وقتی سنی حضور امکان دفاع یا ارتباط با جامعه از فرد یا گروهی (چه نهضت و چه غیر نهضت) سلب باشد هرگونه حمله و ایراد در حکم غیبت محسوب میشود. غیبتی که قرآن تشبیه به چیدن و ارتزاق از گوشت برادر کشته مینماید.

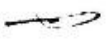
حال آیا حزب جمهوری با انتشار آن مقالات و اتکاء به این قماش افراد خدمت به انقلاب و به اسلام و جمهوری مینماید و میخواهد با پائین آوردن و سیاه کردن پایه گذاران و پیرسابقه ترین افراد مبارزه و انقلاب، موسسین خود و تازه واردان را بالا ببرد و رو سفید کند ؟

مگر حزب جمهوری اسلامی در "مواضع ما" اعلام نکرده است که "جامعه تک حزبی نیست" و احزاب و سازمانها و گروههایی که بر اساسی سلطان اند با هم رابطه برادرانه و مثبت و سازنده دارند. نه رقابتهای خصمانه که برادری و وحدت امت را برهم میزند و رشک و کینه توزی را بجای آن مینشاند ؟ آیا در عمل هم چنین است و این روشها آنها را در مرکز حزب مشغول "رسوبات اخلاقی نامطلوب که متأسفانه در جامعه ما وجود دارد... و باید عمسواره با آن درستیز بود" نمیشد ؟

مگر شما در همان "مواضع ما" اعلام نکرده اید که "نشر دیو و تهمت و افتراء و شایعه بیژگناه و متلوع است و درخور کفرو باید طبق شواهد قانونی از آن جلوگیری شود" ؟

x x x

اصلاً کبیرال گفتن بها و بکار بردن اصطلاح و اتهامی که اولین بار حزب توده خط آنرا داده و شخصی منافقی در روزنامه کیهان دامن زده بود چه معنی دارد ؟ صرف نظر از اینکه لیبرالیسم و ناسیونالیسم (یا ملی گرایی که غیر از ملی بودن و ملیون است و هر کدام از آنها درهما مفهوم و مورد داشته و هیچیک الزاماً مترادف و منادی شرک بخدا و رهائی



از قانون یا اخلاق نیست (چرا از طریق هوچیگری، قابل تطبیق با کماسی نمیتواند باشد که در مسجد و کلاس و کتاب و اعلامیه ها ایراد بهمه "ایسهما" داشته اثبات نارسائی آنها و نشی از خود کرده اند. کماتیکه برای اولین بار در ایران - شاید در کشورهای مسلمان - بطور علمی استخراج ایدئولوژی و نظام حکومتی از قرآن و اسلام کرده مرامهای شرق و مغرب اروپا و آمریکا را در قالب واحد "دنیاپرستی" جمع زده اند. باعلیه هرگونه التقابط و تقلید و با "آفات توحید" مبارزه کرده مدافع محکم اصالت اسلام و "بازگشت بقرآن" بوده اند. مگر مرحوم طالبانی و دکتر سبحانی و مهندس کتیرائی و بنده با خود شاعر و شهید مطهری و دکتر شبانی و فهیم و آن فرد منافق، بنا به پیشنهاد آقای احمدزاده یک هیئت مخفی در سالهای ۵۲ و ۵۴ برای تدوین جهان بینی اسلامی تشکیل داده شش هفته‌های کارجدی نکردیم که حمله ساواک در مشهد بخانه ای که فیشهای آن کارناهداری شده بود برنامه را متفرق کرد؟ مجدداً در سال ۵۵ در یک آفتاب نهضتی و انجمن اسلامی مشهد سهن نبود که تازه از زندان خلاص شده بودید و من از جنابعالی با اصرار خواهش کردم با فرصتی که دارید و با یادداشت‌های موجود آن جهان بینی را تمام کنید؟ حال آیا باید در حزب اجازه داده شود که مداحان حرفه ای رطب و یابیس بهم بافته بطور ضمنی سوابق انقلاب و خدمات خودتان و دوستان را سیاه کنند؟

x x x

نظیر چنین گفتارها و کردارها - و بدتر از آنها - در همه انقلابهای دنیا وجود داشته و گفته اند که انقلاب فرزندان خود را میخورد. در انقلاب کبیرفرانسسه. در انقلاب اکتبر روسیه. در چین و در جاهای دیگر حتی در الجزایر و غالباً دیده شده است که پیش از ضد انقلاب خود انقلابیها با رقابت برسر قدرت و بهانه اصالت مکتب چه طرد و کشتارها از قبلیها و خودیها کرده. تعویض و تصفیه ها بعمل آورده اند. مثلاً در شهریوی خصوصاً زمان استالین. اما آیا انقلاب ما هم که انقلاب اسلامی است باید چنین باشد؟ آیا در ایران شیعه بعد از چهارده قرن تفهیم و توسعه باید تجربه تلخ بنی اسامه و بنی عباس با قربانی شدن ابوذرها و صابریاسرها و حجر بن عدی ها و مخصوصاً اهل بیت عصمت و طهارت تکرار شود؟ در مساجد و مدارس و جمعه های جمهوری اسلامی ایران آیا باید سب و لعن های اموی اجرا گردد؟ البته در مکتب مارکس و انقلابیهای دیالکتیکی تز و آنتی تز هستی هر مولود وابسته به نیستی والد است و ظهیر می خواهد بود که چنین سر نوشت شامل هر "والد" و "مارکس" بشود.

در خاتمه لازم است عرض کنم که ما ناراحتی و اعتراض باینکه روزنامه یا محیط حزب جمهوری اسلامی نظریات مخالف داشته انتقاد و ایراد بنا و بهر گروه و مکتب دیگر بگیرد نداریم. این راهم نمیگوئیم که نهضت آزادی یا حزب شعاع یا هند روی ها و با افکار رائج و کارمائی که میشود اختلاف نظر نداریم و تأیید کننده چشم و گوش بسته خرجسریان هستیم. اعتراض ما به اظهارات ناحق مغرضانه و اتهامات ظالمانه است و به انحصارگری و یکطرفه بودن آزادی زبان و قلم و عقیده. والا از اظهار نظر آزاد و از اختلاف و انتقاد استقبال نموده سرکوبی آزادی و محرومیت یک جامعه یا مکتب را از مواجهه با نقاید و آراء مختلف و مخالف باعث رکود و خاموشی و خرابی آنها میدانیم. بهر مورد به نظر برمان اختلاف امتی رحمه.

همه حرف و دعوای مابرسر آزادی در ضمن حدود قانون اساسی است.

حال آیا حزب محترم جمهوری طرفدار اختناق سایه‌ین و انحصار برای خود و معتقد به صنعت و علم مطلق برای اعضا، خویش و لو کلامی ها، کشمیری‌ها و فخار کرمانی‌های دیگر که هنوز دستشان رو نشده است میباشد؟ وجود اختلاف و انتقاد را ولو در چارچوب قانون اساسی الحاد و خیانت تلقی مینماید؟ فکر نمیکنند که بدون آزادی عقیده و بیان و اجتماع صورت کشور و انقلاب از اشتباه و انحراف و از فساد و ظلم و دیکتاتوری محال است؟ با بودن آزادی و برابری گروههای قانونی عدالت اجتماعی، اهمیت قضائی و مهتر از همه فریضه حیاتی امر بمعروف و نهی از منکر تعطیل نخراند شد و فرمایش رسول اگر محقق نخواهد یافت که *لَنْ نَقْدِسَ اِنَّهٗ لَا يُؤْخَذُ فِيهَا حَقُّ الضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي غَيْرِ مُتَمَتِّعٍ*؟

هچمین است دیدنهای افکار و علوم و اقتصاد که اگر آزادی فکر و تحقیق و تالیف و اجازه تغیر و ابتکار وجود نداشته باشد ابواب اصلاح و اکتشاف و اختراع بسته میشود و جامعه به خود جوشی و خود کفائی و استقلال نخواهد رسید.

از نظر سیاسی و حکومتی نیز بخوبی میدانید که اصل مشورت و استی که هم بهر بزرگوارمان در اداره امت حتی با ناجورترین افراد رعایت میفرمود بهم توسعه ای است که بخود امت در امور عمومی و اجرائی فیما بین شده است تا ایجاد حکومت علی پیشرفته است که اظهار نظر و دلالت و احیاناً انتقاد بخودش را وظیفه و غنیمت میداند و بمالک اشتر میفرماید را اجرای دستورهای من پیش خدا مسئول بود. *نَبَاهِدُ الْمَأْمُورُ مَعْدُورٌ بَلْثَوِي بَلَنَكِهٖ* و اگر خلاف حکم شد ابدی عمل نکنی...

با این ترتیب چگونه در حزب جمهوری و ارگانهای رسمی و غیر رسمی آن اجازه داده میشود

درباره غیرخودشان و بجرم اختلافات سلیقه‌ای و نظری و روش هرگونه نسبت ناروا و تهمت
به خیانت و جنایت و کفر داده شود و نظریات غیرموافق در حکم الحاد تلقی گردد ؟

باتشکر از حمایتی که فرموده اید
والسلام علیکم ورحمه اله وبرکاته

مهدی بازرگان

دبیرکل نهضت آزادی ایران



این نشریات را میتوان از دفتر نهضت آزادی ایران واقع در خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان شماره ۴ دریافت نمایید :

- ۱۳۶۰ آبان * قطعنامه نهضت آزادی ایران - کنگره سردار شهید دکتر چمران
- ۶۰/۱/۱۵ * مکاتبات آیت ۱۰۰۰ مددجویان مهندسین بازرگان
- ۶۰/۱۰/۱۰ * نطق پیش از دستور مهندس هاشم عباسیان در مجلس شورای اسلامی
- ۱۳۶۰ بهمن * درباره وسوسه های خناس بزرگ - صدای آمریکا چه میخواهد ؟
- ۶۰/۱۱/۱۳ * پاسخ به روزنامه های گنجهان و جمهوری اسلامی
- ۶۰/۱۱/۱۵ * پاسخ به اطلاعات پیرامون مکتوب هفته
- ۶۰ بهمن ۱۵ * بیانیه بمناسبت سویمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
- ۶۰/۱۱/۲۳ * شورای انقلاب و ودولت موقت از زبان مهندس بازرگان
- ۶۰/۱۱/۲۸ * سیمای دولت موقت در پنج سد
- ۶۰/۱۲/۲۹ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالروز ملی شدن صنعت نفت
- ۶۱/۲/۹ * جوابیه نهضت آزادی ایران به سرمقاله " آیا سزاوار است ؟ " روزنامه جمهوری اسلامی
- ۶۱/۲/۲۳ * بیانیه بمناسبت بیست و یکمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران
- ۶۱/۳/۸ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به علماء اعلام و حجج اسلام ائمه جمعه
- ۶۱/۳/۹ * نامه مهندس بازرگان به آیت ۱۰۰۰ محمدی گیلانی
- ۶۱/۳/۱۹ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر آموزش و پرورش
- ۶۱/۳/۲۹ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالروز شهادت دکتر شریعتی
- ۶۱/۳/۳۱ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالگرد شهادت دکتر چمران
- ۶۱/۴/۱ * تلاش دولت موقت برای جلوگیری از جنگ تحمیلی عراق
- ۶۱/۴/۲۰ * ویژگیهای خواجه آنتیاکه علی (ع) راکشند
- ۶۱/۵/۱۰ * نامه مهندس بازرگان به حجت الاسلام خامنه ای دبیرکل حزب جمهوری اسلامی
- اردیبهشت ۶۱ * بررسی قانون اراضی شهری
- تیرماه ۶۱ * تحلیلی درباره بازرگانی خارجی
- مرداد ماه ۶۱ * نیلای نقد نهضت آزادی ایران
- شهریور ۶۱ * نگاهی به اوضاع لبنان
- ۶۱/۶/۲۵ * نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
- آبان ۶۱ * پاسخ به حملات وسیع و گسترده علیه نهضت آزادی ایران پیرامون
- ۶۱/۹/۱ * نامه سرگشاده به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
- ۶۱/۹/۲۹ * شانزده آذر بهاد حماسه مقاومت دانشگاه و سه قلعه خون یاران دانشجو
- ۶۱/۱۱/۱۶ * نامه سرگشاده به رئیس دیوان عالی کشور
- بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

بِسْمِ تَعَالَى
تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ

خوایندگی در نیکی و تقویٰ

این نشریه به منظور انجام وظیفه شرعی، اجرای
وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ بار رسالتی
که در شرائط کنونی انقلاب بدوش می‌کشیم تهیه شده
و در اختیار شما قرار می‌گیرد.

در راه مقابله با مشکلات و محدودیت‌ها و تهدیدات
که در انجام این خدمت خودتعالی می‌کنند، پس از
فضل الهی به تکمیل معدوی و معنوی شما
تیمار می‌نماییم.

لطفاً نظرات خود را بصندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹
ارسال داشته و کتبهای مالی را بحساب شماره
۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۲۱ بهسازان)
بنام آقای بهندیس توسلی واریز و بپردازید.
رسال فرستادیم.

تبلیغات و روابط عمومی
نهضت آزادی ایران

مهندس بازرگان

به

آیت ا... محمدی گیلانی

پاسخ میدهد

دفتر

مهدی بازرگان

مجلس شورای اسلامی ایران

کمیته تقاضای

تاریخ ۶۱/۲/۹

شماره ۱۷۰۹

پست

روزنامه محتسرم جمهوری اسلامی

در مساحبه منبر آن روزنامه با آیت اله مهدی کیانی مطرح در شماره ۸۵۸ مورخ ۶۱/۲/۲۸ آن روزنامه مطالب خلاف واقعی درج شده است که جنبه افترا و تهمت علیه دولت موقت و جناب آقای مهدی بازرگان دارد. با ارسال یک نسخه جوابیه ایشان انتظار دارد بر اساس حق و عدالت و قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب نسبت به درج آن در اولین شماره آن روزنامه و در همان صفحه اقدام بفرمایند.

با وجودیکه مسئولان آن روزنامه جوابیهائی را که قبلاً بر اساس قانون مطبوعات ارسال شده است درج نکرده اند، ما باز هم به وظیفه اسلامی و قانونی خود عمل میکنیم و انتظار داریم فلسفت خدا، جو و حق ظالمین مسئولان آن روزنامه هر چه زود تر بخود آید و به وظائف اساسی و عادلانه و قانونی خود گردن نهیند. زیرا اگر روزنامه ای که ارگان حزب حاکم جمهوری اسلامی است به قانون عمل نکند و خود التکویراً اسوه ای برایین معیارها و ارزشهای اسلامی نباشد از دیگران چه انتظاری میتوان داشت - دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

دفتر مهدی بازرگان

آیت الله جناب آقای شیخ محمد معدی گیلانی
رئیس و حاکم شرع دادگاههای انقلاب مرکز

پس از سلام و دعای توفیق آنجناب در آنچه رضای خدا و خدمت مخلق است
زحمت افزا میثوم :

مصححه ای در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ م
جنابعالی شده بود که قسمتهائی از آن اشاره و ارتباط بدولت موقت و شخص اینجناب
داشت . از آنجا که صیانت قضات شرع از اظهارات خلاف حق و از اطلاعات خلاف
حقیقت وظیفه ملی و دینی همه بوده و برای سلامت و امنیت جامعه ضرورت دارد مسا
کسانیکه باید مدافع سرسخت حقوق و حیثیت افراد و تمیز کننده مشتبهان و متعبدیان
باشند دچار جو زدگی اشتباه و افترا نگردند ، لازم دیدم بمصداق " تذکران الذکری
تلغ المؤمنین " توضیحات و تصحیحات ذیل را باستحضارتان برسانم و ضمناً خواهش
کم (براساس قانون مطبوعات مورخ ۵۸/۵/۴۰ م) صوب شورای انقلاب که مطبوعات
را طرز بدرج جواب و دفاع متهم شدگان و توهین شدگان ممنوع است (بروزنامه مصاحبه گر
تاکید فرمائید برطبق ماده ۱۵ و ۱۶ آن قانون متن این نامه را در اولین شماره
خود چاپ کنید .

قرآناً از اینکه بیانات جنابعالی لا اقل لمن معقول و منطقی داشته است تشکر و
اظهار امیدواری می‌نمایم .

در مصاحبه پس از ادای بسم الله الرحمن الرحیم چنین فرموده اید : " از آنساز
پسروزی انقلاب و شکل گیری دولت موقت جناب آقای بازرگان با اشتباه در کار بسوده
یا املاء و دیکته از بیگانگان و تعددی در کار بوده که تلاش می‌شود نهاد های انقلابی
با حمله هائی تضعیف شوند ، بلکه از بین بروند ، یکی از این نهادها دادگاههای
انقلاب بوده است . شاید یادتان باشد که خیلی تلاش از طرف دولت موقت میشد که
اساس دادگاههای انقلاب مثلاً برچیده بشود و یا سپاه پاسداران جمع شود . "

ذیلاً با اجازه شعاعیت بهر یک از موارد اتهامات غیر وارد و خلاف حق توضیحات
و شواهدی می آورم :

(۱) مائیس که گناه است .

جناب آقای حاکم شرع و رئیس دادگاههای انقلاب مرکز چگونه این فرضها احتمال
را بذهن و زبان خود راه داده اند که املا و دیدگته ای از بیگانگان در کار دولت موقت
بوده باشد در حالیکه شورای انقلاب و شخص امام علاوه بر تصریح به اعتماد و اطلاع از
سوابق ایشان و مبارزات ملی و اسلامی نخست وزیر منتخب خود و تصویب فرد فرد وزراء ،
شکارتی نزدیک با دولت موقت و استحضار و مشاوره و نظارت مستمر بر افعال و اعمال
آن داشته اند ؟ امکان چنین نقلت و اجازه چنان املا و دخالت را چگونه توجیه میفرمائید
و آیا قابل تصور هست و نموده و شواهدی دارید که دولت موقت حيله گریا ظالماً غامداً
اشتباه نگارنده است ؟ ما تو با برهانکم ان کنتم صادقین .

درست است که اتهامات فوق را که در پیش مردم و نزد خدا بسیار سنگین و پر کفایت
است بشریس قاطع وارد نکرده احتمال داده اید ولی آیا همین بدگمانی از مصادیق
صلح " ان بعض الظن الیم " نیست ؟ آیا سزاوار است کسی در مقام و موقعیت
جناب عالی به پیروی از جو سیاسی حاکم و تبلیغات راجع به دور از علم و یقین و بدون ارائه
مدرك و برهان اصل قرآنی " ان الظن لا یغنی عن الحق شیئاً " را زیرا گذاشته بزرگترین
تهمت را بکسی و یکسانی که تنها جرمشان اعتماد و اجابت دعوت رهبر عالم فخر و شورای
انقلاب بوده است وارد سازد ؟

۲) دولت موقت و دادگاههای انقلاب .

خواهش میکنم بفرمائید چه تلاشی از طرف دولت موقت برای برجیدن اساس نهاد های
انقلابی از قبیل دادگاههای انقلاب و سپاه پاسداران و یا جهاد سازندگی بعمل آمده
بود ؟

شاید جناب عالی استحضار ندارید که اصل فکر و درخواست کننده و پیشنهاد دهنده
اساسنامه نهاد های نامبرده در بالا دولت موقت بوده است ؟ و دولت از هر فرصتی برای

تأیید و تقویت و تزکیه آنها استناد کرده است .

آیا در تجدید ترکیب هیئت دولت برای رفع تعدد مراکز تصمیم گیری و استرازا از تعارضات اجرائی، اصرار از طرف اینجانب بعمل نیامده بود که یکی از حضرات موسوی اردبیلی و دکتر بهشتی عضو دولت شده وزارت دادگستری و سرپرستی دادگاههای انقلاب را توانا مهسده دار گردند ؟ کاری که بعداً در قالب شورای قضائی انجام گرفت .

وظیفه دادگاههای انقلاب طبق نظر امام و اساسنامه صوب شورای انقلاب تعقیب و محاکمه و کیفر ماهشین و آمرین کشتارهای دوران انقلاب و ظرگتران بیت المال بود و تنها حرف دولت بنا به مسئولیت خطیری که بمعهده اش گذاشته شده ، و مورد تأیید و دستسور کنش امام نیز قرار گرفت ، این بود که احضار و بازداشت کارکنان دولت با اطلاع و همکاری وزیران مسئول انجام شود تا با پیش بینی های لازم ، وقتسده و اغلال در اداره امور مملکت در آن شرایط سخت پیش نیاید ، نه آنکه دادگاهها بکلی تعطیل گردند .

حقیقت امر و جریان واقعی کار درست عکس آنچیزی است که به مد یابه جهل شایع ساخته دولت موقت را مطاشات کنند ، با ضد انقلاب و مدعی دادگاههای انقلاب قلمداد نموده اند . علاوه بر این دولت اسرار داشت که دادگاههای انقلاب کار اصلی خود را روی رسیدگی به عناصر و جریانات " ضد انقلاب " که بعد از پیروزی انقلاب دست بگسار تخریب و براندازی جمهوری اسلامی میزنند متمرکز سازد . جنابعالی میفرمایید به نامه مورخ ۵۸/۲/۱۵ دولت موقت بعنوان رهبر عالیقدر انقلاب و شورای انقلاب مراجعه فرمائید ، آنجا که نوشته و مصرا خواسته بودیم : " دادگاه انقلاب به اتهام متاصر ضد انقلاب که حالیت داشته و سر نوشت انقلاب و جمهوری اسلامی را تهدید میکنند با تقاضای دولت جدا رسیدگی نماید و وظایف ابراز دارد " .

آد دولت موقت و سپاه پاسداران .

مناظور که گفته شد اصل فکر و پیشنهاد دهنده و تشکیل دهنده سپاه پاسداران دولت موقت بوده و شماره مورد تأیید و حطیت قرارداد داشته است من باب مثال چند مورد را ذکر میکنم :

در سخنرانی اینجانب در استاد یوم ورزش تبریز در ۵۸/۱/۴ در مورد سپاه چنین آمده

خیابان استاد مطهری پلاک ۲۳۲ (کد پستی ۱۵۸۸۸)

است :

" این پاسداران انقلاب ، اینهایی که از وقتشان ، از راحتیشان از همه چیزشان میگذرند و همچنین با جان و دل و باجمل و رغبت و با محرومیت پاسداری و همکاری میکنند واقعا گذت میبرند " .

در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران در ۵۸/۴/۱۱ چنین گفته ام :

" ... بعنوان کسی که خودش را دوست و ملت را مدیون و معنون شط میدانم آمدن با شما صحبت کنم . باید این انقلابی که تا اینجا رسیده است بدوشر اشکال شماها و دیگران باز هم ادامه پیدا کند . یعنی باز هم همکاری باشد . هم با دولت و هم با رهبری . دولت مأمور خدمت و انجام وظیفه است . باید با آن همکاری کرد . در آن خط آمد و آن راه را گرفت . برای اینکه راه م (راه دولت) راه امام ، راه شورای انقلاب و راه انقلاب و راه اسلام است "

" بنابراین کلمه واحد ، رهبر واحد و در ذیل آن باید یک محور باشد . دو محور و سه محور . یعنی پاسداران به روش خودشان ، کمیته ها به روش خودشان ، مراجع تقلید به روش خودشان ، جبهه ملی به روش خودشان . دادگاهها به روش خودشان ، این نمیشود . باید روشها یکی باشد . یعنی با توجه به ضرورت حالت حاضر انقلاب که دوران سازندگی است کوچکترین تشکیلی و تفرقه ای و اختلافی و کوچکترین عدم همکاری و عدم پشتیبانی از این محور و از این راه سقوط ما است .

بنابراین شکر خدا بخاطر نعمت دیدار و اطلاع از جمعیت و تشکیلات و اتحادی

که داده ، امتنان و دعا ی پیروزی و توفیق برای شط دارم . "

از کجای این سخنان "تولنه و بنا حیلہ هائی برای تضعیف سپاه " استنباط میشود ؟

۴- دولت موقت و جهاد سازندگی .

درباره جهاد سازندگی ، مگر این دولت موقت نبود که طرح آنرا تهیه و پیر از تصویب امام آنرا بمرحله اجرا گذارد ؟ و تمام کوشش و تلاش خود را برای موفقت جهاد سازندگی در تحقق برنامه های معقول و حساب شده اش بکار میبرد ؟

در پیام مخصوص که در ماههای اول تشکیل، اختصاصاً در مورد جهاد سازندگی تهیه و از رسانه های گروهی منتشر شد چنین گفته ام:

بسم الله الرحمن الرحيم

"والذين جاهدوا فيما لهدينهم صلنا وان الله لمع المحسنين"

درد بر شهدای جهاد سازندگی که در مرحله ی دوم انقلاب، با هدفی ساختن جامعه توحیدی جان برکف نهاده شربت شهادت نوشیدند.

سلام بر همه خواهران و برادران دانشجو و دانش آموز که با شور و اشتیاق الهی و انقلابی خود، برای خدمت به برادران و خواهران محروم در روستاهای دور افتاده کشور مشغول خدمت گردیدند.

سلام بر همه صوطلبانی که پیروزی مرحله سازندگی انقلاب را بیض شدند مرحله تخریبی آن ارج نهادند و بدببال و از کون ساختن نظام ظلم، برای برپا داشتن نظام عدل جهاد کرده اند. با آرزوی توفیق برای همه گروههای اجتماعی کسبه در این نهضت مقدس با اخلاص و ایثار همکاری و مجاهدت نمودند.

صلیت و تهنیت دوات به تمام خانواده هایی که جوانانشان در این جریان شربت شهادت نوشیده اند و یا خدمات و یا خسارات مضطرب را متحمل گردیده اند.

سه گزارش کوتاهی از آنچه که در آن مدت (۵ ماه بعد از آغاز برنامه ریزی برای جهاد و سه ماه بعد از دعوت امام) انجام شده بود بشرح زیر داده شد:

۱- بکلیه ادارات و سازمانهای دولتی ابلاغ شد که همکاری صحیحانه و تأمین وسایل مورد نیاز جهاد سازندگی را در حد امکانات خود بنمایند.

۲- بکلیه وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی ابلاغ شد که برای انتقال کارمندان داوطلب دوات به جهاد سازندگی موافقت نمایند.

۳- به ارتش جمهوری اسلامی خصوصاً تأکید شد در همکاری و تأمین پرسنل و وسائل و تجهیزات مورد درخواست طرحهای سازندگی علاقمند باشند و همینطور هم شد.

۴- تصویب و ارسال ۲۰ میلیون تومان برای هر استان کلاً مبلغ چهار صد و هشتاد و شش میلیون تومان.

خیابان استاد مطهری پلاک ۲۳۲ (کد پستی ۱۵۸۸۸)

۵ - تصویب مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار برای نیازهای ضروری روستاها از طریق جهاد سازندگی .

۶ - در اختیار قراردادن آنقدر از اعتبار موقوفه درآمد یک روز نفت که جهاد سازندگی میتواند در هراستان جذب کند .

۷ - ایجاد شوراهای دفاتر جهاد سازندگی در استانهای پاکک و همکاری نمایندگان امام و نمایندگان دولت .

۸ - تهیه اساتید جدید جهاد سازندگی که اجازه توسعه و سرعت فعالیتهای برنامه ها و طرح های آنها بتعمو بهتری ممکن میسازد .

۹ - ایجاد سازمان لازم برای چاپ مجله جهاد سازندگی که هدفش پیوند بیشتر دادن مردم شهرها و روستاها توأم با انگیزش و آموزش در جهت هدفهای جهاد سازندگی و آگاه کردن مردم از فعالیت های انجام شده است .

۱۰ - دریافت حدود ۲ میلیون تومان از طرف مردم برای کمک به امور جهاد سازندگی .
 ۱۱ - اعزام هزاران خواهر و برادر جوان دانشجو و غیر دانشجو به روستاها و نقاط کشور ."

و بالاخره دریابان همین گزارش آمده است که :

" بنابراین امیدوارم که جهاد سازندگی خود را بتعمو سازمان دهد که بتواند مؤثرتر از هر زمان دیگر با اجرای طرحهای عمرانی بپردازد . قادر به استفاده از کلیه منابع ملی و انسانی موجود گردد . برای این منظور هم از کارمندان محترم و همکاران در ادارات و هم از داوطلبین و دانشجویان هنر و فداکار علاوه بر تشکر دعوت میکنم که برادر وار و واقعینانه یکدیگر را پذیرفته و تحمل نمایند و با همکاری صمیمی و منظم و منضبط و با تلاش خود ، هرگونه عدم تفاهم و عدم ارتباط سازنده را از میان بردارند . و با ایجاد کمیتههای مشترک ادارات و جهاد سازندگی در هر سطح کشور از مرکز تا شهرستانها سعی کنند ، نقشه اجرایی و استفاده از وسایل و منابع قابل استفاده را مورد ارزشیابی و برنامه ریزی قرار دهند . و بامید خداوند و با وحدت تمامگی لازم و بدون از هرگونه دخالت مغرب ، در جهت رفع نیازهای مملکت گام بردارند . بامید ایجاد و استقرار کامل جمهوری اسلامی و

جامعه سراسر حرکت و برکت و برادری *

مجموعه سخنرانیها و بیانات و مصاحبات رادیو و تلویزیونی اینجانب جمع آوری شده و در دسترس میباشد و در صورت تمایل و درخواست یک نسخه ارسال خواهد شد . با مطالعه این اسناد هر آدم منصفی قضاوت می کند که در آنها کمترین مطلبی که بتواند توجیه کننده بیانات خلاف واقع جنابعالی باشد وجود ندارد . مگر ایستادگی .
عدالت اسلام و دادگاهها .

اما مسئله کفی تر که عوامل بروز و توسعه و تشدید درگیریهای مسلحانه و خرابکاریها بوده ، لازم است تذکر دهیم که دهشت آزادی ضمن آنکه همواره اعمال شد انقلاب و تروریسم و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را منع و محکوم کرده ، دعوی و درخواستی جزایی نداشته است که قانون اساسی و احکام قصاص بدور از تعدی از حدود الهی و از تلاطمگری و تجاوز و تضییع اجرا گردد ، آیه شریفه " ولا یجرمکم شیئان قوم علی الاتعد لیا اعدوا " هو اقرب للتقوی " فراموش نشود و وصیت مولای متقیان درباره ضارب خودش نصب العین باشد که فرموده میباشد : بیهانه و با فریاد قتل امیرالمؤمنین متعرض کسان و همگنان او بشوید و در معادله بندی قصاص جلوتر از آن بروید . در هر حال ورود در این بحث که چگونه انصاف و تقوی باید رعایت شود و تا چه حد خصومت و خشونت مؤثر و قابل قبول میباشد استیضاح تا به امنیت قضائی ، جو سالم اسلامی و وجود آزادی برطبق قانون اساسی دارد .

ضمناً انقلابی عمل کردن یا نکردن در گذشته که بطور درخست عنوان فرموده اید ، تا آنجا که ارتباط با دولت موقت پیدا میکند موضوع سخت پیچیده گره خورده به اختلافات و انزوا و انحرافات شده است که قاعدتاً تصدیق میفرمائید . بجای رسیدگی و ملاحظه قضاوت نسبت به آن ، چیزی جز متن و مطلق فرمان مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ امام بعد از آن اینجانب و قوانین و مصوبات حاکم در آن زمان نمیتواند باشد .

در هر حال بنده بنام اسلام و ایران ، اتهامات بی اساس و سب و دشنامها و تحقیرات

غیراسلامی و اخلاقی که مدتهاست علیه دولت موقت و نهضت آزادی ایران و اینجانب، در مطبوعات و رسانه های گروهی و برخی مدارس، مساجد، مناظر و خطبه ها برخلاف ابتدائی ترین موازین اسلامی و اخلاقی و اصول قانون اساسی راه افراط و تهمین و مظلومین از بدیهی ترین حق دفاع مشروع و جواب قانونی محروم میباشند، را رد کرده به جناب عالی نیز در مورد مطالبی که در ابتدای نامه آمده، وقاضی خود مدعی شده است، گلایه و اعتراض داشته به احکام الحاکمین که رب العالمین و مالک یوم الدین است و کالت میبدسم. والسلام علی من اتبع الهدی *

مهدی بازرگان

۶۹۱۲/۸

این نشریات را می‌توانید از دفتر نهضت آزادی ایران واقع در خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان شماره ۲۳۴ دریافت نمایید :

آبان ۱۳۶۰

* قطعنامه نهضت آزادی ایران - کنگره سردار شهید دکتر چمران

۶۰/۹/۱۵

* کتابت آیت ۰۰۰۱ صدوقی با مهندس بازرگان

۶۰/۱۰/۱۰

* نطق پیش از دستور مهندس ششم عباسیان در مجلس شورای اسلامی

بهمن ۱۳۶۰

* درباره وسوسه های خناس بزرگ - صدای آمریکا چه می‌خواهد ؟

۶۰/۱۱/۱۴

* پاسخ به روزنامه های کیهان و جمهوری اسلامی

۶۰/۱۱/۱۵

* پاسخ به اطلاعات پیرامون مکتوب هفته

۶۰ بهمن ۱۵

* بیانیه بمناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۶۰/۱۱/۲۴

* شورای انقلاب و رد ولت موقت از زبان مهندس بازرگان

۶۰/۱۱/۲۸

* سیاهی دولت موقت در پنج سند

۶۰/۱۲/۲۹

* بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالروز ملی شدن صنعت نفت

۶۱/۲/۶

* جوابیه نهضت آزادی ایران به سرمقاله "آماسزوار است ؟" روزنامه

جمهوری اسلامی

۶۱/۲/۲۳

* بیانیه بمناسبت بیست و یکمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران

۶۱/۳/۸

* نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به علماء اعلام و حجج اسلام ائمه جمعه

۶۱/۳/۶

* نامه مهندس بازرگان به آیه ۰۰۰۱ محمدی گیلانی

۶۱/۳/۱۹

* نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر آموزش و پرورش

۶۱/۷/۲۹

* بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالروز شهادت دکتر شریعتی

۶۱/۲/۳۱

* بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالگرد شهادت دکتر چمران

۶۱/۴/۱

* تلاش دولت موقت برای جلوگیری از جنگ تحمیلی عراق

۶۱/۴/۲۰

* ویژگیهای خوارچ آنهاکه طی (ع) راکشند

۶۱/۵/۱۰

* نامه مهندس بازرگان به حجت الاسلام خامنه ای درباره حزب جمهوری اسلامی

اردیبهشت ۶۱

* بررسی قانون اراضی شهری

تیرماه ۶۱

* تحلیلی درباره بازرگانی خارجی

مرداد ماه ۶۱

* لیلۃ الغر نهضت آزادی ایران

شهریور ۶۱

* نگاهی به اوضاع لبنان

۶۱/۶/۲۵

* نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

۶۱

* پاسخ به حملات وسیع و گسترده علیه نهضت آزادی ایران پیرامون

آبان ۶۱

نامه سرگشاده به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

۶۱/۹/۱

* شانزده آذر بیاد حماسه مقاومت دانشگاه و سه قطره خون باران دانشجو

۶۱/۹/۲۹

* نامه سرگشاده به رئیس دیوان عالی کشور

بسمه تعالی
 دعای و نوازشی البریه القوی

خواننده عزیزان ،

این نشریه به منظور انجام وظیفه شرعی ، اجرای فریضه امر بمعروف و نهی از منکر و ابلاغ بار رسالتی که در شرائط کنونی انقلاب بدوش ، بهکشم تهیه شده و در اختیار شما قرار میگیرد .

در راه مقابله با مشکلات و محدودیت ها و تهدیداتش که در انجام این خدمت خود نمایی میکند ، پس از فضل الهی به کمکهای معدودی و مادی شما میسر میگردیم .

لطفاً نظرات خود را بصندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹ ارسال داشته و کمکهای مالی را بحساب شماره ۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۲۱ بیارزان) بنام آقای مهندس توسلنی وارنر و رسید آنرا ارسال فرمائید .

تبلیغات و روابط عمومی
 نهضت آزادی ایران